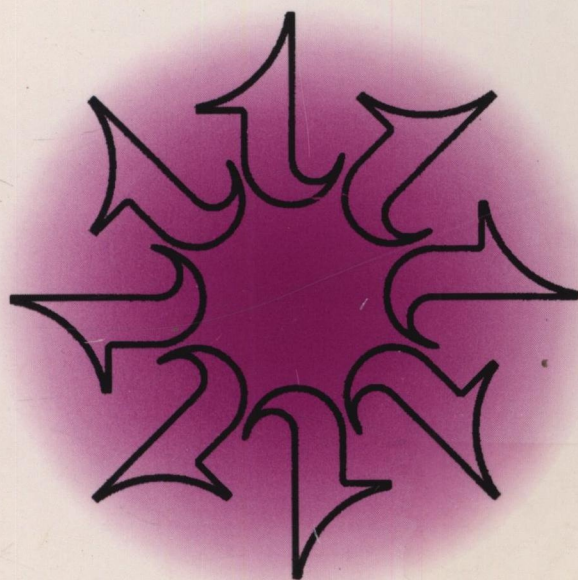


شرح حال

دانشمندان گلپایگان

جلد دوم

به کوشش: رضا استادی





کنگره بزرگداشت علماء گلپایگان

دانشمندان گلیایگان

به کوشش: رضا استادی

۸	۰۵۰
۴۰	۲۸

اسکن شد

دانشمندان گلپایگان

جلد دوم

به کوشش
رضا استادی

۸۸۵۹۷



کنگره بزرگداشت
علمای گلپایگان

یاد آوری

وصیت و پیام سه شهید عزیز (که به حضرت امام خمینی
رضوان الله تعالی علیه عشق می ورزیدند) را در ص ۱۸۱
و ۱۸۵ و ۲۳۳ حتماً بخوانید درود و رحمت خدا
به روانشان باد.

- * نام کتاب : دانشمندان گلپایگان جلد دوم
- * به کوشش : رضا استادی
- * ناشر : کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان
- * تاریخ نشر : بهار ۱۳۸۱
- * قطع : وزیری
- * تیراژ : ۱۵۰۰ نسخه
- * قیمت : ۱۵۰۰ تومان

این کتاب با بودجه وزارت ارشاد اسلامی چاپ شده است

بسم الله الرحمن الرحيم

تجلیل از بزرگان علم و فرهنگ و معرفی آنان به جامعه یکی از سنت های زیبایی است که هم موجب ترویج علم و دانش و تقویت ذخایر فرهنگی و تاریخی می شود و هم نسبت به علما و فرزندان حق شناسی به عمل می آید و هم الگوهای فرازاه علاقمندان قرار می دهد تا راه خود را با روشنایی و بصیرت بیشتر بینمایند و اضافه بر آن موجب تشویق و ترغیب استعداد های نهفته در نهاد افراد مستعد می گردد که راه این ستارگان درخشان را ادامه دهند و خود در آینده از این فرزندان گردند. بدیهی است مطالعه و نشر زندگینامه و سیره علما بستر رشد و شکوفایی دانش و دانشمندان را فراهم می آورد. اینک که در فضای شکوهمند انقلاب اسلامی قرار داریم انقلابی که به فرموده امام خمینی (قدس سره) انفجار نور بود و خود بستر پرورش علم و فضیلت است جا دارد به شکرانه این موهبت عظمی گام های بلندتری را در عرصه آشنایی بیشتر با سیره بزرگان علم و فرهنگ کشورمان در جای جای ایران اسلامی برداریم و این ستارگان فروزان را که در شرایط سخت و دشوار و در پس پرده های ضخیم ظلمات پادشاهان و حکومت های جائز، این راه را با صدق و اخلاص برگزیدند و با سرافرازی ادامه دادند به نسل کنونی و آیندگان معرفی کنیم.

خوشبختانه به برکت این انقلاب شکوهمند و با ترغیب و حمایت همه جانبه امام راحل (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای

(مد ظله) اقدامات بس ارزشمند صورت گرفته است. و بسیاری از چهره های علمی و فرهنگی در زمینه های مختلف به جامعه معرفی شدند.

در سال های اخیر شاهد برگزاری کنگره هایی ارزشمند در جهت معرفی بزرگان علم و ادب بوده ایم از قبیل کنگره بزرگداشت شیخ مفید، محقق اردبیلی، صدر المتألهین، آقا حسین خوانساری، شیخ انصاری و دیگران بوده ایم. در راستای همین حرکت اصیل فرهنگی و معنوی حدود یکسال و نیم پیش از این جناب حجة الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی، تصمیم گرفتند که همایشی به عنوان تکریم و بزرگداشت علمای گلپایگان در قم و گلپایگان برگزار گردد. و در این راستا از حقیر خواستند که با تهیه و چاپ و نشر کتابهایی در معرفی گلپایگان و فرهیختگان آن سامان، خدمتی انجام دهم و به این منظور با افتتاح دفتری به نام «دفتر کنگره بزرگداشت علماء گلپایگان» با موافقت استاد ارجمند آية الله حاج شیخ جعفر سبحانی در مؤسسه امام صادق (ع) در قم که از آثار خیر آن بزرگوار است، کار آغاز شد.

و چون در این زمینه کار مستقل قابل ذکری انجام نشده بود لازم دیدیم که به گونه ای گسترده، در صدد کسب اطلاعات برآییم و از جهات مختلف به اطلاع رسانی و نیز جمع آوری مطالب پردازیم.

این این رو با موافقت امام جمعه محترم گلپایگان حجة الاسلام والمسلمین نکونام و همکاری ایشان گام هایی به این شرح برداشته شد:

- ۱- نشستی با حجة الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی داشتیم.
- ۲- جلسه ای خدمت آية الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی رسیدیم.

- ۳- جلسه ای خدمت آية الله العظمی حاج آقا علی گلپایگانی رسیدیم.
- ۴- جلسه ای با آية الله زادگان گلپایگانی در بیت ایشان داشتیم.
- ۵- محفلی در مدرسه آية الله العظمی گلپایگانی در قم خدمت علماء

وفضلاء گلپایگان تشکیل شد.

۶- جلسه ای در تهران با شرکت علماء وفضلاء گلپایگانی مقیم تهران داشتیم.

۷- نشستی در گلپایگان با حضور علماء وفضلاء آنجا برگزار شد.

۸- از آقایان حجج اسلام سید عباس محمودی، سید محسن محمودی، علی اکبر شاهیری و سعید نخعی دعوت به همکاری شد واین عزیزان با انجام چند مصاحبه با چند تن از علماء گلپایگان، و نیز استخراج شرح حال علماء و دانشمندان گلپایگانی از کتاب های تراجم کارهای سودمندی انجام دادند.

۹- با پیگیری و تلاش حجة الاسلام سید عباس محمودی توانستیم شرح حال دستنویس ویا مصاحبه ای تعداد بسیاری از علماء وفضلای گلپایگانی را دریافت کنیم.

۱۰- دانشمند گرانمایه حضرت آقای محمد وحید گلپایگانی رساله ای ارزشمند، شامل شرح حال دوازده نفر از بزرگان خاندان خود را در اختیار گذارند.

۱۱- رساله ای شامل شرح حال نه نفر از خاندان قاضی زاهدی، و نیز نسخه خطی منحصر «سواطع الانوار» تألیف آقا میرزا مهدی فرزند حجة الاسلام ملازین العابدین گلپایگانی را از این بیت محترم دریافت کردیم.

۱۲- حجة الاسلام سید احمد حجازی گلپایگانی یادداشتهای فراوان و سودمندی را در اختیار گذاشتند و مورد استفاده قرار گرفت. البته مایل بودیم کار ایشان به نام خود ایشان در مجموعه ای چاپ شود، زیرا صحت همه مطالب منقول از ایشان را نمی توانم به عهده بگیرم چون ممکن است حافظه ایشان گاهی خطا کرده باشد.

۱۳- بخشی از یادداشتهای حجة الاسلام شجاعی گلپایگانی در اختیار قرار گرفت و متأسفانه بخش هایی که بیشتر می توانست برای ما سودمند باشد در اختیار نبود و مایل بودیم در صورت پیدا شدن همه یادداشتهای ایشان، به نام خود

ایشان در مجموعه ای چاپ شود زیرا از یادداشت های موجود، معلوم می شود که در این زمینه زحمات فراوانی کشیده بوده اند.

۱۴ - حضرت آقای احمدی نواده حاج ملا احمد گلپایگانی با نوشته شرح حال مفصلی برای جدّ خود، و نیز فراهم کردن یادداشتهای فراوان و سودمند دیگر، کمک شایانی و قابل توجهی انجام دادند.

۱۵ - حضرت آقای مذهبی گلپایگانی کتاب تذکره شعرای گلپایگان که حاصل تلاش چند ساله ایشان است را برای استفاده و نیز چاپ در اختیار قرار دادند.

۱۶ - حضرت آقای میر محمدی خوانساری کتاب سودمند سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان را در طول چند ماه تألیف کردند.

۱۷ - حجة الاسلام مهدی لطفی کتاب نوری از ملکوت در شرح زندگانی آية الله العظمی گلپایگانی را به گونه ای جالب نگاشتند.

۱۸ - حضرت آقای زمانی نژاد با مراجعه و تتبع گسترده به کتاب های فهرست و تراجم، فهرستی از تألیفات چاپ شده علماء گلپایگان و فهرستی از تألیفات مخطوط و چاپ نشده آنان و نیز فهرستی از نسخه های که به خط علماء و خوشنویسان گلپایگانی بوده، تهیه و در اختیار قرار دادند که مورد استفاده قرار گرفت و در تکمیل بسیاری از یادداشت های ما مؤثر بود.

۱۹ - و نیز برخی از علماء و فضلاء گلپایگانی در ضمن نوشته شرح حال خود و یا در یادداشتهای مستقل اطلاعات سودمندی را ارائه دادند. از همه این عزیزان صمیمانه سپاسگزاری و تشکر می شود^(۱).

نتیجه این تلاش ها و کوشش ها و همکاری ها و کمک ها انتشار چند جلد

(۱) شنیده بودیم که مرحوم فاضلی خوانساری در باره خوانسار و خمین و گلپایگان، یادداشتهای فراوانی دارد که می توانست برای ما بسیار سودمند باشد. اما متأسفانه با مراجعه مکرر به آقازاده ایشان توفیق زیارت آن یادداشت ها نصیب نشد.

کتاب به این شرح شد :

- ۱- تذکره شعراء گلپایگان تألیف حضرت آقای مذهبی گلپایگانی .
- ۲- سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان تألیف حضرت آقای میر محمدی خوانساری .
- ۳- نوری از ملکوت شرح زندگانی آیةالله العظمی گلپایگانی تألیف حجة الاسلام مهدی لطفی .
- ۴ و ۵- دانشمندان گلپایگان . همین کتابی در دست شما است در دو جلد .
- جلد اول شامل شرح حال چهل نفر و جلد دوم شامل سیصد و پنج نفر جمعاً ۳۴۵ نفر .
- ۶- سواطع الأنوار تألیف آقا میرزا مهدی گلپایگانی فرزند حجة الاسلام ملا زین العابدین گلپایگانی .

چند یادآوری

- ۱- در صورت تأمین هزینه جلد سوم دانشمندان گلپایگان که شامل برخی رساله ها ، اجازات ، فهرست کتابخانه ها و مطالب ارزنده فراوانی است چاپ خواهد شد .
- ۲- در مواردی که در پایان مطلب ، نام حضرات آقایان : احمدی ، حجازی وزمانی نژاد آمده است ، مقصود این است که آن مطلب از یادداشت های آن عزیزان بوده است .
- ۳- ممکن است در برخی از شرح حال هایی که نوشته خود اشخاص است ، تذکر داده نشده باشد که نوشته خود آنان است اما از قرائن معلوم می شود .
- ۴- شرح حال مفصل و جامع آیةالله العظمی حاج سید جمال الدین گلپایگانی به قلم حضرت آقای گلی زواره ای از مجله پاسدار اسلام نقل شده است .
- ۵- شرح حال مفصل آخوند ملا محمد علی ارانی به قلم حضرت آقای

صدرائی خوئی از مجله پیام حوزه نقل شده است.

۶- این جانب به خاطر سابقه طولانی که در این قبیل تألیفات دارم حدس می‌زنم کتاب دانشمندان گلپایگان از جهات گوناگون مورد اعتراض قرار گیرد مانند اینکه:

الف: چرا برخی از علما و فضلا از قلم افتاده اند^(۱).

ب: چرا قسمت هایی از مطالب تکرار شده است.

ت: چرا بخش هایی از شرح حال ها عربی است و به فارسی ترجمه نشده است.

ث: چرا در باره تعدادی از افراد فقط به ذکر نام و یا دو سه کلمه یا سطر بسنده شده است.

ج: چرا در عناوینی که برای اشخاص انتخاب شده گاهی دقت لازم بعمل نیامده است.

ح: چرا برخی از افراد که از فضلا و علما بشمار نمی آمده اند یاد شده اند.

خ: چرا در برخی از شرح حال های دست نویس افراد تصرف شده است.

د: چرا در معرفی اشخاص و ذکر خصوصیات آنها احیاناً اشتباهاتی پیش آمده است.

ذ: چرا کتاب غلط چاپی دارد.

ر: و خلاصه چرا کتاب دانشمندان گلپایگان به صورت بهتری ارائه نشده است.

تلک عشرة كاملة و ممکن است چراهای دیگری هم باشد.

در پاسخ عرض می‌کنم: شاید بتوان گفت این جانب در تنظیم و چاپ این کتاب که نباید آن را تألیف بنامم چون فقط جمع آوری و تنظیم مطالب و نوشته های

(۱) تعدادی از دانشمندان گلپایگان در دو کتابی که توسط کنگره بزرگداشت علماء گلپایگان

چاپ شده (تذکره شعرای گلپایگان و سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان) یاد شده اند که

در کتاب دانشمندان گلپایگان نیامده است.

دیگران است، بیش از یک تألیف وقت گذارده و متحمل زحمت شده ام، و یا در نظر گرفتن اینکه حقیر گلپایگانی نیستم، و در این زمینه هم کار قابل ذکری قبلاً انجام نشده بود، و کل این کار، و چاپ چند جلد کتاب دیگر در باره گلپایگان در طول حدود یک سال انجام شده، انصاف ایجاب می کند که در باره این نقص ها پوزش را بپذیرند. والعذر عند کرام الناس مقبول.

ضمناً اگر وسیله چاپ جلد سوم کتاب دانشمندان گلپایگان فراهم شود می توانم تذکرات و یادآوری ها و اعتراض ها و یادداشت های تکمیلی خوانندگان را در آن جلد منعکس سازم.

در عین حال پیشنهاد می کنم یکی از فضلاء گلپایگانی که ذوق این قبیل کارها را دارد با استفاده از این چند جلد کتابی که توسط ما چاپ شده، و مراجعه به مصادر دیگر، با حوصله بیشتر کتابی جامع و منظم در باره گلپایگان و علما و شعرا و فرهیختگان آن، در یک یا دو جلد بنگارد و از این راه اثری جامع و متقن و خالد از خود به یادگار گذارد.

در پایان لازم می دانم متذکر شوم که در کتاب «گلپایگان در گذر زمان» که از سوی این کنگره منتشر شده در اثر عدم آگاهی و غفلت این جانب در صفحه ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ از کسانی نام برده شده و تمجید شده اند که مورد تأیید این کنگره نیستند و مسؤولیت آن با مؤلف محترم آن کتاب است.

قم - رضا استادی

بهار ۱۳۸۱

این جلد شامل دو بخش است:

بخش اول:

علمای گذشته و قدمای معاصران

تا صفحه ۲۷۰

بخش دوم:

اساتید و دانشمندان معاصر

از صفحه ۲۷۱ تا پایان کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخش اول

المیرزا آقا گلپایگانی الحائری

كان من حذّاق الاطباء تلمّذ عليه ابناه: الشيخ الميرزا محمد حسين (م ۱۳۵۹) والميرزا صادق الشهيران بحافظ الصحة. هاجر وانتقل من گلپایگان بأهله إلى بروجرد ويقال في سبب هجرته ان ÷ فتناً وقعت وهاجر على أثرها. توفى بعد أداء فريضة الحج في الطريق ودفن بمكان وفاته.^(۱)

شهيد ملا حسينعلی مشهور به آقا بابای واعظ

آقا بابای واعظ که چاووشی هم می کرده است. در راه سامراء به دست دزدها شهيد می شود و در امامزاده سيد محمد^(۲) دفن می گردد. و آقا رضا شهيدی و خاندان او به اين مناسبت به شهيدی مشهور هستند.

(۱) اعلام الشيعة سده ۱۴/۵۳۵.

(۲) يا صحن مطهر عسکرين. به ص ۷۹ رجوع شود.

آخوند ملا علی شهیدی ساکن محلات ومدفون در همانجا از وعاظ واهل منبر بوده است .

وگفته شده تا چند پشت آقا رضای شهیدی از خدمت گزاران در خانه امام حسین علیه السلام بوده اند (حجازی)

آقا سید آقا

پدر آیه الله سید کاظم موسوی گلپایگانی از وعاظ معروف اراک و خمین و گلپایگان بوده است در سال ۱۳۷۰ از دنیا رفت و در گوگدبه خاک سپرده شد .

الشیخ إبراهيم گلپایگانی الجدّی

كان يسكن في محلة الجدة من اصفهان ولذا يعرف بالجدّي .
له رسالة فارسية في أصول الدين انتخبها من كتاب «الحق اليقين»
للعلامة المجلسي (ره) .

وصفه كاتب نسخة من هذه الرسالة بالعلامة الفهامة الشیخ إبراهيم
الگلپایگانی الجدّي الاصفهاني .^(۱)

(۱) اعلام الشيعة سده ۷/۱۳؛ الذريعة ج ۲؛ معجم مؤلفي الشيعة ص ۱۱۶؛ گنجینه دانشمندان ۴۱۹/۶ . نسخه خطی تقریرات بحث صاحب جواهر نوشته ابراهیم گلپایگانی در کتابخانه عمومی آیه الله گلپایگانی قم موجود است .

الحاج ملا أبوطالب العراقي الكزازي

ابن الملا عبدالغفور ابن الملا شرفعلي ابن الملا احمد الجرفادقاني توفى سنة ۱۳۲۹ وقبره في مقبرة يقال لها مقبرة دروازه شهرکرد بسلطان آباد. كتب إلينا السيد شهاب الدين الحسيني [الآية العظمى النجفي المرعشي] ما لفظه:

«كان من فقهاء عصره ورؤساء بلدة سلطان آباد المشهورة في بلاد ايران. تلمذ في النجف على شيخنا المرتضى، ثم بعده حضر بحث الميرزا السيد محمد حسن الشيرازي، ثم رجع إلى وطنه وصار مرجعاً في الشرعيات يروي عن شيخه بطرقهما وعن الحاج ميرزا حبيب الله الرشتي الجيلاني. وعنه جماعة منهم والذي العلامة النسابة السيد شمس الدين محمود الحسيني المتوفى سنة ۱۳۳۸.

وله تالیفات منها شرح كبير على نجاة العباد لصاحب الجواهر في مجلّدات ورأيت المجلّد الاول منه ببلدة قم المشرّفة يظهر منه وفور تتبّعه وتبحّره في الفقه.^(۱)

حاج سيد ابوطالب محمودی گلپایگانی

عالمی فاضل، خطیبی توانا، سخنوری زبردست و مردمی بود. یکی از ارادتمندان ایشان می نویسد:

در گوگرد گلپایگان و در خانواده ای مؤمن و با پدری متقی، در سال

(۱) راجع اعیان الشیعة ۳۶۷/۲؛ اعلام الشیعة سده ۱۴/۴۷؛ معجم المؤلفین ۲۰/۵.

۱۳۰۵ متولد شد و دوران کودکی و تحصیلات اولیه خود را در مدرسه مرحوم آیه‌الله میرزا هدایت‌الله وحید گلپایگانی واقع در گوگد سپری کرد. در سن ۱۳ سالگی برای ادامه تحصیلات به قم رفت و در آنجا از محضر درس استادانی چون حضرت آیه‌الله خمینی، آیه‌الله گلپایگانی و نهایتاً از محضر آیه‌الله بروجردی، بهره‌مند گردید. ایشان از همان بدو تحصیلات خود، از هوش و ذکاوت فراوانی برخوردار بود که همواره ایشان را مورد توجه اساتید خود قرار می‌داد.

آقای محمودی، در سال ۱۳۴۳، از طرف حضرت آیه‌الله گلپایگانی، عازم شهرستان آباده شد و حدود ۶ سال در آنجا به فعالیتهایی در جهت تبلیغ و ترویج اسلام مشغول بود. از جمله فعالیتهای مهم ایشان، مبارزه با فرقه‌های بهائیت و شیخیه بود. چرا که در آن زمان، آباده، یکی از مراکز مهم این دو فرقه بود و آنها در آن شهر فعالیت زیادی داشتند. ایشان نیز برای مبارزه با این فرقه‌ها فعالیتهای زیادی انجام داد.

تا اینکه مبارزات شدت زیادی به خود گرفت و دولت وقت ایشان را از انجام فعالیت و به خصوص در شهر آباده ممنوع کرد. تا جایی که وقتی حضرت آیه‌الله گلپایگانی و آقای فلسفی خواستند که ایشان برای مدتی اقامت کند، ساواک موافقت نکرد.

در اواخر سال ۴۹، باز هم با مأموریتی از طرف آیه‌الله گلپایگانی به تهران و این بار به مسجد زعیم در خیابان منیریه عازم شد. که از آنجا نیز به فعالیت‌های دینی مشغول گشت. یکی از کارهایی که مورد توجه و استقبال اهالی این منطقه قرار گرفت، جلسات تفسیر قرآن بود که هر شب در این مسجد برقرار می‌شد. و بسیاری از افرادی که واقعاً اهل فضل بودند، استفاده

کردند و بهره بردند .

زمانی که مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی شروع شد و شکل گرفت ، مسجد ایشان به یکی از پایگاههای مبارزه تبدیل شد و تا زمان پیروزی انقلاب ، سخنرانیها و جلسات مختلف ادامه داشت .

پس از پیروزی انقلاب ایشان از طرف حضرت آیه الله گلپایگانی مأموریت پیدا کرد که خود را به عنوان کاندیدای نمایندگی مردم گلپایگان در مجلس شورای اسلامی معرفی نماید . در آن زمان وضع فرهنگی گلپایگان به شدت آشفته و نابسامان بود و حتی آیه الله به ایشان فرمودند که بر شما واجب شرعی می باشد که خودتان را کاندیدا نمایید .

وضع فرهنگی گلپایگان قدری آشفته بود و این موضوع سبب شد تا ایشان از طرف حضرت امام خمینی (قدس سره) مسئولیت امامت جمعه شهر گلپایگان را به عهده گیرند و مدت ۴ سال تمام ، هر هفته به این شهر رفت و آمد کند .

بعد از سه دوره متوالی حضور ایشان در مجلس ، ایشان در سال ۷۱ از طرف آیه الله خامنه ای ، به امامت جمعه اراک و نمایندگی ولی فقیه در آن شهر منصوب گشتند و در آنجا هم فعالیت مذهبی و سیاسی ایشان در جهت گسترش هر چه بیشتر اسلام ناب محمدی و مبارزه با نابسامانی ادامه داشت . سرانجام در شهریور سال ۷۲ ، در حالی که برای تبریک ولادت حضرت رسول ﷺ و امام جعفر صادق (ع) خدمت حضرت آیه الله خامنه ای ، عازم تهران بود ، دچار سانحه گشته و به رحمت ایزدی پیوست . روحش شاد و یادش گرامی باد .

این شرح حال هم در مجله آئینه پژوهش آمده است :

خطیب شهیر و دانشمند مجاهد مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای

حاج سید ابوطالب محمودی گلپایگانی - نماینده ولی فقیه در استان مرکزی و امام جمعه اراک - در سال ۱۳۰۴ ش (حدود ۱۳۴۵ ق) در «گوگرد» گلپایگان، در خانواده‌ای با تقوا و دانشدوست دیده به جهان گشود و در هفدهم ربیع الاول سال ۷۲ در ۶۸ سالگی رخت از جهان بست. فقید سعید پس از پشت سر نهادن تحصیلات ابتدایی، به عشق فراگیری علوم دینی نزد مرحوم حجة الاسلام آقای شیخ محمد هادی شریف زاده (همشیره زاده آية الله العظمی گلپایگانی) شتافته و مقدمات و سطوح را نزد وی بیاموخت. پس از آن به حوزه علمیه قم آمد و نزد حضرت امام خمینی - قدس سره - رسائل و مکاسب و نزد مرحوم آية الله شیخ عبدالحسین فقیهی گیلانی کفایه را فرا گرفت، سپس به درس خارج مرحوم آية الله العظمی بروجردی و آية الله العظمی گلپایگانی حاضر شد و مبانی فقه و اصول خویش را استوار ساخت.

آن مرحوم با پیروزی انقلاب اسلامی، طی سه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۰ به نمایندگی مردم گلپایگان و خوانسار برگزیده شد و به خوبی از عهده برآمد و در خلال آن به طور موقت و دائم امامت جمعه گلپایگان را نیز بر عهده داشت. اوایل سال ۱۳۷۱ بود که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به سمت امامت جمعه اراک منصوب گردید و به هدایت دینی و انقلابی مردم آن دیار پرداخت و تا پایان زندگانی بر این سمت بود.

ناصرالدین انصاری

حاج شیخ ابوالفضل اسعدی

پس از وفات او از طرف آیة‌الله مرعشی نجفی به عنوان اینکه یکی از روحانیان قدیمی حوزه علمیه قم بوده مجلس فاتحه ای برگزار شده است.

حاج میرزا ابوالفضل فروتن

آقای احمدی می نویسد: از دوستان دوران کودکی آیة‌الله العظمی گلپایگانی بوده است. در گوگرد مدفون است (حجازی)

ملا ابوالقاسم گلپایگانی بروجردی

ملا ابوالقاسم فرزند علی اصغر گلپایگانی بروجردی از اکابر علما وزهاد قرن چهاردهم هجری است.

وی معارف اسلامی را از اساتید عصرش فرا گرفته و در زمان خود از مشاهیر علما و مدرّسین بشمار می رفت و جمعی از محضرش استفاده کرده اند تألیفات علمیّه او بسیار است از جمله:

۱ - ترجمه ینابیع الموده تألیف شیخ سلیمان نقش بندی^(۱) در ۱۳۲۰

(۱) شیخ سلیمان بن ابراهیم خواجه کلان حسینی بلخی حنفی نقشبندی در سال ۱۲۲۰ قمری در بلخ متولد از سادات حسینی و مشایخ صوفیه و فضلا و محدثین بوده.

در قندوز مسجد و مدرسه و خانقاه تأسیس کرد و در سال ۱۲۶۹ با سیصد نفر از مریدان خود به قصد مکه از راه ایران و عراق به استانبول رفت و از طرف سلطان عبدالعزیز عثمانی ←

قمری ترجمه شده.

۲- کشکول در ۱۳۲۰ قمری تألیف شده.

۳- رشحات الفاطمیّه به فارسی در مصائب و فضائل فاطمه (ع) در ۱۳۲۴ قمری تألیف شده.

۴- شرح منظومه سید محسن کاظمی^(۱) در دو جلد در فقه در تاریخ ۱۳۳۸ قمری از تألیف آن فارغ شده.

سید ابراهیم بن سید رضی موسوی بروجردی مؤلف «چهل حدیث» و «کشکول» که در تاریخ بروجرد ۵۳۸/۲ یاد شده، شاگرد وی بوده است.^(۲)

← مأمور تنظیم تکیه شیخ مراد بخارایی شد و در آنجا به ارشاد و تدریس مشغول و در ۶ شعبان ۱۲۹۴ در استانبول درگذشت و در خانقاه مرادیه دفن شد.

از آثار او ینابیع الموده است که تا کنون چند بار در استانبول و ایران و بمبئی چاپ شده.

(۱) سید محسن بن حسن اعرجی کاظمی در حدود سال ۱۱۴۷ هجری قمری متولد شده، عالمی محقق و فقیهی مدقق است و در زهد و تقوا نیز گوی سبقت را از همگنان ربود و در سال ۱۲۲۷ قمری در سن ۸۰ سالگی درگذشت و در تاریخ فوتش گفته شده: (بموتک محسن مات الصلاح).

وی تا سال چهل از زندگی به تجارت اشتغال داشت و سپس به نجف اشرف مشرف و به تحصیل معارف اسلامی مشغول و تا سال ۱۱۸۶ قمری که طاعون پدید شد و اهل نجف غالباً متفرق شدند او نیز خارج شد و پس از سال طاعون به نجف برگشت و از آن پس تألیفات خود را شروع کرد و آثار ارزنده ای از خود به یادگار گذاشت.

از جمله: ۱- و سائل در فقه چاپ شده ۲- محصول در اصول ۳- وافى در شرح وافیه تونى

۴- ... الاجتهاد ۵- شرح مقدّمات حدائق ۶- منظومه در فقه.

(۲) دانشمندان بروجرد ج ۲ ص ۵۳۹.

ملا ابوالقاسم قطب

ایشان دائی آیتین حاج آقا علی وحاج آقا لطف الله صافی است وهر دو در گلپایگان نزد ایشان درس خوانده اند.

المولی ابوالقاسم الجرفادقانی

فی اعیان الشیعه: المولی ابوالقاسم ابن الآقا محمد رفیع (ربیع) الجرفادقانی توفی بجرفادقان من بلاد عراق العجم حدود ۱۰۹۲ عالم فاضل کامل محدث فقیه رجالی.

وفی ریاض العلماء: العالم الفاضل العابد الورع المعاصر کان من تلامذة المجلسی الاول محمدتقی والسید سراج الدین الامیر قاسم بن محمد الحسینی الطباطبائی القهپانی ویروی عنهما بالاجازة کلاهما عن الشیخ البهائی عن أبیه یروی عنه اجازة المولی مهر علی.

وفی الریاض أيضاً: له رسالة فی اصول الدین فارسیة ... وله حاشیة علی الشرح الجدید للقوشجی علی التجرید.
صورت اجازة ایشان به ملا مهر علی در بحار الأنوار ج ۱۰۷ ص ۹۸ موجود است.

حاشیه بر شرح تجرید قوشجی دارد ونیز المناهج العلیة فی اصول الدین دارد که شامل مناظرات او با برخی از علمای اهل تسنن مانند عبدالحکیم سیالکوتی وعبدالرحیم جانبوری می باشد.

وی در اصفهان درس خواند و در زمان شاه جهان (همان که با شاه عباس صفوی جنگید) به هند رفت و با علمای اهل تسنن مناظره کرد. کتاب المناهج را به شیخ علیخان وزیر شاه سلیمان بن شاه عباس (که در سال ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۵ سلطنت کرده) اهداء نموده است. وی از ملا محمدتقی مجلسی و سراج الدین قاسم بن میر محمد قهپایی روایت می کند. ^(۱)

ابوالقاسم بن آقا محمد جرفادقانی

مؤلف:

- ۱ - حواشی بر دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام چاپ ۱۲۷۱
 - ۲ - ترجمه منظومه نثر اللثالی چاپ ۱۲۷۱
- شاید این دو اثر از تألیفات ابوالقاسم بن محمد ربیع باشد که شرح حال وی گذشت.

ابوالقاسم بن محمد تقی

یادداشتی مورخ سال ۱۲۸۲ از او در دست است به ج ۱ ص ۴۹ رجوع شود.

(۱) و در این کتابها: گنجینه ۴۹۸/۷؛ معجم مؤلفی الشیعه ص ۱۱۷؛ ذریعه ۱۳۹/۱؛ بحار ج ۱۰۷ ص ۹۸؛ اعلام الشیعه قرن ۱۱ ص ۴۴۷؛ اعیان الشیعه ۴۱۳/۲؛ ریاض العلماء وروضات الجنّات یاد شده است.

ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی^(۱)

وی از علمای سده یازده و در ۱۰۹۳ زنده بوده است.

تألیفات او:

۱- اصول دین. نسخه ای از آن در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود

است.

۲- رساله در حج. نسخه ای از آن در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود

است.

۳- سلیمانیه (رساله عملیه است) به نام شاگرد خود آقا سلیمان نگاشته

و نسخه ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۴- مسالک الدین و منهاج المجتهدین، نسخه آن در کتابخانه آستان

قدس رضوی و غیره موجود است.

ابوالقاسم بن علی اصغر گلپایگانی (سده ۱۴)

کتابی به نام المقاتل دارد که نسخه اصل آن در کتابخانه آیه الله مرعشی

موجود است.^(۲)

(۱) شاید با ص ۱۹ یکی باشد.

(۲) شاید با ص ۱۷ یکی باشد.

ملا ابوالقاسم بن عباس صافی گلپایگانی

مؤلف رساله های :

- ۱- وقت المشترك والمختص .
 - ۲- حاشیه رسائل شیخ انصاری .
 - ۳- الشبهة الوجوبية .
 - ۴- رسالة في العدالة .
 - ۵- رسالة في لباس المصلى (الستر والساتر) .
 - ۶- دليل الانسداد .
 - ۷- رسالة في حكم زواج الامة بعد ثمّ تمليكه اياها .
 - ۸- بيع الوقف .
- این رساله ها به خط مؤلف که برخی از آنها تحریر ۱۳۱۹ می باشد در کتابخانه برادر زاده اش آیه الله حاج شیخ لطف الله صافی موجود است .

ابوالقاسم موسوی گلپایگانی

از وی رساله اختریه تحریر مؤلف (سده ۱۴) در کتابخانه آیه الله مرعشی قم موجود است .

ابوالقاسم جرفادقانی^(۱)

از وی رساله سلیمانیه تحریر ۱۲۱۱ در کتابخانه آیه الله گلپایگانی قم موجود است.

میرزا ابوالقاسم قاضی زاهدی^(۲)

المولی أحمد گلپایگانی

جدّ الحاج المولی أبو طالب العراقي الكزازی المتوفی ۱۳۲۹. ^(۳)

آقا شیخ احمد عباسی

حجّة الاسلام آقا شیخ احمد عباسی فرزند مرحوم ثقة الاسلام آخوند ملا عباس گوگدی گلپایگانی.

تولد آقا شیخ احمد در سال ۱۲۸۲ قمری بوده، تحصیلات خود را نزد علمای گلپایگان انجام داده و قسمتی را در اراک از درس آیه الله حائری یزدی استفاده نموده و تبلیغات خویش را در ملایر و حومه آن به انجام رسانیده است و سطح علمی ایشان را از کتب فقه و اصول که داشت و دوره جواهر و وسائل را

(۱) شاید با ص ۲۱ یکی باشد.

(۲) به ج ۱ شماره ۳۸ رجوع شود.

(۳) اعیان الشیعة ۲/ ۳۶۷.

تقدیم آیه‌الله گلپایگانی نمودند و کتب خطی ایشان را به آیه‌الله مرعشی تحویل دادند می‌توان به دست آورد. در سال ۱۳۵۹ ندای حق را لبیک گفت و در گوگرد در جوار مرقد منور والد آیه‌الله گلپایگانی به خاک سپرده شد مقبره والد آیه‌الله گلپایگانی مزار مؤمنین می‌باشد. حشره‌الله مع امیرالمؤمنین والعلماء الصالحین غفر الله لنا ولكم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

توضیح اینکه از آقای آخوند ملا عباس والد مرحوم آقا شیخ احمد شرح حالی در دست نیست، فقط نام و محل تبلیغ ایشان را که گوگرد گلپایگان است می‌دانیم.

محمد منتظری گلپایگانی، نوه دختری ایشان

۱۲ ذی الحجة ۱۴۲۱

حاج سید احمد گلپایگانی

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد بن العلامة الورع آیه‌الله العظمی آقای آقا جمال گلپایگانی نجفی از علمای ابرار معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۳۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا و تکمیل سطوح و متون فقهی و اصولی، از محضر آیات عظام نجف آیه‌الله العظمی اصفهانی و بالأخص مرحوم والد ماجدش (که از اوتاد و نوادر زمان خود و مجسمه اخلاق و معنویت و صفای باطن بودند) استفاده وافیه و کافی کرده تا به مرتبه اجتهاد رسیده و در سال ۱۳۷۱ قمری مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و در آن سامان به وظایف دینی و روحی از اقامه جماعت و تدریس و مباحثات کمپانی با اقران خود اشتغال دارد.

معظم له مانند مرحوم والدش دارای صفای روحی و معنویت و دانشمندی با ورع و موصوف به ورع و قداست نفس می باشد.^(۱)

میرزا احمد خالصی

میرزا احمد خالصی از وعّاظ معروف گلپایگانی بوده است. کتابی در تاریخ در حدود ۴۵۰ صفحه از او دیده ام (حجازی).
بر چند جلد از کتابهای خطی کتابخانه مسجد جامع گلپایگان نام او دیده می شود.

حاج شیخ احمد کریمی

از شاگردان آیه الله آقا رضا قاضی زاهدی بوده است.
آقای افتخاری می نویسد: او عالمی فاضل و خطیب و خدمتگزار اهل بیت علیهم السلام بود مخلصانه در شهر و روستا و رباطات گلپایگان سواره و پیاده مشغول ترویج دین و بیان احکام بود و ظاهراً در سال ۱۴۲۰ ق وفات یافت و تشییع کم نظیری از او به عمل آمد.

اسد الله بن محمود گلپایگانی

در شمس التواریخ چاپ اول در شرح حال خود می نویسد:
نگارنده در سنه ۱۳۰۳ متولد شده نیاکان فقیر بعضی اهل علم و فضل بودند، از سنّ شش سالگی به تحصیل علوم مشغول تا هیجده سالگی در گلپایگان که مسقط الرأس فقیر است مشغول به تحصیل ادبیّات و فقه و اصول بوده و سپس سفری به اصفهان آمده بعد از مدّتی قلیل مراجعت به وطن مألوف

(۱) گنجینه ۵۴۳/۱. در سال ۱۴۱۴ از دنیا رفت و در قم در یکی از مقبره های صحن اتابک مدفون شد (حجازی).

واز آنجا به نجف اشرف شتافته به تحصیل علوم وفنون پرداخته از نحو و صرف و معانی و بیان و منطق و حکمت و فقه و اصول و بعضی فنون دیگر حظّی یافته بعد از سه سال توقّف در آن مکان باز به وطن عود نموده، بعد از مدّتی توقّف به اصفهان آمده یک سال به تحصیل علوم اشتغال داشته واز آنجا به طهران و خراسان شتافته و دو سال هم در حدود خراسان توقّف داشته باز عود به طهران و هشت ماه دیگر در طهران توقّف نموده واز آنجا به وطن مألوف رفته و باز عود به اصفهان نموده و در این خاک پاک متأهّل گشته و حالیه که سنه ۱۳۳۱ می گذرد مقیم این شهر هستم و کتبی چند تصنیف و تألیف کرده ام:

۱- مظاهر الأنوار فارسی، دوره اصول عقاید به براهین عقلیه اثبات شده در سنه ۱۳۲۳ نوشته شده.

۲- گلزار اسرار، مختصری از معارف، فارسی.

۳- حیاة الانسان فی تسبیح الأعیان، فارسی.

۴- سعادات النجفیه فی شرح العدیلة، عربی.

۵- بساط العشق والمحبّة، فارسی.

۶- دیوان النبویّة فی الأسرار السلوکیّة، عربی.

۷- رشحات الأسرار، در شرح بعضی احادیث مشکله، عربی.

این جمله را در سنه ۱۳۲۴ نوشته ام.

۸- مصابیح العقول، فارسی در مطالب حکمیّه و اخلاق و بعضی

مطالب اصول فقه.

۹- جنة النفوس در احکام صوم و اسرار صوم، عربی.

۱۰- طرائف الحکم در حکمت الهی و طبیعی، عربی در سنه ۱۳۲۶

نوشته ام.

۱۱ - قسبات الأسرار، در مراتب سلوك و عرفان.

۱۲ - منظومه لوامع الأنوار و شرح آن در عرفان، عربی.

۱۳ - تحفة السفر که تقریباً سفرنامه ای است، در سنه ۱۳۲۹

پرداخته ام.

۱۴ - منهج قویم فی حکم التنجیم.

۱۵ - مجمع الفیوضاف، شرح صلوات محیی الدین بن عربی است،

به زبان عربی.

۱۶ - واین کتاب شمس التواریخ شانزدهمین از نگارش های حقیر است

که در سال ۱۳۳۱ نگاشته شده.

و در چاپ دوم آن گفته است:

در سال ۱۳۰۳ متولد شده ام. نام پدرم آقا محمود و پدر او مرحوم آقا

اسد الله که مردی شاعر و درویش مسلک و با ثروت بوده و پدر او مرحوم آقا

عبدالله.

پدرم در پنجاه سالگی در سال ۱۳۳۲ به رحمت ایزدی پیوسته. از شش

سالگی تا هیجده سالگی متوالیاً در گلپایگان به تحصیل علوم ادبیه و فقه

و اصول و کلام مشغول بوده و اساتید آن زمان یکی مرحوم ملا محمد علی بن

ملا محمد صادق که مردی فاضل و ادیب بود و خط را هم نیکو می نوشت

نوشته جات شرعیه اغلب به خط این شخص ملاحظه می شد قریب دو سال

راقم در خدمتش کتب نحو و صرف و منطق می خواند.

و دیگر آقای ملا محمد جواد ابن ملا عباس که اکنون از علمای بزرگ

آنجا می باشد و در خصوص اصول از فحول است نزد ایشان تحصیل کلام

واصول وفقه می نمودم آن جناب صاحب تألیفات بسیار است که به چاپ رسیده شرح باب حادی عشر در کلام و تمام معالم الاصول و مقداری از قوانین الاصول در خدمتش خوانده ام.

و دیگر مرحوم حاجی ملا علی بن حاجی غفار فقیهی بی عدیل و عالمی جلیل بود نسبش به شیخ بهاء الدین عاملی می رسید گویا در حدود سال ۱۳۲۷ وفات نموده فقیر مدتها در خدمتش سیوطی و مغنی و مطول و شرایع الاسلام و خلاصة الحساب می خواندم و دیگری مرحوم حاجی میرزا محمد باقر بن مرحوم ملا محمد علی آقا سعید عالمی حکیم و دانشمندی فهیم بود چندی در خدمتش شرح منظومه منطق سبزواری و شرح تجرید قوشجی می خواندم شخص با ذوق و مجتهد با شوقی بود و دیگری مرحوم آقا میرزا محمد کاظم برادر آقا میرزا محمد صادق (امام جمعه گلپایگان) بود سید المجتهدین و قدوة المدققین بود حقیر را در درس فاضل خطاب می نمود در دوم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹ به رحمت ایزدی پیوسته.

در حدود هیجده سالگی در سال ۱۳۲۰ هجری سفری برای تحصیل علوم به اصفهان آمده مدت شش ماه توقف نمودم و در آن مدت درس قوانین الاصول در خدمت آقای آقا حسین بروجردي که اکنون از حجج اسلامیه و معروف به حاج آقا حسین می باشند می خواندم و شرح لمعه نزد مرحوم آقای سید علی نجف آبادی و شرح منظومه سبزواری نزد مرحوم آقای میرزا محمد علی تویسرکانی می خواندم پس به گلپایگان معاودت نموده و از آنجا به عراق عرب شتافته چند ماه در کاظمین توقف داشته و خدمت مرحوم آقای سید ابراهیم خراسانی که فقیهی نبیل و عالمی جلیل و از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی بود و امامت جماعت او در کاظمین بسیار بارونق بود و حوزه

درس داشت استفاده می نمودم و از خدمت مرحوم میرزا ابراهیم سلماسی متوفی ۱۳۴۲ هم استفاده می کردم و در خدمت مرحوم آقا سید موسی طبیب همدانی ساکن کاظمین درس قانونچه و شرح نفیسی در طب می خواندم آن مرحوم از احفاد میرسید علی همدانی عارف معروف بود و در حدود سال ۱۳۲۷ وفات نموده و پس از چند ماهی توقف به نجف اشرف شتافته، مدت سه سال در آن مکان عرش نشان به تحصیل خارج اصول و فقه پرداخته و از حوزه درس مرحوم آیة الله محمد کاظم خراسانی و آیة الله سید کاظم یزدی استفاده ها کرده و مخصوصاً از حوزه درس مرحوم شهید رابع علامه زمان شیخ محمد باقر اصطهباناتی شیرازی مدتها تحصیل حکمت و معقول و فقه و اصول نموده و از آن جمله تمام کتاب شواهد الربوبیه ملا صدرا را در خدمتش خواندم و در آنجا به حوزه درس بعضی علمای دیگر هم گاهی می رفتم که ذکرش موجب تطویل کلام است.

پس از آن به گلپایگان معاودت نموده چند ماهی توقف نموده و در آن مدت برای طلاب علم آنجا تدریس می نمودم سپس باز به اصفهان آمده و در آنجا برای جمعی از طلاب حکمت و فقه و اصول و علوم عربیه تدریس می نمودم و ضمناً مدتی در حوزه درس مرحوم جهانگیر خان قشقائی ساکن اصفهان، شفا و اسفار و شرح فصوص الحکم استفاده می نمودم و در حوزه درس فقه مرحوم آیة الله شیخ محمد تقی نجفی هم می رفتم پس از آن به خراسان و زیارت مشهد رضوی مشرف گشته و مدت دو سال در بیدخت گناباد درس تفسیر و اصول کافی از حوزه درس ملا سلطان محمد جنابدی استماع و استفاده می نمودم پس به طهران عود نموده و هشت ماه در طهران متوقف بوده و از آنجا به گلپایگان رفته باز عود به اصفهان نمودم و در این خاک

- پاك در سال ۱۳۳۰ متأهل و مقیم گشته و کتبی چند تصنیف و تألیف کرده ام :
- ۱ - مظاهر الأنوار . اصول عقاید به براهین عقلیه اثبات شده و در سال ۱۳۲۳ نوشته شده و فارسی است .
 - ۲ - گلزار اسرار مختصری از معارف فارسی است .
 - ۳ - حياة الانسان فی تسبیح الأعیان فارسی است .
 - ۴ - سعادات النجفیه فی شرح العدیله عربی است .
 - ۵ - بساط العشق والمحبّة فارسی است .
 - ۶ - دیوان النبویه فی اسرار السلوكیه عربی است .
 - ۷ - رشحات الأسرار در شرح بعضی احادیث مشکله عربی است :
 - این جمله را در سال ۱۳۲۴ نوشته ام .
 - ۸ - مصابیح العقول فارسی در مطالب حکمیه و اخلاق و بعضی مطالب اصول فقه فارسی است .
 - ۹ - جنة النفوس فی احکام الصوم . و اسرار الصوم عربی است مشتمل بر یک مقدمه و سه مقصد و خاتمه است :
 - المقدمة فی معنی الصوم و ظاهره و باطنه و فضله . المقصد الأول فی أوقاته . المقصد الثانی فی اقسامه . المقصد الثالث فی احکامه . أمّا الخاتمة فی بعض الأدعية المأثورة و فیها معنی ليلة القدر و الذی یتعلّق بالسحور و توضیحها و تحقیق معنی مطلق النیّة و الأحکام المتعلقة بها .
 - ۱۰ - طرایف الحکم در حکمت الهی و طبعی عربی است .
 - در سال ۱۳۲۶ نوشته ام .
 - ۱۱ - قبسات الأسرار در مراتب سلوك و عرفان فارسی است و در آن چهل سرّ است و در هر سرّی قبساتی است .

- ۱۲ - منظومه لوامع الأنوار وشرح آن به عربی در عرفان .
- ۱۳ - مجمع الفيوضات شرح صلوات محیی الدین ابن عربی به عربی .
- ۱۴ - منهج قویم فی حکم التنجیم .
- ۱۵ - تحفة السفر که تقریباً سفرنامه ای است در سال ۱۳۲۹
پرداخته ام .
- ۱۶ - (شمس التواریخ) شانزدهمین نگارشات حقیر است .
پس از آن هم کتبی چند تصنیف و تألیف نموده که بعضی به چاپ رسیده
مانند :
- ۱۷ - اسرار العشق تفسیر سورة یوسف به نظم با مقدمه ای ثراً و تفسیر
آیات مصاحبه خضر و موسی و بعضی غزلیات .
- ۱۸ - جذبات الهیه : منتخبات کلیات شمس الدین تبریزی با مقدمه
و خاتمه و حواشی مفیده .
- ۱۹ - هدایة الامم در اثبات نبوت حضرت محمد ﷺ و وجوه اعجاز
قرآن و حال تورات و انجیل فعلی و اشارات و بشارات آن در کتب به نبوت
آن حضرت .
- ۲۰ - معرفة الروح .
- ۲۱ - حیات جاوید منتخب معراج السعادة نراقی در اخلاق .
- ۲۲ - نامه سخنوران شرح حال و آثار شعرای بعد از مشروطیت ایران .
- ۲۳ - نور الأبصار : شرح حال نورعلی شاه اصفهانی و آثار نظم و نثر او
و جمعی ارادتمندان او به چاپ رسیده است .
- و بعضی هم به چاپ نرسیده مانند :
- ۲۴ - بدایع الآثار : سوانح عمری فقیر با بعضی مطالب تاریخی و ادبی

و غیره .

۲۵- حواشی بر کفایة الاصول تا اواخر مبحث فور و تراخی عربی است .

۲۶- گلهای همه رنگ که کشکول مانند است و دارای مطالب متنوعه در سال ۱۳۶۲ تألیف شده .

۲۷- روح العرفان منظوم به نظم فارسی در سال ۱۳۳۱ و در ۱۳۶۵ تجدید نظر در آن شده .^(۱)

و از سال ۱۳۴۴ به بعد نام خانوادگی ایزدگشسب یعنی ایزدپرست اختیار کرده و پشت غالب کتب مطبوعه ام به این عنوان هم نوشته شده .

علامه تهرانی می نویسد :

اسدالله بن محمود الجرفادقانی نزیل اصفهان عالم عارف و مصنف بارع . ولد في (۱۳۰۳) وتوفى باصفهان ليلة الجمعة (۵ - ج ۱ - ۱۳۶۶) ودفن بتخت فولاد، له تصانیف ذكرها في كتابه (شمس التواريخ) الذي ألفه وطبعه (۱۳۳۱) وترجم في خاتمه نفسه منها «مظاهر الانوار» و«السعادات النجفية» و«گلزار اسرار» و«حياة الانسان» و«لوامع الانوار» و«تحفة السفر» وغيرها أيضاً كان من المروّجين لطريقة المولى سلطان محمد الجنابادي

(۱) ۲۸- رساله در ذکر خفی و جلی .

۲۹- فلسفه شرعیات .

۳۰- تعریب کتاب الخط و الخطاطین .

۳۱- جوابیه .

۳۲- مجله عنقا (سال ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶)

۳۳- مقالات و اشعار متفرقه .

ولقب نفسه أخيراً بايزدكش. كتب لي ترجمته الشيخ محمدعلي الحبيب آبادي الاصفهاني المعروف بالمعلم.^(۱)
آقای احمدی می نویسد:

یادآوری یک نکته در مورد ایزدگشسب گلپایگانی:

مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی در گنجینه دانشمندان، ج ۶ ص ۴۱۹ در فهرست اجمالی علما و دانشمندان گذشته گلپایگان، در ردیف شماره ۳، از مرحوم «شیخ» اسدالله ایزدگشسب گلپایگانی با تعبیر «حجة الاسلام» یاد نموده است. صرفنظر از اعتقادات مرحوم ایزدگشسب در واپسین سالهای حیات وی [که مرضی علمای بزرگ شیعه نبود] اصولاً عنوان و تعبیر یاد شده در خصوص ایشان، لااقل به حسب عرف جامعه و بویژه حوزه های علمیّه، درست نیست. در میان رجال گذشته بسیار بوده اند کسانی که از خرمن پر فیض علم

(۱) اعلام الشیعه قرن ۱۴ ج ۱ ص ۱۴۱.

ونگاه کنید به معجم مؤلفی الشیعه ۱۱۷ و ۳۶۴ و مصنفی المقال تهران ص ۷۷

و گنجینه ۴۱۹/۶

ومکارم الآثار

ورجال اصفهان کتابی ۴۲۳/۳۹۸/۹۹

ومقدمه چاپ دوم شمس التواریخ و نیز ص ۱۱۶ تا ۱۳۲ آن.

وتذکره شعرای گلپایگان.

وذریعه ۳۸/۴ و ۲۴/۲۳ و ۱۷۰/۲۵ و ۱۷/۷ و ۱۸/۲۱۵.

ومقدمه اسرار العشق.

وفهرست مجلات موجود در کتابخانه آستان قدس.

وفهرست کتب چاپی مشار وفهرست مؤلفین مشار.

وفهرست منزوی وتاریخ تذکره ها وشعرای معاصر اصفهان.

واندیشه علمای بزرگ شیعه در دوران شباب بهره‌هایی چند گرفته‌اند لکن به دلیل قطع این روند در بُره‌های بعدی عمرشان وعدم ورود آنان در کسوت روحانی، با این تعبیر نه در حیات آنان و نه در مماتشان از آنها یاد نشده است. نمونه بارز آن که اتفاقاً چندین وجه تشابه با مرحوم ایزدگشسب داشته، روان شاد استاد جلال الدین همایی (متولد ۱۲۷۸ و متوفای ۱۳۵۹ ش) است. استاد همایی که در میان اساتید دانشگاه تهران از مفاخر محسوب می‌شود در دوران نوجوانی و جوانی خود، علوم معقول و منقول و ادبیات عرب را نزد افاضل عصر آموخت و حتی تا درجه اجتهاد پیش رفت به طوری که علاوه بر دریافت اجازه نقل روایت، مفتخر به اخذ اجازه اجتهاد از بزرگانی چون مرحوم شیخ محمد حسین فشارکی و مرحوم آقا میر سید محمد نجف آبادی و مرحوم حاج میرزا عبدالحسین سید العراقین خاتون آبادی گردید او با اینکه استادی نیرومند و شاعر وادبی نامور و دانشمندی فرزانه بود^(۱) با این وجود چون تدریس و تدرّس در حوزه‌های علمیه را تا آخر طی نکرد و در کسوت روحانیت نیز داخل نشد هیچگاه از او تعبیر به «حجة الاسلام» یا «آیه الله» نمی‌نمودند و خروج از عرف، فی نفسه امری مطلوب نیست.

به نظر می‌رسد ذکر این توضیح در ذیل شرح حال مرحوم ایزدگشسب ضروری است چرا که بعدها ممکن است با استناد به نوشته صاحب گنجینه دانشمندان، این اشتباه تکرار و بیان «ماوقع» نشده باشد. تصویر مرحوم

(۱) برای آشنایی بیشتر با ابعاد شخصیتی مرحوم استاد جلال الدین همایی و مدارج علمی و حوزوی و مشایخ اجازه ایشان رجوع شود به: «چراغ تجربه» (زندگینامه جمعی از مشاهیر به قلم خودشان). به اهتمام جعفر پژوم (تهران: نشر ...، ۱۳۷۶)، قسمت زندگینامه خود نوشت استاد جلال الدین همایی (صص ۶۴۰ - ۶۷۶).

ایزدگشسب در صفحه اول کتاب «شمس التواریخ» او ونیز در کتاب «سخنوران نامی معاصر ایران» نوشته سید محمد باقر برقی، ج ۳ ص ۲۰۰۵، گواه این نکته خواهد بود.

محسن (عطا) احمدی

۸۰/۲/۱۵

حاج سید اسد الله ساجدی

در مصلاى گوگد مدفون است . (حجازی)

اسد الله بن علی محمد گلپایگانی

در سال ۱۲۵۲ - ۱۲۵۵ کتاب العقيدة الوحيدة تألیف ملا محمد اسماعیل را استنساخ کرده است . (حجازی)

آقا شیخ اسد الله

حجة الاسلام والمسلمین آقا شیخ اسد الله شورچه ای گلپایگانی در حوزه علمیه قم بوده و در سال ۱۳۲۶ ش از دنیا رفته است . (حجازی)

اسد الله بن ابوطالب اسفرنجانى

زبدة الاصول شیخ بهائی تحریر ۱۲۱۰ به خط او در کتابخانه آستان قدس هست .

آخوند ملا اسد الله مردانشاهی

آخوند ملا اسد الله مردانشاهی اهل رباط ابلولان گلپایگان عالمی بزرگ و دانشمندی سترگ و مورد توجه و احترام خاص و عام بوده تحصیلاتش در اصفهان و فاتش شش ماه بعد از رحلت آخوند ملا محمد کریم^(۱) اتفاق افتاده، جنازه اش حمل به نجف اشرف و در وادی السلام مدفون گردیده.

این فقیه توانا دارای سه فرزند روحانی و دانشمند بوده به این اسامی:

- ۱- مرحوم آقا جمال الدین که مردی بصیر و دانشمندی کم نظیر بوده.
- ۲- عالم عامل مرحوم آقا میرزا محمد که صهر مرحوم آقا میرزا مهدی معروف به آقا زاده بوده.

۳- ادیب اریب آقا کمال الدین صهر مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ محمد سعید^(۲).

آقای احمدی می نویسد:

«در بین خاندان مردانشاهی و در میان علمای برخاسته از «ابلولان» گلپایگان، مرحوم آخوند ملا اسد الله مردانشاهی از همه فاضل تر و مشهورتر بوده است او مجتهدی برجسته و سرآمد خاندان مردانشاهی می باشد».

محسن (عطا) احمدی

(۱) به ص ۲۲۵ رجوع شود.

(۲) گنجینه ۵۱۰/۷.

حاج سید اسماعیل گلپایگانی

مرحوم آیه الله حاج سید اسماعیل گلپایگانی فرزند سید محمد فرزند حجة الاسلام حاج سید علی گلپایگانی .

جدش مرحوم حاج سید علی پس از تحصیل دوره مقدمات برای تکمیل و تحصیل دوره عالی از گلپایگان به دارالعلم بروجرد هجرت می کند و از ذخائر علمیة اساتید آن عصر چون مرحوم آیه الله سید جعفر کشفی و مرحوم آیه الله حاج ملا اسدالله بهره می برد تا رفته رفته خود در ردیف اعلام این شهر قرار می گیرد و مراتب تقوی و زهد او نظر اهالی بروجرد را جلب می کند و در اندک زمانی محل وثوق و اعتماد و رفق و فتق امور مردم می شود .

از خدمات ارزنده اش حفر یک رشته قنات در تپه های شمال بروجرد بوده که تا قبل از لوله کشی اهالی از آب گوارای آن استفاده می نمودند .

آیه الله حاج سید اسماعیل در حدود ۱۲۸۶ قمری متولد و پس از وصول به حد تمیز تحصیلات مقدماتی را در مدرسه شاهزاده که به دبیرستان تبدیل شده تکمیل و برای دوره عالی به نجف اشرف مسافرت می کند و پس از مدتی بر اثر استعداد در سلک شاگردان مرحوم آیه الله خراسانی قرار می گیرد و از آن بحر مواج حد اکثر استفاده را می نماید تا به مقام منیع اجتهاد رسیده و از مراجع عصر به اجازه اجتهاد مجاز و مفتخر می شود .

از جمله از طرف مرحوم آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره مجاز می گردد که صورت اجازه این است :

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين وصلى الله على اشرف الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين .

وبعد فإنّ جناب العالم العلام فخر الفقهاء العظام العالم الذي ليس له مثل السيد إسماعيل البروجردی من المجتهدين العظام والفقهاء الفخام قد بلغ مرتبة الاجتهاد وعليه الاعتماد فله العمل بما يستنبطه من الاحكام على النهج المألوف من الاعلام وأجزت له أن يروي عني ماصح لي روايته بطريقي المقررة المنتهية إلى أهل بيت العصمة عليهم السلام وأرجو أن لا ينساني من صالح الدعاء . حرره الاحقر ابوالحسن الموسوي الاصفهاني .

پس از نیل به مقام اجتهاد عده ای از تجّار و متعیّنین بروجرد که به عنوان زیارت به نجف اشرف مشرّف شده اند از مرحوم آیه الله خراسانی خواهش می کنند که آیه الله حاج سید اسماعیل را به مراجعت بروجرد فرمان دهند .

با تقاضای آنان و فرمان صاحب کفایه ، معظم له به بروجرد برمی گردد و به افاضه و تدریس مشغول می شود و در ابتدا در صحن شاهزاده ابوالحسن که قبل از احداث خیابان وسیع بود امامت جماعت می نماید و پس از چندی یکی از تجّار به نام حاج محمد حسن مسجدی در جنب خانه ایشان بنا می کند تا اواخر در آن مسجد به تدریس و ترویج احکام اشتغال داشت .

مدتی نیز در مسجد شاه به تدریس خارج کفایه مشغول بود و جمعی از اعلام و فضلا از محضر او استفاده می کردند .

وی در اکثر معارف و علوم اسلامی مخصوصاً کلام و حکمت و اصول مهارت داشته و در تقریر و سخن خوش بیان و معضلات مسائل را با بیانی ساده تقریر می کرد . در مجلس درس شاگردان را غالباً به صبر و تحمّل در برابر شدائد دعوت می کرد و قضایای عجیبه از دوران تحصیلی خود نقل

می کرد.

از جمله سید جلیل آقای سید محمد تقی حجازی از وی نقل می کند که
فرمود:

شبی از شبهای تابستان در پشت بام منزل به مطالعه مشغول بودم
و مسأله مورد مطالعه مسأله وحدت وجود بود آراء و عقاید فلاسفه و حکما را
مورد دقت قرار داده بودم می خواستم خلاصه بحث را بنویسم.

شکوک و شبهاتی متوالیاً در نفس می گذشت ساعتی بیش به صبح نمانده
خسته شده بودم قلم را به زمین نهادم و به متکا تکیه دادم متوجه لامپایی که
غبارآلود و دود زده بود شدم متوجه شدم رشته های باریکی روشن تر در
اطراف لوله لامپا نمایان است دقت کردم دیدم نقش شده: شرك است شرك
است.

فوراً کتابها را کنار نهاده و از نوشتن بحث وحدت وجود^(۱) منصرف شدم.

(۱) پس از مسأله اصالت وجود مهمترین مسائل فلسفه بحث وحدت یا کثرت وجود است.

در این مسأله گفته می شود پس از اعتقاد به اینکه در جهان واقعی هست و موجودی داریم
و جهان موهوم محض نیست و این اصلی است غیر قابل تردید اصل دیگری داریم و آن این
است که بدون تردید ذهن، به تکثیر اصل اول متوجه می شود یعنی مظاهر گوناگون
و ماهیات مختلفه ای از قبیل انسان و درخت و خورشید و سنگ و عدد و مقدار و هزاران چیز
دیگر تحت عنوان موجود درمی آورد و قهراً اصل اولی (موجودی داریم) به صورت
(موجوداتی داریم) در ذهن جلوه می کند.

حالا باید ببینیم این کثرتی که بر ذهن جلوه می کند حقیقی است یا موهوم یعنی این کثرت
ذهنی نماینده کثرت واقعی موجودات است یا آنکه ذهن به غلط کثرات می بیند.

اگر ماهیات را اموری عینی و واقعی بدانیم مسئله حل شده است و اما در صورتی که وجود را
امری عینی و اصل بدانیم و ماهیات را اعتبارات ذهن بدانیم جای گفتگو و بحث است که
حقیقت وجود طارد عدم یا واحد است یا کثیر.

مرحوم آية الله حاج سيد اسماعيل گلپایگانی در اواخر زندگانی به واسطه تغییر و تحولات عمومی در روحانیت و کبر سن وضعف بینایی از مجالس عمومی کنار گرفت تا در اسفند ماه ۱۳۲۹ شمسی برابر با ۱۳۷۰ هجری قمری پس از ۸۴ سال زندگی به رحمت ایزدی پیوست و در جهان آباد بروجرد در مقبره مخصوصی دفن شد.

بر لوح قبرش نقش شده:

قد ارتحل من دار الفناء إلى دار البقاء العالم العامل والفاضل الكامل

← اگر واحد است چگونه امر واحد من جميع الجهات منشأ انتزاع مہیات کثیره متباینه شده
واگر کثیر است چرا وجود بیش از مفهوم واحد در ذهن ما ندارد.

به طور کلی در این مسأله سه نظر است:

۱- وحدت وجود.

۲- کثرت و تباین وجودات.

۳- وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت.

نظر اول منسوب به عرفا و عرفا با اینکه پای بند استدلال نیستند و پای استدلالیان را چوبین می دانند و مکاشفه و شهود را فوق عقل می پندارند اما در این مسأله با استدلال به میدان آمده و می گویند:

وجود مساوی با وجوب ذاتی است و وجوب ذاتی مساوی با وحدت من جميع الجهات است پس وجود مساوی با وحدت من جميع الجهات است.

نظر دوم منسوب است به حکماء مشاء و اتباع ارسطو که می گویند:

وجود امر واحد من جميع الجهات نیست بلکه کثیر و مختلف است و هیچگونه میان حقایق وجودیه تشابهی نیست تنها ذهن ما است که مفهوم واحدی به نام مفهوم وجود انتزاع کرده.

نظر سوم این است که وجود حقیقت واحده است ولیکن دارای درجات و مراتب مختلفه است پس وجود واحد محض نیست بلکه وجودات در کار است برخلاف نظر عرفا و این

وجودات متباین نیستند بلکه مراتب حقیقت واحده اند. تاریخ بروجرد

جامع المعقول والمنقول سيّد العلماء الاعلام ونخبة الفقهاء الكرام المحقق المدقق حجة الاسلام السيّد السند الجليل آقا سيّد اسماعيل الحسيني الغلپايگاني وكان عليه الرحمة كثيراً يتذكّر أشعار الهامش وله توجه إلى مولاه الجليل .

دو بیت از اشعار زمخشری در هامش لوح قبر منقوش است که مرحوم حاج سيّد اسماعيل بسيار آن دو بیت را در مقام مناجات با قاضي الحاجات زمزمه می کرده :

يا من يرى مد البعوض جناحها في ظلمة الليل البهيم الاليل
ويرى مناط عروقها في نحرها والمخ في تلك العظام النحل
بيت ديگر اين است :

اغفر لعبد تاب من فرطاته ما كان منه في الزمان الاول
شيخ محمد غروي متولد ۱۳۲۱ در نجف فرزند شيخ محمد حسين غروي نزد او كفايه ورسائل ومكاسب را خوانده است .

شيخ محمد حسين رازاني داماد شيخ محمد حسين غروي نزد او درس خوانده است .^(۱)

وی حاشیه بر شرح لمعه داشته و مرحوم حجة الاسلام والمسلمين حاج سيد عبدالحسين بهشتی بروجردی ، شرح لمعه نزد او خوانده است .
و مرحوم حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ عبد الله فقيهی بروجردی كفاية الاصول را نزد ایشان خوانده است . (حجازی)

آیه الله آقا شیخ اسماعیل نخعی

آقا شیخ اسماعیل نخعی، برادر آقا شیخ محمود نخعی عالمی فاضل و دقیق بوده است و حاشیه بر کفایة الاصول دارد و قبرش در قبرستان میر حمزه رباط ابلولان است.^(۱)

میرزا باقر بن ملا زین العابدین گلپایگانی

در فصل جوانی در نجف اشرف بدرود حیات گفته و مرحوم حجة الاسلام ملا زین العابدین بر سبیل مکاشفه از مرگ او خبردار شده و برایش اقامه عزاء و فاتحه نموده که داستانش مشهور است.^(۲)

آقا شیخ جعفر گلپایگانی

از اجله علمای گلپایگان از قریه سعیدآباد و شاگردان میرزا حبیب الله رشتی و مجاورین آستان قدس رضوی بوده و در سال ۱۳۳۷ ق وفات نموده.^(۳)

(۱) به نقل از جناب آقای حاج آقا رضا حسینی مقیم گلپایگان. به ص ۲۳۰ رجوع شود.

(۲) گنجینه ۵۰۲/۷.

(۳) گنجینه دانشمندان ج ۶ ص ۴۲۰. از وی سه کتاب اصول فقه به خط خودش در کتابخانه آیه الله مرعشی و نیز تقریرات درس حاج میرزا حبیب الله رشتی به خط خودش مورخ ۱۳۰۰ در کتابخانه مجلس و دو نسخه بدایع الاصول او (که گفته می شود بدایع تألیف او و تقریرات میرزا حبیب الله است) در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است و نیز بدایع الاصول به خط او در کتابخانه آستان قدس هست (فهرست ج ۱۵).

حضرت آقاي حسيني مي نويسد :

جعفر بن عباس الكلبيكاني - مترجم في نقباء البشر ص ۲۲۷ ونقول :
كتب تقرير أبحاث استاذ الرشتي الاصولية وقراه وصحّحه الاستاذ كما يبدو
من بعض النسخ المخطوطة التي هي شبيهة الاسلوب بكتاب بدائع الافكار
مع تقديم وتأخير في مقاصد الكتاب الخمسة وتغيير في بعض العبارات. ^(۱)

علامه طهراني مي نويسد :

الآغا الشيخ جعفر الغلپايگانی

هو من قرية سعيد آباد على فرسخ من كلبايكان . كان من العلماء
الاجلاء ومن تلاميذ الشيخ الميرزا حبيب الله الرشتي في النجف وقدماء
أصحابه المختصين به لازمه إلى أن توفى وبعد وفاته عاد المترجم إلى طهران
قرب (۱۳۱۴) فقام فيها بالوظائف سنين وجاور مشهد الامام الرضا عليه السلام إلى
أن توفى (۱۳۳۷) وله شرح «نجاة العباد» يوجد عند ولده الشيخ محمد ^(۲)
الذي قرأ الرجال على العلامة السيّد أبي تراب الخوانساري وكتب
تقريره. ^(۳)

السيد جعفر الجرفادقاني

جعفر بن الحسين الحسيني الموسوي أبو القاسم الجردقاني

(۱) تراجم الرجال ج ۱ ص ۱۲۵ .

(۲) شرح حال وی در شماره ۱۹۶ آمده است .

(۳) اعلام الشيعة قرن ۱۴ ص ۲۷۷ ؛ معجم المؤلفين ج ۳ / ۱۴۳ ؛ رجال الفكر والأدب
ج ۳ / ۱۱۱۰ .

من شیوخ اجازة الشيخ عباس البلاغي النجفي، كما ذكر ذلك البلاغي في إجازته المؤرخة سنة ۱۱۵۷ للمولى رجب علی بن محمد ووصفه فيها بـ«عمدة السادات النجباء وعمدة الاتقياء الصلحاء العالم العلامة... الجرفادقاني مسکناً الاصبهاني مولداً»^(۱).

آية الله حاج شيخ جلال طاهر شمس گلپایگانی

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در گلپایگان متولد شدم از پنج سالگی شروع به تحصیل تعلیم خط نموده و دروس ابتدائی و قسمتی از صرف و نحو را تا سال ۱۳۲۲ در همانجا فرا گرفتم، در همین سال به اراک عزیمت، و چند ماهی در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم و مرداد ماه ۱۳۲۳ به حوزه علمیّه قم آمده و تا سال ۱۳۲۹ دوره ادبیات و سطوح عالیّه را نزد اساتید به پایان رساندم و با قبولی در امتحانات حوزه علمیّه قم شرکت در درس خارج فقه و اصول حضرت آية الله العظمی آقای بروجردی قدس سرّه نمودم تحقیقات علمی ایشان را در فقه و اصول و رجال به صورت تقریر ضبط می نمودم و در کنار تحصیل به تدریس ادبیات و سطح اشتغال و هم در لجنه ای که جهت تألیف و تدوین کتاب (جامع احادیث الشیعه) از طرف معظم له تشکیل شده بود از آغاز تا انجام عضویت داشتم از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۳

(۱) تراجم الرجال ج ۱ ص ۱۲۴ و ۲۶۲؛ اعلام الشیعه قرن ۱۲ ص ۱۳۲. او ظاهراً جدّ صاحب روضات است و از وی رساله در احکام مسافر در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است که تاریخ تألیف آن ۱۱۵۷ می باشد و در ج ۱ شماره ۲۴ در رساله آقا محمد رضا نخعی می بینیم که آقا سید جعفر خود را گلپایگانی خوانده است.

جمع بین تحصیل و تدریس می کرده و از این سال به بعد تا کنون منحصرأ اشتغال به تدریس سطح و خارج داشته و دارم و به پاس نعمت علم و تربیت بر خود لازم می دانم از کسانی که در علوم مختلفه ادبیات، اخلاق، اصول، فقه، منطق، هیئت، فلسفه نزد آنها تلمذ نمودم و ایشان بر من حق بزرگی دارند، حق آنها را از یاد نبردم آنان عبارتند از: آیات عظام و حجج اسلام بروجردی قدس سره، گلپایگانی، حضرت امام خمینی، حاج سید احمد خوانساری، حاج شیخ محمدعلی اراکی، حاج سید محمد حسین طباطبائی، حاج آقا مرتضی حایری، حاج آقا رضا صدر و غیرهم رحمهم الله.

از آغاز انقلاب تا پیروزی و بعد از پیروزی تا به حال در کنار برادرانمان با عضویت در جامعه مدرسین و در شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم و در هیئت مدیره مدرسه فیضیه مشغول به انجام وظائف محوله بوده و هستم. آثار علمی و تألیفاتم، رسائل متعدده در اصول، فقه، اخلاق و حواشی بر کتب مختلفه و شرح بعض احادیث و تقریرات دروس اساتید می باشد.

مصاحبه با آیه الله طاهری شمس (ره):

سؤال: لطف بفرمائید شمه ای از زندگانی خود و فعالیت های خودتان در قبل و بعد از انقلاب و شروع همکاریتان با جامعه مدرسین و نقش خودتان را در جامعه مدرسین بیان فرمایید.

جواب: راجع به زندگانی خودم بعد از پایان تحصیلات ابتدایی مخصوص آن زمان در همان زادگاه خودمان گلپایگان مدرسه ای بود که مؤسس آن مدرسه مرحوم آیه الله میرزا هدایت الله گلپایگانی بود شائق به تحصیل در آن مدرسه شدیم و آنجا رفتیم و نصاب و جامع المقدمات

وسیوطی وحاشیه ملا عبدالله را در همان مدرسه خدمت اساتیدی که در آنجا حضور داشتند خواندیم بخصوص میرزا محمد هادی که همشیره زاده آیه الله گلپایگانی و از فضیلتی آن زمان بودند برای ما در قسمت نحو بخصوص صمدیه خیلی زحمت کشیدند به طوری که خواندن عبارت عربی را از همان زمان یاد گرفتیم پس از آن حدود هزار و سیصد و بیست و دو یا بیست و چهار به اراک رفتم و حدود پنج ماهی هم در آنجا مشغول تحصیل بودیم و در همان سال مشرف به قم شدیم و به ادامه تحصیلات از قبیل خواندن مطول و شمسیه و جوهر النضید علامه تا تکمیل ادبیات خدمت اساتید معروف آن موقع مشغول بودیم و بعد از آن قسمت زیادی از شرح لمعه را خدمت مرحوم آقای صدوقی و قسمتی هم خدمت آقای شیخ محمد حسین قفقازی و رسائل را خدمت آقای سلطانی و مکاسب را خدمت حاج آقا روح الله خرم آبادی و کفایتین را خدمت آقای گلپایگانی (ره) خواندیم و بعد از آن به درس خارج آقای گلپایگانی و همین طور آقای بروجردی رفتم و در همان زمان کم کم با درس فقه و اصول آقا شیخ محمد علی اراکی آشنا شدم و به درس فقه و اصول ایشان شرکت می کردم. قسمت زیادی از مباحث اصول من جمله اواخر تعادل و ترجیح و اجتهاد و تقلید را و بعد هم منتهی به مباحث الفاظ شد خدمت حضرت امام (ره) بوده ام. البته یک دوره درس اصول ایشان را ندیده ام و در ضمن هم مشغول تدریس سطح و ادبیات و مقدمات بوده ام شاید مثلاً حدود دوازده، سیزده مرتبه جاشیه ملا عبدالله و شمسیه از اول تا آخر تدریس کرده ام، مطول هم همین طور، مختصر المعانی هم همین طور، شرح لمعه و رسائل و درس خارج که تدریس تا کنون ادامه دارد.

جناب آقای شیخ محمد تقی وحیدی گلپایگانی گوید:

حاج آقا جلال طاهر شمس واقعاً قدرشان مجهول مانده، من قسمتی از مطوّل را پیش ایشان خواندم، ایشان در ادبیّات فوق العادگی داشتند. و به حق باید گفت در آن زمان در رشته ادبیّات و معانی بیان بی نظیر بودند. ایشان حافظه و خطّ بسیار خوبی داشتند. ایشان از شاگردان مخصوص آیه الله اراکی بودند و علاقه بسیار زیادی به ایشان داشتند و ایمان زیادی به فقه آیه الله العظمی اراکی داشتند. علاوه بر اینکه از محضر آیه الله گلپایگانی بسیار در درس فقه استفاده می کردند.

اساتید ایشان عمدتاً مرحوم امام خمینی، مرحوم آیه الله گلپایگانی، مرحوم آیه الله اراکی، مرحوم آیه الله بروجردی و مرحوم آیه الله داماد بودند.^(۱)

آقای حاج افتخاری گوید:

مرحوم آقای طاهر شمس استعداد خوبی داشتند و در ادبیّات خوب تسلّط داشتند، از جهت موقعیت علمی قوی بودند و جزو ممتحنین حوزه بودند و دقت بسیار داشتند اگر کسی را ایشان می پذیرفتند دیگران هم می پذیرفتند.

در مجله مسجد اعظم قم مقاله ای از ایشان در باره غدیر چاپ شده است (حجازی).

و نیز نوشته ای در صیانت قرآن کریم از تحریف دارد که در قم چاپ

(۱) برخی از آشنایان ایشان گوید: نزد علامه طباطبائی تفسیر خوانده، و نزد آیه الله بهجت هم درس خوانده است و با ریاضیات و طب قدیم هم آشنا بود. در کتاب شرح حال نمایندگان مجلس خبرگان نیز شرح حال ایشان آمده است.

شده است.

و نیز مقاله ای پیرامون وقف برای یکی از همایش هایی که در مشهد برگزار شد نوشته اند.

این شرح حال در مجله آئینه پژوهش درج شده است:

استاد معظم آیه الله حاج شیخ جلال طاهر شمس گلپایگانی (قدس سره) یکی از چهره های مشهور حوزه علمیه قم بشمار می رفت فقید سعید در ۱۳۰۶ هـ ش (۱۳۴۶ ق) در گوگرد گلپایگان در خانواده ای متدین دیده به جهان گشود پس از دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی، شانزده ساله بود (۱۳۲۲ ش) که به آموختن علوم دینی روی آورد و از محضر مرحوم آیه الله حاج میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی بهره جست و پس از چندی به حوزه علمیه اراک که زیر نظر استاتید بزرگواری چون آیه الله حاج شیخ محمد سلطان العلماء و آیه الله حاج شیخ محمد امامی خوانساری اداره می شد، کوچید و از محضر آنان بهره ها برد. در ۱۳۲۴ ش برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم آمد و پس از تکمیل دوره سطح (در چهار سال)، در سال ۱۳۲۸ ش به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوهکمری و پس از آن در درسهای آیه الله العظمی بروجردی، آیه الله محقق داماد، آیه الله اراکی، حضرت امام خمینی، آیه الله العظمی گلپایگانی، آیه الله حاج سید رضا بهاء الدینی و مرحوم علامه طباطبایی شرکت جست و مبانی فقهی، اصولی، فلسفی و تفسیری خویش را استوار ساخت و از غالب آنها اجازه اجتهاد دریافت داشت. وی نیز به مدت دو سال به حوزه علمیه نجف کوچید و در درس های

آية الله العظمى خوئی حاضر شد. از آغاز تحصیل در حوزه قم، به تدریس متون درسی حوزه اشتغال جست و بیش از سی سال سطوح عالیّه را آموزش داد. با شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲ش، او نیز همراه با دیگر مدرسین حوزه به تشکیل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم پرداخت و امضایش در بحبوحه انقلاب ذیل پیامها و اعلامیه های جامعه مدرسین هماره دیده می شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت شورای مدیریت حوزه علمیه قم و مجلس خبرگان رهبری (در استان مرکزی) برگزیده شد.

از تألیفات چاپ نشده اوست:

- ۱- کتاب الخمس
- ۲- حاشیه بر مکاسب
- ۳- حاشیه بر رسائل
- ۴- حاشیه بر کفایة الاصول
- ۵- معارف دینی
- ۶- متفرقات

صراحت لهجه، زهد و تقوا، ساده زیستی، آزاد اندیشی و فروتنی و انس با قرآن و دعا از خصوصیات وی بود و بر فقه و اصول، تفسیر، تاریخ و ادبیات تسلط داشت. فقید سعید از اعضای گروه تألیف جامع احادیث الشیعه و عضو هیئت علمی کنگره شیخ انصاری و عضو هیئت امنای مجتمع علوم دینی حضرت ولی عصر به شمار می رفت و مقاله ای با نام «شیخ انصاری محقق و مؤسس» از او انتشار یافت. درگذشت نابهنگام این عالم عامل، در هشتم شهریور ۱۳۷۴ش (سوم ربیع الثانی ۱۴۱۶ق) در ۶۸ سالگی در اثر سانحه تصادف روی داد پیکر پاکش، با شرکت مراجع عالیقدر تقلید، انبوه اساتید، علما و فضلاي حوزه علمیه قم و آیات عظام و نمایندگان

مقام معظم رهبری و اصناف و بازاریان قم، تشییع و در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شده.

ناصرالدین انصاری

آقا جمال الدین بن آخوند ملا اسدالله مردانشاهی

دانشمندی بصیر و کم نظیر بوده است. ^(۱)

آقا سید جمال الدین حائری فرزند آقا سید محمد

ایشان حدود ۴ سال از من (سید مرتضی متولد ۱۳۱۰) بزرگتر بودند و در همان مسجد مرحوم حجة الاسلام در گلپایگان تحصیلات مقدماتی را فرا گرفتند و ایشان هم از نظر سن و هم از نظر استعداد از من جلوتر بودند. بعد که به قم آمدم ایشان از نظر درسی بسیار جلوتر از من بودند، مدتی هم با اتفاق ایشان به تهران آمدم و در مدرسه مرحوم آية الله آقا شیخ محمدتقی آملی (مدرسه مسجد مجد) که ایشان از کملین علما بودند بودیم مجدداً به قم برگشتیم بعد ایشان به تهران آمدند و در مسجد فخرالحاجیه در راه آهن اقامه جماعت می کردند و مدتی هم در همین مسجد که من الآن امام جماعت آن هستم. تاریخ وفات ایشان سال ۱۳۴۵ است. ^(۲)

(۱) گنجینه ۵۱۰/۷.

(۲) نقل از حاج سید مرتضی حائری

سید جمال الدین امام جمعه

فرزند آقا میر محمد کاظم گلپایگانی و برادر سید نورالدین امام جمعه است که در اصفهان از درس آیات الله: فشارکی، خاتون آبادی و جهانگیرخان استفاده کرده است در سال ۱۳۱۳ ش از دنیا رفته و در مسجد آقا میر محمد کاظم مدفون است.

جهانبخش گلپایگانی

کتاب فضائل و مناقب او به خط خودش (سده ۱۴) در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است.

حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی

عالم ربّانی حجة الاسلام مرحوم حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی، در سال ۱۲۹۹ ق در محل سررباطان گلپایگان متولد گردید مقدمات را همانجا فرا گرفت. در شانزده سالگی به اصفهان رفت و در طول ۲۱ سال تحصیلات خود را در اصفهان به پایان رسانیده و سپس مجاور مشهد مقدس رضوی گردیده و از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد بوده تا آخر عمر در مدرسه خیرات خان حجره داشت که در آن حجره تدریس فقه و حدیث و تفسیر و اخلاق می نمود در ماه جمادی الثانی ۱۳۸۴ (یا ۱۳۸۸؟) بدرود حیات گفت و در

یکی از رواقهای حرم مطهر به خاک سپرده شد. عاش سعیداً و مات سعیداً.^(۱)

حاج سید محمد رضا محمودی گوید:

حضرت آیه الله گلپایگانی رفته بودند به دیدار ایشان (شیخ حبیب الله)، ایشان به مرحوم آیه الله گلپایگانی فرموده بود که من مریض شده بودم و سه روز در بیمارستان بودم، بعد از گذشتن سه روز، خیلی ناراحت بودم و گریه کردم و به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آقا من الآن سالهاست هر روز صبح اول وقت در حرم حاضر هستم. حالا من سه روز است مریض هستم و در بیمارستان، اصلاً به من سر نمی زنی و سراغ از من نمی گیری. و در حالی که گریه می کردم خوابم برد و آقا امام رضا علیه السلام تشریف آورد در حالی که گلی در دست داشت و آن گل را به من داد و من با آن دستی که گل را از آقا گرفته بود به موضع درد می گذاشتم و راحت می شدم.^(۲)

از وی دختری باقی مانده بود که همسر حجة الاسلام سید احمد احمدی بود مرحوم آقای احمدی در سال ۱۳۵۸ ترور و شهید شد. در کتاب آئینه اسرار نوشته حضرت آقای کریمی قمی ص ۱۰۲ آمده است:

عنایت امام رضا علیه السلام به مرحوم شیخ حبیب الله گلپایگانی:

آیه الله وحید خراسانی - سلمه الله - فرمود: شیخ حبیب الله از کسانی است که در تربیت من دخالت داشته است و از ایشان نقل فرمود: زمانی بیمار

(۱) گنجینه ۵۱۲/۷. و یادداشت های آقای حجازی.

(۲) و به نقل یکی از شاگردان و علاقمندان ایشان از آن پس بود که آن دست بیماران را شفا می داد.

گشته و در بیمارستان امام رضای مشهد بستری شدم در سحرگاهی که حالم وخیم بود رو به حرم مطهر کردم و توسّل به حضرت رضا علیه السلام نمودم و گفتم: سال‌ها جزء اولین افرادی بودم که در سحرگاهان به زیارت قبرت می‌آمدم اکنون به این روز افتاده‌ام برایم چه می‌کنی؟ ناگاه متوجّه شدم که وجود مقدّسش کنار تخت بیمارستان است ایشان شاخه گلی به دستم داد اوضاع عادی شد و بیماریم برطرف گردید و از آن زمان به هر بیماری دست می‌کشیدم شفا می‌یافت رفته رفته در اثر تماس با اندام اهل معصیت که برای علاجشان دست می‌کشیدم اثر دستم کاهش یافته و فعلاً باید زمانی را صرف ادعیه و اوراد نمایم تا تأثیر کند.

آقای احمدی می‌نویسد:

مرحوم حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی از اهالی «سرباطان» گلپایگان (در اصطلاح محلی «سلواطون») بودند.

زمانی ایشان به گلپایگان تشریف آورده بودند در «رباط حسن حافظ» گلپایگان منزل یکی از اخلاّء روحانی خود، ناهار را حضور داشتند. بر سر سفره هم برنج و هم آبگوشت گذاشته شده بود ایشان آبگوشت را تناول می‌فرمایند و با لحنی خاصّ می‌فرمایند چرا برنج درست کردید؟! دو نوع غذا برای چه درست بشود؟!

در کتاب «تقویم تاریخ خراسان» آمده است:

«۱۳۴۸/۸/۷ شمسی: رحلت حضرت آیه الله شیخ حبیب الله گلپایگانی، از علمای مشهد که بیش از نیم قرن در جوار مرقد مقدّس رضویه به اقامه نماز جماعت و تدریس مشغول بود و دارای کراماتی بوده است.

به «تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی» به کوشش

غلامرضا جلالی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷) چاپ اول، ص ۱۹۶ رجوع شود. این کتاب، گردآوری روزشمار وقایع خراسان در طول سدهٔ اخیر می باشد.

از اخلاقیات ایشان این بود که هرکس اعم از عالی ودانی به محضر ایشان در منزلشان (مشهد مقدس) که می رسید غالباً با خرما از او پذیرایی می کرد. یک وقت به ایشان اظهار شد که یکی از مقامات مملکتی که مشهد آمده قصد شرفیابی محضر شما هم دارد. ایشان با حالتی کاملاً عادی فرموده بودند: باشد بیایند وبعد از ورود او برای پذیرایی از او هم با خرما پذیرایی کردند وبعد وجهی را به ایشان تقدیم می کنند که ایشان از دریافت آن امتناع می ورزند.

در کتاب پرواز روح ص ۱۶۰ آمده است:

هنوز مردم مشهد فراموش نکرده اند بیست سال قبل پیر مرد عالم و باتقوا و زاهدی به نام آقای حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی در مسجد گوهرشاد امام جماعت بود که اکثر متدینین بازار، پشت سر او نماز می خواندند. حتی مکرر دیدم علما و مجتهدین به او اقتدا می کردند، طلاب و محصلین اکثراً با این مرد بزرگ جماعت می خواندند.

یک ساعت مجالست با او انسان را عوض می کرد، زندگی زاهدانه عجیبی داشت، صبحها بعد از نماز صبح و قبل از آفتاب در مدرسه خیراتخان درس تفسیر قرآن می گفت، یک روز فرمود: دیشب می دیدم که وارد حرم شدم و بدن مقدس حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در وسط حرم پا به قبله دراز شد و پارچه سفید روی بدن آن حضرت کشیده اند، در این بین بادی وزید و پارچه از روی بدن آن حضرت به کناری رفت، من دیدم بدن مقدسش

سوراخ سوراخ است، به آن حضرت عرض کردم: آقا من شنیده بودم شما را با زهر شهید کرده اند ولی حالا می بینم در بدن مقدس شما جای تیر زیادی وجود دارد.

فرمود: صحیح است مرا با زهر کشتند، این سوراخها مربوط به فلان عملی است که بعضی از زائرین انجام می دهند، آن مانند تیری است که بر بدن من می خورد (وایشان نام آن گناه را می برد) و توضیح می داد که وقتی این گناه با آنکه از گناهان صغیره است، این عکس العملش باشد، گناهان کبیره چه می کند؟

سپس می فرمود: اگر یزید سر مقدس حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را در وسط گذاشته بود و اطرافش گناه می کرد ما مجاورین مشهد بدن مقدس حضرت رضا (علیه السلام) را در وسط گذاشته ایم و اطرافش گناه می کنیم.

یک روز درس تفسیر به آیه ۲۴۷ سوره بقره: ﴿وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾ رسید می گفت: اساساً سابقیهها از نظر جسم قوی تر از ما بوده اند. سپس گفت: یک وقت در پیش روی حرم حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) دیدم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ایستاده بودند و زیارت می خواندند و ...

حبیب الله بن محمد حسن گلپایگانی

از وی نوشته های متفرق تحریر ۱۲۷۲ در کتابخانه دانشکده الهیات تهران موجود است.

سید حسن بن محمد صادق جرفادقانی

وی جدّ آقا میرزا محمد حسن امام جمعه است و در یادداشتی تاریخ وفات او ۱۲۸۴ ق ثبت شده است .
در کتابخانه سید آقا حسن امام جمعه نسخه هایی به خط او موجود است :

- ۱- جنگ تحریر ۱۲۵۵
- ۲- حاشیه معالم شیخ محمد تقی ۱۲۵۶
- ۳- حواشی ملا محمد تقی مجلسی بر نقد الرجال ۱۲۶۳
- ۴- شرح حدیث الدنيا مزرعة الآخرة شهید ثانی ۱۲۵۸
- ۵- شرح منازل السائرین ۱۲۶۷
- ۶- رساله در آداب متعلمین تألیف سید ابوالقاسم (جدّ صاحب روضات) ۱۲۵۶
- ۷- ایضاح الاشتباه علامه حلی ۱۲۶۳
- ۸- قصائد بحر العلوم (مراثی) ۱۲۵۵
- ۹- نقد الرجال تفرشی ۱۲۶۳

حسن بن ابو المعصوم گلپایگانی گوگدی

در ۱۲۳۱ دو رساله جامع المقال طریحی و تمهید القواعد شهید ثانی را استنساخ کرده است .
نسخه یادداشت تملک محمد علی بن محمد حسن مشهور به علی ارانی در ۱۲۳۴ را دارد .^(۱)

(۱) فهرست مرعشی ۳۰۶/۱۸ .

حاج شیخ حسنعلی مظفری

از شاگردان آیة الله العظمی گلپایگانی و امام خمینی . او عالمی خدوم و مبلغ بود و ادبیات را تدریس می کرد تقریرات بحث دو استادش به خط او در سه جلد در کتابخانه مدرسه علمیه گلپایگان موجود است .

آیة الله حاج سید حسین ابطحی گلپایگانی

ایشان در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در گوگرد گلپایگان در خانواده ای مذهبی متولد شدند، مدت ۶ سال در مکتب، به فراگیری قرآن و سایر آموزش های لازم و در کنار تحصیل به کشاورزی اشتغال داشتند، سپس با تشویق فراوان مادر، وارد مدرسه علمیه آیة الله وحید رحمه الله شدند، طی مدت ۳ سال در آنجا به آموختن ادبیات پرداختند، اساتید ایشان در این دوره، مرحوم میرزا ... شریف زاده (همشیره زاده مرحوم آیة الله العظمی آقای گلپایگانی) و جناب آقا جواد نخعی (از اقوام مرحوم آیة الله وحید) بودند.

در سن ۱۷ سالگی برای استفاده بیشتر وارد حوزه علمیه مقدسه قم گشتند و ضمن اقامت در حجره ای در مدرسه مبارکه فیضیه، ادبیات عرب را تکمیل نمودند.

سیوطی را در محضر مرحوم آقا شیخ جواد افتخاری، منطق را در محضر مرحوم آقا شیخ محمد نخعی، معالم الاصول را در محضر مرحوم آیة الله حاج آقا رضا صدر (فرزند ارشد مرحوم آیة الله سید صدرالدین صدر قدس سره) لمعتین را در محضر مرحوم آیة الله العظمی آقای نجفی مرعشی

و مرحوم شهید آیه الله صدوقی قدس سرهما، رسائل و مکاسب را در محضر مرحوم آیه الله مجاهدی تبریزی و مرحوم آیه الله آقای حاج آقا روح الله کمالوند رضوان الله علیهما، و در نهایت کفایه و بخشی از مکاسب را در محضر مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره الشریف و مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ عبدالرزاق قاضی رحمه الله فرا گرفتند.

پس از ۸ سال از بدو ورود به حوزه مقدسه قم، دوره خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام:

۱- مرحوم آقای حاج سید محمد تقی خوانساری رحمه الله (فقه به مدت ۳ سال).

۲- مرحوم آقای بروجردی رضوان الله علیه (مدت ۸ سال خارج فقه و یک سال خارج اصول. بعد از یک سال درس اصول ایشان تعطیل شد).

۳- مرحوم آقای گلپایگانی قدس سره الشریف (فقه به مدت ۱۲ سال، کتب متروکه فقه را ایشان در ایام تعطیل بحث می کردند).

۴- مرحوم امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه (یک دوره کامل اصول به مدت ۸ سال).

۵- مرحوم آقای اراکی رضوان الله علیه (اصول به مدت ۲ سال).

۶- مرحوم علامه طباطبائی قدس سره الشریف (تفسیر به مدت ۲ سال).

ضمناً در درس اخلاق حضرت امام قدس سره الشریف در روزهای پنج شنبه و جمعه و جلسه ای که طلاب گلپایگان در منزل مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره الشریف جهت تذکرات اخلاقی و اجتماعی سالیان دراز، داشتند ایشان نیز شرکت می کردند.

هم بحثها وهم حجره های ایشان عبارت بودند از : حضرات حجج

اسلام و مسلمین : ۱ - مرحوم آقای حاج شیخ محمد رضا عبدالحمیدی

۲ - مرحوم آقای حاج سید علی بطحایی

۳ - جناب آقای حاج شیخ حسین احمدی

۴ - جناب آقای حاج شیخ ابراهیم فیاضی

۵ - مرحوم آقای حاج سید ابوطالب محمودی

۶ - مرحوم آقای حاج شیخ ابراهیم شاکری

امتحانات خارج فقه و اصول را نزد حضرت آیات : ۱ - مرحوم آقای

حاج شیخ مرتضی حائری ۲ - مرحوم آقای محقق داماد ۳ - مرحوم حاج آقا

روح الله کمالوند قدس الله اسرارهم با موفقیت دادند .

حدود ۳ سال از اصحاب استفتاء مرحوم آية الله العظمی آقای

گلپایگانی بودند . در همان دوران در جلساتی که در ارتباط با مسائل سیاسی

با حضور آقایان مراجع برقرار می شد به خاطر توجه و عنایت خاص مرحوم

آقای گلپایگانی ، شرکت می جستند ، از جمله در ارتباط با مسأله انجمن های

ولایتی و ایالتی طی مأموریتی از سوی ایشان به تهران اعزام و برای حضرت

آية الله العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری قدس سره و مرحوم آية الله

بهبهانی حامل پیامهایی شدند ، که مرحوم آية الله آقای حاج سید محمد باقر

شهیدی گلپایگانی نیز ایشان را همراهی می کردند .

ایشان ضمن تحصیل ، کم و بیش به امر تبلیغ و تدریس نیز می پرداختند ،

تدریس کتب مقدمات معالم ، لمعتین و مکاسب بخشی از اوقات ایشان را

اشغال می کرد گرچه به دلیل اشتغال به مباحثات کمتر فرصت تدریس داشتند

و در موسم تبلیغی به گلپایگان و ورامین و شهریار ، جهت تبلیغ مسافرت

می نمودند و مدت ۶ سال در مسجد حاج شعبان علی قم سه وقت اقامه جماعت می کردند .

در سن ۲۵ سالگی به پیشنهاد مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی با خانواده ای مذهبی (مرحوم استاد علی کفاش کجویی ، باجناب مرحوم آیه الله العظمی آقای خوانساری) وصلت نمودند . مراسم عقد و اجرای صیغه آن توسط این دو مرجع بزرگوار برگزار شد . همسر ایشان بانویی سختکوش و مؤمنه و فهیم و اهل تهجد بود و همانند پدر بزرگوارش احترام فراوانی به سادات می گذاشت و سرانجام در روز عاشورای حسینی سال ۱۴۱۱ هجری قمری دار فانی را وداع گفت .

در سن ۴۱ سالگی پس از ۲۱ سال اقامت در قم به علل برخی بیماری ها و مشکلات فراوان و تقاضای مصرانه جمعی از معتمدین یکی از مساجد خوب تهران از محضر مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی ، ایشان قم را ترك و عازم تهران شدند و هم اکنون نیز علی رغم ضعف جسمانی و کسالت فراوان سه وقت اقامه جماعت می نمایند .

در همان سال های اول حضورشان در تهران تا ۲ سال در درس مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری قدس سره شرکت می کردند و سپس در جلسه ای با حضور علمای تهران ، مباحث فقهی را پیگیری می نمودند این جلسه بیش از بیست سال ادامه داشت و اعضای این جلسه عبارت بودند از حضرات آیات :

- ۱- مرحوم آقای حاج شیخ حسن فرید گلپایگانی
- ۲- مرحوم آقای حاج شیخ ربیعان الله نخعی گلپایگانی
- ۳- مرحوم آقای حاج سید کاظم گلپایگانی

- ۴- مرحوم آقای حاج سید مرتضی ابروانی
 - ۵- مرحوم آقای حاج سید احمد گلپایگانی
 - ۶- مرحوم آقای حاج شیخ شریف شاهرودی
 - ۷- مرحوم آقای حاج سید محمد حائری گلپایگانی
 - ۸- مرحوم آقای حاج شیخ مهدی معزالدوله
 - ۹- مرحوم آقای هرنندی (داماد مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید جمال گلپایگانی)
 - ۱۰- مرحوم آقای حاج شیخ جواد بروجردی (داماد مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید عبدالهادی شیرازی)
 - ۱۱- مرحوم آقای حاج آقا باقر قمی (فرزند مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی)
 - ۱۲- مرحوم آقای حاج سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی
 - ۱۳- مرحوم آقای حاج سید صادق شریعتمداری
 - ۱۴- مرحوم آقای حاج سید صادق لواسانی
 - ۱۵- مرحوم آقای حاج حاج شیخ بهاء الدین صدوقی تهرانی
 - ۱۶- مرحوم آقای حاج میرزا یوسف ابروانی (فرزند صاحب حاشیه بر مکاسب).
 - ۱۷- جناب آقای حاج سید محمد باقر خوانساری دامت برکاته (فرزند ارشد مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد تقی خوانساری).
- این جلسه در هر هفته ۵ روز (شنبه تا چهارشنبه) صبح ها به صورت سیار برگزار می شد در روزهای پنج شنبه نیز جلساتی با ائمه جماعات به خصوص آقایان گلپایگانی های مقیم تهران حول محور مسائل شرعی

واجتماعی و سیاسی و فرهنگی و مشکلات رایج در مساجدشان برقرار می‌گشت.

خصوصیات اخلاقی، روحی و معنوی:

۱- تهجد و شب زنده داری و پرداختن به نوافل، سیره مستمره ایشان از دوران طلبگی بوده است و از یکی دو ساعت قبل از اذان صبح به خصوص در ماه مبارک رمضان (که تقریباً هر شب ایشان به دعای ابی حمزه ثمالی با حال بکاء خاصی می‌پردازند) شب زنده داری داشته و دارند.

۲- اهمیت به نماز اول وقت و همینطور نماز جماعت و حتی نماز جمعه به گونه ای که هم اکنون علی‌رغم کهنلت سن و کسالت اگر برایشان میسر باشد سعی می‌کنند با مشکلاتی که برایشان دارد شرکت کنند چه قم و چه تهران، و این معنا همواره مورد توصیه اکید ایشان به عموم مردم و خصوص نزدیکان و فرزندان و خویشان بوده است.

۳- اهمیت به توسل و مراسم سوگواری و عزای اهل بیت عصمت و طهارت و شرکت فعال و مستمر، و برگزاری آن به همه مناسبت‌ها به خصوص در مسجد، به ویژه توسل به حضرت صدیقه اطهر سلام الله علیها در فاطمیه دوم به مدت ۳ روز در منزل که معمول سنواتی ایشان از دوران طلبگی بوده است و در قم تشکیل می‌شده است، نکته قابل توجه اینکه ایشان بر اساس توصیه «رحم الله من احیا امرنا» پس از اقامه جماعت در مسجد، به صورت بسیار جدی مراقبت جهت تشویق مردم و منبری در مراسم سخنرانی و منبر حضور داشته باشند و این موجب می‌شد که سخنران نیز اهتمام بیشتری در رابطه با موضوع و انتخاب نوع مطالب داشته باشد و تذکراتی هم کم و بیش به آنها می‌دادند و می‌دهند.

۴- همانطوری که در آیات و روایات تأکید شده است ایشان در طول زندگی، مطلقاً اهل سؤال و تقاضا نبوده است در قم علی رغم انس فراوان با مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره الشریف در منزلی بسیار محقر در نهایت قناعت بسر می بردند، علاقه ای به آمدن به تهران نداشتند و صرفاً به خاطر دعوت های پیگیر و مصرانه مردم و تشخیص اطبا در مورد وضع مزاجی ایشان وعدم مساعدت آب و هوای قم، عازم تهران شدند، در گذران مسائل معیشتی مراقب بودند حتی از کسی قرض نگیرند و از آنچه هست استفاده کنند، مناعت طبع ایشان زبانزد خاص و عام است، در تهران از همان روز اول، در منزل ساده و بی آلایشی که نزدیک مسجد قرار دارد سکونت داشته و دارند و علی رغم پیشنهاد بسیاری از آقایان، در رابطه با تبدیل منزل و توسعه ظاهری زندگی شخصی اهمیتی نمی ورزیدند هیچگاه تحت تأثیر جو حاکم بر فضای فرهنگی جامعه قرار نگرفتند و به زرق و برق زندگی و تجملات و تکلفات نمی پرداختند و در یک کلمه مشی ایشان ساده زیستی و زنی طلبگی بوده و هست.

۵- علی رغم نبود یک منبع در آمد ظاهری، هرگز نگران موقعیت مالی و اقتصادی زندگی نبوده اند اعتقاد راسخ داشته و دارند که اگر ما به وظائف خویش عمل کنیم ذات اقدس پروردگار، در تأمین زندگی و رزق و روزی انسان، بهترین تکیه گاه است، در کمال عزت نفس و توکل، عمری را بدون ذره ای تقاضای از این و آن، زندگی کرده اند، همین جهت موجب توجه فراوان مردم و احترام خاص آنان به ایشان شده است در همین رابطه آنچه قابل ذکر است مشی علما و بزرگان ما در طول تاریخ می باشد که همواره زبان حال و قالشان ﴿ما اسالکم علیه من اجران اجرى الا على الله﴾ بوده است و بر این

اساس ایشان نه تنها توقع مالی و دنیوی از کسی ندارند و نداشته اند بلکه محل مراجعات مالی و پناه بسیاری از فقرا و تهیدستان بوده و هستند، حتی بسیاری از موارد خود در جهت تأمین مخارج منبر و مسجد قدم برمی دارند.

۶- نظم در کارها، از نظر پرداختن به امور متنوع زندگی حتی ساعتی که از خواب برمی خیزند، یا به خواب می روند، غذا خوردن، مطالعه، عبادت و تنظیم سایر امور شخصی به گونه ای دقت دارند که معمولاً می توان حدس زد که ایشان در هر ساعتی مشغول چه کاری هستند.

۷- توصیه فراوان ایشان به نزدیکان و فرزندان^(۱) و اهل و عیال که مراقب رفتار و کردار خویش در ارتباط با مردم باشند، مبدا کاری کنند که برای دین و روحانیت ننگ باشند و خود ایشان در این زمینه بسیار مراقبند.

۸- رعایت حق الناس و به خصوص مراعات حال همسایه ها و اهل محل و تأمین آرامش آنان.

۹- حرص پدران ایشان بر هدایت مردم به رعایت ضوابط عقل و شرع در ارتباط با همه مسائل و شئون مختلف زندگی، و توجه کامل به عدم اسراف و تبذیر در بخش استفاده از امکانات.

۱۰- هم مداوم ایشان در امور معنوی نسبت به کیفیت ها نه کمیت ها و ظواهر بی محتوا، و نگرانی ایشان در مورد عدم توجه مردم به فهم و تعلم مسائل دینی و معارف و احکام نورانی اسلام و عدم اعتنا به ضوابط شرع و موازین اسلام در عمل، و تقید آنان به سنت ها و آداب و رسوم پر تکلف غلط و دست و پاگیر.

۱۱- بر حذر بودن ایشان از افراط و تفریط و رعایت موازین در استفاده از

(۱) ایشان دارای ۳ فرزند پسر هستند و هر سه در سلک روحانیته.

هر چیز وعدم پابندی به سنت های غلط .

۱۲ - غیرت دینی و اهمیت به حفظ ظواهر در ارتباط با پوشش کامل زن ها و همینطور مردها از نظر شکل و هیئت لباس و نوع اصلاح سر و صورت ، و تحت تأثیر الگوهای وارداتی قرار نگرفتن .

۱۳ - توجه به اینکه روحانیون در موقعیتی بس خطیر قرار دارند و باید مراعات انتظارات و توقعات معنوی مردم را کاملاً بنمایند چرا که انتظارات مردم در این زمینه گرچه بسیار بالا ، و لکن بجاست .

۱۴ - گذشت و بزرگواری در مورد اموال و حقوق شخصی خودشان فقط به جهت اینکه آرامش زندگی کسی به هم نریزد ، به همان اندازه که به ریخت و پاش ها و خراجی ها و اسراف و تبذیر ها حساس هستند و تذکر می دهند ، در مواردی که بجا و لازم بدانند کمال دست و دل بازی و سخاوت را به خرج می دهند و در گرفتاری ها و تنگناهای زندگی حتی نسبت به ارحام و بستگان دور ، سعی وافر بر کمک و دستگیری دارند ، گرچه در زندگی خویش و فرزندان رعایت احتیاط را نموده و از هرگونه رفاه زدگی و تجمل گرایی بر حذرند .

۱۵ - بی اعتنائی نسبت به موقعیت ها و اعتبارات دنیوی و نداشتن کمترین آرزوی دراز و عدم دلبستگی به پست و منصب و مقام ، این مطلب یکی از شاخص های مشهود و ملموس ایشان است و نکته قابل ذکر اینکه علی رغم تلاش جدی و همت زیادی که بسیاری برای گرفتن وکالت در امور حسبیه از آقایان مراجع دارند ایشان اهمیاتی نداشته و ندارند و در بعض موارد به وکالت های شفاهی برای رفع مانع اکتفا می کرده اند .

۱۶ - مبرا بودن از عموم ملکات بد نفسانی امثال حسد و بخل و ریا

وعجب و حرص و طمع و جاه طلبی. این مجموعه از ویژگی ها، هم در گذشته و هم در موقعیت فعلی، موجب جلب نظر بسیاری از بزرگان و معاصران و اقران و امثال ایشان و بسیاری از مردم در تهران و قم شده است به گونه ای که خود این جانب کم و بیش از زبان بسیاری از آنان موارد فراوانی را شنیده ام.

آخرین کلام اینکه ایشان اساس توفیقات خود را توجهات وافر و تذکرات بی دریغ مادر بزرگوارشان می دانند.

در خاتمه باید عرض کنم آنچه ذکر شد فقط بر اساس اصرار بزرگوارانی که پیگیر این شرح حال بوده اند به رشته تحریر درآمد و خود ایشان در این زمینه اهمیتی نداشتند و ندارند. حتی خصوصیات روحی و اخلاقی ایشان، بدون اطلاع ایشان نگاشته شد، از اهتمام برادر بزرگوارم جناب آقای سید محمد باقر ابطحی در تهیه اساس این نوشتار متشکرم. والسلام

سید محمود ابطحی

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین روشنی

از علما و ائمه جماعت معاصر تهران و داماد مرحوم آیه الله حاج شیخ هدایه الله وحید گلپایگانی می باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در (گوگرد) که یکی از مضافات گلپایگان است متولد و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت (چندی در مدرسه دار الشفاء هم حجره نگارنده بودند) و در حوزه علمیه سطوح را نزد

مدرسین عالی حوزه خوانده و از محضر مرحوم آیه الله العظمی بروجردی و آیه الله العظمی گلپایگانی و بعضی آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۴ ق به تهران منتقل و تا کنون^(۱) در مسجد خیابان ایرانمهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

آقای روشنی از دانشمندان متقی و با متانت و موصوف به ورع و محامد اخلاق و آداب می باشد و هرگز از وی مکروهی ندیده و نشنیده ام. ادام الله توفیقه و کثر الله آثاره.^(۲)

کتابی در نقد برخی گفته های دکتر شریعتی از ایشان چاپ شده است.

حاج شیخ حسین توسلی

متولد ۱۳۰۱ و متوفای ۱۳۶۴.

تحصیلات ابتدائی و مقدمات را مقداری در گوگرد در مدرسه مرحوم آیه الله وحید و بعداً هم در قم ادامه داد. سطح عالی را در حوزه قم خواند و مدتی را در نجف اشرف از محضر مرحوم آیه الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیه الله خوئی و آیه الله شاهرودی استفاده کرده و سپس در قم در درس مرحوم آیه الله بروجردی و مرحوم آیه الله گلپایگانی شرکت می کرد و در درس آیه الله گلپایگانی از مستشکلین بود و مورد عنایت ایشان بود.^(۳)

(۱) یعنی تا زمان تألیف جلد چهارم گنجینه.

(۲) گنجینه دانشمندان ج ۴ ص ۴۶۷.

(۳) نقل از حاج شیخ علی آقا ترابی مقیم گوگرد و در گنجینه دانشمندان از ایشان نامبرده شده است ج ۶ ص ۴۳۹ شماره ۱۹. کتابی که به نام اسلام و نظام طبقاتی تألیف محمد حسین توسلی در ۴۴ صفحه در سال ۱۳۷۸ در قم چاپ شده از ایشان نیست.

حاج سید حسین زهرائی

حجة الاسلام حاج سید حسین زهرائی اسفرنجانى ، در حسینیه اسفرنجان مدفون است . وی از وعاظ مشهور اراک بوده است .

حسین شریف گلپایگانی

کتاب ادعیه از او در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است .

حاج آقا حسین شهیدی

ابن ملا محمد حسن و برادر حاج آقا رضا شهیدی از وعاظ معروف منطقه گلپایگان بوده است .

حاج شیخ حسین احمدی

چند نفر در مقام برآمده اند که شرح حال علما و دانشمندانی که از گلپایگان برخاسته اند تهیه و آن را به صورت تذکره احوال در دسترس عموم قرار دهند شکر الله مساعیهم کاری بسیار خوب و پسندیده است اگر با تحقیق و تتبع مقرون باشد و از اینجانب شرح حالی خواسته اند با اینکه این ناچیز خود را خیلی کوچک تر از آن می دانم که عنوان عالم و یا دانشمند را معرف خود قرار دهم ولی اجابة لمطلوبهم ایدهم الله چند جمله ای را به نحو اختصار ذیلاً

مرقوم می دارم .

این جانب محمد حسین احمدی فرزند محمود، در گوگد گلپایگان در سال ۱۳۰۵ طبق شناسنامه دیده به جهان گشوده و پس از پشت سر گذاشتن صباوت و طفولیت در مکتب خانه های معمول آن زمان و آن محیط شرکت جسته و چند سالی را به دروس معمول آن مکاتب اشتغال داشته و پس از گذراندن این مرحله وارد مدرسه ای که برای طلاب به سرپرستی مرحوم حضرت آیه الله آقا میرزا هدایت الله وحید (قده) در همان گوگد تأسیس شده بود شدم و چند سالی را نیز در نزد اساتید محترم آن مدرسه و مؤسسه اشتغال به دروس مقدماتی داشتم سپس برای ادامه تحصیل از گوگد مهاجرت به ارض اقدس قم نموده و در دارالشفاء در حجره مسکن گرفته و سطوح عالی را در نزد اساتید بزرگوار مانند حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی و حضرت آیه الله العظمی حاج سید احمد خوانساری و غیرهما به پایان رسانده سپس در بحث خارج سید اساتیدنا حضرت آیه الله بروجردی و حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری و حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی شرکت جسته و منظومه سبزواری و قسمتی از اسفار را نزد علامه طباطبائی تلمذ نموده تا اینکه به حکم طبیعت می بایستی با عالم تجرد خدا حافظ کرده و با عالم تأهل آشنا شد و در اثر علاقه ای که به تحصیل داشتم برای اقدام به تأهل نقشه ای را طرح کردم به حسب ظاهر صد در صد موفقیت ادامه تحصیل را به دنبال داشت و به گفته مرحوم حجة الاسلام آقای حاج آقا جلال طاهر شمس (ره) در بین ما گلپایگانی ها ازدواجی که خیلی با تناسب انجام گرفت از شما بود . ولی به حکم العبد یدبر و الرب یقدر تمام این نمایش ظاهری و طراحی نقش بر آب شد و اجباراً از قم فاصله گرفته و اراک را

وطن اتخاذی قرار داده و به حکم مالایدرک کله لایترک کله در اینجا به همان برنامه تدریس و تدریس به صورت ضعیف تری خود را مشغول ساخته و از نعمت بحث تفسیری و فقه و اصول بحمد الله نسبتاً برخوردارم در خاتمه توفیق بیشتر را از درگاه خداوند مسألت دارم.

الأحقر محمد حسین احمدی

ایشان داماد آیه الله آقا سید کاظم گلپایگانی است و در اراک به تدریس فقه و اصول و تفسیر اشتغال دارند و در مسجد حاج تقی خان اقامه جماعت می کنند. و برخی از تألیفات حاج ملا احمد نزد ایشان موجود است (حجازی) در حال حاضر ایشان یکی از ارکان علمی اراک است.

حاج شیخ حسینعلی مشایخی

حجة الاسلام شیخ حسینعلی جدّ حجة الاسلام حاج شیخ محمد کاظم مشایخی، در سال ۱۳۳۴ از دنیا رفت (حجازی).

ملا حسینعلی (مکرر ص ۱۱)

مشهور به آقا بابا جدّ آقا رضا شهیدی، در راه سامراء توسط دزدان شهید شده است.

حمزة بن عبدالله

محتسب جرفادقانی. در کتاب ذکر اخبار اصبهان ص ۳۹۳ یاد شده است.

الأمیر ذوالفقار الجرفادقانی

سید صالح وفاضل کامل امیر ذوالفقار گلپایگانی معاصر شیخ بهاء الدین عاملی و از شرکاء بحث او بوده چنانچه مجلسی اول آن جناب را با شیخ دیده که مشغول مقابله صحیفه کامله بوده وراجع به سند آن بحث می کردند.

ملا محمد تقی مجلسی در شرح فقیه می نویسد: روزی وارد شدم در مدرسه شیخ بهایی دیدم مشغول مقابله صحیفه سجادیه است و سید صالح ذوالفقار جرفادقانی صحیفه را می خواند و شیخ بهایی گوش می داد بنابراین امیر ذوالفقار از تلامذ شیخ بهایی بوده است.^(۱)

در ترجمه کتاب فیض قدسی ص ۱۹۲ ضمن تشریح مکاشفه ای که برای علامه ملا محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) پیرامون اعتبار وصحت اسناد صحیفه سجادیّه رخ داده و آن را از «شرح مشیخة الفقیه» وی نقل می کند، اشاره دارد به اینکه وی پس از بیدار شدن از عالم رؤیا، به مدرسه استاد ارجمندش شیخ بهایی (ره) واقع در جوار مسجد جامع اصفهان می رود و مشاهده می کند سید صالح «امیر ذوالفقار گلپایگانی» در کنار شیخ بهایی، صحیفه سجادیه می خواند و با ایشان مقابله می کند که این مکاشفه کاشف از جلالت شأن شیخ بزرگوار بهاء الدین محمد عاملی قدس الله نفسه الزکیه و نیز موقعیت و طهارت روح امیر ذوالفقار گلپایگانی است.

(۱) اعلام الشیعه سده ۱۱ ص ۲۱۲؛ گنجینه ۴۹۸/۷.

علامه طهرانی می نویسد :

الأمیر ذوالفقار الجرفادقانی :

حکى محمد تقى المجلسى فى شرح «الفقيه» فى مقام بيان اعتبار «الصحيفة الكاملة» أنه ورد يوماً الى مدرسة شيخه البهائى فرآه مشغولاً بمقابلة الصحيفة وكان القارىء السيد الصالح الأمير ذوالفقار الجرفادقانى فيظهر أن صاحب الترجمة كان من تلاميذ البهائى وكان يقرأ عليه فى مدرسته .^(۱)

رستم على الجرفادقانی

در سال ۹۷۵ در حائر حسینی کتاب مسائل مهنائیه را استنساخ کرده ودر ۹۷۴ حاشیه الفیه شهید تألیف یکی از علما را استنساخ نموده و نیز منتخباتی از احیاء العلوم وشرح حال غزالی به نقل از تاریخ یافعی را استنساخ کرده است واین نوشتارها مجموعه ای است که نسخه خطی آن نزد نواده صاحب عروه در نجف موجود بوده است .

رستم على الجرفادقانی :

كتب لنفسه مجموعة فيها فوائد كثيرة فكتب فيها (المسائل المهنائية) في ۲۵ ذي الحجة ۹۷۵ في الحائر الحسيني وكتب قبله بسنة (اي ۹۷۴) بخطه ظاهراً بدلالة رسم الخط حاشية الالفية للشهيد لبعض الاصحاب الذي نقل فيها عن الشهيد . وفي المجموعة بخطه ظاهراً منتخبات من «احياء العلوم» وبدأ بإيراد ترجمة الغزالي مفصلاً من تاريخ اليافعي . وتلك المجموعة موجودة عند محمد باقر (حفيد الزدي) بالنجف .^(۲)

(۱) اعلام الشيعة قرن ۱۱ ، ص ۲۱۲ .

(۲) اعلام الشيعة قرن دهم ص ۸۷ .

آخوند ملا رضا اشراقی

حجة الاسلام آخوند ملا رضا بن آخوند ملا فتح الله اشراقی گلپایگانی
در گلپایگان مدفون است (حجازی).

ملا رضا قطب

ملا رضا قطب که مسجد قطب به نام او است .
حاج شیخ کلبعلی سعید آبادی و حاج شیخ محمد کاظم نشائی نزد او
درس خوانده اند . او از وعظ برجسته آن سامان بوده است (حجازی) .

المولی الحاج رضا گلپایگانی الاسفرنجانى^(۱)

جد المیرزا ابی القاسم المحمدی .
به ص ۲۰۰ رجوع شود .

آقا رضا قاضی زاهدی (مکرر شماره ۳۹)

حجة الاسلام والمسلمین آية الله آقای آقا رضای قاضی زاهدی فرزند
حاج میرزا ابوالقاسم قاضی زاهدی وسبط آية الله آخوند ملا زین العابدین
(حجة الاسلام) می باشد قسمتی از تحصیلات معظم له در گلپایگان بوده واز

(۱) اعلام الشيعة سده ۱۴ ج ۵ ص ۱۸۲ .

اساتید ایشان مرحوم آیه الله آخوند ملا زین العابدین نخعی وآیه الله حاج ملا علی عمیدی است و پس از سالها تدریس و تدریس در گلپایگان منتقل به دار العلم اصفهان گردید و مدتها از اساتید بزرگ آن حوزه استفاده نموده به حیث صار صاحب الاجازات ثم رجع الی وطنه واشتغل بالتدریس وترویج الدین واقامة الجماعة واصلاح ذات البین وکان محتاطاً فی دینه .

وبالجمله آن مرحوم دارای اخلاق حمیده وصفات پسندیده وملکات فاضله وزهد وورع بوده واز این روی محبویستی همگانی داشت ودر شب جمعه هفتم ماه رجب ۱۳۸۴ق دار فانی را بدرود گفت وبا تشییع جنازه کم نظیری در یکی از حجرات جنوبی صحن هفده تن به خاک سپرده شده واین اشعار را فرزند منحصر به فرد او حاج آقا علی قاضی زاهدی در وفات او سروده وروی سنگ مزارش نقش است :

ای که در علم وعمل مشهور در دوران شدی

از چه رو از دیده احباب خود پنهان شدی

حجة الاسلام قاضی زاهدی ای راد مرد

سوی جنت رفتی وفارغ از این زندان شدی

در جنان آیا به مهمانخانه سلطان طوس

یا به بزم مرتضی شیر خدا مهمان شدی

بر دل هر مرد وزن از مرگ خود آذر زدی

چون روان جانا شتابان جانب جانان شدی

چون رسیدت مژده وصل حبیب اندر رجب

منصرف از آن بشارت از مه شعبان شدی

هر کسی کز صدق وزهدت با خبر شد فاش گفت

ثانی اثینی برای بوذر و سلمان شدی

ای گل شاداب از ماء الحیاة معرفت
 در شگفتم کز چه رو پژمرده و پژمان شدی
 خوش به حالت ای سمیّ شاه مظلومان رضا
 که اندر آخر زائر آن شاه انس و جان شدی
 قطره‌های اشک از چشمان اهل معرفت
 از غم هجرت چکان چون قطره باران شدی
 سر بر آراز مرقد و فرزند زارت را بگوی
 ای پسر جانم چرا حیران و سرگردان شدی
 عجیب آنکه چند روز قبل از رحلتش حالت کشف پیدا نموده و از مرگ
 خود خبر داده و تا نفس آخر زبانش به ذکر رب جلیل گویا بوده است .

فقیه بزرگوار آقا میرزا رضا

از علمای بزرگ که از گلپایگان برخاسته مرحوم آقا میرزا رضا بوده که
 ارجوزه‌ای در شرح درّه مرحوم بحر العلوم سروده و فرزندش آقا میرزا
 هدایة‌الله نیز از فقها و علمای بزرگ آن سامان بوده و مجلس مرافعه و قضاوت
 داشته است .^(۱)

(۱) به مکارم الآثار ۲۳۲۹/۷ و ذریعه ۱۱۰/۸ و تاریخ بروجرд ۱۸۷/۲ و گنجینه ۴۹۹/۷
 و اعلام الشیعه قرن ۱۳ ص ۵۴۴ و ۹۸۸ رجوع کنید .

او را فقیه طائفه می خواندند و حاج ملا جعفر آباده‌ای او را به این لقب می ستود . وی
 شاگرد میرزای قمی و ابو الزوجه ملا عبدالکریم محمدی اسفرنجان‌ی بوده است (حجازی)

المیرزا رضا کلبایگانی :

عالم ورع ورئیس جلیل . کان من اکابر المراجع فی عصره ، ومشاهیر العلماء فی بلاده ، وکان من أهل النسک والدين والزهد والصلاح ، وکان زعیماً مبعجلاً له فی تلك الاطراف مکانة سامیة ومحل مرموق . ونفوذ تام وكلمة مسموعة ، وکان من المعاصرين للمولی زین العابدین الكلبایکانی ، توفي رحمه الله فی نیف وثمانین ومأتین والف . وسمعت العلامة السید ابالقاسم الخوانساری یطری المترجم له ویبالغ فی الثناء علیه ، وذكر لی ان له شرحاً منظوماً علی «الدرة» للسید مهدی بحر العلوم .

خلف المترجم له ولده العلامة المیرزا هداية الله فقام مقام والده ورأس ، وکان جلیلاً أيضاً ، قام بترویج الدین وخدمة الشریعة مدة طويلة بمختلف الوسائل والطرق ، وخالفه فی ذلك أخوه المیرزا ابوالفضل الكلبایکانی حیث اتصل بالبهاثیین وشید طریقتهم وقام لهم بخدمات خذلهم الله جميعاً .

المیرزا رضا الكلبایکانی :

توفی سنة ۱۲۸۰ و نیف

عالم فاضل وصَفَّه صاحب الذریعة بالعلامة وقال : له ارجوزة فی شرح (الدرة) لبحر العلوم الطباطبائی حکاه لنا السید ابوتراب الخوانساری وشرح الارجوزة بأرجوزة مثلها من تكلف ما لا یلزم ولا فائدة فیہ سوى تضییع الوقت فی غیر فائدة^(۱) .

بخشی از شرح درّه او شامل حدود پانصد بیت نزد آیه الله حاج آقا علی

(۱) اعیان الشیعة : ج ۷ ، ص ۱۵ .

صافی گلپایگانی موجود است آغاز آن :

الماء ما سَمِيَ ماءً مطلقاً ولو عليه مع قيد اطلاقاً

حجة الاسلام والمسلمين حاج آقا رضا شهیدی (ره)

مصطفی شهیدی می نویسد: در شهر عالم پرور گلپایگان، مهد عالمان ربّانی و ادیبان وارسته، مرد فرزانه ای بود به نام حاج ملا محمد حسن ملقب به لسان الذاکرین، در کسوت مقدس روحانیت، وی علاوه بر مجالس وعظ و خطابه و بیان معارف اسلامی به تحقیق و تتبع پرداخته که حاصل آن تألیف پنج جلد کتاب خطی موجود می باشد. کتبی که بنا به نوشته نامبرده در آغاز مجلدات، با تحمّل رنج و سختی فراوان و صرف بیست سال از عمر تألیف شده^(۱) و با تَفأل آن را «احسن المجامع» نامیده است. قطعاً اگر فرصت و امکاناتی داشت و آن را به زیور طبع می آراست امروز منبعی قابل استفاده بود.

(۱) نامبرده در شعری به مطلع:

(تا نعال آل احمد را حسن آمد تراب آسمان گوید همی یا لیتی کنت تراب)

که در توصیف کتاب خویش سروده است مدت زمانی را که صرف تحریر و تألیف این کتاب نموده این گونه بیان می کند:

(«مو» برفت از عمر و شد در روسیاهی مو سفید

«ك» شد از عمر صرف این کتاب مستطاب) بر اساس حروف ابجد ۴۶ = مو و ۲۰ = ك می باشد.

فرزندان این عالم بزرگ همگی صاحب فضل و کمال بودند. ^(۱) فرزند ارشد وی مرحوم حاج آقا حسین از گویندگان و وعاظ به نام منطقه بود که مورد توجه علما و وثوق مردم قرار داشته اما متأسفانه در عنفوان جوانی به جوار رحمت حق شتافته است. سرپرستی خانواده او به پسر بزرگش، حاج آقا رضا که در آن هنگام سیزده بهار از عمر او نگذشته بود محول می شود.

عالم ربانی و زاهد وارسته مرحوم حجت الاسلام حاج آقا رضا شهیدی در شوال المکرم سال ۱۳۲۱ هجری در شهر گلپایگان چشم به جهان گشود. پدرش وی را رضا نامید و به هنگام ثبت تاریخ تولد او پس از آرزوی طول عمر و وسعت رزق، از خدا می خواهد که وی را از خادمان سیدالشهداء علیه السلام قرار دهد. بدین طریق ایشان پس از فراگیری مقدمات علوم دینی نزد پدر و دیگر علمای شهر، در نوجوانی ملبس به لباس روحانیت می گردد و به استناد آنچه نیای او ملا محمد حسن نوشته است شانزدهمین نفر از اعقاب صالح این خانواده است که همگی اهل علم و از مروجان علوم آل محمد علیهم السلام بوده اند و مصداقی بر این گفته است «همه قبیله من عالمان دین بودند».

به دلیل نداشتن پدر و کفالت و سرپرستی اعضای خانواده از حضور در مراکز مهم علمی محروم می ماند اما هوش سرشار و استعداد فیاض و خدادادی به یاری و مدد او می شتابد و خود به مطالعه، تدبر و تحقیق در متون اسلامی و منابع تاریخی می پردازد و به «مکتب نرفته» و استاد ندیده

(۱) در زمان نگارش این نوشته یکی از دختران وی در قید حیات است که با وجود کبر سن نسبت به انجام فرایض و نوافل پایبندی خاص دارد و از ضمیری صاف و طبع شعر برخوردار است.

«عالمی نکو» می گردد به گونه ای که از گویندگان و عالمان دینی طراز اول شهر محسوب می شود و همواره مورد توجه علما و مراجع بزرگ گذشته و حال قرار می گیرد.

مرحوم حجت الاسلام شهیدی بیش از شصت سال در شهرستان گلپایگان به اقامه جماعت، تبلیغ و ترویج احکام و مبانی اسلام و ذکر مناقب و مصائب ائمه معصومین به خصوص خامس آل عبا حسین بن علی علیه السلام پرداخت و آن را برای خود افتخاری بزرگ می شمرد، در بخشی از وصیت نامه خویش چنین می نگارد:

«به توفیق پروردگار و به پیروی از پدرانم اشتغال به منبر و خدمت اهل بیت و ذکر مناقب و مصائب آنها را انتخاب نمودم، اگر مرا به نوکری خود بپذیرند خصوصاً خامس آل عبا علیه السلام «یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جثنا بیضاعة مزجاة فأوف لنا الکیل و تصدق علينا إن الله یجزی المتصدقین»

در کنار این وظیفه دینی و اجتماعی از توجه به جوانان و تعلیم و تربیت آنها و تشویق و ترغیب آنان به تحصیل به خصوص علوم دینی غافل نبود و شاگردان ایشان از فضیلتی بزرگ و مبلغان دینی بوده و هستند.

در وجه تسمیه خود به «شهیدی» می فرمود: «وقتی دولت تصمیم به صدور شناسنامه برای افراد گرفت و نام خانوادگی ضروری گردید، من هم به دلیل اینکه یکی از اجدادم به نام مرحوم حجت الاسلام ملا حسینعلی مشهور به آقا بابا در راه عتبات عالیات گرفتار طائفه دزدان می شود و چون قائد زوار بوده در مقام مقابله برمی آید و با هفت ضربه نیزه اشرار به شهادت می رسد^(۱) فامیل شهیدی را برای خود برگزیدم و دیگران نیز پذیرفته و تبعیت

(۱) این حادثه ما بین کاظمین و سامرا اتفاق می افتد. همراهان و دیگر زوار جنازه او را در

صحن مطهر عسکرین علیه السلام دفن می کنند.

کردند. « بدین ترتیب نام خانوادگی شهیدی توسط ایشان در گلیایگان بنیان گذاشته می شود.

چون این نوشته بنا بر اختصار دارد به برخی از ویژگیها علمی و اخلاقی این عالم خدوم اشاره می شود:

۱- بالندگی و خود شکوفایی و ویژگی بارز اوست که سرمشقی برای طالبان علم و دانش می باشد.

۲- بهره گیری از منابع متقن و صحیح و بیان معارف اسلامی به صورت مستدل که به گفته بسیاری از رجال علمی، در طول ایام تبلیغ از ایشان مطلبی که خلاف واقع یا حتی سست و ضعیف باشد شنیده نشد.

۳- علاوه بر آیات قرآن، اکثر خطبات نهج البلاغه و احادیث را حفظ بودند به گونه ای که در منبر ابتدا خطبه ای طولانی را قرائت کرده آنگاه با همان تسلط و نظم و ترتیب به ترجمه خطبه پرداخته و سپس شرح و توضیح می دادند.

۴- اشراف به منابع تاریخی و بیان حوادث و داستانهای عبرت آموز در خلال موعظه به گونه ای که به قول یکی از بزرگان در این زمینه کم مانند بود.

۵- مبارزه با معاندان و متجاوزان به حریم دین و مذهب، ایستادگی در برابر توطئه خلع لباس روحانیان و منع اقامه روضه و عزای حسینی در حکومت رضا خانی و از معدود کسانی بود که حاضر نشد لباس خود را کنار بگذارد.

۶- هیچگاه از وجوهات شرعی برای امرار معاش استفاده نکرد بلکه در ایام فراغت با کار و کوشش و اشتغال به کشاورزی و باغداری با کدّ یمین و عرق جبین زندگی را می گذراند و این نکته خود می تواند درسی بزرگ برای

طلاب جوان باشد.

۷- داشتن اخلاص و خلوص نیت در کار و پرهیز از بیان عملی که انجام می دادند تا مبادا شبهه ریا و تظاهر در آن راه یابد و اگر دیگران زبان به تعریف و تمجید از ایشان می گشودند اعتراض کرده و می گفتند من راضی نیستم در محافل و مجامع عمومی از من سخنی به میان آید.

۸- تواضع و فروتنی، نظم و انضباط و حرکت و سلوکشان بسیار قابل تأمل بود به حدی که دیگران به این رفتار غبطه می خوردند.

۹- زهد، قناعت، بی توجهی به مظاهر دنیوی و ساده زیستی ایشان مورد توجه عالم و عامی و زبانزد خاص و عام بوده و الگویی عملی برای مردم در جامعه بود.

۱۰- عمل به وظیفه، پیروی از حق و آنچه شرع مقدس تشریع نموده در هر شرایطی و هیچ گونه توجهی به «لومة لائم» و سرزنش افراد در این مسیر نداشت.

۱۱- محضر ایشان همواره ساکت و آرام بود و هرگاه در مجلسی شرکت می کردند یا در حضورشان مباحثه ای صورت می گرفت تا از ایشان تقاضای اظهار نظر نمی شد، ابتدا به سخن نمی کرد.

۱۲- مداومت در انجام اذکار و نوافل و سنن به طوری که اکثر اوقات در خلوت و جلوت به ذکر مشغول بودند.

۱۳- همواره حرمت منبر رسول الله و روضه سیدالشهداء (علیه السلام) را پاس داشته و تا پایان مجلس در نهایت ادب به صورت دو زانو نشسته و خاضع و خاشع بودند.

۱۴- انفاق، بذل و بخشش نسبت به فقرا و مهمان نوازی و پذیرایی

به بهترین وجه، از دیگر خصوصیات این مرد بزرگ بود.

مرحوم حجت الاسلام شهیدی دارای قریحه و ذوق شعر و شاعری نیز بودند و گاه به مناسب های مختلف اشعاری می سرودند که نمونه آن ذکر می شود:

با دلی پر از درد فراق و جگری سوزان از آتش جدایی در فقدان فرزند اکبر خود مرحوم خلد آشیان آقا حسین شهیدی^(۱) ... که در ارض شریف قم در هنگام اشتغال به علوم دینیّه «فوت نمود» سروده اند:

ای طایر قدس بی تو نیکو است در خاک سیاه منزل ما
گشتی تو نهان ز چشم و باقی است داغ تو همیشه بر دل ما
ای ســـــرو روان باغ دانش آسان ز تو بود مشکل ما
بی شمع وجود تو است تاریک تا آخر عمر محفل ما
از باد حوادث ای عزیزان افتاده به خاک سنبل ما

این واعظ جلیل القدر، پس از عمری خدمت خالصانه به اسلام و مسلمین، سرانجام در شامگاه پنجم رمضان ۱۴۱۲ برابر بانوزدهم اسفند ماه ۱۳۷۰ شمع وجودش به خاموشی گرایید و کسی که خود مظهر گذشت و عفو و اغماض در زندگی بود در حالیکه ذکر خدا بر لب داشت و آیه کریمه

(۱) وی دارای هوشی سرشار و استعداد فوق العاده و عجیب بود. بطوری که یکی از بزرگان نقل می کردند وقتی به درس مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ احمد نوه آیت الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم حائری می رفت از دقت نظر و نکته سنجی ایشان شگفت زده شده و از من پرسیدند: مگر ایشان درس را قبلاً خوانده و دوباره می آید! مرحوم آقا حسین شهیدی به دلیل بیماری شدید در محرم الحرام ۱۳۶۵ در سن بیست سالگی فوت نمود و در قبرستان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم در قم به خاک سپرده شد.

﴿والكاظمين الغيظ والعافين عن الناس والله يحب المحسنين﴾^(۱) را تلاوت می کرد به جوار رحمت حق تعالی شتافت و جمعی را به سوگ نشاند. تعدادی از شعرا و اهل ذوق در رثای ایشان اشعاری سرودند.

پیکر مطهر این اسوه تقوی و فضیلت با حضور علما و مسئولین بر روی دست اقشار مردم سوگوار و حق شناس گلپایگان تشییع و در قبرستان قاضی زاهد به خاک سپرده شد و تا هفتمین روز ارتحال آن مرحوم مجالس متعدد بزرگداشت و تجلیل که همانا تکریم زهد و عرفان و فضیلت و انسانیت بود در شهر و روستا برقرار گردید.

عاش سعیداً و مات سعیداً

گلپایگان - فروردین ۱۳۸۰ - مصطفی شهیدی

و آقای احمدی می نویسد:

مرحوم حاج آقا رضا شهیدی گلپایگانی که در دهه های اخیر یکی از با صفا ترین و عاظم و اهل منبر در گلپایگان بود و مورد توجه خاص حضرتین آیتین صافی (دام ظلّهما) بود ویژگیهای اخلاقی و محامد بارزی داشت که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

مردی بسیار متواضع و فروتن بود. از تمجید و تعریف دیگران درباره خودش، اظهار ناخرسندی می کرد. یکوقتی به مناسبت موالید ائمه معصومین و یا وفیات آن انوار مقدسه علیهم السلام قرار بود ایشان در مسجد حاجی گلپایگان منبر بروند و متن اعلامیه ای را بدین مناسبت برای چاپ تنظیم کرده بودند. قبل از چاپ آن اعلامیه را حضور ایشان بردند که در متن آمده بود: «حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای شهیدی افاضه می فرمایند»

به محض رؤیت این عبارت فرمودند: «هرگز این عنوان را در آگهی تان نیاورید. من راضی نیستم از این گونه القاب و عناوین برایم در آگهی ها آورده شود واقعاً عظمت اسلام خیلی بالاتر از آن است که من هم در زمره حجتّهای آن و نیز حجتّ مسلمانان بوده باشم!!».

ایشان از علایق و زرق و برقهای دنیوی کاملاً رسته بود ضمن اقامه جماعت و منبرداری، امور زراعتی خود را هم شخصاً انجام می داد و در تمام طول عمر به هیچ وجه سهم مبارك امام علیه السلام را برای امرار معاش خویش صرف نکرد و معتقد بود به اینکه به مناسبت اقامه جماعت در مسجد، وجهی نباید دریافت کرد!

در خواندن دقیق و بدون پیرایه عبارات آیات و روایات کاملاً اهل مراعات بود و احادیث را بدون حشو و زواید در منابر بیان می کرد و در ذکر ظرایف تاریخ اسلام، انصافاً تاریخ دان مدقّقی بود که در این راستا نیز هرگز اضافات و چاشنی های اضافی به فرازهای تاریخی نمی افزود.

محسن (عطا) احمدی

زین الدین علی ابن عین علی شریف گلپایگانی

رساله العجالة فی ردّ مؤلف الرسالة از وی در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.

ملا زین العابدین عراقی دستجرده ای

فرزند ملا محمد رضا دستجرده ای و متوفای ۱۳۵۳ ق در سعید آباد
گلپایگان مدفون است (حجازی).

المولی شرفعلی بن المولی أحمد الجرفادقانی

جدّ المولی أبوطالب العراقي الکزازی.^(۱)

شفیع گلپایگانی

کتاب معالجات ومجربات او به خط خودش مورخ ۱۳۰۲ ق در
کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است.

آقا صدرالدین حجّتی

آقا صدرالدین حجّتی فرزند آقا میرزا مهدی (آقا زاده) در سال ۱۳۴۸ ق
از دنیا رفته و در مقبره خانوادگی جنب مسجد حجة الاسلام در گلپایگان
مدفون است (حجازی).

(۱) اعیان الشیعة ۲/ ۳۶۷.

آقا شیخ صدرالدین احمدی

فرزند ارشد حاج میرزا محمد بن حاج ملا احمد گلپایگانی متوفای
۱۳۱۳ شمسی.

حاج شیخ ضیاء الدین احمدی

فرزند دوم حاج میرزا محمد بن حاج ملا احمد گلپایگانی متوفای
۱۳۳۸ ش.

آقا شیخ ضیاء الدین گلپایگانی

آقا شیخ ضیاء الدین بن میرزا هدایه الله بن میرزا رضا گلپایگانی فقیهی
بارع وعالمی کامل بوده و پدر وجدش نیز از علمای بزرگ آن سامان
بوده اند^(۱)

الشیخ ضیاء الدین الکلبایکانی

هو الشیخ اغا ضیاء الدین بن المیرزا هدایه الله بن المیرزا رضا
الکلبایکانی فقیه بارع وعالم کامل.

كان والده وجده من العلماء الاعلام واهل الفضل المشاهير، وكان
المترجم له من اهل العلم النابهين وذوي الصلاح والتقوى، سكن مازندران

(۱) گنجینه: ۴۲۶/۶.

فاشتر فيها اسمه وتآلق نجمه حتى صار مرجع الامور بها . ولم أقف على تاريخ وفاته رحمه الله . ورأيت (الرسالة الضيائية) في زيارة عاشوراء وما يتعلق بها ، وأظن أنها من تأليف والد المترجم له وقد ألفها باسمه ، ويأتي ذكر والده ، وذكر زوج عمته ووالد زوجته الميرزا عبدالكريم^(۱) .

حاج سيد طاهر حجازی

حاج سيد طاهر موسوی حجازی از علمای پرنفوذ گلپایگان ، فرزند سيد ابراهيم فرزند سيد حسين فرزند سيد محمد علی فرزند سيد مؤمن . که همه از علما بوده اند در سال ۱۳۰۰ ق متولد و در ۱۳۷۹ از دنیا رفته است در آغاز از شاگردان پدرش بوده و سپس در سال ۱۳۱۱ به اصفهان رفته و تا سال ۱۳۱۹ نزد اساتید آنجا : آخوند ملا عبدالکريم جزى و آخوند ملا محمد کاشی وميرزا محمد علی ثقة الاسلام وجهانگیر خان وآية الله درچه ای درس خوانده است و آنگاه در سال ۱۳۱۹ به نجف اشرف رفته و از درس حاج آقا رضا همدانی و آخوند خراسانی وصاحب عروه وميرزا محمد تقی شیرازی بهره گرفته است و پس از فوت پدرش آية الله سيد ابراهيم موسوی (برادر بزرگ آية الله سيد جمال الدين گلپایگانی) به گلپایگان مراجعت و به انجام وظائف خود پرداخت .

محل دفن او قبرستان نو (قبرستان حاج شيخ عبدالکريم حائری) است .

(۱) اعلام الشيعة : سده ۱۴ ج ۳ ص ۹۵۹ وج ۵ ص ۲۱۴ .

در ۱۳۴۵ وفات کرد و در جنب امامزاده ابراهيم بن موسى بن جعفر آمل دفن شده است .
(حجازی)

ونواده دانشمند او سید حسین حجازی ساکن طهران است و پیشتر در حوزه علمیه قم تحصیل کرده است (حجازی).

السید المیرزا عباس الکلبایکانی

السید المیرزا عباس الکلبایکانی
 كان عالماً جليلاً ورعاً صالحاً، من السادة الموسوية الاشراف،
 حدثني ببعض احواله العلامة السيد أبو تراب الخوانساري، وقال: إنه كان
 من تلاميذ الشيخ محسن خنفر المتوفى سنة ١٢٧٠ هـ، وغيره من أجلاء
 عصره، ورجع الى بلاده فصار مرجعاً مطاعاً الى أن توفي في سنة ١٣٠٣ هـ
 وقام مقامه ولده العالم الجليل السيد ميرزا هداية الله الى توفي في سنة
 ١٣٣٨ هـ، وخلف ولده الذي كان من المشتغلين في النجف أيضاً.^(١)

المولى عباس

والد الشيخ محمد جواد الصافي ...^(٢)

ملا عباس

پدر حجة الاسلام شيخ احمد عباسی، در گوگد بوده است.

(١) اعلام الشيعة: سده ١٣، ج ٣، ص ١٨٧ وسده ١٤: ٩٨٥/٣؛ گنجینه: ٤٢٣/٦؛ ونیز

به شرح حال فرزندش سید هدایت الله در ج ١ شماره ١٧ رجوع شود.

(٢) اعلام الشيعة سده ١٤ ص ٣٣١.

حاج شیخ عباس ترابی گلپایگانی

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباس ترابی فرزند محمد تقی در گوگرد گلپایگان در یک خانواده مذهبی در سال ۱۲۸۸ شمسی هجری متولد شد.

پدرش فردی معتقد و متدین بود که با کشاورزی و دامداری امرار معاش می کرد. و چون انسانی متدین و دیندار بود، فرزند خود را از اوان کودکی جهت کسب دانش و خصوصاً علوم دینی و قرآن به مکتب فرستاد.

مرحوم حاج شیخ عباس ترابی تا سن نوجوانی در زادگاه خود در کنار و همراه و هم دوش پدر بزرگوارشان به کار کشاورزی مشغول بودند و همزمان به تحصیل علم و دانش خصوصاً علوم اسلامی و قرآنی می پرداختند. و از نوجوانی علاقه وافر به علوم اسلامی و قرآن پیدا کردند و به سبب همین علاقه و به جهت ادامه تحصیلات علوم دینی تصمیم گرفتند به شهرستان قم آمده و نزد اساتید بزرگ حوزه علمیه قم ادامه تحصیل دهند.

قابل ذکر است که توصیه و اصرار حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی رحمه الله علیه مرجع بزرگ عالم تشیع که در آن زمان از علما و اساتید طراز اول حوزه علمیه قم محسوب می شدند تأثیر زیادی در اعلام موافقت پدرشان برای آمدن ایشان به قم داشت.

و همین امر موجب پیوندی عمیق و صمیمی بین ایشان و مرجع بزرگوار حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی گردید و همواره در طول تحصیل و کسب مراتب و مدارج علمی در حوزه علمیه قم و حتی تا پایان عمر در

کنار ایشان بودند.

پس از حدود ۱۰ سال تحصیل و کسب علم و دانش در حوزه علمی قم به زادگاه خود مراجعت نموده و به توصیه و خواست والدین خود همسر اختیار نمودند و برای ادامه تحصیل مجدداً به شهرستان قم عزیمت کرده و تحصیلات خود را ادامه دادند.

علما و اساتیدی که مرحوم حاج شیخ عباس ترابی نزد ایشان تلمذ نموده و از محضر ایشان کسب فیض نمودند، عبارتند از:

۱- حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی بزرگ مرجع شیعیان جهان.

۲- حضرت آیه الله العظمی آقای خمینی رحمه الله علیه.

زمانی که حضرت امام درس حکمت و فلسفه را شروع کردند، مرحوم حاج شیخ عباس ترابی یکی از افرادی بودند که در کلاس درس حکمت و فلسفه حضرت امام خمینی شرکت می کردند.

۳- حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی رحمه الله علیه.

ایشان چند سالی در حوزه علمی قم به تدریس طلاب مشغول بودند تا بعد از جریان سال ۱۳۴۲ و شروع مبارزات حضرت آیه الله العظمی امام خمینی که منجر به تبعید ایشان به کشور عراق گردید مرحوم حاج شیخ عباس ترابی بسیار ناراحت بودند و دوری از مراد و استاد خود را تحمل نمی کرد.

و پس از این واقعه یعنی تبعید حضرت امام بود که ایشان با درخواست خانواده جهت عزیمت به شهر تهران و زندگی در آن شهر موافقت نمودند و در سال ۱۳۴۴ به شهر تهران عزیمت نمودند و در واقع از قم به تهران مهاجرت کردند.

از این سال تا پایان عمر پر برکت خود چون فراغت بیشتری داشتند به تحقیق و مطالعه و نگارش پرداختند. ولی متأسفانه به علت بیماری در سالهای پایانی عمر نتوانستند یادداشت های خود را کامل کنند و به چاپ برسانند.

از ایشان دو نوشته باقی مانده است که: یکی در شرح و تفسیر نهج البلاغه است چون علاقه فراوانی به نهج البلاغه داشتند و تمام خطبه های نهج البلاغه را حفظ بودند و در سخنرانی ها و مناظر خطبه های نهج البلاغه را تفسیر می کردند. و کتاب دیگری به زبان عربی در فقه و اصول و مبانی دین است.^(۱)

ایشان پس از سالها رنج و زحمت در کسب علم و دانش و مطالعه و تحقیق و تدریس و امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد مردم در سیزدهم تیر ماه سال ۱۳۵۱ در سن ۶۳ سالگی در شهر تهران دار فانی را وداع و به لقاء الله پیوست و در قبرستان نوقم به خاک سپرده شد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

از ایشان ۶ فرزند (سه فرزند پسر و سه فرزند دختر) به جای مانده است که کوچکترین فرزند ایشان به نام محمد تقی در روز پیروزی انقلاب شکوهمند ملت مسلمان ایران یعنی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به درجه رفیع شهادت نائل شد.

این شرح حال را محمد ترابی فرزند آن مرحوم نوشته است.

(۱) در یادداشت های آقای زمانی نژاد آمده است: خطبات مولی الموحّدين و معارف دینی. شاید این کتاب غیر از آن دو کتاب باشد.

حاج شیخ عباس سعید آبادی

حاج شیخ عباس بن کلبعلی سعید آبادی متوفای ۱۳۴۷ ق کتابی شامل مجالس در تاریخ ائمه اطهار دارد (حجازی).
پدرش (کلبعلی اوّل) طب قدیم می دانسته و طبیب بوده است (حجازی).

حاج شیخ عباسعلی مشایخی

عالم فاضل شیخ عباسعلی بن شیخ حسینعلی والد حجة الاسلام حاج شیخ محمد کاظم مشایخی، در سال ۱۳۶۷ ق از دنیا رفت (حجازی).

آیه الله آقا میرزا عباسعلی قاضی زاهدی

(مکرر شماره ۳۵ در جلد اوّل)

ایشان فرزند آیه الله آخوند ملا علی گلپایگانی و در سال ۱۲۸۵ هجری (ق) در شهرستان گلپایگان دیده به جهان گشوده و دروس مقدمات و اولیات را در محضر پدر عالیقدر خویش آموخت و بعد از رحلت والد ماجد به اصفهان عزیمت و از محضر استادانی همچون مرحوم حاج آقا نورالله وحاج سید محمد باقر درچه ای و ابوالمعالی کلباسی و سایر آیات و مراجع مشهور آن زمان کسب دانش کرده و در مدرسه صدر به تدریس اشتغال داشته و سپس به اتفاق چند نفر از جمله آیه الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی به نجف اشرف رهسپار و از درس مراجع عظام و بلند مرتبه آن حوزه مقدسه نیز

بهره‌های علمی و دینی فراوانی برده و بر اثر سعی بلیغ و استعداد ذاتی از محضر ذوات عالیقدر آیه‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیه‌الله آخوند خراسانی و آیه‌الله آقا میرزا محمد حسین نائینی به اخذ درجه رفیعۀ اجتهاد نائل و پیوسته به تعلیم و تعلّم علوم دینی مشغول و مدّتی هم کار ارشاد طلاب علوم دینی را و جبهه همت خود ساخته تا اینکه در حدود سال یکهزار و سیصد و بیست و چهار هجری به بیماری حصّه مبتلا و با وجود سختی مرض و قطع امید از بهبودی بر اثر عنایات خاص خداوند قادر متعال و توجه مولای متقیان امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام شفا یافته و چهل سال مهلت زندگی گرفت که البته این مراتب به صورت رؤیای صادقه بر آن بزرگوار کشف و این مکاشفه تا به هنگام نزدیک شدن مرگ مکتوم ماند.

فقید سعید بعد از بهبودی بنا به خواهش و دعوت اهالی گلپایگان و نواحی، ضمن مشایعت با شکوه دوستان و ارادتمندان به مسکن مألوف مراجعت و بقیۀ عمر شریف و پر برکت را به ترویج و تبلیغ احکام شرع نبوی صلی الله علیه و آله و مبارزه با حکام ظلم و جور و اجرای احکام و حدود الهی پرداخت.

آیه‌الله قاضی زاهدی همین که زمان خود را بر مبنای مهلت مقرر چهل سال رو به پایان می‌بیند چند روز قبل از فرا رسیدن اجل محتوم و پایان گرفتن زندگی عاریتی جریان مکاشفه خویش و شفا یافتن و مهلت گرفتن چهل ساله را برای عده‌ای از نزدیکان من جمله جناب آقا شیخ محمد حسن مثنوی خوانساری یکی از وعّاظ و روحانیون صاحب نام خوانسار که به عیادت معظم له آمده بودند چنین بیان می‌فرماید: در بحبوحه سختی حصّه و بحران مرض، که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردم در وضعی عجیب میان خواب و بیداری، بیهوشی و هشیاری، رختخواب خود را روی دریا می‌دیدم و آنچه نظر می‌نمودم جز آب و امواج سهمگین چیز دیگری در اطرافم نبود که ناگهان

ترشح آب و سردی مطبوع نسیم دریا مرا متوجه نقطه ای کرد که از آن سمت شبیحی به طرفم می آمد من به آن شبیح خیره شدم و چشم از آن برنمی داشتم تا به نزدیکم رسید بعد از سلام اظهار داشت، مأموریت دارم سه خواهش از شما برآورده کنم من در آن عوالم به نیروی الهام دریافتم شبیح که جعبه ای آهنین هم در دست داشت حضرت عزرائیل است، در جواب با ادای احترام گفتم مایلیم رفقایم را که در شهر شیراز به تحصیل اشتغال دارند ببینم این خواسته برآورده شد و همان آن خود را در شهر شیراز و بر پشت بام یکی از حوزه های علمیه یافتیم که بعضی از دوستانم آنجا مشغول بحث و فحص و مطالعه بودند، بعد خواستم رفقای که در شهر اصفهان دارم ببینم که این امر نیز فوری انجام پذیرفت و تقاضای سوم دیدن زادگاهم گلپایگان و کسانم بود که این درخواست هم بلافاصله صورت تحقق گرفت و باعث خشنودی خاطر من شد و در این موقع که همچنان بر روی دریا حرکت می کردم دوازده درخت سبز و تناور سر به فلک کشیده دیدم که هر لحظه یکی از آنها در آب می افتاد تا آخرین درخت، در این سیر و سلوک روحانی بودم که بغتة طنین زنگ ساعت حرم مطهر مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که در نزدیکی محل اقامت بود به گوشم رسید و این صدا باعث شد که توجهم به بارگاه قدس مولا و کسالت خطیرم معطوف شود تا به وسیله تمسک به آستان با عظمت آن حضرت از پیشگاه خالق ذوالجلال تقاضای شفای عاجل و تجدید حیات کنم ناگاه حضرت قابض الارواح دست را در جعبه آهنین که همراه خودش بود نمود مویی بسیار نازک و کوتاه را از درون آن جعبه بیرون آورده و فرمود عمر تو از این موی هم نازک تر بود ولی به وسیله التجاء و توسلی که نمودی و شفاعت مولا از شما، تا چهل سال دیگر در این دنیا خواهی بود همین که از شدت خوشحالی و هیجان زاید الوصف به خود آمدم عده ای از علمای اعلام را در

کنار بستر خود دیدم که به تلاوت آیات شریفه قرآن و قرائت اذکار و دعا از درگاه کبریایی حق جل و علا طلب بهبودی و عنایت را برای حقیر داشتند و از اینکه دعاها مستجاب و سلامتی اعاده شده بود همگی ما به درگاه حضرت باری تعالی سپاس گزاشتیم.

پس از بیان مکاشفه برای آقای مثنوی و عیادت کنندگان از آنها خواستار می شود تا ساعات پایان عمر را نزدشان بمانند و بعد از انجام مراسم تجهیز و تدفین به شهر خود بروند، بالاخره رؤیا به حقیقت می پیوندد و آن بزرگ مرد حقیقی، صبح روز جمعه اول رمضان المبارک یکهزار و سیصد و شصت و چهار قمری، دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به جوار رحمت خداوندی آشیان می گیرد و جنازه شان را پس از اداء نماز میت به وسیله حضرت آیه الله آخوند ملا محمد جواد صافی اعلی الله مقامه الشریف در میان انبوه جمعیت مردم در صحن مقدس هفده تن امام زاده های واجب التعظیم گلپایگان در یکی از حجرات شرقی آنجا مدفون می شود که تربت وی زیارتگاه اهل ایمان است.

قاضی زاهدی به طوری که علمای اهل گلپایگان و مردم نقل می نمایند گذشته از مقام عالی روحانیت و زهد و تقوی مردی کریم النفس و منیع الطبع و صاحب نفس بوده و بنابر اقوال معمرین در قید حیات کراماتی نیز از آن بزرگوار به منصبه ظهور می رسیده که برای مثال، خشکسالی و قحطی و گرانی سخت در سال یکهزار و سیصد و پنج شمسی را می توان به عنوان نمونه ذکر کرد که بر اثر مراجعه اهالی پریشان خاطر و خسته دل شهر و حومه به این مرد حق، و حرکت به طرف مصلی و انجام مراسم نماز و دعا، عاقبت با توسل این عنصر شایسته حق به مبدأ اعلی و خواهش سریع و التجاء به درگاه حضرت باری تعالی باران رحمت نازل و تشویش مردم برطرف می شود که این موضوع

ونظائر آن هنوز هم زبانزد مردم آن سامان می باشد، قاضی زاهدی همچنین به زیور کمالاتی آراسته بوده از آن جمله خط نسخ، نستعلیق، رقاع، ثلث و خط کوفی را خوش می نوشته و خوب می خوانده، خوشبختانه تحریرات و کتاب های خطی آن بزرگوار از طرف فرزند برومندشان، ثقة الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد قاضی زاهدی (که خود گرچه در کسوت روحانیت نیستند ولی از خدمتگزاران و مروّجان ساعی مذهب حقّه جعفری اثنی عشری علیه السلام است) و روی اعتقاد و اخلاص کامل به اعتلاء آیین مقدس اسلام به قم منتقل و به طور رایگان برای استفاده طالبین در اختیار آقایان طلاب حوزه علمیه قم گذارده شده است.

در خاتمه نیز ناگفته نماند که جناب مستطاب آقای محمد قاضی زاهدی علاوه بر صفای باطن و برخورداری از سجایا و فضائل اخلاقی و شایستگی، حسن خط را از پدر و الای خود به ارث برده و از خطاطان بنام هستند که هنر خود را در راه اشاعه مذهب و فرهنگ صرف و اخیراً کتاب پر ارزش کنز اللغات که از آثار پر ارج و مهم می باشد، به خط خوش نسخ و نستعلیق ایشان رقم خورده و در دسترس آقایان علمای اعلام و فضلالی حوزه های علمیه قرار گرفته است و از طرف آقایان مراجع عظام تقلید آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله العظمی نجفی مرعشی و از طرف کتابخانه های آستان رضوی و مجلس شورای اسلامی مورد تقدیر و تشویق کتبی قرار گرفته اند.

وایشان چون دروس حوزوی را تا اندازه ای خوانده اند و دارای سجایای اخلاقی و زهد و تقوای الهی هستند لذا آیات و حجج اسلام آیه الله شیخ محمد رضا رشاد زنجانی رحمه الله و آیه الله سید عبدالمجید ایروانی (ره) و آیه الله صدرای اراکی (ره) و آیه الله سیبویه که در خیابان شهید نامجو

امام جماعت بوده و یا هستند و حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد حائری گلپایگانی ایشان را مورد وثوق دانسته و اجازه کتبی به معظم له داده و مؤمنین را برای فراگیری احکام و مسائل شرعی و قرآن و تجوید و حدیث به ایشان ارجاع می داده اند.^(۱)

نوشته آقای حائری:

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين ولعنة الله علی اعدائهم اجمعين
الی قیام یوم الدین .

فبعد به عموم برادران دینی بالاخص کارکنان محترم دخانیات ابلاغ می شود که جناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین آقای محمد قاضی فرزند مرحوم آیه الله آقای آمیرزا عباسعلی گلپایگانی اعلی الله مقامه الشریف گرچه در سلک روحانی نیستند ولی روحاً از روحانین فاضل و متقی و متعهد بوده و می باشند ایده الله تعالی ، البته مؤمنین وجود ایشان را مغتنم شمرده و حدّ اکثر استفاده را نموده و از ایشان و امثال این گونه افراد لایق و بی شائبه تشویق و تقدیر و تشکر به عمل آورده و از حضور در جماعت و استفاده از بیاناتشان بهره مند گردند والسلام علیه وعلی جمیع اخوانی المسلمین ورحمة الله وبرکاته به تاریخ شهر صفر ۱۴۰۱ .

الأحق محمد الموسوی الحائری

(۱) آقای محمد قاضی زاهدی دایی جناب آقای ابراهیم قاضی زاهدی هستند .

عبدالجواد بن حاج ملا باقر سعید آبادی

کتابهای زبدة الاصول شیخ بهائی و تبصره و تهذیب الوصول علامه
حلی به خط او در ۱۲۶۹ و ۱۳۷۰ در کتابخانه سید حسن امام در گلپایگان
موجود است.

میرزا عبدالغفار

میرزا عبدالغفار بن ملا علی بن ملا غفار حدود ۱۲ سال در اصفهان
و ۱۴ سال در نجف تحصیل کرد و سپس به گلپایگان برگشت او در نجف با
حاج شیخ عبدالکریم یزدی هم‌دوره و هم‌درس بود و در زمان حیات حاج
شیخ از دنیا رفت. تولیت موقوفاتی در گلپایگان با او بوده است و برخی از
کتابهایش نزد برخی از احفادش موجود است و بقیه در بعضی از حوادث
به غارت رفته است (حجازی).

المیرزا عبدالغفار بن المولی علی گلپایگانی
كان من الفضلاء الاجلاء المشتغلين في طلب العلم في النحف إلا انه
جنّ وأعيد إلى بلاده.^(۱)

(۱) اعلام الشيعة سده ۱۴ ص ۱۳۱۲.

المولى عبدالغفور بن المولى شرفعلي بن المولى أحمد الجرفادقاني

والد المولى أبوطالب العراقي الكرازي.^(۱)

آية الله آقا شيخ عبدالكريم اسفرنجانى

عالمى ورع وفقهى بارع (داماد علامه آقا ميرزا رضا گلپايگانى) واز مروجين وخدمتگزاران بزرگ دينى بود تا در حدود ۱۳۳۰ ق به رحمت حق پيوسته^(۲).

الشيخ عبدالكريم الكلبيكاني

هو الشيخ عبدالكريم بن الحاج رضا الكلبيكاني عالم ورع وفقه بارع.

أصله من أسفرنجان على فرسخ من گلپايگان، كان صهر العلامة الميرزا رضا الكلبيكاني على ابنته، قرأ على مشايخ عصره وكبار مدرسيه حتى صار من الفقهاء الافاضل والعلماء الاعلام، وكان على غاية الورع والصلاح، تقياً ديناً عابداً زاهداً، اشتغل في ترويج الدين فكان من الموفقين وله خدمات مشكورة، وكان شديداً في الامر بالمعروف والنهي عن المنكر

(۱) اعيان الشيعة ۲/ ۳۶۷.

(۲) گنجينه: ج ۶، ص ۴۲۶.

مسموع الكلمة مطاعاً من قبل الجميع، يقيم الصلاة ويأخذ الزكاة فيوزعها على الفقراء والمستحقين، هكذا قضى عمره الشريف في تأدية الوظائف الشرعية واقامة الشعائر والاحكام الاسلامية الى ان توفي في حدود سنة ۱۳۳۰ هـ واقيم في مقامه ابن اخيه الميرزا محمد مهدي بن الميرزا محمد رضا. وابن المترجم له الشيخ محمد من الفضلاء الاجلاء.^(۱)

وهو اى الشيخ عبدالكريم أبو زوجة الآقا ضياء الدين بن السيد هداية الله وزوج عمته.^(۲)

ملا عبدالكريم

ابن شيخ محمد باقر جد شيخ محمد رضا اعجازى .

آخوند ملا عبد الهادى

قبل از ۱۲۸۲ از دنيا رفته است به ج ۱ ص ۴۸ رجوع شود.

(۱) در یادداشت های آقای حجازی آمده: حفيده الشيخ احمد من الفضلاء بقم وداماد او العالم الأديب ... سيد محمد على موسوى حجازى سعيدآبادى متوفى ۱۳۶۶ مى باشد.

حجازى

(۲) اعلام الشيعة: قرن ۱۴، ص ۹۶۰ و ۱۱۷۲ و ج ۵/ ۲۱۴.

حجة الاسلام والمسلمين شيخ عبدالله فياضی

متولد ۱۳۰۲ هـ ش و فرزند آقا شیخ رضا فیاضی فرزند آقا شیخ علی فیاضی هستم. ^(۱) از سن هفت سالگی در خدمت پدرم درس خواندم (مقداری قرآن، تجوید و فارسی) در سن ۱۲ سالگی پدرم مرحوم شد. روی علاقه ای که داشتم برای تحصیل از کنجدجان به گوگرد (مدرسه آقای وحید) آمدم. مدتی آنجا درس خواندم و بعد به اراک آمدم و مدت شش ماه در آنجا بودم. در آن موقع بنده ۱۷ ساله بودم و از آنجا به قم آمدم. دروس مقدماتی و سطح را در حوزه قم نزد مرحوم آقای شهید مفتاح و آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی و مجاهدی تبریزی و شهید صدوقی و حاج آقا روح الله کمالوند خرم آبادی و کفایه را نزد آقای مرعشی نجفی خواندم پس از خواندن دروس سطح عده ای از اهالی کرمانشاه آمده بودند که برای حوزه آنجا چند نفر طلبه و استاد ببرند که من هم یکی از آنها بودم.

مدتی که در کرمانشاه بودم یک سفر زیارتی به عتبات و نجف داشتم و به کرمانشاه برگشتم پس از آن که مدتی در آنجا بودم تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل به حوزه نجف بروم. و به نجف رفتم و این زمانی بود که مرحوم آقا سید ابوالحسن وفات کرده بودند من نزد مرحوم آقا جمال گلپایگانی یک درس فقه می خواندم و عصرها هم یک درس خدمت ایشان داشتم و یک وقت خواستم همراه ایشان بروم، گفت: آشیخ عبدالله کجا؟ گفتم: می خواهم در

(۱) پدرم منبری خوبی بود در ۴۵ سالگی از دنیا رفت و جدّم اهل علم و اهل معنی و کرامت بود

که داستانهای در کرامت او دارم.

خدمت شما باشم، فرمودند: نخیل هیچ کس حق ندارد دنبال من بیاید. مدت حدود شش ماه در نجف بودم که به تابستان برخوردیم. مرحوم آقا جمال به ما فرمودند تابستان هوای نجف با جوانها نمی سازد آمدم قم خدمت مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند. بعد مرحوم آية الله بروجردی مرا به کوه دشت خرم آباد فرستادند.

من دوست داشتم ادامه تحصیل بدهم، وبا اجازه آقای بروجردی برگشتم به قم و حدود چند سال درس فقه ایشان شرکت کردم.

از نظر تبلیغی مدتی به گلپایگان و بعد هم تهران می رفتم و بعد به کرج آمدم. که تا حال در کرج در محل میدان هفتم تیر مسجد الخدیجه هستم و کارهای تبلیغی و اقامه جماعت دارم.

در اوائل انقلاب مسئول پیگیری فرمان امام در همدان بودم و بعد هم مسئول جامعه روحانیت کرج شدم. در نجف به درس مرحوم آية الله خوئی (درس اصول) مرحوم آية الله حکیم (فقه) می رفتم.

عبد المحمّد صدر العلماء بن فتحعلی

شمس العلماء گلپایگانی

مؤلف «المنظومة النورانية في أسماء السور القرآنية». (۱)

(۱) ذریعه ۱۴۵/۲۳؛ معجم مؤلفی الشيعة ص ۳۶۴. متوفای ۱۳۵۹. منظومه او فارسی

است و در سال ۱۳۴۱ چاپ شده و در ذریعه ۱۴۵/۲۳ یاد شده است. (حجازی)

ابو احمد عبید اللہ

ابن احمد بن اسماعیل بن عبداللہ العطار الجربادقانی . در معجم البلدان ۱۱۸/۳ یاد شده است .
عبید اللہ بن احمد الجربادقانی . هذه النسبة الى بلدين ... والثانية بين اصبهان والکرج ومنها القاضي ابواحمد عبیداللہ بن احمد بن اسماعیل بن عبداللہ العطار الجربادقانی کان قاضیها . روى عنه ابوبکر بن مردويه الحافظ^(۱) .

حاج شیخ علم الهدی

فرزند ملا محمد تقی معراجی، متوفای حدود ۱۳۸۲ . (حجازی)

حاج شیخ علی اعجازی

فرزند حاج محمد جعفر و متوفای ۱۴۰۶، در حسینیه اسفرنجان مدفون است. (حجازی)

(۱) اللباب ابن اثیر، ج ۱/ ۲۶۹ .

حجة الاسلام والمسلمین سید علی بطحایی

آقای رازی در گنجینه گوید: از جمله دانشمندان معاصر گلپایگانی تهران جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی بطحایی است.^(۱) وی در یکی از مضافات گلپایگان متولد شده و پس از خواندن دروس فارسی و مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح اولیه و ادبیات و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه فرا گرفته و پس از تکمیل آن به درس خازج آية الله العظمی بروجردی و آية الله العظمی گلپایگانی شرکت و استفاده نموده و پس از وفات ابوالزوجه اش مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر فقیهی قزوینی به طهران منتقل، و در مسجد خیابان بی سیم نجف آباد به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد. وی دارای آثار عدیده مطبوع و غیره می باشد و از آنهایی که چاپ شده و یا نگارنده دیده ام کتب زیر است:

۱ - مناظره در حریم شریفین با دانشمندان اهل سنت.

۲ - آداب الحرمین.

۳ - تقریرات درس اساتید قم.

حضرت آقای محمودی امام جمعه محترم ورامین گوید:

ایشان چند سالی هم در نجف بودند با ایشان بسیار صمیمی بودیم در

(۱) در برخی یادداشت ها دیده ام که پدر ایشان حاج سید اسماعیل وجدّ اوّل ایشان حاج سید باقر بوده و این پدر و پسر در سفر مکه مریض شده و هنگام مراجعت به ایران در همدان از دنیا رفته و در همانجا به خاک سپرده شده اند.

سن ۵۷ سالگی مرحوم شد به زبان عربی تسلط داشت و مباحثات و مناظراتی با علمای اهل سنت در مکه و مدینه داشت.

یکی از فضلاء می نویسد:

گذری کوتاه بر زندگینامه فقید سعید عالم مجاهد حامی ولایت و ناشر فضایل علوی از طریق مناظرات و مباحثات بآلتی هی احسن مرحوم حاج سید علی بطحایی گلپایگانی قدس الله سره النورانی.

ایشان در سال ۱۳۴۵ قمری در گوگرد گلپایگان متولد شد و تحت تربیت والدین خود که پدر ایشان مرحوم حاج میر اسماعیل از افراد متدین و متقی بود قرار گرفت و تحصیلات مقدماتی را نزد اساتید معروف آنجا فرا گرفت در اثر شوق و علاقه به معارف دینی در حدود سن ۱۲ سالگی راهی شهر مقدس قم شد و چند سالی مشغول تحصیل ادبیات بود اما نفس بزرگ خود را قانع ندید. به خاطر شدت حب به مولایش امیر المؤمنین (علیه السلام) و علاقه به حوزه نجف با مشورت و راهنمایی آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) رهسپار آن دیار گردید و پس از هفت سال تلاش بی وقفه و سکونت در مدرسه مرحوم سید و مدرسه مرحوم آخوند و استفاده از اساتید مشهور آن زمان از جمله مرحوم آیه الله سید جمال گلپایگانی و هم بحث هایی چون مرحوم آقا سید احمد گلپایگانی و مرحوم آقای توسلی، در اثر سازگار نبودن آب و هوای نجف به قم مراجعت نمود و از محضر علمای بزرگ آن زمان آیه الله بروجردی و آیه الله سید احمد خوانساری و آیه الله داماد و آیه الله گلپایگانی و آیه الله خمینی قدس الله اسرارهم استفاده وافر برد تا به درجه والایی از علم رسید و به قول یکی از اساتید از جمله مستشکلین درس آیه الله بروجردی (ره) بود از جمله هم بحث های ایشان حاج شیخ علی آقا افتخاری می باشند که جناب

آقای افتخاری می فرمودند در بحث جواهر و کتب فقهی جهت فقهاتی و شمس الفقاهاه ایشان نسبت به سایرین مشهود و بر همگان روشن بود و زمانی که تصمیم ایشان برای مهاجرت به تهران به دستور حضرت آیه الله گلپایگانی را شنیدیم بسیار افسوس خوردیم که حوزه از وجود چنین افرادی خالی می گردد ایشان در تهران غیر از ارشاد و تبلیغ و مبارزه بی امان با گروه ضالّه بهائیت و صوفیه و روشنفکران غرب زده و گروه منحرف و هابیون داخلی و خارجی، مباحثات علمی خود را دنبال نمودند و از جمله هم بحثی های ایشان آقایان حاج سید مهدی خلخالی و حاج سید جواد علم الهدی و حاج شیخ محمود انصاری قمی و آقای وثوق و آقا سید محمد علم الهدی بودند.

و همچنین در مسافرتهاى متعدد به کشورهای مختلف از جمله عربستان و مصر و کویت و سوریه و لبنان ... مباحثات زیادی با افراد تحصیل کرده از جمله آقای بن باز مفتی عربستان داشت که بصورت جزوه ای به چاپ رسید. و مناظراتی هم با مفتی سوریه داشت، که مکرر اعتراف به حقانیت مذهب تشیع و اینکه عقاید مرا متزلزل ساختی می نمود.

جهت ترویج مکتب تشیع در مصر مباحثاتی با مسئولین اوقاف کشور مصر داشتند و هر کجا علیه دین و مکتب اهل بیت نوشته ای یا حرکتی انجام می شد با آن مقابله می کرد و از هیچکس و هیچ مقامی ترس و واهمه نداشت حتی با رژیم ستمگر پهلوی مبارزاتی داشت و مدتی هم دستگیر شد اما با شجاعت به دفاع می پرداخت.

در برخی کنفرانس های علمی که در کشورهای عربی تشکیل می شد ایشان خود را نماینده مکتب جعفری معرفی می کرد و به دفاع از اهل بیت می پرداخت و به همین جهت از طرف دولت سعودی ایشان ممنوع الورد

به آن کشور شده بود.

از ایشان چهار فرزند ذکور باقی ماند:

فرزند ارشد ایشان دکتر سید محمد تقی بطحایی یکی از اساتید دانشگاه
خواجه نصیر و داماد مرحوم آیة الله حاج حسن آقا سعید تهرانی می باشد.

فرزند دوم ایشان سید محمد رضا بطحایی که از جمله محصلین درس
خارج آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی می باشد.

فرزند سوم سید حسین بطحایی که پس از گذراندن سطوح عالیه به امر
قضاوت مشغول می باشند.

فرزند چهارم شهید سید محمد حسن بطحایی که پس از گذراندن
مقداری از دروس ادبیات با شروع جنگ تحمیلی از قم به جبهه اعزام در سال
۵۹ در جبهه به فیض شهادت نائل آمد.

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی ابطحی در سال ۱۴۰۰ هـ. ق
در اثر تصادف اتومبیل در گذشت و در قبرستان شیخان قم نزدیک قبر مرحوم
میرزای قمی (ره) به خاک سپرده شد.
تألیفات او:

- ۱- المناظرات فی الحرمین الشریفین. مکرر چاپ شده و ترجمه فارسی آن نیز چاپ شده است و به اردو هم ترجمه شده است.
- ۲- آداب الحرمین. مکرر چاپ شده.
- ۳- اماکن متبرکه واقع در مدینه و مکه و شام. (فارسی)
- ۴- تقریرات درس اصول فقه آیة الله محقق داماد (ره).
- ۵- تقریرات درس اصول فقه امام خمینی (ره).
- ۶- تقریرات درس طهارت آیة الله گلپایگانی (ره).
- ۷- تقریرات درس صلاة آیة الله بروجردی (ره).

۸- مردان نامی شیعه.

۹- فضائل القرآن.

۱۰- کتاب الغیة (مکاسب).

آقای حاج شیخ علی قرنی^(۱)

آقای محمد حسین قرنی درباره وی می نویسد:

مرحوم مغفور حجة الاسلام آقا حاج شیخ علی قرنی گلپایگانی طاب
 ثراه در تاریخ ادریبهشت ماه ۱۲۹۳ هـ. ش ۱۳۳۳ هـ. ق در قریه گوگرد از
 توابع گلپایگان متولد شد. پدرش مرحوم آخوند ملا محمد ابراهیم قرنی از
 روحانیون خوشنام و مورد اعتماد مردم بود خواندن و نوشتن و قرآن را در
 مکتب خانه های محل آموخت و در نوجوانی در مدرسه مرحوم آیه الله میرزا
 هدایت الله وحید (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از طی مقدمات
 در سال ۱۳۵۷ هـ. ق به قم هجرت کرد و در حوزه درس آیه الله گلپایگانی
 و آیه الله مرعشی نجفی و آیات ثلاث: مرحوم آیه الله سید محمد تقی
 خوانساری (ره) و مرحوم آیه الله صدر و مرحوم آیه الله حجّت شرکت
 و بهره مند گردید.

با ورود مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در محضر درس آن فقیه عظیم
 حضور یافت.

سفری به نجف اشرف داشتند و مدت چهار سال از درس اساتید آن دیار
 مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ محمد علی کاظمینی صاحب تقریرات

(۱) شرح حال ایشان در مجله آینه پژوهش نیز به قلم آقای ناصرالدین انصاری آمده است.

وخصوصاً مرحوم آیه‌الله العظمی خویی استفاده کردند و پس از مراجعت، در قم ساکن و حسب امر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی در مسجد گلشن محله لب چال قم به اقامه جماعت پرداختند و بیش از دو سال بعد از نماز جماعت مرحوم آیه‌الله العظمی گلپایگانی همه شب در مسجد بازار حسین آباد قم منبر می‌رفتند که با پیشنهاد مرحوم حاج آقا مهدی آیه‌الله زاده گلپایگانی مطالب منبر مکتوب می‌شود و به نام زبدة المنهاج فی اسرار المعراج به چاپ می‌رسد و مورد استقبال قرار می‌گیرد و به این ترتیب ذوق تألیف در ایشان قوت می‌گیرد.

دومین اثر ایشان به نام منهاج الدموع در مقتل است که بسیار مورد توجه مخصوصاً طلاب و اصحاب منبر قرار می‌گیرد اثر سوم آن مرحوم در اخلاق به نام منتهی المقال است و بعدها کتابهای متعددی تألیف کردند مثل سوغات سفر در سه مجلد در اصول دین و منهاج السرور در شش جلد و منهاج البیان و منهاج الدین و منهاج الجنان و منهاج الولاية و پیوند دو گل و آئینه عمر و در المنظوم.^(۱)

آن مرحوم دارای ذوق شعری بودند و اشعار متنوع و متعددی سرودند که در المنظوم و آئینه عمر از آثار منظوم آن فقید است. بعد از وفات مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی حسب الامر مرحوم آیه‌الله العظمی گلپایگانی و درخواست مردم شهریار به آن منطقه هجرت کردند و به اقامه جماعت و تبلیغ پرداختند و طی اقامت بیش از سی ساله خود در شهریار آثار خیر متعددی به یادگار گذاشتند:

احداث مسجد جامع شهریار.

(۱) از وی کتاب دیگری به نام: داستان پیامبران در سه جلد چاپ شده است. (زمانی نژاد)

احداث مسجد ولیعصر علیه السلام در کرشته شهریار .

احداث مسجد حاج حسن شهریار که عظیم ترین مساجد منطقه است از آثار آن مرحوم است . مساجد متعددی در قراء اطراف بنا کردند . قبرستان عمومی شهریار به نام بهشت رضوان به همت ایشان احداث گردید و مرقد مطهر امامزاده اسماعیل علیه السلام را که شدیداً مورد احترام و اعتماد مرحوم بود و گلزار شهدای شهر است تجدید بنا کردند .

اصلاح امور مردم مورد اهتمام جدی ایشان بود ، زندگی زاهدانه آن مرحوم و سلامت نفس و صداقت و بی پیرایگی و بی تکلف بودن برای ایشان پایگاه منحصر به فردی در بین مردم ایجاد کرده بود و بالاخره آن فقید سعید در اول اردیبهشت ماه ۱۳۷۷ هـ ش دار فانی را وداع گفت و با تشییع بسیار عظیمی در جوار مرقد شریف امامزاده اسماعیل علیه السلام دفن گردید (طوبی له و حسن مآب) .

لازم به ذکر است که از سه سال قبل از پیروزی انقلاب تا چهار سال بعد از انقلاب عهده دار اقامه نماز جمعه هم بودند .

العاصی محمد حسین قرنی

آقا سید علی گلپایگانی

در نجوم السماء گوید: از مجتهدین مسموع القول آن خطّه بود . کذا
فی المآثر^(۱)

(۱) نجوم السماء: ج ۱ ص ۳۸۹ .

علامه طهرانی می نویسد:

من العلماء الاجلاء الرؤساء المذكور في المآثر والتكملة وقرأ على صاحب الجواهر والشيخ المرتضى والشيخ راضی واجيز منه ورجع الى قزوین ۱۲۸۰ وکان بها الى ان توفي ۱۲۹۸ سادس محرم وحمل الى الحائر في مقبرة السيد ابراهيم صاحب الضوابط بالصحن الصغير.^(۱)

در المآثر والآثار که در ۱۳۰۶ تألیف شده در باب شرح حال معاصرین خود گوید: از مجتهدین مسموع القول آن خطه بود.^(۲)

آية الله حاج شيخ على افتخاری

حقیر علی افتخاری فرزند مرحوم ثقة المحدثین ملا حیدر آقا فرزند آقا ملا حبیب متولد سال ۱۳۰۴ شمسی در گلپایگان می باشم.

دوران قبل از تکلیف را در یک خانواده بی بضاعت و تهی دست، لکن اهل علم و حدیث به تحصیل ابتدایی تا کلاس شش و بعد دبیرستان، در شهر گلپایگان سپری نمودم.

مقارن ایام بلوغ پدرم به رحمت الهی واصل شد و از رفتن به دبیرستان باز ماندم. توفیق الهی شامل حال حقیر شد و به روستای گوگرد که در یک فرسخی شهر گلپایگان است برای تحصیل حوزوی رفتم، در آن روستا مدرسه علمیه حوزوی توسط مرحوم آية الله وحید اداره می شد دو ماه تابستان را در آن مدرسه مشغول تحصیل شدم و چون امکاناتی نبود پیاده

(۱) اعلام الشیعة: قرن ۱۳ ج ۳ ص ۱۱.

(۲) ص ۱۷۸.

می رفتم و پیاده برمی گشتم، در این مدت دو ماه نصاب و بعضی کتب مقدمات را خواندم در آن اوان فوت مرحوم آیه الله اصفهانی اعلی الله مقامه اتفاق افتاد، با یکی از دوستان عازم قم شدم و در مدرسه فیضیه در حجره قمیین که اولین حجره مدرسه فیضیه بود به من جا دادند، حجره بسیار نم داشت و غیر از یک زیلوی کاشانی چیز دیگری از فرش نداشت زمستان بود و هوا سرد و حوض مدرسه یخ زده بود. زیر انداز و روانداز حسابی نداشتم، بهر حال مدتی در آن حجره ماندم. از خاطرات این حجره این است که سحرگاهی زمستانی آیت الله بروجردی به این حجره تشریف آوردند و نیم ساعتی در گوشه حجره نشستند و بعد از باز شدن درب صحن عتیق تشریف بردند و این دیدار تفصیلی دارد که مجالی می خواهد تا توضیح دهم. و سپس به حجره آقایان اخوان عالمین آیتین صافی دامت برکاتهما که در قسمت فوقانی بود و آنها به منزل منتقل شدند، نقل مکان کردم و چند سالی در آن حجره با صدیق و رفیق خود آقای حاج شیخ جلال طاهر شمس گلپایگانی زندگی را ادامه دادم و سپس با دختر مرحوم حجة الاسلام آقای آقا محمد نخعی گلپایگانی ازدواج کردم و به منزل منتقل شدم و چند سال را با استیجار به سر بردم و چند منزل در این چند سال عوض کردم تا آنکه در سال فوت مرحوم آیه الله بروجردی رحمة الله علیه منزلی در صفائیه تهیه کردم که تا حال که سال ۱۴۱۶ هـ ق است در این منزل بسر می بردم.

اما مراحل درسی و اساتید:

مقداری از مقدمات را در گلپایگان نزد اساتید وقت مرحوم حاج شیخ علی قرنی و مرحوم آیه الله آقای سید محمد حائری گلپایگانی خواندم. قسمتی از سیوطی و مغنی و حاشیه و شمسیه را در قم نزد مرحوم شهید

مفتح و مرحوم آقای حاج آقا مهدی حائری یزدی و آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی تلمذ نمودم. کتاب شرح لمعه را در محضر مرحوم شهید آیه الله صدوقی و کتاب معالم را نزد مرحوم آیه الله حاج شیخ احمد غروی سبط الشیخ، و مقداری مطوک را نزد آیه الله منتظری و آقای حاج شیخ عزیز الله نهاوندی و قسمتی از فصول را خدمت آقای حاج شیخ مهدی مازندرانی طاب ثراه و کتاب رسائل را خدمت آقای حاج شیخ عبدالجواد سدهی و آقای حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی و آقای حاج شیخ عبدالرزاق قائینی «قدس اسرارهم» خواندم و کتاب مکاسب را خدمت آقای حاج سید حسن مدرس یزدی و جلدین کفایه را خدمت آیه الله سلطانی و مرحوم آیه الله مجاهدی خواندم. و مکاسب محرّمه را با آیه الله ستوده مباحثه می کردیم.

قسمتی از منظومه حکمت سبزواری را خدمت حضرت آیه الله بهجت گیلانی فومنی و قسمتی از اسفار را خدمت آیه الله علامه آقای سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله تلمذ کردم.

قسمتی از کتاب شرح تجرید را خدمت مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری و قسمتی را نزد آقای حاج شیخ عبدالرزاق قائینی و قسمتی از آن را خدمت آقای حاج سید محمد حسین قاضی تبریزی خواندم. جلسات تفسیر مرحوم آیه الله علامه طباطبایی را شرکت می کردم.

چند سال بعد از فوت مرحوم آقای اصفهانی به نجف اشرف مشرف شدم. خارج مکاسب را در درس مرحوم آیه الله العظمی حاج سید جمال الدین گلپایگانی و آقای حاج میرزا حسن یزدی شرکت داشتم یک سال و نیم که در نجف بودم در مدرسه حاج خلیلی و مدرسه صدر سکونت داشتم. درس خارج مرحوم آقای خوئی را از اول مباحث الفاظ تا آخر مفاهیم

را تقریر نموده ام و یک ماه رمضان درس آقای حاج شیخ حسین حلی، بحث فقه و درس خارج فقه آقای حاج میرزا باقر زنجانی و درس صلات و طهارت مرحوم آیه الله شاهرودی را حاضر شدم. در نجف خیارات مکاسب را با شهید حاج شیخ مرتضی بروجردی مباحثه می کردیم.

در مراجعت به ایران دو درس مرتب حاضر می شدم یکی درس حضرت آیه الله بروجردی رحمه الله و دوم درس مرحوم آیه الله گلپایگانی «قدس سره» این دو درس فقه بود، و در درس اصول مرحوم امام خمینی «قدس سره» شرکت می کردم. و بیشتر مباحثاتم در قم با آیات الله: سید علی بطحانی، صابری همدانی و سید محمد علم الهدی بود.

تألیفات چاپ نشده این جانب:

۱- رسالة في الفرق بين قاعدة الفراغ والتجاوز - تقریر درس مرحوم آیه الله العظمی بروجردی (قده).

۲- رسالة تعلیقية على خیارات المكاسب للشيخ رحمه الله - تقریرات البحث الاستاذ گلپایگانی (قده).

۳- ثلاث رسالات في الحج - تقریر بحث الاستاذ گلپایگانی (قده) و خود آن مرحوم تصحیح کردند به خط خودشان.

۴- ابحات تفسيرية موضوعية من القرآن الكريم - تقریر بحث الاستاذ العلامة الطباطبائي (قده).

۵- رسالة اصولية - بحث الاستاذ الامام الخميني (قده) في الاصول.

۶- تفسير آیات الامثال من القرآن الكريم، وهو كتاب نفيس.

۷- اربع مجلدات في خطبات يوم الجمعة في اربع سنوات.

۸- كتاب عظيم القدر في احوال الامام الغائب (عج).

۹- رسالات متعددة تتعلق بسحور شهر رمضان وإيامه .

۱۰- رسالات متعددة في احوال الائمة الاثنى عشر عليهم السلام .

تألیفات چاپ شده :

۱- رسالة كبيرة في امهات مسائل الحج (آراء المراجع في الحج) . طبع

چهارم .

۲- كتاب صغير كثير الفائدة في آداب الحج (قبل از حج بخوانید) .

چاپ دوازدهم .

۳- حج الانبياء والائمة عليهم السلام - عربی .

۴- الحج والعمرة ومعرفة الحرمين - عربی .

۵- احكام عمره . بیش از ده بار چاپ شده .

اجازات از آیات عظام :

حكيم (قده) . حاج سيد عبدالهادی شیرازی (قده) . حاج سيد جمال

گلپایگانی (قده) . حاج سيد محمد رضا گلپایگانی (قده) . حاج شيخ محمد

علی اراکی (قده) .

ومن الأحياء :

اجازه آية الله بهجت . آية الله تبریزی . آية الله روحانی . آية الله شیرازی .

آية الله منتظری . آية الله سيستاني ، آية الله صافی .

به فضل ولطف الهی و عنایت ائمه معصومین عليهم السلام بیش از سی سفر

به حج مشرف شدم و تا حال که سال ۱۴۱۶ هـ ق است دو سفر برای عمره

مفردۀ توفیق حاصل شده و نسأل الله تعالى ان یرزقنی حج بیتہ الحرام فی عامی هذا و فی کل عام وان یرزقنی زیارة قبر نبیہ ﷺ والائمة المعصومین ﷺ .
 بیست مرتبہ در بعثہ حج مراجع عظام برای جواب مسائل حجاج بودہ ام .
 سفرهای متعدد بہ اعتاب مقدسہ نجف و کربلا و کاظمین و سامرا داشتہ
 و تشرّف حاصل نمودہ ام .

خدمات حوزوی :

۱- چهل سال در محضر حضرت آیۃ اللہ العظمی گلپایگانی (قدہ)
 و شرکت در جلسہ استفتاء و خدمتگزاری اهل فضل و اهل علم بودم .

۲- در دورہ اول شورای عالی حوزہ و دورہ سوم ، جزء اعضای شورا
 و از خادمین طلاب بودم .

۳- چندین سال است کہ در جلسات امتحانیہ طلاب در سطوح عالیہ
 پایه های هشتم و نهم و دهم شرکت می نمایم . و این شرکت بعد از فوت
 مرحوم آیۃ اللہ گلپایگانی (قدہ) است و قبل از آن بہ امر معظم لہ امتحان
 مستقلی برای طلاب بی شہریہ و نظارت در جلسات امتحانیہ داشتم .
 یک ماہ رمضان در معیت حضرت آیۃ اللہ گلپایگانی در لندن اشتغال
 بہ تبلیغ داشتم .

دو بار در ایام جنگ تحمیلی عراق علیہ ایران بہ جیبہ جنوب رفتم و دو
 بار ہم در جیبہ غرب شرکت کردم .

و هر کدام از این سفرهای زیارتی و اعتاب مقدسہ و سفرهای دیگر
 شرحی مفصل دارد کہ نہ حال شرح دارم ونہ مجال .

باید بگویم کہ ایام عمر سرآمد و چیزی از نسیم انسانیت و آدمیت
 استشمام نکردم . عمرم در غفلت و گناہ سپری شد و اگر نباشد فضل و رحمت

الهی گرفتار عقوبت خواهم بود.

تاریخ ولادت ۱۳۰۴ و در این روزهای آخر سال ۱۳۷۴ بر حسب شناسنامه هفتاد سال تمام می شود و من روسیاه هفتاد روز اطاعت هم ندارم چه رسد هفتاد سال.

وصیت:

اگر خداوند متعال اجل مرا در حرمین شریفین قرار داد در همان حرمین دفن شوم و اگر در قم اجل رسید، اگر ممکن باشد در مقبره شیخان جنب قبر فرزند شهیدم محی الدین قرار دهند و اگر در گلپایگان پیک اجل رسید در خود قبر پدرم دفن کنند.

وصلی الله علی محمد وآل محمد.

العبد العاصي الذليل علي بن حيدر الافتخاري عفی عنهما
ایشان همیشه مقید بودند که در ایام ماه مبارک رمضان جهت تبلیغ وارشاد به گلپایگان رفته و در مسجد مرحوم حجة الاسلام به اقامه جماعت و تبلیغ می پرداختند. که سالها ادامه داشته است. مدتی هم امام جمعه گلپایگان بودند.

و فعلاً از مدرّسان سطوح عالیه و در دو مسجد، ظهر و شب اقامه جماعت می کنند و نماز جماعت ایشان از شکوه خاصی برخوردار است و همواره مورد احترام خاص حوزویان بوده اند.

آخوند ملا علی قاضی زاهدی (مکرر شماره ۳۳ در جلد اول)

آیه الله آخوند ملا علی بن شیخ عباس بن ملا علی قاضی زاهدی گلپایگانی اعلی الله مقامه فقیهی بزرگوار و دانشمندی عالی مقدار و برای مردم گلپایگان مایه افتخار بوده تحصیلات خود را در حوزه اصفهان به پایان رسانیده و به شهر خود برگشته و برای استكمال در درس بحر مواج حجة الاسلام ملا زین العابدین گلپایگانی حاضر می شده و مورد توجه و عنایت کامل آن جناب بوده تا جایی که وی را می ستوده و اموراتی را به ایشان ارجاع می فرموده چند سال بعد از فوت استاد بزرگوارش در عتبات وفات نموده است و آن مرحوم دارای چهار فرزند روحانی بوده است .

آخوند ملا علی عالمی

جدّ حجة الاسلام والمسلمین عالمی که اکنون در لندن مشغول انجام وظیفه می باشد . ایشان در شید آباد بوده است .
ملا علی بن حسین عالمی متوفای ۱۳۴۵ق ، در قبرستان شید آباد مدفون است . (حجازی)

ملا علی سرآوری

آخوند ملا علی بن حسین بن ملک محمد بن قاسم سرآوری مظاهری از شاگردان حاج میرزا محمد مهدی محمدی اسفرنجان‌ی بود که در اواخر عمر

به نجف رفت و در آنجا مقیم شد. و بالاخره در سال ۱۳۵۴ ق در گلپایگان درگذشت و در پایین مسجد مدفون شد.
فرزندش حاج ملا قربان مظاهری ساکن سرآور گلپایگان بود (حجازی).

حاج ملا علی عمیدی

آیه الله حاج آقا رضا قاضی زاهدی از شاگردان او بوده است.

آقا شیخ علی گلپایگانی

عالمی فاضل و پرهیزکاری مقدس و بسیار خدوم و بزرگوار بوده و در ۱۳۲۰ ق از دنیا رفت^(۱).

الشیخ المولی علی کلایکانی

عالم فاضل و ورع تقی، قرأ علی علماء عصره حتی ان نال حظاً وافراً من المعرفة والفضل، وعاد الی کلایکان فتصدر للفادة فأصاب مرجعية في الامور ووجهة عند الخاصة والعامة، وكان ديناً صالحاً يحرص علی خدمة الشرع وبذل المعونة للمحتاجين والضعفاء من المؤمنين، الی أن توفي قرب سنة ۱۳۲۰ هـ. وكان ولده الميرزا عبدالغفار من الفضلاء الاجلاء المشتغلين في طلب العلم في النجف إلا أنه جنّ وأعيد الی بلاده.^(۲)

(۱) گنجینه: ج ۶، ص ۴۲۶.

(۲) اعلام الشیعة: قرن ۱۴، ص ۱۳۱۲. و به ص ۹۸ رجوع شود.

حجة الاسلام والمسلمين حاج ملا علی بن حاج غفار (عمیدی)

عالمی جلیل و فقیهی بی عدیل بوده از شاگردان مرحوم آیه الله حاج ملا علی کنی و نسبش به شیخ بهاء الدین عاملی منتهی می شده و در حدود سال ۱۳۲۷ وفات نموده و از آثار باقیه او مسجدی است در گلپایگان.^(۱)
وی از اساتید آقا رضا قاضی زاهدی بوده است.

حاج شیخ علی صفائی گلپایگانی

در نجف و قم تحصیل کرد و بعد جهت تبلیغ به تهران رفت و امام جماعت مسجد سید خندان بود و منبر هم می رفت وی مورد عنایت آیه الله گلپایگانی (ره) بوده و چند سالی هم ایشان به عنوان مدیر کاروان، حجاج را به خانه خدا می برد و در این رشته معروف شده بود.

حاج ملا علی

فرزند اسدالله بن حاج عابد درّی معروف به صدر الأفاضل از علما و معلمان دانشمند بوده در سال ۱۳۳۷ ق وفات نموده و در قبرستان قازید

(۱) گنجینه: ۵۰۸/۷. جنازه او مدتی در مسجد وی امانت بوده و سپس به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام به خاک سپرده شد او از شاگردان حاج ملا علی کنی و میرزا ابوالحسن جلوه بوده و آیه الله حاج سید جمال گلپایگانی و آقا رضا قاضی زاهدی نزد او درس خوانده بودند. (حجازی)

مدفون است.

آقای افاضلی مؤلف کتاب توشه ای از تاریخ گلپایگان و کتاب گلپایگان در گذر زمان نواده برادر وی است و نام خانوادگی افاضلی از مرحوم صدراالافاضل گرفته شده است.^(۱)

حجة الاسلام حاج شیخ علی مولایی گلپایگانی

وی مردی خلیق و متواضع و خدمتگزار بود. در ۱۴۰۶ (یا ۱۴۱۶) وفات کرد و قبر او در امامزاده عمران بن علی در گوگرد است.

سید علی گلپایگانی جد سید اسماعیل گلپایگانی

پس از تحصیل دوره مقدمات برای تکمیل و تحصیل دوره عالی از گلپایگان به دار العلم بروجردهجرت می کند و ...^(۲)

آخوند ملا علی قالقانی

آیه الله آقا سید جمال گلپایگانی و حجة الاسلام حاج آقا طاهر حجازی نزد او درس خوانده اند. در قالقان جلو مسجد کوچک جلو منزلش دفن شده است.

(۱) توشه ای از تاریخ گلپایگان ۱۸۸، و گلپایگان در گذر زمان ۱۴۲.

(۲) تاریخ بروجرده ۵۸۸/۲.

وی پدر حاج میرزا محمد شهامت متوفای ۱۳۶۹ می باشد که در امامزاده ابراهیم سعید آباد مدفون است .

فرزند دیگرش حجة الاسلام آقا شیخ اسماعیل بن ملا علی قالقانی متوفای ۱۳۱۳ ش در امامزاده ابراهیم سعید آباد مدفون است .

آقا ضیاء فرزند آقا شیخ اسماعیل از خوشنویسان بوده و شعر هم می سروده است (حجازی) .

آخوند ملا علی

هم دوره و هم حجره میرزای شیرازی و ابو الزوجه آخوند ملا محمد جواد صافی وجدّ مادری آية الله حاج شیخ لطف الله صافی است .

آقا شیخ علی گلپایگانی

شاگرد ملا زین العابدین گلپایگانی بوده و کتابی به نام حقائق الاصول فی تحقیق الحق وردّ الفضول دارد که نسخه آن در کتابخانه آستان قدس رضوی است (از کتابهای کتابخانه آية الله سید مصطفی خوانساری بوده است) .

ملا علی کریمی

ساکن رباط ابلولان بود برادرش میرزا علی رضا عالمی سخنور، و برادر دیگرش آقا میرزا محمد بود .

ملا علی پدر مادر حجة الاسلام والمسلمین حاج سید رضا حسینی

گلپایگانی (امام جماعت مسجد جامع گلپایگان) است^(۱) از ویژگی های او تواضع، اهمیت به امر به معروف و نهی از منکر و گریه فراوان در مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود.

ملا علی اکبر گلپایگانی

فرزند محمد باقر متوفای ۱۳۳۱ق در گلپایگان مدفون است (حجازی)

میرزا علیخان گلپایگانی

حزین لاهیجی می نویسد: از اعظام بلده گلپایگان و از مستفیدان رئیس العلما آقا حسین خوانساری بود. به فضایل صوری و معنوی آراسته، ذهن دقیقش کشف غوامض حقایق و سلیقه مستقیمش در هر فن به استقلال و به استحقاق فایق. تعلیمات شریفه و فوائد ارجمند دارد و در شعر و انشا افاضت مآب، به غایت دقیقه سنج و نکته یاب بود.

هنگامی که از اصفهان عزم گلپایگان داشت به منزل والد علامه اعلی الله مقامه آمده روزی چند مقام نموده وداع فرمود. در آن ایام فقیر را سعادت حضور ایشان حاصل آمد. چند سال دیگر هم به صفای خاطر در گلپایگان زندگانی نموده در همان بلده به جنت جاودان انتقال فرموده.

بنابر نقل تذکره نصرآبادی به علت دارا بودن تقوا و حسن اخلاق به شیخ الاسلامی گلپایگان برگزیده شد ولی به علت آزار واذیت مردم این شهر استعفا داد. نقل است که این شهر در تیول شخصی به نام حسین قلیخان

(۱) نقل از حاج سید رضا حسینی گلپایگانی.

بود، وی ملازمی داشت که به آدم خوار مشهور بود، حسین قلیخان حاکمیت شهر را به این شخص واگذار کرد کسی در مجلس آقا حسین خوانساری می گفت که شخصی آدم خوار نام داروغه گلپایگان شده است ایشان فرمودند که از گرسنگی خواهد مُرد.

دور از تو ز رشته های آه سحری

بستم کمر خویش به عزم سفری

دانم که به پای خود به جایی نرسم

چون خار روم مگر به پای دگری^(۱)

میرزا علی خان بن ذوالفقار گلپایگانی، پسر عمه آقا حسین و از جمله شاگردان وی می باشد که مدتی نیز نزد علامه مجلسی تلمذ کرده و به تاریخ (۱۰۹۷ یا ۱۰۹۳ق) اجازه ای از او دریافت نموده.^(۲)

میرزا علی خان بعد از گذراندن مراتب علمی به گلپایگان بازگشت و تا حدود سال ۱۱۳۰ق که در آنجا وفات کرد در همان دیار زندگی می کرد.

حضرت آقای حسینی می نویسد:

علي خان بن ذوالفقار الكلبيکاني

عالم كبير جامع للفضائل الصورية والمعنوية متّصف
بالصلاح والساداد منشئ له خطب فارسية وعربية، جيد الشعر بالفارسية.
تتلمذ على العلامة المجلسي وآقا حسين المحقق الخوانساري، من

(۱) تذکره حزین: ۲۵۷.

(۲) منابع: ریاض العلماء ج ۴/ ۱۸۶ - ۱۸۷؛ روضات الجنات ج ۴/ ۲۱۳؛ اعیان الشیعة ج ۸/ ۲۶۸؛ الکواکب المنتشرة ص ۵۰۱ - ۵۰۳. دانشمندان خوانسار، ص ۱۴۱.

مقروءاته علی المجلسي کتاب (تهذيب الاحکام) فاجازه في شهر جمادی الاولى سنة ۱۰۹۷ (أو ۱۰۹۳). کان شیخ الاسلام بمدينة کلبایکان ومرجوعاً في الامور الشرعية وغيرها. له (شرح القصيدة العينية للحميري^(۱)) و(ديوان شعره) .. توفي بکلبایکان نحو سنة ۱۱۳۰.^(۲)

علامه مجلسی در اجازه ای که در سال ۱۰۹۷ برای وی نوشته اورا با این عبارت وصف کرده است: السيد الاید الحسیب النسیب الادیب الفاضل الکامل المتوقد الزکی البارع اللمعی الامیر علی خان الجرفادقانی.^(۳)

در ترجمه کتاب فیض قدسی ص ۱۶۸ در زمره شاگردان علامه مجلسی نام «امیر علیخان گلپایگانی» ذکر شده است.

مرحوم محدث نوری گوید: علامه مجلسی (استادامیر علیخان گلپایگانی) در پایان کتاب تهذیب - که آن را در جلساتی چند که آخرینش ماه جمادی الاولى سال ۱۰۹۷ بود، بر وی قرائت نمود. به خط شریفش او را با تعابیر «سرور توانا، شایسته بزرگوار، خردمند هنرمند، فاضل کامل، فروزان فکر وپارسای تیزهوش» ستوده است. در این کتابها یاد شده است:

روز روشن. محمد مظفر حسین صبا. ص ۵۶۷؛ شمع انجمن.
محمد صدیق حسن خان. ص ۳۲۰؛ صبح گلشن. علی حسن. ص ۲۹۲؛
فرهنگ سخنوران. عبدالرسول خیامپور. ص ۴۰۳؛ قاموس الاعلام.

(۱) نسخه آن در کتابخانه شیخ علی حیدر مؤید موجود است. به فهرست آن کتابخانه ۳/ ۳۸۰ رجوع شود.

(۲) تلامذة العلامة المجلسي والمجاوزون منه، ص ۴۳.

(۳) اعلام الشيعة: سده ۱۲، ص ۵۵۰

شمس الدین سامی . ص ۳۱۹۳؛ نجوم السماء . صص ۲۰۲-۲۰۴؛
نصرآبادی . محمد طاهر نصرآبادی . صص ۱۸۵-۱۸۶ .
الفیض القدسی ، ص ۱۰۱ ، الكواكب المنتشرة مخطوط ، زندگینامه
علامه مجلسی ۵۹/۲ .

شیخ علی نقی کمره ای گلپایگانی

از معارف شعرای غزل سرای کمره بوده و بیشتر ایام در کاشان
می آسوده ، طبع خوشی داشته ، مضامین عاشقانه در غزلیات مندرج
می کرده . از اوست :

وای بر جان خلایق اگر آرند به حشر
عوض روز قیامت شب تنهایی را

ای مرغ چمن بخروش کامد به چمن غنچه
شد غنچه گل و گل نیز بردند به دامانها

از سرکوبش به آسانی گذشتن مشکل است
ای رفیق آهسته تر کاینجا مرا پا در گل است
دست وپایی می توان زد بند اگر بر دست وپاست
وای بر جان گرفتاری که بندش بر دل است
مختلف دانی چرا خار و گل از گلزار خاست
از گل معشوق گل وز خاک عاشق خار خاست

ای اجل روز فراق آمد و دلسوزی نیست
من اگر کشتیم بهتر از این روزی نیست

تا خط ز رخس سر زده با من سخنش نیست
چندان به خود افتاده که پروای منش نیست
ای کبوتر تو که سر پنجه شاهینت نیست
با خبر باش که آواز پری می آید^(۱)

ملا غلامرضا مجتهد گلپایگانی

در کتاب خاندان محسنی اراکی وی از شاگردان آیه الله حاج آقا محسن
عراقی متوفای ۱۳۲۵ دانسته شده است.^(۲)

فخر الدین بن ابی القاسم گلپایگانی

کتابی به نام «کشف القناع عن أحوال الأقالیم والبقاع» دارد که در
۲۲۰ صفحه در بمبئی چاپ شده است.^(۳)

(۱) مجمع الفصحاء ص ۱۰۳. در کتابخانه ملک دو نسخه به نام دیوان و دو نسخه به عنوان
اشعار و یک نسخه به عنوان معماً از وی موجود است. به ج ۵ و ۸ فهرست آن کتابخانه رجوع
شود و در یادداشت های آقای زمانی نژاد تاریخ تولد او ۹۵۸ و تاریخ وفات او ۱۰۶۰ یاد شده
است.

(۲) به کتاب شرح احوال آیه الله العظمی اراکی ص ۴۳ رجوع شود.

(۳) الذریعة ۴۹/۱۸ ؛ معجم مؤلفی الشیعة ص ۳۶۴.

آیه الله آقا کاظم موسوی گلپایگانی

حجة الاسلام والمسلمین آیه الله حاج سید کاظم موسوی گلپایگانی در روز ششم ربیع الاول سال ۱۳۲۴ قمری هجری در گلپایگان متولد شده و در سن چهارده سالگی در سال ۱۳۳۸ قمری برای تحصیل به اراک آمده و بعد از مهاجرت مرحوم آیه الله حایری به قم به اتفاق بعضی از اعظام حوزه مهاجرت به قم نموده و چون مشغول به خواندن سطح بوده و در سال اول تأسیس حوزه دروس سطح قم مورد پسند ایشان نبوده مرحوم والدش ایشان را به اصفهان فرستاده و سطوح عالی را در اصفهان در محضر مرحوم آیه الله حاج سید محمد صادق اصفهانی و مرحومین آیتین آقا سید محمد و آقا سید علی نجف آبادی خوانده و در سال ۱۳۴۴ قمری مراجعت به قم نموده و از محضر مرحوم آیه الله حایری و آیه الله یتربی کاشانی مدت هفت سال استفاده نموده و در سال ۱۳۵۱ قمری به اراک هجرت نموده و تا سال ۱۳۸۲ (سی و یک سال) توقف و به خدمات دینی پرداخته تا سال مزبور که منتقل به تهران و در خیابان شاهپور سکونت و به اقامه جماعت و تفسیر قرآن مجید در مسجد (مختاری) و تدریس و مباحثات اشتغال داشت.

معظم له عالمی منیع الطبع و بزرگوار بود در مدت توقفش در اراک خدمات شایانی نموده و عده زیادی از محصلین اراکی را تربیت نموده است و پرورش یافته گان حوزه ایشان از ائمه جماعت و نویسندگان برجسته اراک و قم و تهران می باشند.^(۱)

(۱) مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد باقر رفیعی اراکی مقیم شهر ری و امام

جمعه آنجا از شاگردان رسائل و مکاسب و کفایه ایشان است. (حجازی)

کتابی به نام سهل الوصول دارد (زمانی نژاد)

پدر ایشان مرحوم آقا سید آقا روحانی و منبری بسیار خوبی بود و در ذکر مصیبت ید طولایی داشت و مورد علاقه مردم بود و گاهی در اطراف گلپایگان منبر می رفت.

السید کاظم

السید کاظم الگلپایگانی مؤلف کتاب المزار أوان تشرّفه بمشهد الرضا علیه السلام زائراً فی سنة ۱۲۸۳ ثم وقفه للخزانة الرضویة وهو فارسی.^(۱)
سید کاظم رضوی گلپایگانی کتابی در زیارات از وی در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

کرد حسین گلپایگانی (سده)

کتابی در فقه از وی به خط خودش در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است.

المولی کریم الگلپایگانی

و فرزندش مولی مهدی گلپایگانی در سده یازدهم می زیسته اند (حجازی).

در ذریعه ۱۱۷/۶ و ۱۰۸/۱۸ و ۱۳۲/۲۱ سه کتاب به نامهای حاشیه شرح تجرید قوشجی و رساله فی الکلام و مصور الهیة از محمد مهدی بن کریم گلپایگانی معاصر فرزند ملا صدرا (سده یازدهم) یاد شده است.

(۱) اعلام الشیعة سده ۱۳ ج ۳.

حاج شیخ کلبعلی

حاج شیخ کلبعلی بن عباس گلپایگانی سعید آبادی . تحصیلاتش در اصفهان بوده شرح صمدیه وحاشیه بر [شرح] لمعه شهید دارد در سال ۱۳۱۸ از دنیا رفته و در امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام مدفون است وی یکی از خوشنویسان گلپایگانی بوده و در سعید آباد کشاورزی هم می کرده است (حجازی).

آقا کمال الدین بن آخوند

ملا اسدالله مردانشاهی

ایشان داماد شیخ محمد سعید بوده است .^(۱)

حجة الاسلام والمسلمین

حاج آقا محمد وحید گلپایگانی

این جانب محمد وحید گلپایگانی فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهر قم متولد ، و از سن دوازده سالگی «تقریباً» در شهرك گوگد گلپایگان به آموختن صرف ونحو عربی نزد یکی از طلاب مدرسه مرحوم پدرم

پرداختم. و پس از چندی شروع به خواندن فقه و اصول در شرایع و معالم کرده و سپس قسمتی از شرح لمعه را نزد پدرم خواندم. تا آنگاه که در اواخر سال ۱۳۲۰ شمسی به منظور ادامه تحصیل به قم مشرف شده ابتدا چندی را در حوزه درس مرحوم آیه الله نجفی مرعشی که در یکی از حجرات صحن قدیمی حضرت معصومه علیها السلام تشکیل و کتاب شرح لمعه را تدریس می کردند حضور می یافتم. تا آنکه بنا به توصیه و سفارش مرحوم پدرم در نزد استاد بزرگوار و شهیر، و عالم خلیق و کم نظیر مرحوم آیه الله آقای حاج آقا مرتضی حائری یزدی اعلی الله مقامه الشریف به عنوان درس خصوصی به خواندن و فرا گرفتن دو کتاب مکاسب و رسائل مرحوم شیخ انصاری و سپس نیمی از کفایة الاصول مرحوم آخوند خراسانی پرداختم. و همچنان در محضر شریف ایشان به تعلّم و تلمّذ مشغول بودم، که الحق می توانم بگویم نه تنها تعلیم ایشان این ناچیز را برایم سرمایه ای سودمند و مفید به شمار می آمد، بلکه روش پسندیده و خلق خوش و سادگی و بی پیرایگی و تواضع این بزرگ مرد برای جوان کم تجربه و ناپخته ای همچون من مکتبی عظیم و ارجمند و پر ارزش بود که من اکنون پس از سالیان دراز و گذشت زمان همواره به یاد آن روزهای پر سعادت و نیک بختی شاگردی آن مرحوم به خود می بالم و به روح پر فتوحش سلام و صلوات می فرستم. از آن پس چندی را در مجلس درس فقه مرحوم آیه الله حاج سید صدرالدین صدر اعلی الله مقامه که شب ها در مدرس مدرسه فیضیه برپا می شد حضور می یافتم، همچنین چندی را نیز در حوزه درس فقه مرحوم آیه الله حجت تبریزی علیه الرحمة والغفران که در مسجد بالای سر صبح ها تشکیل می شد حاضر می شدم، تا آنکه در آن اوان که حضرت آیه الله العظمی آقای حاج حسین طباطبایی بروجردی، طیب الله روحه الزکیة، فقیه زمان و نابغه دوران به شهر مقدس قم مشرف، و سرانجام

در آنجا ماندگار شدند، در صف النعال حوزه درس آن بزرگوار به عنوان کوچک ترین تلمیذ و شاگرد آن حضرت شرف حضور می یافتیم، تا پس از چندی به مقتضای تقدیر چنین پیش آمد که در اواخر سال ۱۳۲۶ شمسی عازم تهران شده اینجا ماندگار شدم، و همچنان اوقات خویش را تا اکنون با اشتغال به مطالعه و تحقیق و خواندن و نوشتن مطالب متفرقه و گوناگون خاصه تاریخ و ادبیات که رشته مطلوب و مختار من است و تا هنگام اجابت داعی حق به گذراندن وقت می پردازم، و از خدای خود توفیق اطاعت و اداء مراسم بندگی او را طلب می کنم.

و اما کتاب ها و نوشته های من :

۱- ترجمه کتاب : «الفخری» تألیف «ابن طقطقی» بنام «تاریخ فخری» است که توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب (آن زمان) به طبع رسیده و نشر شده است.

۲- ترجمه کتاب «شیخ المضیره» ابوهریره. تألیف «شیخ محمود ابوریة» یکی از شیوخ جامع الازهر مصر است که به نام : «بازرگان حدیث» چاپ و منتشر شده است.

۳- کتاب : «معاویه سر دسته تبهکاران» که مطالب این تألیف کلاً از کتب و طرق اهل سنت در باره معاویه نقل و به طبع و نشر رسیده است.

۴- «فرمان مبارك» امیر المؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر نخعی است که این ترجمه با مقدمه ای مفید طبع و منتشر شده است.

۵- ترجمه کتاب «ادب الكبير» و «ادب الصغير» عبدالله بن مقفع صاحب کتاب کلیله و دمنه عربی است که با مقدمه ای دقیق و مشروح در معرفی شخص مؤلف و نوشته هایش نگاشته شده، و در این اواخر به طبع رسیده است.

۶- کتاب «گوشه ای از تاریخ و آشفتگی های آن» که چند سال است آن را نوشته ام ولی تا اکنون به طبع نرسیده است.

و همچنین قسمت قابل توجهی از مقالات و جزوه هایی که چندین سال است آنها را نوشته ام، و تاکنون توفیق طبع و نشر نیافته است، و همچنان در صندوق گمنامی و نسیان نهفته مهر تأسف از صرف وقت در راه چیزی که کمتر کسی در پی یافتن آن است روی آن خورده است، آن هم در روزگاری که آن را دوران شکوفایی دانش و ادب و معرفت می شماریم.

به خاطر ارادت خاصی که به حضرت آیة الله العظمی بروجردی داشتم قبل از عزیمت ایشان به قم قصیده ای را سروده آماده کردم، و چون مرحوم آیة الله آقای حاج آقا مرتضی حائری یزدی بنا داشتند خود و ارادتمندان ایشان به خاطر تعظیم و تکریم آن حضرت استقبال شایسته ای از ایشان بنمایند بنابراین به اتفاق جمعی از علما و فضلاء حوزه و گروهی از طلاب و مردم قم در بین راه قم در نقطه ای به نام منظر به ایشان تلاقی نموده و از ایشان درخواست کردند از ماشین پیاده شده، اندکی را در ایوان ساختمانی که آن جا قرار داشت و قبلاً به همین منظور مفروش و مهیا شده بود به استراحت بپردازند. و چون این تقاضا مورد اجابت ایشان قرار گرفت، و جمله حاضرین گرد ایشان را فرا گرفتند این ناچیز در آن هنگام با استجازه ای از ایشان به وسیله آیة الله حائری یزدی به قرائت قصیده خود پرداختم. و پس از اتمام آن حضرت آیة الله بروجردی برخاسته به اتفاق گروه مستقبلین رهسپار قم شدند. و آن قصیده این است:

چهره بر افروز توای نور پاک	مهر درخشان و مه تابناک
ای مه گردون فضیلت بتاب	ای گهر کان حقیقت، شتاب
یاور دین یک قدمی پیش نه	تاج شریعت به سر خویش نه

این قدم پاك تو فرخنده باد سایه اسلام و تو پاینده باد
مقدم تو رحمت یزدانی است تابشی از پر تو رحمانی است

حوزه قم بین که چه شادان شده و ز قدمت خرم و خندان شده
این که در این عصر کهن حوزه است خویش به فردوس یکی روضه است
مرکز فضل و ادب و دانش است روز پس از روز در افزایش است
بارگه وحدت و صدق و صفاست جایگه شفقت و مهر و وفاست
بوده بسی مهبط دانشوران معدن پاکان ز نام آوران
بیشه شیران فضیلت بود مسکن پیران طریقت بود
این که بمانده است چنین برقرار حادثه ها دیده بسی ناگوار
لیک چه، بنیانش بسی محکم است دست حوادث به سوی وی خم است
این که ندارد ز ستم هیچ پاك هست ز آثار یکی مرد پاك
با خرد و کامل و روشن ضمیر پاك دل و پاك سرشت و دلیر
عنصر فضل و کرم وجود و علم مظهر الطاف و خداوند حلم
همت پاکش به جهان یاد باد طایر روحش به جنان شاد باد
برد بسی گر ز جهان رنج ها در عوض او کرد نهان گنج ها

دست زمانش چو بدست تو داد جمله عنانش به کف تو نهاد
خیز وز فرزانی خویشتن جامه تدبیر بپوشان به تن
جمله دانش طلبان این زمان گیر تو دربر چو مه و اختران
بر سر این گلبن و این برگ و باش شبی از دانش خود خیز و پاش
کاخ نوینی ز فضیلت بساز پرچم دین آر تو در اهتزاز
پیکر دین زاهر منان پاك کن زیر قدم دشمن دین خاك کن

رهبر دینی تو در این روز ننگ
 از رخ دین پاک کن این تیره رنگ
 نشر معارف کن و ترویج دین
 بر سر ما کن تو اساسی نوین
 در بر خود گیر تو مردان کار
 جمله حقیقت طلب و استوار
 چون بودت همّت پاک و بلند
 بر تو نخواهند رساندن گزند
 این که «وحدید» از تو ستایش کند
 یا ز ره صدق نیایش کند
 نیک بدان هست از این روی و بس
 زانکه ندیده است بدین خوی کس
 جمله حدیث تو زهر کس شنید
 جز کرم و پاکی و نیکی ندید^(۱)

محمد العتابی الکلبایکانی النجفی

ادیب فاضل شاعر جلیل، نظم بالفارسیه و اکثر من الشعر، وتلمذ
 علی السید عزیز الله الحضوری القمی النجفی المتوفی
 ۱۰۰۰ هجریه. هاجر الى النجف الاشرف واستوطنها، وقال الشعر وكان
 من شعراء القرن الحادي عشر الهجري. سافر الى الهند وتقرّب عند الملك
 عادل شاه ثم سجنه سبع سنوات، وأفرج عنه في حكومة اكبر شاه واختص
 به. وكان شاعراً ظريفاً حاضر الجواب سريع البديهة له: ديوان شعر.
 الذريعة ۷۰۷/۹. رياض الشعراء/۲۴۷ (خ). معجم رجال الفكر
 والأدب ۲/۸۸۳^(۲).

(۱) شرح حال دوازده نفر از خاندان ایشان به قلم ایشان در جلد اول شماره ۲۳ تا ۳۱ درج شده است.

(۲) مع علماء النجف الأشرف ص ۳۱۴.

الشیخ محمد الکلبایکانی

الشیخ محمد الکلبایکانی ابن الشیخ جعفر نزیل المشهد خراسان . له
تقریرات استاده السید ابوتراب الخوانساری فی الفوائد الرجالية . ذکرناه فی
ذیل ترجمة ابیه فی «النقباء» ۲۷۷^(۱)
قرأ الرجال علی العلامة السید ابی تراب الخوانساری وکتب
تقریره^(۲) .

آقا سید محمد طائر گلپایگانی

در مجمع الفصحاء گوید : نام شریفش آقا سید محمد از فضلاء آن بلد
سیدی با ذوق و عرفان و باشوق و ایمان بوده و در سفر مکه معظمه رحلت
نموده این چند بیت از اوست رحمة الله علیه .

دلبـر دیرینـم آن نگار دلارا	کرده تجلی زروی شاهد زیبا
عشق ببازد ولی به صورت وامق	دل بر باید ولی به طلعت عذرا
هستی بخشد ولی زروح مجرد	مستی آرد ولی زراح مصفا

*

اگر گویم که عشق گل فغان آموز بلبل شد
خطا باشد که این نسبت بود بی اصل و بی مبدا
نه بلبل عاشق گل شد نه گل معشوق بلبل شد
گل و بلبل شده هریک برویی واله و شیدا

(۱) مصفی المقال : ۴۴۶ .

(۲) اعلام الشیعة : سده ۱۴ ص ۲۷۷ .

هر آنکس زنگ بزدايد زمرات ضمير خود
 ببيند جمله هستی را به ذکر ايزد يکتا
 همه عاشق بروی او همه مایل به سوی او
 همه خرم به بوی او واو از جمله ناپیدا
 وله ايضاً:

چشم ما را بست چشم بازش از دیدار غير
 چشم بندی می نماید نرگس جادوی دوست^(۱)
 من اهل الذوق والعرفان كما وصفه معاصره في (مجمع الفصحاء،
 ج ۲، ص ۳۳۹) وذكر انه توفي في سفر حج بيت الله واورد قرب ثلاثين بيتاً
 من شعره.^(۲)

میرزا محمد گلشن گلپایگانی

در مجمع الفصحاء گوید: نامش میرزا محمد ونسبش به هفت واسطه
 به شیخ بهاء الدین محمد العاملی رحمه الله می رسد وغالب آباء واجدادش در
 سلک علما وفضلا منسلک بوده اند والد ماجدش در علوم فاضل ودر مراتب
 فقر وسلوک مقامی داشته وخود وی از جوانی وشباب به تحصیل علوم
 متداوله پرداخته به قدر کفاف جامع فضل وکمال گردیده در خطوط زحمتی
 کامل برده تا مرتبتی بلند یافته در خط شکسته ونستعلیق خوشنویس، وخطی
 موفور دارد.

(۱) مجمع الفصحاء: ص ۷۱۸ چاپ جدید.

(۲) الذریعة: ۶۳۵/۹.

از ترجیعات اوست

صبح دم با نسیم باد بهار می گذشتم به ساحت گلزار
 جمله اجزای آن گلستان بود مظهری از مظاهر دلدار
 از دهان غنچه نرگس از دیده سنبل از زلف ولاله از رخسار
 حسن گل از فروغ طلعت دوست قد سرو از طراز قامت یار
 مترقص در آن هزار تذرو مترنم درین هزار هزار
 چشم بگشاده نرگس از حیرت لب فرو بسته سوسن از گفتار
 من تماشا کنان و سرگردان چون نسیم سحر در آن گلزار
 ناگه از شاخ گل کشید صفیر بلبل خوش ترانه از منقار
 چشم حق بین گشا مبین جز دوست دو جهان پرتوی زطلعت اوست

العالم الفاضل الادیب المتخلص فی شعره بگلشن وکان من
 الخطاطین يتعلم منه الناس وکان يذكر ان بينه وبين الشيخ البهائي سبعة آباء
 واغلبهم علماء ذکر في مجمع الفصحاء ج ۲ ص ۴۲۹ المؤلف في ۱۲۷۳
 ويظهر حياته في ذلك التاريخ.^(۱)

حاج شیخ محمد غروی

آية الله حاج شیخ محمد بن آية الله حاج شیخ جعفر مجتهد گلپایگانی^(۲)
 متولد ۱۲۵۸ و متوفی به سال ۱۳۳۹ هجری شمسی، پس از تکمیل تحصیل در

(۱) اعلام الشيعة؛ قرن ۱۳، ج ۳، ص ۲۲۴. مجمع الفصحاء ص ۸۹۹ چاپ جدید.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه نسخه ای شامل نظم و نثر او موجود است ش ۳۲۱۲

(۲) شاگرد میرزا حبیب الله رشتی، شرح حال او در ص ۴۲ آمده است.

تهران به نجف اشرف مشرف و مدت ۱۰ سال در نجف اقامت داشت و از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیه الله نائینی استفاده و از هر دو به دریافت اجازه اجتهاد نائل و علم رجال را در خدمت مرحوم آیه الله آقا سید ابوتراب خوانساری فرا گرفته و لذا از ایشان هم به دریافت اجازه روایتی موفق، پس از آن منتقل به قم و از محضر مرحوم آیه الله حایری یزدی استفاده و مفتخر به اجازه اجتهاد از آن مرحوم شد.

در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی اهالی سنقر کلیائی از شهرهای کرمانشاه از آیه الله حایری تقاضای امام جماعت می کنند در ضمن تقاضا، اوضاع سنقر را شرح می دهند که سنقر از یک طرف بهایی، از یک سمت اهل سنت می باشند. تقاضا می کنند یک شخصی را برای سنقر انتخاب کنند که بتواند هم ترویج دیانت و هم جوابگوی این گروه ها باشد.

آیه الله حائری مرحوم حاج شیخ محمد غروی را به عنوان امام جماعت و ترویج دین برای سنقر انتخاب می نماید. آن مرحوم مدت ۲۰ سال در سنقر مشغول ترویج دین و اقامه نماز بود.
آثار آن مرحوم:

- ۱ - تفسیر چند سوره از سوره های قرآن مجید.
 - ۲ - کتاب کشف الحق و دفع الباطل که در سال ۱۳۶۹ هـ ق نگاشته است.
 - ۳ - رساله اثبات خاتمیت.
 - ۴ - رساله هدایت و اضلال^(۱).
- حضرت آیه الله حاج شیخ محمد غروی در عید فطر سال ۱۳۳۹ هـ ق

در قم بدرود حیات گفته وبا تجلیل فراوانی که از طرف حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی شد در قبرستان نو (مرحوم حایری) مدفون گردید.

از باقیات الصالحات ایشان فرزند فاضل آن مرحوم جناب حجة الاسلام آقای شیخ عباس غروی ساکن قم است که به فضل و تقوا موصوف می باشند. فرزندان دیگر آن مرحوم آقا عطاء الله و آقا رضا که هر دو فرهنگی می باشند و فرزند دیگر دختر می باشد.

تفسیر وی در چهار مجلد به زبان فارسی و شیوه ای استدلالی شامل سوره های (حمد) (بقره) (آل عمران) (نساء) (مائده) (انعام) (اعراف) (نبأ) (اعلی) (نصر) (توحید) بازمانده است که در سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ توسط کتابفروشی اسلامی تهران به چاپ رسیده است^(۱).

در طبقات مفسران شیعه آمده:

تفاسیر شیخ محمد غروی گلپایگانی:

- ۱- تفسیر سوره حمد چاپ سال ۱۳۳۰ در ۴۰ صفحه.
- ۲- تفسیر سوره بقره چاپ تهران ۱۳۷۴ در ۴۴۰ صفحه.
- ۳- تفسیر جزء آخر قرآن چاپ تهران ۱۳۷۱ در ۲۵۶ صفحه.
- ۴- تفسیر پنج سوره توحید، حمد، اعلی، چاپ نصر تهران در ۱۹۵ صفحه.

- ۵- نور العرفان و کشف اسرار القرآن چاپ تهران اسلامی ۱۳۷۲^(۲)

(۱) دائرة المعارف تشیع، ج ۴، ص ۵۶۹ به نقل از منابع تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۷۶ -

۱۹۱-۲۰۴ فهرست کتاب های چاپی ج ۱، ص ۱۳۹۱ و ج ۵، ص ۵۳۳۴.

(۲) طبقات مفسران ۴/۳۶۵ و ج ۵/۴۴۸.

محمد بن علی اصغر جردقانی

العالم الربانی والمحقق الصمدانی والحکیم الالهی جمال الملة والدين السالك مسالك حق اليقين حبيب الدين آخوند ملا محمد بن علی اصغر گلپایگانی حکیمی بوده فرزانه وعالمی بوده یگانه دارای تألیفاتی از قبیل تکلمة الصافی وتقريب المرام علی القسم الأول من تهذيب الکلام وکشکول وغيره واز کتب مطبوعه ایشان است کتاب واردات غیبی، تألیف این کتاب در دهه اول ذی القعدة الحرام ۱۲۴۸ قمری به پایان رسیده. و پس از گذشتن هفتاد و سه سال از تألیف در ذیقعدة ۱۳۲۱ به طبع رسیده^(۱)، تاریخ ولادت ورحلت او بر ما مجهول است ونامبرده اهل گوگد گلپایگان بوده است.^(۲)

(۱) غیر از چهار کتاب یاد شده، کتاب ملهمة الصواب او در کتابخانه مرکزی دانشگاه وقواعد (یا فوائد) الحکمة او در کتابخانه ملک ورساله دو فائده او به خط خودش در کتابخانه ملی و سرگذشت مظفر علیشاه او در کتابخانه آية الله مرعشی و کتابخانه مجلس و کتابخانه مرکزی دانشگاه وتحفه بهائیه او که ترجمه خلاصة الحساب شیخ بهائی است در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است.

وترجمة تاریخ یمینی هم دارد که در سال ۱۲۷۲ چاپ شده است.

(۲) گنجینه ۵۱۰/۷.

ونگاه کنید به معجم مؤلفی الشیعه ۳۶۴ وذریعه ۹/۲۵ وفهرست کتابخانه آية الله مرعشی ۳۳۳/۱۸.

حاج میرزا محمد شیر محمدی

فاویانی واعظ ، در امامزاده ابراهیم سعید آباد مدفون است. (حجازی)

حاج سید محمد حائری

فرزند ایشان می گوید :

ایشان مقدمات را نزد والد خود فرا گرفتند و از مرحوم آیه الله گلپایگانی مکرر می شنیدیم که می فرمودند ما به رباط ملکی نزد میرزا هدایه الله حائری می رفتیم و از ایشان استفاده می کردیم .

مقدمات را نزد مرحوم والدشان خواندند . بعد از وفات والدشان به اراک می روند . در آن زمان که حضرت آیه الله حائری یزدی اراک بودند . بعد که به قم هجرت می کنند طی نامه ای از آقایان دعوت می کنند به قم بروند ، ایشان هم به قم می آیند و طی مدت چهار سال در قم درس سطح را تمام می کنند .

برای درس خارج عازم نجف شدند . مدت ۹ سال در نجف بودند . اساتید ایشان در نجف عبارت بودند از : مرحوم آقا ضیاء عراقی ، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم میرزای نائینی . موقعی هم که به ایران آمدند جواز اجتهاد از این سه بزرگوار داشتند . و اجازه نامه های ایشان نزد من است . و بعد از آمدن از نجف به مدت ۱۸ سال در گلپایگان بودند که خدمات مهمی در آنجا داشتند که از جمله مهمترین آنها احیای مسجد مرحوم

حجّة الاسلام بوده است . بعد از آن به قم آمدند ، که زمان مرحوم آية الله بروجردی بود و ایشان درس کفایه شروع کردند و بعد از مدتی عازم تهران شدند و تا پایان عمر در تهران بودند . سال وفات ایشان ۱۳۶۴ شمسی بود . و قبر ایشان در یکی از بقعه های حرم مطهر حضرت معصومه (صحن نو) نزدیک بقعه شیخ فضل الله نوری است . ایشان تألیفی نداشتند .^(۱)

آقای رازی می نویسد :

حجّة الاسلام والمسلمین آية الله آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل والعالم النبیل آية الله حاج میرزا هدایت الله حایری گلپایگانی از علمای محترم و مبرز معاصر تهران است . وی در سال ۱۳۲۲ قمری در گلپایگان متولد شده و در بیت علم و عزّت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات در محل خود به اراک آمده و پس از انتقال حوزه به شهرستان قم مهاجرت به بلده طیبّه قم نموده و حدود چهار سال از محضر آیات عظام و مدرّسین بزرگ چون مرحوم آية الله حاج سید محمد تقی خوانساری و آية الله آقا میرزا سید علی یثربی و دیگران استفاده نموده و از آنجا مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیات بزرگ مانند آية الله محقق نائینی و آية الله العظمی اصفهانی بهره مند گردیده و در سال ۱۳۵۳ قمری به ایران و شهرستان گلپایگان مراجعت کرده و مدّت حدود بیست سال توقّف و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تأسیس مدرسه علمیه و تربیت طلاب و محصلین و غیره پرداخته تا سال ۱۳۷۳ ق به تهران منتقل و تا کنون به وظایف مقررّه شرعی از اقامه نماز جماعت در مسجد (فخر الحاجیه) خیابان راه آهن و تدریس و مباحثات کمپانی با اقران خود اشتغال دارد .

(۱) نقل از فرزندشان حاج آقا مرتضی حائری .

دارای دو فرزند فاضل و دانشمند می باشند که اجمالاً به آنها اشاره می شود:

۱ - مرحوم مغفور حجة الاسلام آقا سید جمال الدین حایری که از فضیلتی حوزه علمیه قم بودند و پس از فراغت از تحصیل در تهران اشتغال به خدمات دینی و روحی داشتند و در ماه شعبان ۱۳۸۶ ق در سن جوانی بدرود حیات گشته و در مقبره شیخان قم مدفون گردیدند.

۲ - جناب حجة الاسلام آقای حاج سید مرتضی حایری که نیز تحصیلات خود را در قم تکمیل و سالها از محضر مرحوم آية الله العظمی بروجردی و آية الله العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده و به تهران منتقل و اکنون در مسجد مرحوم برادرش در سلسبیل تهران خیابان هاشمی (مسجد رضوی) به جای آن مرحوم به اقامه جماعت و انجام وظایف دینی و روحی اشتغال دارند.^(۱)

السید محمد الاصفهانی نزیل گلپایگان

كان من العلماء الاجلاء المعروفين هناك مرجع الأمور الشرعية كان اشتغاله باصفهان على العلامة الآغا نجفي الشيخ محمدتقي قدس سره مع جمع من أصدقائه ومعاصريه منهم الميرزا محمد باقر بن المولى محمدعلي والمولى محمدجواد والحاج مولى محمد حسن بن الحسين وكلهم من أجلاء بگلپایگان.^(۲)

(۱) گنجینه ۴/۴۲۷.

(۲) اعلام الشيعة، سده ۱۴ ج ۵ - ص ۵۲.

الحاج میرزا محمد

ابن الحاج رضا گلپایگانی الاسفرجانی والد المیرزا ابی القاسم
المحمدی.^(۱)

الآخوند المولی محمد گلپایگانی

المعروف بالمقدس المتوفی نیف وثلاثمائة، كان من العلماء
والمجتهدین القائمین بالوظائف الشرعیة والناشرین للأحكام الالهية موثقاً
به معتمداً علیه عند العامة والخاصة وابنه العالم الفاضل المیرزا محمد
حسین.^(۲)

سیّد محمد مهدوی مجتهد

آقا سیّد محمد بن السیّد مهدی الموسوی المهدوی گلپایگانی از اجلّه
علمای وقت وزمان و جامع المعقول والمنقول بوده تحصیلاتش در اصفهان
و پس از مراجعت مدّتها مجلس درس داشته و فضلا به درس او حاضر
می شدند. معظم له عالمی فحل و با شهامت و خوش محاوره بود، قصص
و حکایاتی از ایشان ورد زبان خاص و عام است در سال ۱۳۲۲ یا
۱۳۲۳ شمسی از دار دنیا رفت و در حجره جنب درب ورودی مسجد آقا میر
محمد کاظم معروف به آقا امام به خاک سپرده شد.^(۳)

(۱) اعلام الشیعة قرن ۱۴ ج ۵ ص ۱۸۲.

(۲) اعلام الشیعة، قرن ۱۴ ج ۵ ص ۷۰.

(۳) گنجینه ۵۰۹/۷. ملقب به طهرانی بوده و در نجف هم تحصیل کرده بود (حجازی).

حجة الاسلام آقا شیخ محمد فیض

شیخ محمد فیض گلپایگانی کنجدجانی فرزند محمد حسین از شاگردان آیه الله آقا سید محمد تقی خوانساری و آیه الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی بوده است .

آقا میرزا محمد بن آخوند
ملا اسدالله مردانشاهی

ایشان داماد میرزا مهدی بن زین العابدین است .^(۱)

المولی محمد گلپایگانی

المولی محمد بن المولی جعفر گلپایگانی نزل کاشان فی ۱۲۳۱ هناك فی مدرسة فتحعلیشاه وكان یدرس فی کتاب الصلاة من شرح اللمعة والفوائد العتیق للوحید البهبهانی عند المولی رضا الکاشانی ... واتفق تلك السنة غلاء الاسعار فی کاشان لقلّة الامطار حتّى مات كثير من الجوع ... وفي أوّل الصيف عاد إلى قریته لزيارة والديه ولم يرجع إلى کاشان بل ذهب إلى گلپایگان بعد زيارة والديه وكان الغلاء هناك مثل کاشان أو أشدّ فلم یتمکّن من الاشتغال بالدرس واشتغل هناك بكتابة نسخة جامع الشتات للمحقّق القمي فرهن سبعة كتب من كتبه لاستعارة نسخة منه لكثرة اشتیاقه إلى هذا الكتاب وفرغ من كتابته لنفسه (لا لغيره) فی ۱۷ ج ۱ - ۱۲۳۲ .

وكتب هذه التفاصيل في آخره بالفارسية. ^(۱)
واستاده المولى رضا الكاشاني من جملة تلامذة السيّد بحر العلوم. ^(۲)

میرزا محمد الكلبيکاني (ق ۱۳-۱۴)

محمد بن غلام علي بن الحسين بن محمد الكلبيکاني
أديب شاعر بالفارسية، وكان من الموظفين في الدوائر الحكومية في
عهد مظفر الدين شاه القاجار، فاشتغل سنين في دائرة البريد والنقل. له
نشاط في التأليف وإشاعة الكتب، يميل إلى الحرف الحديثة والصنائع
الجديدة ويجدّ في معرفة أسرارها وكيفية انمائها، وهو يقدم إلى الشاه قائمة
طويلة من الصنائع التي يجب إشاعتها في إيران ويطلب منه تخصيص رصيد
لاستخدام خمسة يساعده في أعماله لكي يصنع خمسة أشياء مهمة ليس
منها في إيران أثر مع حاجة الشعب إليها.

له «گنج الصنائع مظفری» كتبه سنة ۱۳۲۰. ^(۳)
نسخه آن در کتابخانه آية الله گلپایگانی موجود است.

حاج شيخ محمد محمدی اسفرنجانی

فرزند شيخ عبدالکريم اسفرنجانی. در اصفهان ونجف تحصیل کرده
واز شاگردان آقا ضياء الدين عراقی وميرزای نائینی وآقا سيد ابوالحسن

(۱) اعلام الشيعة قرن ۱۳ ج ۳ ص ۲۴۰.

(۲) اعلام الشيعة قرن ۳ ج ۳ ص ۱۳۸.

(۳) به تراجم الرجال ۱/ ۵۴۰ رجوع شود.

اصفهبانی بوده است. و پس از مراجعت از نجف در اسفرنجان مشغول انجام وظیفه بوده است. همسر او خواهر میرزا محمد مهدی اسفرنجانی و آقای آقا شیخ احمد محمدی ساکن قم فرزند اوست.

حاج شیخ محمد فرزند حاج میرزا عبدالکریم اسفرنجانی در حسینیه اسفرنجان جنب قبر پدرش میرزا عبدالکریم مدفون است (حجازی).

حاج شیخ محمد نخعی

مطالب متفرقه ای به صورت کشکول در چهار جلد جیبی از ایشان به خط خود او موجود است.

حاج سید محمد هاشمی

حاج سید محمد هاشمی گوگدی متوفای ۱۳۵۴ ق و مدفون در امامزاده عمران بن علی علیه السلام است.

مرحوم حاج میرزا محمد مهدی در اسفرنجان و حاج آقا طاهر حجازی در سعیدآباد^(۱) و سید محمد هاشمی در گوگد محکمه قضاوت داشته اند (حجازی).

(۱) این دو نفر در قم، قبرستان نو مدفون هستند (حجازی).

سید محمد بن سعید موسوی گلپایگانی

از وی رساله‌ای در توضیح برخی عبارات در شأن امیرالمؤمنین تألیف
۱۳۵۶ ق در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد موجود است.

محمد بن حسن گلپایگانی

ابن محمد بن جعفر جرفادقانی
از وی رساله الروضة في الضاد والظاء به خط خودش موجود است که
فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه هست.

محمد بن ابراهیم بن داود جرفادقانی

در کتاب ذکر اخبار اصبهان ص ۶۹۴ یاد شده است.

محمد بن علی گلپایگانی

از وی کتاب «الخلاف» تألیف ۱۲۹۱ به خط خودش در کتابخانه آستان
قدس رضوی موجود است.

محمد بن ابراهیم بن حسین... گلپایگانی

در سال ۵۴۹ نسخه ای از الاکمال ابن ماکولا را نوشته . فیلم این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است .

آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی^(۱)

پدر آقا شیخ علی و آقا شیخ حسین قرنی و مدفون در گوگرد هستند .
وفات ایشان در ماه رمضان سال ۱۳۶۶ قمری بوده است .
تحصیلات ایشان در حد اتمام سطح بوده است و ایشان سالهای متمادی که تا آخر عمرشان ادامه داشته در گوگرد مرجع امور و مراجعات مردم بودند .^(۲)

حاج شیخ محمد ابراهیم فیاضی

این جانب محمد ابراهیم فیاضی فرزند شیبة الحمد متولد ۱۳۰۰ در روستای کنجدجان از توابع شهرستان گلپایگان .
تحصیلات ابتدایی را در حد خواندن و نوشتن و خواندن قرآن با تجوید در مکتب خانه شروع نمودم .
واز سن حدود هیجده سالگی تا اوّل سال ۱۳۲۱ شمسی در گلپایگان در

(۱) در مجله آینه پژوهش آمده که منسوب به اوّس قرنی است .

(۲) به ج ۱ شماره ۳۰ صفحه ۴ نیز رجوع شود .

مدرسه ای که مرحوم آیه الله وحید گلپایگانی تأسیس کرده بودند به تحصیل علوم دینی و حوزوی پرداختم و از مهرماه سال ۱۳۲۱ شمسی برای ادامه تحصیل به قم مشرف شدم، مقدمات و ادبیات را نزد اساتیدی که در آن وقت در قم بودند از قبیل حضرت آیه الله مرحوم حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم آیه الله علوی داماد مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی و دیگران تلمذ نمودم.

دروس سطح از قبیل رسائل و مکاسب را خدمت مرحوم آیه الله فرید گلپایگانی و بعد که معظم له به تهران عزیمت فرمودند بقیه سطح و کفایه را تماماً خدمت حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی و کتاب بیع مکاسب را خدمت حضرت آیه الله حاج آقا روح الله کمالوند خرم آبادی و اختیارات مکاسب را خدمت مرحوم حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری خواندم.

خارج فقه را به مدت نه سال در درس مرحوم آیه الله العظمی بروجردی شرکت نموده و استفاده می نمودم و درس اصول را نزد مرحوم امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در مسجد معروف به مسجد سلماسی حاضر و استفاده می نمودم. در ضمن این دروس را به طور کامل و عمیق با مرحوم حاج سید ابوطالب محمودی رحمه الله علیه و جناب آقای حاج شیخ حسین احمدی مباحثه می نمودیم، در همان زمان هم در درس خارج فقه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی شرکت می کردم.

واز سال ۱۳۳۶ شمسی به عللی به زادگاه اصلی خود در روستای کنجدجان مراجعت نمودم و به امر ارشاد و تبلیغ و اقامه نماز جماعت و رتق و فتق امور مردم در مسائل اجتماعی و فرهنگی اشتغال داشتم و اینک مدت

بیست سال است از اوّل بهار سال ۱۳۶۰ تا امروز که اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ می باشد در حوزه علمیّه حضرت آیة الله العظمی گلپایگانی در شهرستان گلپایگان به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشته و دارم.

و در حال حاضر در شهرستان گلپایگان ضمن تدریس در حوزه علمیّه در مسجد مرحوم حاجی به اقامه نماز جماعت و تبلیغ مشغولم.

خدمات این جانب در مدّت اقامتم در کنجدجان تجدید بنای مسجد جامع کنجدجان و تجدید بنای مسجد صاحب الزمانی و ساختمان بهداشت و ساختمان درمانگاه و ساختمان مخبرات و آوردن تلفن در آن محل، ساختمان پاسگاه نیروی انتظامی و ساختمان اداره پست و ساختمان دبیرستان ابوذر و ساختمان دبیرستان دخترانه حضرت مریم و نیز فعالیت در جهت احداث بلوار ۴۵ متری کنجدجان و احداث بلوار ۲۴ متری ولی عصر و ساختمان غسالخانه و خدمات بسیار دیگر که در شهر و روستا معروف و مشهورند.

محمد ابراهیم بن محسن گلپایگانی

از او رساله استصحاب به خط خودش مورخ ۱۲۶۳ در کتابخانه آیة الله مرعشی موجود است.

و شاید ایشان همان شیخ ابراهیم جدّی باشد که تقریرات بحث صاحب جواهر را نگاشته است.

سید محمد باقر میر محمد

فرزند سید شمس الدین . در سال ۱۳۶۵ در سن هشتاد سالگی از دنیا رفت و در امامزاده احمد ارجان به خاک سپرده شد . وی در ارجان در رباط ملکعلی گلپایگان محکمه قضاوت داشته است . (حجازی)

شیخ محمد باقر شریف زاده

مرحوم میرزا محمد باقر شریف زاده گلپایگانی در سال ۱۲۹۲^(۱) هجری شمسی در شهرستان گوگرد از توابع گلپایگان به دنیا آمدند ، مادر ایشان مرحومه خانم بی بی سیده فاطمه همشیره آیه الله العظمی گلپایگانی و پدر ایشان مرحوم حاج آقا ملا محمد تقوی از روحانیون گوگرد بودند که به کار کشاورزی اشتغال داشتند .

درب منزل پدر ایشان از صبح تا شب بر روی مردم باز بود ، داخل حیاط آنها حوض بسیار بزرگی قرار داشت که از آب چاه مجاور توسط تلمبه ای تغذیه می کرد و به دلیل فقدان چنین امکانی در منازل دیگر ، اکثر زنان گوگرد از صبح تا شب جهت استفاده از آب حوض برای شستن ظروف به منزل آنها در رفت و آمد بودند .

مرحوم شریف زاده تحصیلات مکتب خانه ای و ابتدایی خود را در گوگرد انجام دادند ، سپس در سال ۱۳۰۴ در سن ۱۲ سالگی بنا به پیشنهاد

(۱) در یادداشتی دیگر ۱۳۲۹ هـ . ق آمده است .

پدرش جهت تحصیلات دروس مقدماتی طلبگی راهی قم شدند و از محضر آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری و دیگر آیات عظام کسب فیض نمودند.

هوش و ذکاوت کم نظیر و پرسش های عمیق و پیچیده و پیشرفت فوق العاده او سبب شد که در سن ۱۳ سالگی مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به او لقب «فاضل معاصر» بدهند.

ایشان در سال ۱۳۱۰ جهت تحصیل در رشته منقول در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۱۴ لیسانس گرفت.

از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ در وزارت دارایی اداره اوقاف مشهد با عنوان ریاست اداره به خدمت اشتغال داشت و در سال ۱۳۱۶ در مشهد با صبیبه مرحوم حاج میرزا آقا اعتماد سربابی واعظ شهیر خراسان ازدواج نمود. تا اینکه در سال ۱۳۲۱ برادر ایشان^(۱) که روحانی بودند در گوگرد وفات نمود. مرحوم شریف زاده به گوگرد مراجعت نمود و در آنجا توسط آیه الله گلپایگانی لباس روحانیت برادر را پوشید از سال ۱۳۲۶ الی ۱۳۳۱ بنا به دستور آیه الله العظمی بروجردی در شهرهای مختلف ایران به خدمات دینی و علمی اشتغال داشتند (۱۳۲۶ قم، ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ تویسرکان و سال های ۳۱- ۱۳۳۰ در شهرستان چالوس) سپس در سال ۱۳۳۲ در تهران سکونت نمودند و در همان سال به یاری آیه الله خوانساری مسجد با شکوهی واقع در چهارصد دستگاه ژاله به نام «مسجد محمد» بنا کردند و از همان سال تا آخر عمر به عنوان پیش نماز افتخاری مسجد در آموزش

(۱) مرحوم میرزا محمد هادی. دو برادر دیگر ایشان به نام های میرزا محمد تقی و میرزا

و پرورش دینی جوانان منطقه سهم بسزایی داشتند.

سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۳ با سمت مشاور دینی نشریات فرهنگی و نیز به عنوان دبیر آموزشگاه تربیت معلم در وزارت فرهنگ و از سال ۱۳۴۳ تا زمان بازنشستگی در اداره کل نگارش وزارت ارشاد (فرهنگ و هنر) با سمت بررسی کتاب‌های درسی به خدمت اشتغال داشتند، ضمناً طی این سال‌ها در دانشکده الهیات نیز تدریس می‌کردند.

ایشان به زبان‌های فرانسه و عربی تسلط کامل و با زبان انگلیسی آشنایی داشت. به جز دانشگاه، منزل ایشان نیز همواره محل رفت و آمد دانشجویان و سایر علاقه‌مندان به مسایل دینی و علمی جهت کسب فیض از استاد بود.

مرحوم شریف زاده با وجود بار علمی فراوان، بسیار فروتن و مهربان بود. صفا، سادگی، پاکی و اخلاص او زبانزد خاص و عام بود. او در زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش می‌زیست. از ریا، تظاهر و مردم‌فریبی بیزار بود. از سال ۱۳۳۶ تا پایان عمر روزهای جمعه جلسه تفسیر قرآن در منزل داشت که گروهی از دانشمندان در آن جلسه شرکت می‌کردند.

از آثار وی تحقیق سه کتاب آیات الاحکام مهم: کنز العرفان فاضل مقداد و آیات الاحکام استرآبادی و آیات الاحکام فاضل جواد به نام مسالک الافهام را می‌توان نام برد که پاورقی‌های علمی و تتبعی ایشان در این سه کتاب بسیار سودمند و حاکی از مراتب عالیه علمی ایشان است و نیز ایشان در مجله «نامه آستان قدس» چاپ مشهد مقالاتی در علوم قرآن دارد.

سرانجام در چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۴ به علت سکته قلبی دار فانی را وداع و در صحن مطهر [اسماعیل طلائى (حجازی)] حرم امام

رضا رحمته الله علیه ^(۱) به خاک سپرده شد. روحش شاد.

و حضرت آقای حاج شیخ محمد تقی وحیدی گلپایگانی می گوید:
 آقای شریف زاده از قم به تهران آمدند، در مسجد چهارصد دستگاه از
 منطقه نیرو هوایی اقامه جماعت می کردند، ایشان مجتهد مسلم بودند. از
 ویژگی ایشان تسلط به مبانی فقهی بود. نسبت به حضور ذهن ایشان باید
 بگویم بی نظیر بودند. هر مطلبی را که از ایشان سؤال می کردیم و خودمان
 مطالعه زیاد کرده بودیم و مسأله را پیدا نکرده بودیم، ایشان با حضور ذهنی که
 داشتند جواب مسأله را می دادند. من منزل ایشان می رفتم و خیلی از ایشان
 استفاده می کردم.

ایشان در همین مسجد چهارصد دستگاه کتابخانه خوبی داشتند، که
 اساتید استفاده می کردند ^(۲). ایشان از نظر حافظه و نبوغ و حضور ذهن در
 مسائل فقهی و اصولی، شخصی استثنایی بودند، قدر ایشان در این مورد
 مجهول ماند. ^(۳)

آقای احمدی می نویسد:

مرحوم آقا شیخ محمد باقر شریف زاده در اردیبهشت ماه سال
 ۱۳۵۴ شمسی بدرود حیات گفتند، آیه الله العظمی آقای گلپایگانی در این
 خصوص فرمودند که:

مصیبت برای من دوتا است: یکی اینکه یکی از بستگان عالم و مجاهد

(۱) از افتخارات ایشان این بود که از خدام افتخاری آستان مقدس رضوی بود.

(۲) کتابخانه شخصی ایشان که چهار هزار جلد بود و از نظر کیفیت از اهمیتی خاص برخوردار
 بود پس از وفات ایشان به کتابخانه عمومی آیه الله العظمی گلپایگانی قم منتقل شد.

(۳) در این شرح حال از نوشته فرزند ایشان سلمه الله استفاده شد.

خود را که برای اسلام نافع بود از دست داده ام و دیگر اینکه به جهت کسالت چشمم (که دکتر دستور داده نباید گریه کنم)، نمی توانم در فقدان او اشکی بریزم. (از بیانات حجة الاسلام محمدی گلپایگانی در مجلس ختم آن مرحوم در مسجد حاجی گلپایگان در تاریخ ۱۲/۲/۵۴)

به گفته حجة الاسلام آقای محمدی گلپایگانی در مسجد حاجی (در تاریخ یاد شده): در تشییع جنازه مرحوم شریف زاده که در تهران برگزار شد و در آن ایام کم نظیر بود، آية الله العظمی حاج سید احمد خوانساری (ره) نیز شرکت داشتند.

به گفته آقای محمودی بهبهانی (که از قم آمدند و در مجلس ختم آن مرحوم در مسجد جامع گوگرد گلپایگان منبر رفتند): مرحوم آية الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی به مرحوم شریف زاده علاقه زیادی داشتند و با وجودی که در آن زمان ایشان جوان بودند وقتی ایشان را صدا می زدند گاه با تعبیر «فاضل معاصر» خطاب می نمودند. محسن (عطا) احمدی

محمد باقر بن محمد علی بن سعید

حجة الاسلام آقا شیخ محمد باقر بن ملا محمد علی بن آغا سعید گلپایگانی، عالمی جلیل از شاگردان علامه آقای نجفی اصفهانی بوده است.

علامه طهرانی می نویسد:

الشیخ المیرزا محمد باقر بن المولی محمد علی ابن الآغا سعید الغلپایگانی:
عالم جلیل کان فی اصفهان من تلامیذ الشیخ محمد تقی آغا نجفی

سنین وعاد بعدها إلى گلپایگان فصار من أجلاء العلماء.^(۱)

آية الله حاج آقا علی صافی گوید: از مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی نقل شده است که ایشان فرموده: دو نفر را در درجهٔ اعلی دیدم یکی را در بی استعدادی و دیگری را در استعداد، اولی را نام نمی برم دومی حاج شیخ محمد باقر گلپایگانی فرزند ملا محمد علی (جدّ مادری آية الله صافی) آقای صافی فرمودند: امام خمینی (ره) می فرمود: آقا شیخ محمد باقر آنقدر خوش صحبت بود که گاهی در یک مسیر مقداری از راه را ما پیاده و ایشان سواره در رکابشان می رفتیم که صحبت کند و استفاده کنیم.

و دیگری از اهل ویست (یکی از روستاها در چهار فرسخی گلپایگان است) می گفت: از ویست تا گلپایگان با ایشان می آمدیم در طول راه ایشان خمسه نظامی می خواند.

آری جامع معقول و منقول بود در ماه رمضان دعای ابو حمزه را با صدای خوبی می خواند رحمة الله علیه.

استاد آية الله العظمی گلپایگانی بوده. گفته شده که ماه رمضان دعای ابو حمزه ثمالی را در قنوت نماز وتر می خواند وفات او در سال ۱۳۵۲ و مدفن او قبرستان نو قم است.

میرزا محمد باقر واعظی

پدر حاج میرزا ابوالفضل فروتن، و در مصلاهی گوگد مدفون است.
(حجازی)

(۱) اعلام الشيعة سده ۱۴ ص ۸۱۲؛ گنجینه ۴۲۰/۶. در سال ۱۳۵۲ از دنیا رفت و در قبرستان نو قم در بقعه شیخ محمد سعید به خاک سپرده شد. (حجازی)

المولى محمد باقر الجرفادقاني

محمد باقر الجرفادقاني

أجازته العلامة المجلسي للأمور الحسبية ونقل الفتوى، ولا يبعد أن يكون من تلامذته الدارسين عنده. ولعلّه متفق مع محمد باقر بن عبد الباقي الذي كتب الجزء الأول من (تهذيب الأحكام) في سنة ١٠٥٩. ^(١)

السيد محمد باقر الكلپايگاني

عالم مدرّس كان في مشهد الرضا عليه السلام بخراسان، قرأ عليه هناك الشيخ هادي القائي سطوح الفقه قبل هجرته إلى سامراء في سنة ١٢٩٩ ولعلّه بقى إلى المائة الرابعة عشرة. قال تلميذه الشيخ هادي القائي في مقدّمة ديوانه: أنّه كان فقيهاً كريم الأخلاق قرأت عليه سطوح الفقه. ^(٢)

محمد باقر بن حبيب الله الموسوي

نوشته ای مورخ ١٢٨٢ از او در دست است به ج ١ ص ٤٧ - ٤٨ رجوع شود.

(١) تلامذة العلامة المجلسي والمجازون منه ص ١٥٦ به نقل از الروضة النضرة.

(٢) اعلام الشيعة سده ١٣ ص ١٦٥ وسده ١٤ / ١٩٠.

الشيخ محمد باقر گلپایگانی الگوگدي

كان في النجف الاشرف من العلماء العاملين والاتقياء المتورعين من أجلّ تلاميذ شيخنا الحجّة المولى محمد كاظم الخراساني^(١) وكان دقيق النظر عميق الفكر حسن التقرير جيّد التعبير، اشتغل - بعد تكميل مراتب العلم - بتهديب النفس وغلب عليه حبّ العزلة وانقطع عن الخلق واشتغل اشتغالاً دائماً بالرياضة والعبادة إلى أن توفّي في الحائر الحسيني [زائراً] (١٣٣٢) ودفن هناك، رأيت من تصانيفه بخطّه أربع مجلّدات عند تلميذه المستفيد منه السيّد صادق بن عبّاس الرشتي اللّشت نشائي مجلّدان في الفقه: الخلل والخيارات ومجلّدان في الاصول: الاستصحاب والتعادل والتراجيح.^(٢)

او برادر ملا محمد مهدي گوگدی وعموی حاج شيخ حسن فريد گلپایگانی متوفای ١٤٠٧ می باشد (حجازی).

(١) ومقرّر درسه والمدرّس في عصره. الذريعة ٢٤٧/٧.

(٢) طبقات أعلام الشيعة (نقباء البشر) قرن ١٤، ج ١ ص ١٩٠؛ رجال الفكر والأدب ج ٣ ص ١١١؛ معجم المؤلفين ج ٩ ص ٨٩؛ الذريعة ٢٧٩/٧ و ٢٤٧ و ٢٤/٢ و ٢٠٣/٤؛ گنجینه ج ٦ ص ٤٢٠ اعيان الشيعة ١٨٥/٩؛ مع كبار علماء النجف ٩٨/٢؛ معجم مؤلّفي الشيعة ٢٦٤.

الشیخ محمد باقر الجرفادقانی

محمد باقر بن علی آقا الجرفادقانی

فاضل أصله من «جرفادقان» «گلپایگان» وكان یقیم بأصبهان وتلمذ علی أعلامها، والظاهر أنّ من أساتذته السید حسن بن علی المدرّس الاصبهانی المتوفی سنة ۱۲۷۳، وقد استنسخ بخطّه الجید مجموعة فقهیّة وأصولیّة بین سنتی ۱۲۸۶ - ۱۲۸۸ وعباراته ومنشأته فی آخر الرسائل والکتب الموجودة فی هذه المجموعة تم عن فضله وتمکنه من العلم.^(۱)

السید محمد باقر گلپایگانی

در ذریعه ۱/ ۲۴۰ گوید: میرزا محمد عسکری به عده ای از علما اجازه داده است از جمله سید محمد باقر گلپایگانی (حجازی)^(۲)

میرزا محمد باقر

میرزا محمد باقر ادیب گلپایگانی، نماینده دوره اول مجلس که در (۱۲۸۵ شمسی افتتاح شد) بوده است.^(۳)

(۱) تراجم الرجال ۲/ ۵۹۶.

(۲) باید از علمای نیمه اول سده چهاردهم باشد.

(۳) توشه ای از تاریخ گلپایگان ص ۱۹۵.

محمد باقر بن زین العابدین

معارج محقق حلی مورخ ۱۲۷۶ و شرح عوامل ملا محسن مورخ ۱۲۷۴ و زبدة الاصول بهائی مورخ ۱۲۷۷ به خط او در کتابخانه حجة الاسلام در گلپایگان هست .

و شاید ایشان همان میرزا باقر بن زین العابدین (فرزند حجة الاسلام) باشد که آقای رازی در باره اش می نویسد در فصل جوانی در نجف اشرف بدروود حیات گفته و مرحوم حجة الاسلام بر سیل مکاشفه از مرگ او خبردار شده و برایش اقامه عزاء و فاتحه نموده و داستان مشهور است . (گنجینه ۵۰۲/۷).

شیخ محمد باقر اعجازی

جدّ دوم حاج شیخ محمد رضا اعجازی است .

حاج میرزا محمد باقر اعجازی

پدر شیخ محمد رضا اعجازی . جنگ منبر از او باقی مانده است .

ملا محمد باقر گلپایگانی

در کتابخانه آية الله گلپایگانی نه جلد و در کتابخانه دانشکده حقوق یک جلد از کتاب حاوی المرام فی شرح البدایة و شرایع الاسلام او به این شرح

موجود است .

جلد سوم از کتاب طهارت (شرح بدایه شیخ حرّ عاملی) تاریخ تألیف

۱۲۵۸ .

جلد چهارم از کتاب صلات (شرح بدایه) تألیف ۱۲۶۰ .

جلد هشتم زکات و صوم و مقداری از حج (شرح بدایه) . صاحب

جواهر بر این جلد تقریظ نوشته است .

جلد دیگر شامل تجارت (شرح شرائع) .

جلد دیگر تتمه تجارت (شرح شرائع) .

جلد دیگر شامل عاریه و اجاره و وکالت تألیف ۱۲۶۷ (شرح شرائع) .

جلد دیگر شامل وقف و هبه و سبق تألیف ۱۲۶۸ (شرح شرائع) .

جلد دیگر شامل ارث تألیف ۱۲۶۸ (شرح شرائع) .

جلد دیگر شامل قضا و شهادات تألیف ۱۲۶۳ (شرح شرائع) .

یک جلد فقه غیر مرتب هم هست که بخشی از آن را در ۱۲۶۰ در

نجف نوشته .

تمام این نسخه ها به خط مؤلف است .

و نیز دو نسخه دیگر در فقه و نیز حاشیه شرح لمعه از او در کتابخانه

آیه الله گلپایگانی و رساله در معامله محاباتی از او در کتابخانه مدرسه شهید

مطهری طهران موجود است .

محمد باقر بن محمد هادی گلپایگانی (سده ۱۳)

کتاب نتائج الانظار فی احکام الخیار او به خط خودش در کتابخانه

آیه الله گلپایگانی موجود است .

سید محمد باقر موسوی

سید محمد باقر موسوی رباط ملک علی بن حاج میر محمد علی متوفای ۱۳۳۹ در سن چهل سالگی وفات و در امامزاده احمد ارجان گلپایگان مدفون است (حجازی).

ملا محمد باقر دستجرده ای

پدر خانم طیبه منیعی، در سال ۱۳۵۷ ش از دنیا رفته است (حجازی).

حجة الاسلام والمسلمین ملا محمد باقر کلبعلی

به «حضوری» شهرت داشت^(۱) (حجازی).

حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد نخعی^(۲)

مرحوم شیخ محمد نخعی در سال ۱۲۸۲ شمسی در گوگرد

(۱) کتاب اسرار الشهاده در وقایع کربلا در شصت صفحه به خط ملا محمد باقر کلبعلی حضوری سعید آبادی مورخ ۱۳۳۴ نزد حاج محمد کلبعلی سعید آبادی روضه خوان است (حجازی).

(۲) نوشته فرزند ایشان جناب آقای محمد مهدی نخعی.

گلپایگان در خانواده‌ای مذهبی متولد شدند در زمان طفولیت، مادرشان فاطمه وبعد از چندی پدرشان محمد ابراهیم که جهت زیارت به نجف اشرف رفته بودند که در آنجا وفات می‌کنند و گویا در گورستان وادی السلام مدفون می‌گردند. و مشارالیه بدون سرپرست و مربی دلسوزی ماندایشان را جهت کار کشاورزی به صحرا و برادرشان را به مکتب می‌فرستادند که وی بدلیل علاقه و تمایل شدید به کسب علم مخفیانه به تحصیل پرداخته است و پس از مدتی که احساس کردند که ماندنشان در زادگاه ثمری ندارد جهت ادامه تحصیل به شهر مقدس قم جهت تحصیل علوم حوزوی مهاجرت و در جرگه طلاب علوم دینی به سرپرستی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در آمد و با توجه به اینکه آن دوران با زمان رضاخان قلدر مصادف بود بدیهی است که زندگی مذهبیون به ویژه طلاب علوم دینی بسیار سخت و پر مشقت بود.

وی به دلیل بیماری چشم به توصیه پزشک به شهر همدان مسافرت و با بیت مرحوم آخوند ملا علی (ره) به ویژه شخص ایشان مراودت صمیمانه‌ای داشتند که بعدها منجر به رفت و آمد خانوادگی گردید و به توصیه مرحوم آقای آخوند و سایر دوستان با صبیبه مرحوم حاج شیخ محمد حسین خائفی همدانی که به تازگی پدرشان مرحوم شده بودند ازدواج کرده و هنوز مدتی از زندگی مشترکشان نگذشته بود که به دلیل شنیدن خبر ناگواری (برخورد و اهانت به مأمور رضاخانی به طلبه‌ای جوان که لباس وی را با چاقو پاره کرده بود) دچار سکت شدید گردیدند که مدتها یک طرف بدنشان لمس و بی حرکت بود و ایشان که مقید به انجام فرائض بودند جهت گرفتن وضو و یا تیمم بایستی حتماً از همسرشان کمک می‌گرفتند که هم برای خودشان زجر آور و هم

باعث دردسر همسر بود و به هر دلیل معالجات مؤثر واقع نشده و همه توصیه می کردند که برای شفا در امامزاده ای در نزدیکی همدان به نام روستای ینگجه متوسل و شفای خود را از امامزاده قاسم بگیرند که ایشان به دلیل اینکه شاید مصلحت نباشد که صحّت یابند و این به اعتقاد مردم به آن امام زاده لطمه بزند اکراه داشتند اما به هر دلیل در آن امامزاده در فصل زمستان و در هوای سرد و برفی بستری و متوسل شدند و مادر ما هم با ایشان جهت پرستاری و مراقبت همراه بودند و شب ها به راز و نیاز با خداوند بی نیاز مشغول و التماس و التجا جهت شفای ایشان می نمودند که بعد از حدود تقریباً دو ماه در یکی از شب ها که مادر مشغول دعا بود مشاهده می کند که پدر از جا بلند شده و با شادمانی فریاد می زند که من خوب شدم و در حالیکه دست و پای خود را به اطراف حرکت می دهد و تکرار می کند که به بین به بین من حرکت می کنم و بدنم سالم است که این حرکت به دلیل فضای سرد امامزاده که در بیابان بود و حفاظی هم نداشت باعث سرماخوردگی شدید ایشان گردید که خروج از امامزاده با تأخیر انجام شد.

پس از اطلاع مردم با سلام و صلوات و انجام قربانی های متعدد به منزل بازگشتند که بیماری شان حدود نزدیک به پانزده ماه طول کشید.

ایشان به قم بازگشتند و به ادامه تحصیل پرداخته و از درس مرحوم آیه الله العظمی بروجردی کسب فیض می کردند مرحوم والد با مرحومان آیات عظام امام خمینی و گلپایگانی دوستی و مراودت خاصی داشتند و نامبردگان به ایشان عنایت ویژه ای داشتند و وی به دلیل قدرشناسی از مردم ینگجه و به درخواست مرحوم آیه الله العظمی بروجردی مدتی به نمایندگی از طرف ایشان به آن روستا که تقریباً در جنب همدان قرار دارد رفته و مدتی بعد

شوق تحصیل ایشان را به قم باز گرداند.

ایشان در قم به تحصیل و تدریس علوم حوزوی اشتغال و امامت جماعت بعضی از مساجد از جمله مسجد گلشن که در ذهن حقیر می باشد در نزدیک سّیه را به عهده داشتند.

تقوی و تهذب خاصی داشتند و نماز شب ایشان ترك نمی شد و خیلی مراقب استفاده از شهریه ای که دریافت می کردند بودند که شاید این وسواس ایشان باعث شده باشد که حقیر در جرگه طلاب در نیامدم به ادارات طاغوت اصلاً مراجعه نداشتند حتی در وقتی که اصلاحات ارضی ایشان را جهت روشن شدن وضع ملکشان که به اجاره داده بودند و مستأجر مدعی رعیتی ایشان را داشت خواسته بود نرفته و از خیر ملک گذشتند که بعد از فوت ایشان سال های بعد پسر نامبرده با پرداخت مبلغی رضایت وراثت را گرفتند.

مرحوم ابوی نسبت به اهل بیت ارادت خاصی داشت و به دلیل طبع شعری که در ایشان بود در مدح و منقبت ائمه اطهار شعر می سرودند که اشعارشان در خصوص حضرت خنمی مرتبت و امام حسین علیه السلام و همچنین ولی عصر علیه السلام موجود است ضمناً ایشان اشعار دیگری نیز داشتند که متأسفانه در دست نیست و فقط جزوه ای از ایشان که کفایة الاصول را به نظم در آورده اند (و مورد تمجید آیه الله بروجردی قرار گرفتند) موجود می باشد تخلص ایشان به دلیل انتسابشان به مالک اشتر نخعی جد بزرگوارشان «اشتری» بود.

خاطره ای که تقوی و پرهیز شدید ایشان را از مسایل دنیوی نشان می دهد می نویسم.

عده ای از اهالی روستای ینگجه (به دلیل اینکه آنان هر وقت به قم

می آمدند مدتی در منزل ما بودند) برای رفاه بیشتر پدرم و همچنین فراغ بال خودشان جهت سکونت در منزل ما، باغی را که گویا باغ انگور بود به پدرم هبه کردند که ایشان نپذیرفتند و در برابر اعتراض دیگران که چرا قبول نکردند می گفتند من در مریضی از خداوند خواسته بودم که به قدری خوب شوم که خود بتوانم وضو بگیرم و با عصا راه بروم ولی اکنون بی عصا و با راحتی راه می روم دیگر چه می خواهم.

از ایشان چهار فرزند دختر و دو فرزند پسر باقی مانده. دامادهای ایشان حجج اسلام حاج شیخ علی افتخاری و حاج سید رضا بطحایی و حاج سید علی اکبر مدنی و همچنین حاج ابوالقاسم نخعی از کسبه میدان امام حسین تهران می باشد و فرزند ذکورشان این جانب محمد مهدی نخعی و همچنین مهندس هادی نخعی از اساتید دانشگاه امیر کبیر می باشند.

آغاز منظومه اصول فقه ایشان:

بسم الله الرحمن الرحيم	الفرد والعلام والحکيم
حمداً على آلائه الجميلة	شكراً على نعمائه الجزيلة

شعر فارسی هم دارد. نمونه شعر او:

عید است و بود مولد سر حلقه ابرار	میر دو سرا سید و صاحب دل و سالار
مقصود ز ایجاد جهان مقصد خوبان	سرخیل رسل فخر سبیل احمد مختار
محبوب خدا شمع هدی مهبط املاک	مسجود ملک فخر بشر خواجه لولاک
مرد افکن و بت بشکن و جرثومه توحید	در روی زمین زاده و سیار در افلاک

در مولدش از فرق شهان تاج بیفتاد	هم تخت نگون هم کله عاج بیفتاد
شد دست شهان از عربان یکسره کوتاه	رسم وره بگرفتنتشان باج بیفتاد

افواج ملک جملہ بہ تسبیح و بہ تقدیس در ہفت فلک شد غدغن رفتن ابلیس
آتشکدہ فارس سراسر شدہ خاموش باطل شدی از کاهن دون حیلہ وتلبیس

شد خشک بہ یک مرتبہ دریاچہ ساوہ گردید چہ دریای گران رود سماوہ
از کنگرہ قصر ملک ریخت دہ وچار ہست این سخنان از رہ تحقیق نہ یاوہ

ای ختم رسولان ہمہ جان ہا بہ فدایت در دیدہ ما سرمہ زخاک کف پایت
ما غرق گناہیم ونداریم امیدی در روز قیامت بہ جز از مہر ووفایت

المیرزا محمد تقی الخوانساری گلپایگانی^(۱)

السید العالم المتبحر الجلیل الکامل الحاج میرزا مہدی الخونساری
الگلپایگانی^(۲) کان من العلماء الرؤساء فی گلپایگان وکذا أخوه المیرزا
محمدتقی واختهما زوجة المیرزا محمد صادق امام الجمعة بها.

سید محمد جمال ہاشمی گلپایگانی

حجة الاسلام والمسلمین آية الله آقای حاج سید محمد جمال
ہاشمی بن آية الله العظمی والعلامة الورع حاج سید جمال الدین موسوی
گلپایگانی از علما ومدرسان بزرگ معاصر نجف اشرف بود وی در سال

(۱) اعلام الشیعة قرن ۱۴ ج ۵ ص ۹۰.

(۲) بہ شرح حال آقا میرزا عباسعلی قاضی زاهدی رجوع شود.

۱۳۳۲ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوا و معنویت و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات و سطوح، از محضر والد ماجدش و مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیه الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی و بعضی دیگر استفاده نموده تا به مراتب عالیه علم و اجتهاد رسیده است.

معجم رجال الفكر والادب در باره وی گوید: عالم فاضل مجتهد جلیل و من اساتذة الأدب العربي وسیع الخيال سهل البیان.

وی سفری در معیت والد مبرورش به ایران و به زیارت ارض قدس مشرف و پس از آن مراجعت کرد و بعد از وفات والدش به جای او به اقامه جماعت پرداخته است.

دارای تألیفات عدیده از جمله ۱ - فاطمة الزهراء علیها السلام ۲ - الأدب الجديد ۳ - اصول الدین الاسلامی ۴ - الامام المنتظر که همه به طبع رسیده است ۵ - دیوان شعر کبیر . [۶ - مع النبی وآله ۷ - شیخ الشریعة]^(۱)

آقای رازی گوید: معظم له دانشمندی ادیب و فقیهی کامل و از خواص اصحاب آیه الله العظمی حکیم بودند و در بدیهه گویی ید طولایی دارند نیز در گفتن ماده تاریخ قدرت و توانایی زیادی دارد جناب آقای حاج سید علیمحمد وزیری یزدی صاحب کتابخانه نفیس وزیری یزد حکایت نمود که در نجف اشرف خدمت ایشان رسیده و جریان تأسیس کتابخانه را گفتم بداهة بیتی را در ماده تاریخ کتابخانه انشاء فرمود.^(۲)

(۱) این دو کتاب از یادداشت های آقای زمانی نژاد نوشته شد.

(۲) گنجینه ج ۷ ص ۲۹۰.

در کتاب شعراء الغری آمده :

السید محمد جمال الهاشمي الكلبايكاني^(١) ١٣٣٢ - ١٣٩٧

السید محمد بن جمال الدین بن حسین بن المیرزا محمد علی بن علی
نقی الموسوي الكلبايكاني الشهير بالهاشمی .

عالم ادیب شاعر .

ولد في النجف ٢٠ محرم سنة ١٣٣٢ ونشأ به علی والده الحجة
المتوفي سنة ١٣٧٧ ، دخل المدرسة «العلوية» الايرانية ثم تركها وانصرف
الى الدراسة الدينية فقرأ مقدماته الاولى علی الشيخ عبدالامير البصري
والشيخ شمس التبريزي والشيخ محمد تقي الاصفهاني والسطوح الاصولية
والفقهية علی الشيخ محمد رضا المظفر والميرزا محمد العراقي والشيخ
محمد تقي آل راضي والسید حسن البجنوردي والسید موسى الجصاني ثم
حضر الابحاث العالية علی والده والشيخ ضياء الدين العراقي والسید ابي
الحسن الاصفهاني .

ربى جيلاً من الشعراء الشباب وعنى بهم وكان من المساهمين في
جمعية «متدى النشر» ومدرساً بها ، وكذا جمعية «الرابطة الادبية» صار امام
الجماعة خلفاً لوالده وتولى حل المسائل والمشاكل الشرعية وله قصائد
بديعة التذُّ عند قراءتها نشرت في الصحف العراقية والعربية .

مؤلفاته : طبع له : الادب الجديد ، هكذا عرفت نفسي ، المرأة
وحقوق الانسان ، مشكلة الامام الغائب وحلها ، الاسلام في صلاته
وزكاته ، اصول الدين الاسلامي ، الزهراء .

(١) به شعراء الغري ٣/١١ ، مؤلفين كتب چاپی ٧٠٢/٥ ، البند فی الأدب العربي ص ١٦٣ ،

معجم المؤلفين ١٢٢/٣ رجوع شود .

والمخطوطة، الاخلاق في ضوء القرآن، تاريخ الادب العربي،
الادب القديم، حاشية على مطول التفتازاني، حاشية على كفاية الاصول ١
- ٢، حاشية على رسائل الشيخ الانصاري، حاشية على مكاسب الشيخ
الانصاري، تقارير الاصول من بحث العراقي، تقارير الفقه من بحث
والده، الاوتار منظومة، الانغام في الموشحات، ملحمة الجيل ٧٠٠ بيت،
الهاشميات فيما قاله في آل البيت (عليه السلام)، ديوان شعره ١ - ٢.
توفي بالنجف سنة ١٣٩٧ ودفن في وادي السلام.^(١)

دیگری می نویسد:

شاعر، مفسر، من علماء الشيعة الامامية
ايراني الاصل، حلّ في النجف. عرف بالجد والاجتهاد والتواضع،
وكان همه أن يصل الى أغوار النصور وفلسفتها. اكبّ على الدروس الدينية
واقبل على اللغة العربية وعلومها، واكتشف مواهبه الشعرية، فأخذ ينظم
الشعر. انتسب الى جمعية «الرابطة الادبية» وشارك في نشاطاتها، وكانت
مكتبته عامرة بنفائس الكتب، وقلما يصدر كتاب من كتب العلوم الانسانية
الحديثة الا ويقتنيه ويقرؤه.

ومما صدر له:

- محاضرات في التفسير (القاها في صحن مسجد الامام علي في
ليالي شهر رمضان، ونشرت بعض حلقاتها في مجلة «الإيمان» النجفية.^(٢)

(١) هاشم بن السيد محمد جمال المولود ١٣٦٩ ايضاً شاعر مجيد فاضل واديب جليل.

(٢) هكذا عرفتهم ٧٣/٧ - ٩٤ ومعجم الدراسات القرآنية عند الشيعة الامامية ص ٢٦٣،

٢٩٢، ٢٩٤. وتكملة معجم المؤلفين ص ٤٦٧ - ٤٦٨.

ودیگری می نویسد :

محمد بن السید جمال الدین ابن السید حسین الکلبایکانی النجفی عالم کامل مجتهد جلیل، کاتب مؤرخ متبّع شاعر اديب کبير، من أساتذة الادب العربي، واسع الخيال سهل البيان طيّب المعشر عذب الحديث، ولد في النجف الاشرف، وقرأ على أبيه وحضر على فضلاء عصره وخالط الشعراء والادباء، وقال الشعر وتفوق على أقرانه، وأصبح في الرعيل الاول من شعراء العراق. أكثر من الكتابة والتأليف والنظم. وتولى التدريس في الفقه والادب العربي، كما قام مقام والده السيد جمال الدين الكلبايكاني المتوفى ۱۳۷۷هـ في إمامة الجماعة والوظائف الشرعية. ولازم السيد محسن الحكيم وصحبه وحضر مجالس فتاواه الى أن توفي سنة ۱۳۹۷هـ وخلفه: السيد هاشم. السيد حسن. السيد محسن. السيد ضياء الدين. السيد جمال الدين. السيد صالح.

تأليفه المطبوعة: الادب الجديد في العراق. الإسلام في صلاته وزكاته. اصول الدين الإسلامي. روائع الامالي في فروع العلم الإجمالي. الزهراء (عليها السلام). المرأة وحقوق الإنسان. مشكلة الإمام الغائب (عليه السلام) وحلها.

در ذریعه ۱۴۶/۲۶، ۹۹۵/۹، ۱۴/۱۹۶ آمده:

له كتاب الادب الجديد المطبوع سنة ۱۳۵۷ الذي جمع فيها ست وعشرون ترجمة للشعراء المعاصرين وشعرهم وفي آخرهم ترجمة نفسه وترجم هو في «عصور الادب» ص ۱۶۵.

وله كتاب شعر الابتكار في الشعراء والاشعار استخراج منه كتابه المطبوع الادب الجديد.

آقای احمدی می نویسد:

در «مستدرکات اعیان الشیعه» تألیف حسن امین، (چاپ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ق) جلد اول صص ۱۵۵-۱۵۶ شرح حال مرحوم آیه الله سید محمد جمال هاشمی فرزند مرحوم آیه الله العظمی سید جمال الدین گلپایگانی را آورده است که شروع آن بدین قرار است:

أصل والده من قرية سعيدآباد من قرى كلبایكان في ایران ثم انتقل الى النجف سنة ۱۳۱۹ فأقام فيها طالباً فعالماً من مشاهير علمائها، ثم توفي فيها وهناك ولد نجله المترجم فدرس على والده وعلى كبار العلماء وتقدم في الدرس حتى كان من المبرزين واشتغل في تفسير القرآن حتى كانت له حلقة يلقي فيها دروس التفسير على الطلاب. وكان إلى ذلك شاعراً مجيداً.

ولما قام حكم الطغيان البعثي التكريتي في العراق، فسفك الدماء وارتكب المجازر الانسانية وشرد العلماء وقضى على الحريات، كان هو ممن لحقته آثام هذا الحكم فاضطهد وطورد، ثم توفي فجأة في الستين من عمره. طبع من مؤلفاته: الادب الجديد، الزهراء، المرأة وحقوق الانسان. وبقي ديوانه مخطوطاً ويؤسفنا أن لم يصل إلينا إلا هذا النزر القليل من شعره الكثير الجيد، والله أعلم بما انتهى إليه أمر ديوانه. شعره:

من شعره قصيدة له في فلسطين نظمها سنة ۱۹۴۶ وألقاها في إحدى الحفلات الكبرى في النّجف:

بثى ففي سيره التاريخ قد وثبا واستسهلي في سبيل المجد ماصعباً
 كه تا آخر قصیده مزبور را آورده و سپس قسمتی از قصیده ای دیگر نیز از ایشان که در سال ۱۹۴۸ باز به عنوان «فلسطين» سروده شده را نیز آورده است که بسیار زیبا و دلرباست.

محسن (عطا) احمدی

به‌الادب الجديد / ۱۶۴ . أعيان الشيعة ۵۲/ ۵۷ و ۲/ ۲۸۷ -
المستدرکات . الى ولدي / ۱۰۹ . دراسات أدبية ۱/ ۱۰۰ . شعراء الغري
۱۱/ ۳ . الغدير ۸/ ۳۸۷ . کتاب های عربی / ۳۲ ، ۵۵ ، ۶۴ ، ۵۰۶ ، ۸۲۸ ،
۸۴۸ . مصادر الدراسة / ۸ ، ۶۰ . المطبوعات النجفية / ۷۰ ، ۷۷ ، ۸۳ ،
۲۰۰ ، ۳۱۴ ، ۳۲۰ . معجم المؤلفين العراقيين ۳/ ۱۲۲ . نقباء البشر
۱/ ۳۰۹ رجوع شود.

ملا محمد جواد گلپایگانی

در کتاب سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان ص ۲۹۸ آمده : ملا
محمد جواد فرزند رضا از منبری های گلپایگان بود و در ۱۲۷۸ (؟) از دنیا
رفت و در قبرستان قاضی زاهدی مدفون است.^(۱)

(۱) در کتابخانه مسجد جامع گلپایگان نسخه هایی با این خصوصیات موجود است :

- ۱ - مجموعه مناقب و مصائب از ملا محمد جواد بن محمد رضا گلپایگانی به خط خود او با
اشعاری از آقا میرزا مهدی آقا زاده و ملا محمد جواد صافی .
- ۲ - مجموعه مناقب و مصائب از همو به خط او تاریخ تألیف ۱۲۹۶ .
- ۳ - مجموعه مناقب و فضائل ائمه اطهار در ۱۹ جلد خشتی ، وزیری و رحلی تألیف همو
و به خط او .
- ۲۲ - رساله مباحثه النفس (فارسی) به خط او در سال ۱۳۳۰ (ضمن یک مجموعه است
و رساله هفتم آن) .
- ۲۳ - رساله ایمان به خط او در سال ۱۳۳۰ (ضمن یک مجموعه است و رساله ششم آن) .
- ۲۴ - خلاصه خصائص فاطمیه حاج میرزا باقر تهرانی به خط او در سال ۱۳۲۳ .
- ۲۵ - خلاصه الأذکار فیض ۱۳۳۰ .
- ۲۶ - شرح اشعار بحر العلوم ۱۲۸۸ .
- ۲۷ - کتاب التمهیص ابن شعبه؟

آقا شیخ محمد حسن گلپایگانی

آقا شیخ محمد تقی وحیدی گلپایگانی گوید: جدّ من آقای آقا شیخ محمد حسن گلپایگانی مدّتی را در نجف تحصیل می کردند و حدود شش هفت سال در اصفهان تحصیل می کردند. اساتید ایشان در اصفهان: مرحوم آیة الله آقا نجفی اصفهانی، مرحوم جهانگیرخان قشقایی و بعضی دیگر از آقایان.

مرحوم آقا جمال گلپایگانی ایشان را مجبور کردند که به گلپایگان بروند و در رباطات گلپایگان فعالیت می کردند و طلبه هایی را تربیت کردند. آقای آقا شیخ احمد کریمی که اخیراً مرحوم شدند و آقای آقا سید حسین

← ۲۸ - لؤلؤ البحرين نوروز علی بسطامی ۱۲۸۸.

۲۹ - اللهوف ۱۲۸۸.

۳۰ - مختصر الطرائف واللطائف ۱۲۹۶.

۳۱ - دلائل الخیرات (منظومه و شرح آن) از سید کلب باقر هندی ۱۳۳۰.

۳۲ - منهاج الكرامة علامه ۱۳۲۹.

۳۳ - منهاج النجاة فیض ۱۳۰۲.

۳۴ - مواعظ حاج شیخ جعفر ۱۳۲۳.

۳۵ - سیر وسلوک ملا نوروز علی بسطامی ۱۲۹۱.

۳۶ - تمهید القواعد شهید ثانی ۱۲۸۷.

۳۷ - تنبیه الراقدین ملا محمد طاهرین قمی ۱۳۳۰.

۳۸ - اشعار ملا محمد طاهر قمی.

۳۹ - ونیز زهر الریاض به خط او در کتابخانه آیة الله مرعشی است.

رباط اسفنج از شاگردان ایشان بودند. خود بنده هم مقداری از مقدمات را نزد ایشان خواندم در ادبیات بسیار خوب بودند. ایشان مجتهد یا قریب الاجتهاد بودند. نظرات خاصی داشتند و می گفتند من تقلید نمی کنم. قبر ایشان در قبرستان نوقم است.

محمد حسن بن محمد اسماعیل گوگدی

از وی کتابی در اخلاق به زبان فارسی به نام عروة الوثقی، که تاریخ تألیف آن ۱۲۸۵ می باشد در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است و در ذریعه ۲۵۰/۱۵ یاد شده است.

ملا محمد حسن

لسان الذاکرین، مؤلف کتاب احسن المجامع در پنج جلد والد حاج آقا رضا شهیدی.

حجة الاسلام آقا شیخ محمد حسن

فرزند ملا محمد حسین گلپایگانی عالمی فقیه و پارسایی متقی از شاگردان آقا نجفی اصفهانی و غیره بوده و در حدود ۱۳۱۵ وفات نمود.^(۱)

(۱) گنجینه ج ۶ ص ۴۲۲.

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین عنایتی

در سال ۱۳۱۳ هـ. ش متولد و در سال ۱۳۶۴ بر اثر حمله وحشیانه عراق به هواپیمای مسافری در آسمان اهواز شهید شد.

هواپیمای مذکور حامل نماینده حضرت امام خمینی (ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حجة الاسلام والمسلمین محلاتی و تعدادی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نیز تعدادی از روحانیون اعزامی از سازمان تبلیغات اسلامی بود که ایشان از زمره این روحانیون بود.

این شهدای گرانقدر که حدود ۴۰ نفر بودند بعد از فتح فاو به دست توانای رزمندگان اسلام به قصد تبلیغ و بالا بردن روحیه رزمندگان عازم جبهه نبرد حق علیه باطل بودند که در آسمان گلگون اهواز مورد اصابت موشکهای عراقی قرار گرفته و به شهادت رسیدند.

تحصیلات:

شهید عنایتی از سن ۱۴ سالگی تحصیلات حوزوی خود را در شهر اراک آغاز نمود و از همان سنین نوجوانی ملبس به لباس روحانیت شد، پس از گذشت حدود ۴ سال جهت ادامه تحصیل به شهر مقدس قم عزیمت نمود و در حوزه علمیه قم مشغول به ادامه تحصیل گردید.

ایشان تحصیلات خود را در دوره دوم سطح تا پایان رسائل و مکاسب ادامه دادند و سپس به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی مشغول به ادامه تحصیل شدند.

از دوستان وهم مباحثه های زمان تحصیل ایشان علاوه بر برادر بزرگترش حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی عنایتی می توان از حضرات حجج اسلام و مسلمین حاج شیخ محمد تقی وحید گلپایگانی - حاج شیخ علی اسعدی، حاج سید هاشم بطحایی گلپایگانی و حاج سید مصطفی محمودی نام برد.

سوابق مبارزاتی و اجرایی:

قبل از انقلاب، شهید عنایتی همزمان با تحصیل در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به امر مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی (ره) به روستای میگون از توابع لواسانات تهران عزیمت نمودند و امامت جماعت مسجد جامع این مکان را بر عهده گرفتند. شهید عنایتی در دوران ستم شاهی، آن زمان که خفقان و سیاهی بر جامعه حاکم بود بدون هیچگونه تسامحی و وظیفه خود را انجام داده و در هدایت مردم و آگاهی آنها نسبت به ظلم و جور حاکم همت می گماشت که در این خصوص نیز بارها از جانب ساواک تهدید حتی برای مدتی نیز دستگیر و ممنوع الخروج شده بود.

پس از مدتی جهت ادامه انجام وظیفه به تهران عزیمت نمود و ابتدا در مسجدی واقع در خیابان خاوران خیابان شهید ذوالفقاری (اتابک) و سپس در مسجد محمدی واقع در میدان خراسان خیابان شهید طیب (بی سیم نجف آباد) به ادامه تبلیغ پرداخت.

بعد از انقلاب، همزمان با شکوفایی نهال انقلاب اسلامی و دمیده شدن فجر پیروزی ملت ایران، ایشان علاوه بر امامت جماعت مسجد محمدی اولین کار اجراییش را در اولین نهاد انقلابی به عنوان مسؤول کمیته انقلاب اسلامی مستقر در پارك وليعصر عليه السلام در انتهای خیابان طیب شروع کرد و با

تلاش شبانه روزی توان خود را صرف استقرار جمهوری اسلامی نمود. پس از آن به عنوان مسؤول عقیدتی سیاسی پلیس راه آهن و بعد از آن با همان سمت در بهداری شهربانی در کنار نماینده حضرت امام (ره) حجة الاسلام والمسلمین محمد مهدی موحدی کرمانی در شهربانی به انجام وظیفه پرداخت.

در کنار این مسؤولیتهای اجرایی که هیچگاه مانعی برای بعد عبادی این شهید محسوب نمی شد چندین مرتبه برای حضور در میان رزمندگان اسلام عازم جبهه های نور علیه ظلمت شد.

شهید عنایتی همه این کارها را در راه ادای وظیفه و حفظ انقلاب به جان می خرید تا اینکه برای آخرین مرتبه که به جبهه های نبرد عازم شد به همراه گروهی دیگر از عزیزان در آسمان گلگون اهواز در تاریخ ۱/۱۲/۶۴ به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

توضیحات:

شهید عنایتی دارای ۵ فرزند پسر بود که یکی از آنها به نام شهید حمید عنایتی قبل از خود ایشان در عملیات والفجر یک در تاریخ ۲۴/۱/۶۲ در منطقه شریانی به شهادت رسید، پیکر مطهر این شهید عزیز پس از گذشت حدود ۱۲ سال به وطن رجعت نمود و در کنار پدرشان در بهشت زهرا دفن گردید.

یکی دیگر از فرزندان ایشان نیز به نام احمد عنایتی که طلبه مدرسه ملا محمد جعفر (آیه الله مجتهدی) تهران بود در تاریخ ۲۳/۱۰/۶۵ یعنی کمتر از حدود یک سال پس از شهادت پدر در عملیات کربلای ۵ به فوز عظیم شهادت نایل آمد و با همان لباسهای رزم که آغشته به خون پاکش بود در پایین

پای پدر در بهشت زهرا دفن شد.

آری به این ترتیب شهید محمد حسین عنایتی ودو بازوی توانمندش حمید و احمد، این سه لاله خونین از سلالهٔ پاك ايثار به لقاء الله پیوستند و از فیض او مستفیض شدند. روانشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

وصیتنامه شهید حمید عنایتی:

بسم رب الشهداء والصدیقین

یک لحظه در کار نبرد و حمله کوتاهی نکنید. زیرا ثمره این کار در دنیا خواری و ننگ است و در آخرت...

﴿الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت، فقاتلوا اولیاء الشیطان، ان کید الشیطان کان ضعیفا﴾.
 آنهایی که ایمان آوردند جنگ می کنند در راه خدا و آنهایی که کافر شدند جنگ می کنند در راه طاغوت پس بجنگید با دوستان شیطان. بدرستی که مکر شیطان ضعیف است.^(۱)

وصیت ما زبان حال ماست حال ما پیام خون ما است و پیام خون ما اطاعت از فرمان امام و ولایت فقیه و به اجرا در آوردن قوانین الهی است.
 شهادت وسیله هجرت من به سوی عالم برزخ است. شهادت آرزوی من است و آرزوی من سعادت من است و سعادت من در رسیدن به درجه رفیع شهادت خلاصه می شود.

کوله بار گناه پشتم را آزار می دهد. می روم تا با ریختن خون خود خدمت کوچکی به اسلام و دین و آیینم کرده باشم و این کوله بار را پایین

(۱) سوره نساء، آیه ۷۶.

گذارم. می‌روم تا درخت جمهوری اسلامی را که محتاج به آبیاری است و این آبیاری با چیزی جز خون من و سایر رزمندگان نیست آبیاری کنم. همیشه و در همه جا باطل بوده و باید حق جانشین آن می‌گشته است اکنون که در جبهه‌های خونبار ما باطل به نبرد با حق پیاخاسته است من با سایر رزمندگان سلاح در دست گرفته‌ام تا در آنجا ستیز و نبرد کنم و حق را جایگزین باطل کنیم. راهی که انتخاب کرده‌ام راهی است که تمام ائمه معصومین و یاران با وفای آنها و بزرگان دین از صدر اسلام تاکنون انتخاب کرده‌اند و بدرستی که همه ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم و بازگشت ما همه به سوی او است. پس چه خوشبخت آن کسانی که شهادت و خدمت به مسلمین و مستضعفین را پیشه کردند و مرگ آگاهانه را انتخاب نمودند و به وسیله شهید شدن عمر دوباره یافتند و چه بدبخت آن کسانی که به فکر خوابیدن و خوردن و آسایش و کلاهبرداری و گران فروشی و ظلم کردن به مردم هستند و مانند چهارپایان بدون تفکر امورات خود را می‌گذرانند. من در درگاه ایزد یکتا دعا می‌کنم و امیدوارم جنازه‌ام تکه تکه گردد تا در برابر حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام و حضرت عباس و سایر شهدای گلگون کفن دیگر شرمنده و سرافکنده نباشم. اگر جنازه‌ام پیدا نگشت بدانید اجر شما در درگاه خداوند بیشتر است. و اگر پیدا شود در جلوی تابوتم عکس بزرگ امام خمینی را در بالا و عکس کوچکی از من را در پایین بزنید. و در داخل تابوتم همراه جنازه‌ام و قبرم عکس امام خمینی را بگذارید تا در عالم برزخ تنها نباشم و بدنبال تابوتم اگر گریه و زاری می‌شود سعی زیاد شود تا برای امام حسین و شهدای کربلا و شهدای گلگون کفن ایران باشد. خدایا حالا که در این راه گام برداشته‌ام و بار سفر بسته‌ام و به سوی تو آمده‌ام تو را

به حق محمد و آل محمد قسم می دهم به من توفیق اطاعت و بندگی و شهادت نصیب کنی، خدایا حمد و ثنایم را بپذیر. هدایتم فرما جرایم مرا ببخش، دریچه مغفرت و رحمت خود را به روی من باز کن. خدایا طردم مکن بنده ای محتاج و ذلیل و به امید فضل و بخشش و کرامت تو روی به سوی تو آورده ام. پیشانی شرمساری بر خاک نهاده ام تا به تو پیوندم. گنهکارم و احتیاج به آمرزش دارم از این رو به سوی تو آمده ام و به درگاهت توبه می کنم و تلافی حق الله و حق الناس را که یکی از ارکان توبه است و من از پرداخت آن عاجز هستم این می دانم که پا گذارم در این راه مقدس و با شهید شدنم و ریختن خونم درخت جمهوری اسلامی را آبیاری کنم.

امام عزیزم و مهربانم افتخار من بر این است که قطره ای از دریای ارتش تو هستم. و مفتخرم از این که توانستم پیامت و کلامت را لبیک گویم و به میدان نبرد راه یابم. ای امام عزیز امیدوارم دینی را که به گردن من بوده است توانسته باشم ادا کنم. و از شما ای مقامات مسؤول کشور به عنوان یک فرد ایرانی تقاضا می کنم ملت ایران را از خود راضی و خوشنود نگه دارید. به داد مستضعفین برسید و اگر حق کسی پایمال شود و شما احساس مسؤولیت نکنید و از کار مربوط به خود سرپیچی کنید همین امت فردای قیامت جلو شما را خواهند گرفت.

و از سپاه پاسداران و قوای مسلحه و قوای انتظامی عاجزانه می خواهم پیرو ولایت باشند و حرف و فرامین فرماندهان خود را گوش فرا دهند و نظم را در امور پیشه کنند که خداوند پایداری و استقامت به آنان عطا خواهد نمود.

مادر عزیز و مهربانم بر خود بیال و افتخار کن که یکی از فرزندان را در راه خدا دادی اگر من شهید شدم ناراحت نباش فرزند بعدی خود را آماده

ساز همچون مادر و هب شیردل و صبور باش . جامهٔ نو به پوش شادی کن . در عزای من گریه نکن و اگر گریه کردی و دلت برای شهیدان سوخت فقط برای من گریه نکن بلکه برای سایر شهدا و آن شهیدانی که مادر ندارند که برای آنها گریه کند گریه کن اگر من شهید شدم و گمنام گشتم یکی از قبرهای شهدای گمنام را در بر بگیر و آن را فرزند خود ساز به خدای لاشریک له که من با او هیچ فرقی ندارم در نزد شما . سعی کن گریه ات طوری نباشد و در مکانی نباشد که دشمن را شاد کند . ان شاء الله اجر شما با فاطمه زهرا (علیها السلام) است و از شما پدر مهربان به خاطر زحماتی که در طی این ۱۸ سال برای من کشیده اید خیلی خیلی متشکرم . امید است از دست من راضی باشید . پدر عزیزم سعی خیلی زیادی کنید در سخنرانی ها و مجالس روضه و موعظه هایت مردم را به تقوی و نظم و به جنگ با ملحدان و منافقان برخوانی .

پدر عزیز و مهربانم از شما عاجزانه می خواهم در مجالس روضه و غیره طلب آمرزش از خدای باری تعالی برای من بکنید و مرا دعا کنید که به دعای شما محتاجم .

دوستان و آشنایان و اقوام و خویشاوندانم ، از شما نیز بخشش می خواهم و اگر در طول معاشرت با شما از من ناراحتی و عملی ناپسند دیده اید باید به روی پسندیده خودتان ببخشید و اگر از جانب من نسبت به شما غیبت و تهمت و اشتباهی سرزده است ببخشید تا در صحرای محشر سرافکنده نباشم .

و از امت حزب الله می خواهم که پشت سر امام و ولی فقیه حرکت کنند و پشتیبان ولایت فقیه ، این استمرار حرکت انبیا ، باشند و از برادران گروه مقاومت مسجد امام جعفر صادق (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) تمنا می کنم

در سنگر خود مستقر باشند و به پاسداری از نظام جمهوری اسلامی در مساجد ادامه دهند و در یک شب چهارشنبه برای شادی روحم و شادی روح تمام شهدای محل، دعای توسل در خانه پدرم برگزار کنند و برای من از درگاه احدیت طلب آمرزش کنند و برای امام و سایر رزمندگان دعای خیر کنند.

والسلام علی من اتبع الهدی

مناجات نامه طلبه شهید احمد عنایتی :

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿ان الله يحبّ الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص﴾

الهی هب لی کمال الانقطاع الیک

بار الها بنده ای شرمنده به سویت می آید که عمر خود را در معصیت و روگردانی از تو گذرانده و حالا که در چند قدمی قبر قرار گرفته با تو سخن می گوید. بنده ای که خود را بنده تو می دانست ولی در اصل بنده شیطان بود. بنده ای که عوض اینکه پیش آقای خود بیاید، پیش دشمن خود می رفت. بنده ای که عوض اینکه عبادت تو را بکند. عبادت غیر تو را می کرد. بنده ای که در خیالات غرق شده بود. بنده ای که از غیر تو طلب می کرد و هرگاه که تیرش به سنگ می خورد تو را صدا می کرد و توهم با فضل و کرم با او رفتار می کردی و او را نجات می دادی.

الهی: تو خود بهتر می دانی که چه کسی هستم و چه کار کرده ام. من هنوز هم نمی دانم آیا این راهی که می روم برای خاطر توست یا نفسم. آن راه، رضایت تو را جلب می کند یا رضایت غیر تو را، به هر حال، پناه می برم از نفسم که مرا اسیر خود کرده است و من همیشه این سخن را می گویم که: اللهم وفقنا لما تحب وترضی.

الهی، اگر چه بنده ای شرمنده هستم اما به فضل و کرمتم امیدوار هستم.

الهی، زبانم قاصر است که با تو چگونه صحبت کنم، چگونه دردهایم را بگویم، چگونه از تو طلب کنم که جوابم را بدهی.

الهی، اگر چه تو را فراموش کردم ولی تو هستی که هیچ کس را فراموش نم کنی و امیدوارم که در قیامت هم مرا فراموش نکنی.

الهی، ما که از تاریکی شب می ترسیم، چگونه در قبر تنها بمانیم. ما که از آتش دنیا هراس داریم چگونه در آتش آخرت بسوزیم. ما که از ریختن آبرویمان بیم داریم چگونه در آن دنیا پرده عیوبمان دریده شود.

الهی، ما را قدرتی ده که بتوانیم با نفسمان مبارزه کنیم و کاری را انجام دهیم که رضای تو در آن است. ما را از خود دور نکن، که هر کس از تو دور شد هلاک شد.

الهی، مبادا که در آن روز مرا از بندگان خالصت جدا کنی، آنها را به سوی بهشت بری و مرا به سوی جهنم.

الهی، هر کس به تو امیدوار بود نجات یافت و هر کس از تو نومید شد لذت مناجات را از او گرفتی و او را خوار کردی.

الهی، هر چه خواهی از من بگیر فقط لذت مناجات را بگیر و هیچ چیز به من نده فقط لذت مناجات را بده.

الهی، بریدن از همه چیز و گرویدن به تو نهایت آرزوی من است.

الهی، گرچه این راهی است که همه باید بیایند، اما از تو می خواهم، همانگونه که برای شهدا پیشواز فرستادی برای ما هم پیشواز بفرست که به ما نوید آزادی دهد، نوید پیوستن به تو را بدهد، نوید دوری از دشمنانت را

بدهد، به هر حال خدایا ما را از شر شیطان نجات ده و نوید پیوستن به خود را به ما بده.

گرچه دوست داشتم اگر شهید شدم و جنازه ای داشتم، پدرم با من همراهی کند و خودش مرا درون قبر بگذارد که خداوند اگر به خاطر او هم که شده است، عذاب قبر و آخرت را از من دور کند ولی افسوس که او الآن پیش خداوند و امام حسین علیه السلام میهمان است. روحش شاد ولی با این وجود، امید به خدا دارم و از او کمک می خواهم که ما را در هیچ موقع به خودمان وامگذارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارك مسؤولان محترم كنگره بزرگداشت علمای گلپایگان
سلام علیکم

این جانب سید حمید «حسین» محمودی که در تاریخ ۱۳۴۷ شمسی در شهر گلپایگان متولد شده ام از جانب پدری از سادات موسوی قریه گوگرد و از جانب مادری به جناب مالک اشتر نخعی (ره) منسوب می باشم. و در سال ۶۸ در مدرسه علمیه معصومیه شروع به تحصیل دروس حوزوی کردم این سال را به فرا گرفتن مکالمه عربی مشغول بودم و پس از آن به مدرسه علمیه المهدی (آیه الله گلپایگانی «ره») رفتم و دروس مقدمات را در آن مکان مشغول بودم.

اساتید بنده: آقای قاروبی تبریزی در لمعه و آقای موسوی خوئی و آقا سید رسول طهرانی در رسائل و مکاسب می باشند.

از شهدای عزیز منطقه گلپایگان شهید حاج شیخ محمد حسین عنایتی و فرزنداناش می باشند. بنده در چند سال گذشته در کتابخانه شخصی ایشان

دو جلد کتاب خطی نفیس پیدا کردم که آن را بنا به توصیه فرزند ایشان به کتابخانه حضرت آیه الله نجفی مرعشی (ره) اهدا کردم.

۱ - توحید مفضل که در پایان آن این جملات نوشته شده است: فرغت حامداً لله تعالى عظیم نعمة التوفيق ومصلياً على اشرف انبيائه محمد وآله الهادين الى سواء الطريق ضحوة يوم الاحد السابع والعشرين من شهر جمادى الاولى من سنة ۱۱۲۹ تسع وعشرين بعد الف ومائة بقرية اسفرنجان من قرى جرباذقان وانا المذنب العاصي الفقير الاثم ابن السيد حسين الموسوي ابوالقاسم^(۱) عفى عنهما جميع المآثم.

۲ - کتاب مصباح الشريعة ومفتاح الحقيقة می باشد که آن هم در همان تاریخ تمام شده است.

و در پایان کتاب نگارنده لیستی از کتابخانه شخصی خود را نوشته است زیرا کس این کتاب [ها] نزد من موجود می باشد.

ملا محمد حسین دستجردیان

پدر ملا محمد رضا دستجرده ای، در سال ۱۲۹۷ از دنیا رفته است (حجازی)

آقا شیخ محمد حسین وحیدی گلپایگانی

آقا شیخ محمد تقی وحیدی در باره پدرش آقا شیخ محمد حسین گلپایگانی گوید: ایشان دروس سطح را در گلپایگان خوانده بود و عالمی

(۱) جد صاحب روضات.

با تقوی بود.

من که برای تحصیل به اتفاق ایشان به قم آمدم نزد مرحوم آیه الله آقا سید محمد تقی خوانساری رفتیم ایشان شش تا تک تومان در آوردند و به مرحوم آیه الله خوانساری دادند و گفتند این خمس مازاد مؤونه خود من است. ایشان پول را گرفتند و به من دادند و جمله ملیح و زیبایی فرمودند: که شیر میش مال برّه است حال که ایشان برای تحصیل آمده به قم کتاب بخرد.

ایشان بیماری سرطان حنجره پیدا کرده بودند که چهل روز آب از گلوی ایشان پایین نرفته بود، یک شب متوسل به آقا امام رضا علیه السلام شدند، صبح که مادر ما برای ایشان چای آوردند چای را خوردند و بعد از چهل روز از گلوی ایشان پایین رفت. بعد شیر هم آوردند و ایشان میل کردند. و فرمودند من شفا پیدا کردم. شب خواب دیدم که یک ماشین آمد جلو درب منزل و گفت می خواهیم ترا ببریم مشهد، ایشان واقعاً خوب شده بودند.

و مدت ۸ ماه گذشت، گفت برویم مشهد. به اتفاق ایشان رفتیم مشهد، و آنجا خیلی سرد بود و ایشان مبتلا شدند به ذات الریه، و شب دوم که تب ایشان خیلی زیاد شده بود گفتند خوب است ما همین جا بمانیم، شب سوم که کنار ایشان نشسته بودیم، یک وقت دیدم ایشان نشسته و گفتند آقایان علما آمدند اینجا والسلام علیک یا علی بن موسی الرضا. ما ایشان را خوابانیدیم و وفات کرد. و ایشان را در باغ رضوان دفن کردیم^(۱).

(۱) نقل از فرزند ایشان آقا شیخ محمد تقی وحیدی.

الشیخ المیرزا محمد حسین الکلبایکانی

علامه طهرانى مى نویسد :

هو الشیخ المیرزا محمد حسین الشهير بحافظ الصحة ابن المیرزا اغا الکلبایکانی الحائري عالم ورع وطیب صالح وبارع ماهر .
كان والده من حذاق الاطباء ؛ تلمذ علیه المترجم له مع أخیه الاکبر المیرزا محمد صادق - الذي توفي بعد أداء فريضة الحج في الطريق ، ودفن بمكان وفاته - ثم هاجرا معاً الى طهران فتلمذا في الطب على المیرزا زين العابدين الكاشاني طبيب السلطان ناصرالدين شاه ، ولقب كلا منهما بحافظ الصحة وبعثهما الى کلبایکان ودولة آباد ملاير وبروجرد . قطن المترجم له في ملاير سنين طويلا وكذا في بروجرد ثم زار العتبات بالعراق وتشرف الى سامراء فباشر المجدد الشيرازي وبرأ ، وبقي بها ثلاث سنين ثم رجع الى ايران وزار العراق ثانياً مع جثمان الحجة الشیخ جعفر التستري المتوفى (١٣٠٣) وبقي في كربلاء مدة ثم هاجر الى قم في عصر الشیخ عبدالکريم الحائري فبقى فيها ثلاث سنين مشغلاً بالعلم والطب ، وبعد وفاته رجع الى كربلاء فسكنها الى ان توفي في عاشر شعبان (١٣٥٩) وصلى علیه الحجة السيد اغا حسين القمي المتوفى (١٣٦٦) ودفن بمقبرة شيخ العراقين الطهرانى الشهيرة في الصحن الحسيني المطهر وكانت ولادته في (١٢٧٥) ويقال في سبب هجرة ابيه من کلبایکان وانتقاله باهله الى بروجرد ان فتناً وقعت وهاجر على اثرها .^(١)

(١) اعلام الشيعة: قرن ١٤ ص ٥٣٥.

المیرزا محمد حسین بن المولی محمد المقدّس گلپایگانی

هو العالم الفاضل الورع كان من الورعين الاخيار يكتسب لمعاشه
بالزراع ويشغل به نفسه غالباً. ^(۱)

میرزا محمد حسین بن میرزا مهدی (آقا زاده) گلپایگانی (حجتی)

آقا میرزا مهدی بن ملا زین العابدین دارای فرزندانى بود كه اعزّ
واشرف آنها آقا میرزا محمد حسین است. وی صاحب اخلاق حمیده
وصفات پسندیده بوده و از فنون غریبه نیز با خبر و بهره مند بوده و کتابی
به خط ایشان در جفر موجود است و خود ایشان اهل استخراج بوده رحمة الله
علیه و علی ابیه و جدّه و اخوانه المؤمنین الفاضلین.

وی در سال ۱۳۳۶ یا ۱۳۳۷ ق رحلت و در جوار جدّ بزرگوار و پدر
عالی مقدارش در مقبره خانوادگی جنب مسجد حجة الاسلام در گلپایگان
مدفون است. ^(۲)

قال فى أعلام الشيعة: فاضل فى العلوم العربيّة (الغریبة) ^(۳)

(۱) اعلام الشيعة قرن ۱۴ ج ۵ ص ۷۰.

(۲) گنجینه ۵۰۲/۷ و شمس التواریخ ۹۴.

(۳) اعلام الشيعة قرن ۱۴ ج ۵ ص ۱۷۹.

در کتابخانه حجة الاسلام کتابهای الانوار القدسیة مورخ ۱۳۰۲ و اربعین قاضی سعید ۱۳۰۴
و عبرة الناظرین در علم صرف ۱۳۰۳ و در کتابخانه آستان قدس رساله در علم امام مورخ
۱۳۰۴ به خط محمد حسین بن آقا زاده در اولی و محمد حسین در سه کتاب دیگر موجود
است.

محمد حسین گلپایگانی

کتابی به نام دررالفوائد و غررالفوائد از وی وبه خط خود او در سال ۱۳۱۵ ق در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است .

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد رضا عبدالحمیدی (ره)

ایشان در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در گوگد گلپایگان در خانواده ای روحانی دیده به جهان گشود، پدر ایشان مرحوم آقا ملا حسن از مروّجین دین مبین و از ذاکرین ابی عبدالله الحسین علیه السلام بوده که در دوران جوانی در یکی از سفرهای تبلیغی به منطقه اراک به بیماری سختی مبتلا و دار فانی را وداع می گوید و در همان منطقه به خاک سپرده می شود. از ایشان (مرحوم آقا ملا حسن) تنها دو فرزند به نامهای محمد رضا و محمد علی به یادگار مانده که فرزند بزرگ ایشان (محمد رضا) هنگام مرگ پدر تنها دو سال داشته و از همان آغاز طفولیت زندگی ایشان با یتیمی و در کنار مادر و تنها برادر خردسالش رقم خورده است در دوران نوجوانی و جوانی همزمان با اشتغال به امر کشاورزی تصمیم می گیرد راه پدر را ادامه داده وبه تحصیل علوم دینی پردازد.

دوران تحصیل :

ابتدا در سن ۱۷ سالگی در مدرسه علمیّه مرحوم حاج میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی در گوگد شروع به تحصیل می کند و پس از حدود دو سال

وبا فراگیری دروس مقدماتی عازم شهر مقدس قم می شود و حدود ۲۰ سال در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشته و از محضر اساتید بزرگوارى همچون مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی - مرحوم محقق داماد - مرحوم امام خمینی (ره) و مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی و سائر اعظم قم در رشته های ادبیات، منطق، فقه، اصول، تفسیر و کلام بهره ها برده و به مراتب علمی ممتازی دست یافته است.

عزیمت به تهران :

حدود سال ۱۳۴۰ بنا به درخواست عده ای از اهالی منطقه شرق تهران و به امر حضرت آية الله العظمی گلپایگانی به تهران عزیمت و ضمن قبول امامت مسجد لیلۃ القدر به فعالیت های اجتماعی، تبلیغی، فرهنگی پرداخته و منشأ خدمات قابل توجهی بوده اند که از جمله آنها می توان مقابله با بهائیت و برنامه ریزی برای خرید منازل و مراکز تبلیغی آنها در منطقه شرق تهران و تصاحب آنها توسط مسلمان ها و مؤمنین را نام برد.

ایشان در عین فعالیت های فرهنگی و تبلیغی از فعالیت های سیاسی نیز غافل نبودند و در همین راستا در اوج خفقان حاکمیت طاغوت یک بار توسط مأمورین ساواک دستگیر و مدتی در کمیته مشترک بازداشت بودند و پس از آزادی نیز همگام با علما و روحانیت مبارز تهران در راستای پیشبرد اهداف مبارزه تلاش می کرد.

مسجد ایشان همزمان با نضج گیری نهضت اسلامی پایگاه خوبی برای فعالیت های مبارزاتی بود و حضور گسترده جوان های مؤمن و انقلابی در مسجد مزبور نقش مؤثری در پیشبرد اهداف مبارزه داشت.

بعد از پیروزی انقلاب :

بعد از پیروزی انقلاب ایشان علی رغم کهنولت سن ومشکلات جسمی بنا به ضرورت ونیاز زمان ، بر دامنه فعالیت های خود افزود وبه شکل طاقت فرسایی در زمینه های گوناگون نقش ایفا می نمود از سویی با مدیریت جامعه روحانیت مبارز منطقه ۱۱ تهران وارتباط تشکیلاتی با ائمه جماعات وروحانیت منطقه به هماهنگی وهدایت امور سیاسی وفرهنگی واجتماعی در سطح مساجد منطقه می پرداخت واز سویی با پذیرفتن مسؤولیت کمیته انقلاب اسلامی منطقه در کنترل مسائل امنیتی وحفاظتی منطقه نقش ایفا می کرد واز طرفی با ریاست کمیته امداد امام خمینی منطقه به رفع مشکلات معیشتی ومسائل مالی واقتصادی محرومان ومستمندان مشغول وبابسیج نیروها وامکانات ، رقم قابل توجهی از محرومان را تحت پوشش قرار داده بود .

در دوران دفاع مقدس در بعد تربیت واعزام نیرو به جبهه ونیز در بعد جمع آوری وتدارك نیازمندی های جنگ مسجدایشان پایگاه قوی وقدرتمندی به شمار می رفت وبه عنوان مسجد مادر آمار بیشترین شهدارا در منطقه به خود اختصاص داده بود .

مرحوم حاج شیخ محمد رضا عبدالحمیدی در طول دوران اقامت در تهران ۱۷ سفر توفیق زیارت خانه خدا را به عنوان روحانی کاروان داشت ودر آخرین سفر در سال ۶۲ که برای اولین بار فرزند ارشد خود مرحوم حاج محمد حسن (مجد) را نیز با خود برده بود در مراجعت از مکه در بین راه مکه ، جده در اثر سانحه اتومبیل همراه با فرزندش دعوت حق را لبیک می گوید ودر جوار رحمت الهی برای همیشه آرام می گیرد .
مدفن آن دو در صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قرار دارد .

فرزند دیگر آن مرحوم که تنها فرزند ذکور ایشان پس از وفات مرحوم محمد حسن به شمار می رفت چند سال (حدود ۴ سال) پس از فقدان غم انگیز آن دو در جبهه های حق علیه باطل به درجه رفیع شهادت نائل آمد و باقیمانده پیکر مطهرش پس از گذشت ۱۲ سال شناسایی و در کنار دیگر شهدای دفاع مقدس در گلزار شهدای بهشت زهرا به خاک سپرده شد. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

سید محمد رضا موسوی (محمودی) گلپایگانی

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد رضا محمودی (معروف به موسوی) گلپایگانی ابن مرحوم سید علی محمودی در سال ۱۳۰۰ شمسی در شهر گوگد گلپایگان در خانواده ای متدین متولد شد. تحصیلات ابتدایی را از مکتب خانه شروع نموده و بعد در مدرسه مرحوم میرزا هدایة الله وحید در گوگد مقدمات را در نزد وی و آقا میرزا محمد هادی خوانده و بعد به قم مشرف و مشغول به تحصیل می شود. دروس سطح را نزد اساتید آن زمان - مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری، شیخ محمد علی کرمانی، فاضل قفقازی (پدر آیه الله فاضل لنکرانی)، شیخ عزیز الله نهاوندی، حاج آقا روح الله خرم آبادی (کمالوند)، آقا شیخ حسن فرید گلپایگانی و ... گذرانیده و نیز در درس مرحوم آیه الله حاج سید محمد داماد و مرحوم آیه الله حاج فقیهی رشتی و مرحوم آیه الله آقای حاج سید محمد تقی خوانساری و مرحوم آیه الله بروجردی و مرحوم آیه الله گلپایگانی شرکت نموده است.

همچنین در درس اصول امام خمینی (ره) و درس تفسیر علامه

طباطبایی و درس اخلاق امام خمینی شرکت می کردند و از ایشان بهره های فراوانی برده اند.

ایشان مدت ۲۰ سال در قم اشتغال به تحصیل داشته و در ایام و مناسبت های تبلیغی هم به تبلیغ و ترویج معارف دینی می پرداختند و از سال ۱۳۴۸ به امر حضرت آیه الله گلپایگانی به تهران عزیمت نموده و در مسجد حضرت حجت واقع در خیابان اتابک اقامه جماعت می کنند، که تا حال ادامه دارد و در آن منطقه منشأ آثار پر خیر و برکتی برای مردم می باشند.

ایشان دارای ۶ فرزند می باشند، ۳ فرزند پسر و ۳ دختر.

از فرزندان ذکور ایشان: یکی حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا محمد محمودی که عالمی و ارسته و متقی می باشند که آثار قلمی هم دارند و فعلاً ساکن تهران هستند و علاوه بر امامت جماعت و کارهای عام المنفعه ای که دارند، به عنوان استاد در دانشگاه به تدریس اشتغال دارند.

فرزند دیگر ایشان، آقای سید علی محمودی است که به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در یکی از کشورها مشغول هستند و دارای تألیفاتی می باشند.

فرزند دیگر ایشان حاج سید محسن محمودی پزشک می باشند.

آقا شیخ محمد صادق وحید گلپایگانی و آقا شیخ محمد قرنی داماد آقا سید محمد رضا محمودی هستند.

ملا محمد رضا بن محمد حسین جابری^(۱)

حاج ملا محمد رضا بن حاج محمد حسین جابری ابلولانی گلپایگانی از علمای متورع و پرهیزکار این دیار بوده که سالها در اصفهان اشتغال به تدریس و تدریس داشته و پس از رسیدن به حد کمال به موطن خود برگشته و به انجام وظائف دینی و علمی پرداخته و از ورع او آنکه از وجوه شرعیه استفاده نمی نموده بلکه چون تاجر زاده بوده و پدرش از متمکنان معروف گلپایگان بوده به طلاب بی بضاعت کمک هایی می نموده .

آن مرحوم همشیره زاده آیه الله آقا شیخ محمد سعید ودائی حاج آقا علی قاضی زاده می باشد .

حجة الاسلام والمسلمین آقا میرزا عباسعلی قاضی زاهدی گفته است : وقتی که من تازه به اصفهان رفته بودم مرحوم حاج ملا محمد رضا از فضیلتی نامی حوزه اصفهان به شمار می رفت .^(۲)

ملا محمد رضا گلپایگانی

فرزند ملا رجبعلی حدود سال ۱۲۹۹ ق در گلپایگان به دنیا آمد نزد پدرش و دیگران درس خواند و در مدرسه ای که اکنون در فلکه هفده شهریور گلپایگان قرار گرفته تدریس ادبیات داشت و در سال ۱۳۳۹ ق به تهران رفت و تا پایان عمر

(۱) به گنجینه ۵۱۲/۷ رجوع شود .

(۲) در گلپایگان مدفون است . (حجازی)

(سال ۱۳۴۴ق) به وعظ وخطابه اشتغال داشت ودر مقبره ابن بابویه (شیخ صدوق) در شهر ری مدفون است . (حجازی)

میر محمد رضا گلپایگانی

در شمس التواریخ است که از علمای بزرگ که از گلپایگان برخاسته
میر محمد رضا گلپایگانی صاحب اجازه از علامه ملا محمد باقر مجلسی
است که تاریخ اجازه اش دوم ذی الحجه ۱۰۷۳ می باشد.^(۱)

الأمیر محمد رضا الجرفادقانی :

قرأ على العلامة المجلسي بعض كتب الحديث ، فأجازه مكرراً ثانیها
في الثاني عشر من شهر ذي الحجة سنة ۱۰۷۳ .^(۲)
محمد رضا الجرفادقانی :

تلمیذ العلامة المجلسي (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰) والمجاز منه باجازه على
ظهر بعض الكتب التي قرأه عليه في مجالس آخرها ۱۲ ذي الحجة ۱۰۷۳
قال : أنهاء السيد الايد التقي المير محمد رضا الجرفادقاني وفقه الله سمعاً
وتحقيقاً في مجالس آخرها ...^(۳)

(۱) گنجینه : ج ۷ ، ص ۴۹۸ .

(۲) تلامذة العلامة المجلسي والمجازون منه ، الكواكب المنتثرة ، زندگی نامه علامه مجلسی
۳۱/۲ .

(۳) اعلام الشيعة : قرن ۱۲ ، ص ۲۶۴ و ۱۳۱ .

المیرزا محمد رضا

آخ المیرزا عبدالکریم بن حاج رضا. ^(۱)

آقا شیخ محمد رضا گلپایگانی

آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی گوید: دو بیت شعری که در تقریظ کتاب درر الاصول حاج شیخ عبدالکریم حائری گفته شده از ایشان است.

محمد رضا گلپایگانی

از وی کتاب منهج الوصول الی علم الاصول، به خط خودش در سال ۱۲۵۳، در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است. و نیز شرح دعاهاى ایام ماه رمضان و ترجمه شیخ کلینی و شیخ صدوق تألیف محمد رضا گلپایگانی (دومی تحریر ۱۳۳۷) در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است.

محمد رضا بن محمد علی

رساله ای در وجوب ترتیب در غسل از وی در کتابخانه مجلس موجود است.

(۱) اعلام الشیعة سده ۱۴ ص ۱۱۷۲.

محمد رضا بن زین العابدین

او از سر اور گلیایگان بوده و پنج کتاب از او در کتابخانه شخصی حجة الاسلام محمد افتخاری گلیایگانی موجود است :

- ۱- انیس الذاکرین به خط خود او .
- ۲- ایضاً انیس الذاکرین به خط او در سال ۱۳۳۴ ق .
- ۳- رساله در شرح آیه یسألونک عن ذی القرنین . به خط اوست و شاید تألیف او باشد .
- ۴- مجموعه مجالس وعظ ومنبر .
- ۵- مخزن الذاکرین و عیون الواعظین به خط او در سال ۱۳۳۴ .

میرزا محمد رضا اسفرنجانی گلیایگانی

وی از اساتید آخوند ملا محمد رضا نخعی است و اجازه ای مورخ ۱۲۷۴ که برای همان شاگرد نوشته موجود است .^(۱)

محمد رضا بن علی شریف گوگدی گلیایگانی

مجموعه این ده رساله و کتاب را در سال ۱۲۶۴ استنساخ کرده است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است .

(۱) به ج ۱ شماره ۲۸ رجوع شود .

- ۱- اعتقادات خواجه طوسی .
- ۲- حاشیه شرح لمعه .
- ۳- رساله في الشك في الطهارة از شهید ثانی .
- ۴- كشف الريبة شهید ثانی .
- ۵- رساله في جواز اخذ الارش من غير النقدين .
- ۶- رساله في الشرط في ضمن العقد .
- ۷- عوائد نراقی .
- ۸- كشف الغطاء كاشف الغطاء .
- ۹- تقریرات محمد تقی اردکانی .
- ۱۰- مصباح الشریعة .

آقا سید محمد صادق گلپایگانی

از علما و صالحین و اهل فضل و ورع و ائمه جماعت گلپایگان و بکائین
بر حضرت سید الشهداء علیه السلام بوده و در حدود ۱۳۱۵ وفات یافته و فرزندش آقا
سید محمد به جای او قرار گرفته است^(۱) .

(۱) گنجینه: ج ۶، ص ۴۲۵. نام فرزندش سید محمد حسن است و در وادی السلام نجف
مدفون است. (حجازی)

در کتابخانه سید حسن امام چند کتاب به خط محمد صادق بن سید حسن گلپایگانی هست:

- ۱- تحفه شاهی در تجوید ۱۳۸۰
- ۲- حاشیه آقا باقر بهبهانی بر معالم ۱۲۸۵
- ۳- شرح شافیه در صرف ۱۲۸۰
- ۴- معالم الاصول ۱۲۸۴

علامه طهرانى مى نويسد:

السيد الميرزا محمد صادق الكلبيكاني

كان من العلماء الصلحاء وأهل الفضل والورع، وكان امام الجماعة فى كلبايكان ومن المتبحرين والادباء الماهرين، وكان كثير الاحتياط لا يتصرف فى الحقوق الشرعية مع جلالة شأنه وانما كان يشتغل فى بعض الاعمال اوقات فراغه لقضاء حوائجه، وكانت أجره عمله لا تكفى للوازمه، لانصرافه فى الغالب الى الدرس والبحث والتنقيب واقامة الوظائف ونشر الاحكام، وكان فى زى الفقراء مأكلاً وملبساً مع انه من اعظم بلده، وكان حسن الاخلاق كثير التواضع والبكاء على الحسين عليه السلام حتى انه لا يفتقر عن البكاء فى شهري محرم وصفر فى جميع النهار، وهو من اولئك المؤمنين الاوتاد العباد الناسكين، قضى حياته بالجهاد فى خدمة الدين الى ان توفي فى حدود ۱۳۱۵ وقام مقامه فى الخدمات الدينية ولده السيد آغا محمد^(۱).

(۱) اعلام الشيعة سده ۱۴: ج ۲، ص ۸۸. وج ۵. همسرى خواهر حاج ميرزا مهدي

خوانسارى گلپايگاني وميرزا محمد تقى گلپايگاني بوده است.

در يکى از کتابهاى موجود در کتابخانه سيد حسن امام در گلپايگان چهار يادداشت به اين

شرح به خط سيد حسن بن محمد صادق امام جمعه موجود است:

تاريخ وفات سيد محمد صادق (پدرش) ۱۲۶۳

تاريخ تولد پسر سيد حسن به نام سيد محمد صادق ۱۲۶۶

تاريخ تولد پسر ديگرش به نام سيد محمد كاظم ۱۲۷۱

تاريخ تولد محمد مهدي پسر سيد حسن ۱۲۷۶

تاريخ وفات سيد حسن ۱۲۸۴

واين جمله آخر به خط فرزند سيد حسن است.

وياضى تحرير سال ۱۲۵۷ تأليف سيد حسن بن محمد صادق جرفادقاني در کتابخانه ←

ملا محمد صادق مد هوش گلپایگانی^(۱)

شاگرد حاج ملا علی ارانی بود و در پنجاه و هفت سالگی درگذشت
وقبر او در کربلای معلی است.

وی شاعر هم بوده و تخلص او نزهت و سپس مدهوش بوده است.
تألیفات:

فلک النجاة، مقتل فارسی.

گنج البحر، اشعار اندرز و موعظه است در پنج باب.

دیوان اشعار.

سر العزیز.

سر مشق جنون.

تنبيه.

مثنوی.

مدح خاور.

منشآت.

← سید حسن امام در گلپایگان هست.

و نیز نقد الرجال تفرشی با حاشیه ملا محمد تقی مجلسی و ایضاح الاشتباه علامه حلی
به خط سید حسن بن محمد صادق موسوی گلپایگانی مورخ ۱۲۶۳ در همان کتابخانه
موجود است.

(۱) به تذکره شعرای گلپایگان ص ۳۸۱ و فهرست نسخه های خطی فارسی منزوی و فهرست

کتابخانه ملی تبریز و کتابخانه مجلس و ملک و مرعشی رجوع شود.

آینه سرّ غیب .

دیباچه میزان الصنائع .

دیباچه کتاب دعا .

محمد صادق گلپایگانی

فرزند حسین ، کتاب فلك النجاة (تاریخ چهارده معصوم فارسی) را در دو جلد به نام فتحعلیشاه وحیدر قلی میرزا نگاشته است نسخه جلد اول آن در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است . (حجازی)^(۱)

آیه الله شیخ محمد صادق علامه گلپایگانی

در کتاب سیری در تاریخ وجغرافیای گلپایگان آمده :

آیه الله شیخ محمد صادق علامه فرزند حاج حسین ، در سال ۱۲۹۱ هـ ق برابر با ۱۲۴۸ هـ ش در روستای وانشان - مسیر جاده گلپایگان به خوانسار - دیده به جهان گشود . مرحوم محمد صادق علامه در ایام کودکی به چشم درد سختی مبتلا می گردد به گونه ای که دیدگانش در حال نابینا شدن بود . به همین خاطر مرحوم پدرش نذر می نماید چنانچه فرزند وی شفا یابد وی را در راه خدا به کسب معارف الهی بگمارد . فرزند شفا یافته و بینایی خود را باز می یابد به همین خاطر مرحوم حاج حسین در سن ۱۰ سالگی محمد صادق را به حوزه اصفهان برده و به کسب معارف الهی وامی دارد .

علامه گلپایگانی دروس سطح حوزه را در حوزه اصفهان ، به مدت شش سال فرا می گیرد و در سال ۱۳۰۷ هـ ق در سن ۱۶ سالگی عازم حوزه علمیه نجف اشرف می گردد . و در حوزه نجف از محضر اساتید آن زمان

(۱) فهرست کتابخانه آیه الله گلپایگانی ۱۳۸/۲ .

همچون: مرحوم آخوند خراسانی، آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاء الدین عراقی، آیه‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیه‌الله حاج آقا رضا همدانی بهره می‌گیرد. و به مدت هفت سال در سامرا در مجلس درس آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی شرکت نمود و در سن ۳۵ سالگی به مقام شامخ فقاہت و اجتهاد نایل می‌گردد.

بازگشت به ایران

در سال ۱۳۲۵ هـ ق والد معظم علامه برای بازگرداندن ایشان به نجف اشرف می‌رود و از ایشان تقاضای بازگشت به وطن را می‌نماید. مرحوم علامه پس از اطلاع از تصمیم و درخواست والد خویش مردد می‌گردد که آیا بر خلاف خواسته والدین خود عمل کند و در نجف بماند یا حوزه را ترک کند، به همین حالت تردید شب را به صبح می‌رساند، هنگام سحر، برادرش مرحوم حاج محمود که همراه پدرش به نجف آمده بود از مرحوم علامه می‌خواهد که وی را به حمام هدایت کند. مرحوم علامه بعد از راهنمایی برادرش به حمام در حمام منتظر بازگشت ایشان می‌ماند در حالی که فجر طلوع کرده یک سید عرب را در فاصله چند قدمی خود می‌بیند که به ایشان می‌گوید: السلام علیک یا شیخ محمد صادق، صبح‌حکم الله بالخیر مرحوم علامه در فکر فرو می‌رود که این سید عرب کیست که مرا شناخت ولی من او را نمی‌شناسم. آن سید به او می‌فرماید: هنوز که نماز نخوانده‌ای ووی را جهت اقامه نماز به مسجد می‌خواند. در بین راه به علامه می‌فرماید امر پدر و مادرت را اطاعت کن و به وطن بازگرد، چون طولی نمی‌کشد که در عراق جنگی رخ خواهد داد. و به دنبال آن قحطی و گرانی مردم را به زحمت خواهد انداخت. ایشان می‌گوید وضو گرفتم و وارد مسجد شدم، اذان و اقامه گفتیم سپس متوجه شدم که از آن سید عرب خبری

نیست و جستجوی من برای یافتن ایشان بی فایده بود. به خود گفتم غیر از من هیچ یک از دوستان و شاگردانم کسی نمی داند پدرم به نجف آمده و چنین پیشنهادی را مطرح کرده، این سید که بود که من را شناخت، هم از آمدن پدرم خبر داشت، هم از پیشنهاد ایشان مطلع بود و مهمتر اینکه من نیت قلبی خود را به کسی نگفته بودم پس متوجه شدم وجود مقدس آقا امام زمان (عج) بوده است. سپس حوزه نجف را رها نمودم و همراه والد به وانشان بازگشتم و زمانی یقین حاصل کردم که آن سید عرب حضرت امام عصر (عج) بود که پیشگویی او صحیح و آتش جنگ در عراق شعله ور گردید و به دنبال آن مردم و به خصوص طلاب و علما از قحطی و گرانی به ستوه آمدند.

ایشان هنگام بازگشت به وطن کتابهایش را به هم درس و هم مباحثه و صمیمی ترین دوست و همنشین خود یعنی عالم ربانی آیه الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی سپرده و به ایران باز می گردد. یک سال پس از فوت ایشان عده ای از اهالی وانشان در نجف اشرف با مرحوم آیه الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی ملاقات نموده و خبر وفات مرحوم علامه را به ایشان می دهند و ایشان ضمن اظهار تأسف و بیان شمه ای از فضایل آن مرحوم از برادرزاده ایشان در خصوص کتب امانتی مرحوم علامه نظر می خواهد که ایشان اعلام می دارد که علامه فرزند اهل علم ندارد لذا کتب را شما به هر طریقی که صلاح می دانید بدان عمل کنید...

مقام علمی و تقوا:

مرحوم علامه با مرحوم آیه الله سید محمد تقی خوانساری هم دوره بودند و به گفته خود علامه کاملاً از نظر علمی در یک سطح قرار داشته با این تفاوت که مرحوم آیه الله خوانساری توفیق شرکت در جنگ علیه انگلیس را

داشته ومن نداشتم پس از رهایی مرحوم خوانساری از اسارت (هندوستان) به خوانسار آمده و روزی عده‌ای از اهالی وانشان برای دیدار با آیه‌الله خوانساری و رسیدگی به امور وجوهات خویش به ایشان مراجعه می‌نمایند. مرحوم خوانساری از آنها سؤال می‌نماید اهل کجا هستید؟ می‌گویند اهل وانشان. می‌فرماید: مگر آقا شیخ محمد صادق وانشان تشریف ندارند؟ جواب می‌دهند: چرا تشریف دارند. مرحوم خوانساری می‌فرماید: آقا شیخ محمد صادق وانشانی از جهت زهد و تقوا و ورع کم نظیر است، بروید پیش او و به حساب وجوهات خود رسیدگی کنید. مرحوم علامه از طریق اجاره دادن اراضی موروئی پدرش امرار معاش می‌نمود و این درآمد وافی به نیازهای او نبود و در نتیجه زندگی وی در نهایت فقر و فلاکت و تنگدستی سپری می‌شد. اما با وجود آن همه فقر و تنگدستی هرگز از وجوهات شرعیه استفاده نمی‌نمود. چندین مرتبه از طرف گار گزاران حکومت به ایشان پیشنهاد ورود به محاکم قضایی و قضاوت داده شد ولی ایشان علی‌رغم تنگی معیشت و فقر مالی پیشنهاد دولتمردان را رد کرد. و به زندگی زاهدانه خود قناعت کرد.

سبب شهرت ایشان به علامه

روزی یکی از بزرگان روستای وانشان فرماندار وقت گلپایگان و تنی چند از علمای گلپایگان و مرحوم علامه را به میهمانی خود دعوت می‌نماید. در آن مجلس فرماندار سؤالاتی را مطرح نموده و پاسخ‌هایی را دریافت می‌نماید و مواردی پیش می‌آید که جز علامه کسی بدانها پاسخگو نیست و چون مباحثاتی میان علامه و سایر علما آغاز می‌گردد فرماندار و سایر دولتمردان حاضر در مجلس به موقعیت علمی مرحوم علامه آگاه می‌گردند. در همان مجلس فرماندار می‌گوید: الحق والانصاف لقب علامه شایسته

چنین شخصی است و همانجا دستور می دهد نام خانوادگی او را از زهدی به علامه تغییر دهند و در شناسنامه ایشان تغییرات ثبتی انجام شود .
ماجراهای بسیاری از زندگانی ایشان نقل است که همگی شنیدنی و پندآموز است .

سرانجام مرحوم علامه پس از عمری تلاش و کوشش در جهت احیا و ترویج احکام الهی در سن حدود هشتاد سالگی در سال ۱۳۲۸ شمسی به رحمت حق پیوست و در زادگاه خود وانشان - در مسجد مجاور امامزاده شاهزاده ابوالفتوح به خاک سپرده شد .

الشیخ محمد صادق الکلبایکانی

عالم فاضل جلیل . أصله من «وانشان» علی فرسخین من کلبایکان، کان فی النجف الاشرف حضر علی الشیخ آغا رضا الهمدانی صاحب (مصباح الفقیه) مدة ثم تشرف الی سامراء فکان یحضر بحث شیخنا المیرزا محمد تقی الشیرازی، و فی نیف و عشرين و ثلاثمائة رجع الی قریته فصار مرجعاً للامور الشرعیة هناك عدة سنین، ثم اختار الانزواء علی ما حکاه لی بعضهم فی الاواخر الی ان توفی^(۱) .

محمد صالح الجرفادقانی بن حاج سلمان

کتاب مقاصد العلیة فی شرح الالفیة را در سال ۱۰۰۸ استنساخ کرده و نسخه آن در نجف نزد سید محمد یزدی بوده است .^(۲)

(۱) اعلام الشیعه سده ۱۴ : جلد ۲ .

(۲) اعلام الشیعه سده ۱۱ ص ۲۸۱ .

محمد صالح جرفادقانی

کتابهای زیر به خط او موجود است :

- ۱- شرح اشارات خواجه مورخ ۱۰۷۷ کتابخانه ملک .
- ۲- حل مشکلات المعینیه خواجه ۱۰۶۸ کتابخانه مجلس سنا .
- ۳- زبدة الهیئة خواجه ۱۰۶۸ کتابخانه مجلس سنا .
- ۴- السماء والعالم ارسطو ۱۰۷۷ کتابخانه ملک .
- ۵- معینیه خواجه طوسی ۱۰۶۸ کتابخانه مجلس سنا .
- ۶- نجات ابن سینا ۱۰۶۸ کتابخانه مجلس سنا .

ملا محمد علی

والد مرحوم ملا محمد رضا متوفای ۱۲۲۰^(۱) که در مسجد میرزا ابوالحسن گلپایگان مدفون است . (حجازی)

ملا محمد علی بن ملا محمد صادق

مردی فاضل و ادیب بود و خط را هم نیکو می نوشت . صاحب شمس التواریخ نزد او صرف و نحو و منطق خوانده است .

(۱) در کتاب سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان ص ۲۹۷ آمده : قبر ملا محمد علی فرزند ملا محمد صادق متوفای سال ۱۲۲۵ و متولی موقوفات مدرسه علمیه قدیم گلپایگان که در محل میدان هفده شهریور قرار گرفته ، در صحن مسجد میرزا ابوالحسن (بابا مصری) است .

محمد علی طائف گلپایگانی

محمد علی بن حاج محمد حسین اصفهانی گلپایگانی متخلص به طائف، در گلپایگان متولد شد، جدش ملا کمال الدین حسین نجفی از شیعیان ساکن نجف بود که به علت آزار رومیان بر شیعیان به گلپایگان هجرت کرد و در آنجا مورد عنایت و توجه شاه اسماعیل ماضی قرار گرفت. محمد علی نیز برای استفاده از علمای اصفهان به آن دیار سفر کرد و در اصفهان نزد آقا حسین تلمذ کرده و کسب فیض نمود.

نصرآبادی می نویسد:

«ملا محمد علی به اصفهان آمده به خدمت علامی آقا حسین مشغول به تحصیل است کمال آدمیت و مردمی دارد و سلیقه اش در نهایت درستی است چون پیوسته در اطراف کعبه معنی است طایف تخلص دارد شعرش این است:

زبان و دل موافق ساز هنگام دعا کردن
به یک انگشت نتوان عقده ای از رشته وا کردن

شکستن همنشین هر که شد حاجت روا گردد
که گردد سجده گاه خلق چون نی بوریا گردد^(۱)

المولی محمد علی بن الحاج محمد حسین الاصفهانی من احفاد

(۱) تذکره نصرآبادی، ص ۳۵۱؛ ذریعه، ج ۲/۹/۶۳۶ دانشمندان خوانسار ۱۳۱.

دیوان او در کتابخانه مرکزی دانشگاه ش ۲۵۹۹ موجود است.

الشيخ كمال الدين حسين النجفي نزيل جرفادقان في عصر الشاه اسماعيل الفاتح.

نزل المولى محمد علي اصفهان مشغلاً بتحصيل العلوم عند المحقق الاقا حسين الخوانساري.

اطراه معاصره النصرآبادي واورد بعض مطالعه ورباعياته ...^(۱)

ملا محمد علی امامی^(۲)

فرزند آخوند آقا محمد سعید و پدر شیخ محمد سعید گلپایگانی و ملا محمد باقر امامی نوری، از همدوره های میرزا محمد حسن شیرازی و از شاگردان میر سید حسن مدرس بزرگ حوزه علمیه اصفهان بوده است. (حجازی)

آیه الله حاج آقا علی صافی گوید: با میرزای شیرازی و میر محمد هاشم چهارسوقی و برادرش میر محمد باقر صاحب روضات، همه شاگرد آقا میرزا حسن خاتون آبادی هستند و اجازه این استاد به ملا محمد علی (جد مادری ما) نزد من هست. ایشان سه پسر داشت: ملا محمد سعید و ملا محمد باقر و امین الشریعة.

محمد علی بن محمد صادق بن الحسن الموسوی

نوشته ای مورخ ۱۲۸۲ از او در دست است به ج ۱ ص ۴۷ و ج ۲ شماره ۲۸۴ رجوع شود.

(۱) ذریعه: ۹/۶۳۶.

(۲) در یادداشت های آقای حجازی: ملا محمد علی امامی نوری ثبت شده است.

حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ محمد علي منتظري گلپایگانی (ره)

نام: محمد علي بن محمد حسن (المعروف به ملا حسن) منتظري
گلپایگانی متولد ۱۲۹۱ ش در گوگد گلپایگان.

نسب: محمد علي بن محمد حسن بن الشيخ محمد حسين ابن حجة الاسلام المولى محمد علي بن الشيخ محمد حسين بن المولى علي الفقيه بن المولى فصيح بن الشيخ عيسى بن الشيخ ميرزا محمد (المدفون في ارض خمين المعروف به گوشه محمد مالک) بن الشيخ ابراهيم بن علي بن حبيب الله بن تقى بن ميرزا محمد علي بن ابراهيم بن حسن بن قاسم بن احمد بن ... محمد بن ابراهيم بن مالک بن حارث النخعي المعروف بمالک الأشر النخعي.

تحصيلات: در دوران کودکی و نوجوانی تحصيلات مقدماتی و مکتبی خود را نزد علمای محلی از جمله مرحوم حجة الاسلام حاج شيخ ابو الفضل اسعدی و مرحوم آية الله حائری (در رباط ملکي) وآية الله قطب در شهر گلپایگان وآية الله وحيد در گوگد گذرانده است تا به سن سربازی رسید و او را به سربازی برده و در دوره سربازی در تهران مرحوم والدش را که از سفر مشهد مقدس مراجعت کرده و در بين راه دچار بیماری شده از دست داد و موفق گردید پیکر او را در حرم حضرت عبدالعظيم حسنی در ضلع غربی رواقی که معروف به مرقد ناصرالدین شاه بود به خاک سپرد.

پس از اتمام دوره خدمت سربازی و مراجعت به محل، ضمن کار

کشاورزی به تحصیل نیز ادامه داده تا اینکه توسط دوستان و آشنایانش ترغیب به عزیمت به حوزه علمیه قم گردیده و ظاهراً دیدن یک خواب او را وامی دارد که جهت ادامه تحصیل به قم مشرف شود.

اجمالاً در عالم رؤیا مشاهده می کند سید بزرگوار در بیابان در حرکت است و یکی از علمای محترم گوگرد آمیرزا محمد هادی در خدمت اوست به دنبال سید بزرگوار حرکت کرده و دست او را می بوسد او که ظاهراً حضرت امام زمان علیه السلام بوده چیزی شبیه سنگ ریزه به او می دهد که آن را در دهانش می گذارد و به مسیرش ادامه می دهد. سید بزرگوار به او رو کرده و می فرماید شما برگردید، جرأت ادامه سیر را نکرده و برمی گردد. روز بعد به خدمت آیه الله حائری رفته و خواب خود را بیان می کند و ایشان بشارت توفیقاتی را به او می دهد.

از همانجا تصمیم می گیرد به قم عزیمت کند و تحصیل خود را ادامه دهد. با اینکه دارای دو همسر بوده و عائله نسبتاً سنگینی داشته در حدود سال ۱۳۲۳ در سن ۳۰ تا ۳۲ سالگی به قم عزیمت و با استعداد سرشار و تلاش مجدانه ای که داشته به سرعت پیشرفت نموده و از محضر اساتیدی همچون مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری و مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی و مرحوم آیه الله العظمی امام خمینی و مرحوم آیه الله العظمی بروجردی بهره می جوید در بعضی از نوشتجات خود نکاتی را از درس آیه الله خوانساری ذکر کرده و در یکی از نوشتجات خود مدت درس خارج را در محضر فقهای عالیقدر هفت سال مرقوم داشته است.

آن مرحوم در امر تبلیغ و سخنرانی پیشرفت چشمگیری داشته به نحوی که در مسافرت به شهرستانها از جمله موطن خود گلپایگان مورد استقبال

فراوانی قرار گرفته ونوشتجات ودفاتر باقی مانده وی حکایت از شوق وعلاقه وافرایشان به امر تبلیغ دارد .

در سال ۱۳۳۴ هـ ش به امر مرحوم آیه الله العظمی بروجردی جهت تأسیس حوزه علمیه واداره امور تبلیغی به شهرستان آشتیان عزیمت کرده ودر آن محل ضمن اقامه جماعت وارشاد مؤمنین به تأسیس حوزه علمیه وتربیت شاگردانی پرداخته که امروز بحمد الله تربیت شدگان آن مرحوم از فضلاء واساتید حوزه علمیه قم وبعضی هم در تهران اشتغال به امور تبلیغی وارشاد مؤمنین دارند .

لکن به علّت تألمات جسمی وروحی وبا مشورت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در بهمن ماه سال ۱۳۳۹ از آشتیان به قم مراجعت کرده ومرحوم آیه الله العظمی بروجردی در صدد اعزام ایشان به شهرستان سنقر کلیائی بودند که عمر شریف ایشان کفاف نداده ودر فروردین سال ۱۳۴۰ به رحمت ایزدی پیوست وجهان تشیع را سوگوار نمود .

با وفات آن مرجع بزرگ اهالی سنقر کلیائی که زمزمه عزیمت را در اواخر عمر شریف مرحوم آیه الله العظمی بروجردی شنیده بودند از محضر آیه الله العظمی گلپایگانی مصرّاً تقاضای اعزام ایشان را به سنقر می نمایند . لذا به دستور آیه الله العظمی گلپایگانی در ابتدای محرم الحرام سال ۱۳۸۱ هـ ق (خرداد ماه سال ۱۳۴۰) به آن شهرستان اعزام ودر آنجا نیز علاوه بر اقامه جماعت وتصدی امور دینی به تأسیس حوزه علمیه پرداخته وپس از استیجار محلی برای مدرسه علمیه ، اقدام به ساختمان مدرسه علمیه در جوار مسجد جامع بازار نموده که اخیراً در تجدید بنا وتوسعه مسجد تغییراتی در آنجا داده شده است .

تعدادی از طلاب و تربیت یافتگان آن حوزه هم اکنون در قم و تهران اشتغال به خدمات مذهبی و دینی دارند در سال های اقامت در سنقر مشکلات فراوانی از ناحیه رژیم حاکم و غیره برای ایشان فراهم آمد که تحمل مصائب زیادی کرد و مکاتبات و درد دل هایی که در نامه های خود به محضر آیه الله العظمی گلپایگانی نوشته است نشان از درد ورنج های فراوانی دارد. در هر حال پس از کسب نظر موافق در ۱۵ ذیحجه الحرام ۱۳۸۶ از سنقر به قم عزیمت و در قم سکونت گزید. اما مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی چون وجود ایشان را برای اداره امور دینی شهرستان ها مفید می دانست پس از چند ماه در ماه جمادی الاولی سال ۸۷، شهریور سال ۴۶ ایشان را به شهرستان فریدونکنار اعزام فرمود در آن شهرستان نیز علاوه بر اقامه جماعت به امور اجتماعی و خدمات عمومی پرداخته و به سرعت در بین توده مردم جایگاه رفیعی یافت.

روز عید سعید غدیر سال ۱۳۸۸ آخرین منبر خود را می رود و توصیه های لازم را به مردم می کند و عرض ارادت خود را به ساحت مقدس مولایش امیرالمؤمنین نموده صبح روز بعد (۱۹ ذیحجه برابر ۱۷ اسفند ماه سال ۱۳۴۷) از فریدونکنار با یک دستگاه اتومبیل سواری کرایه به سمت تهران حرکت کرده در مسیر هراز دچار حادثه سقوط بهمن شده که اتومبیل را به دره پرتاب کرده و در آنجا دعوت حق را لبیک و به جوار رحمت الهی می شتابد.

در تحقیقات بعدی و بررسی های به عمل آمده مشخص شد به همراه خود مقداری وجوه شرعیه و سهم امام علیه السلام آورده بوده وقتی در اعماق دره راه نجاتی برای خود نمی یابد این وجوه را در دستمالی قرار داده و در زیر سینه اش حفظ می کند افسری که از اداره پلیس به سر جنازه حاضر شده و جنازه را از

دره خارج کرده و در محل امامزاده ای که در آن نزدیکی بود برده بود، نقل می کرد وقتی محتویات جیب ایشان را خارج کردیم برای صورت برداری متوجه دستمالی در زیر دستش و داخل سینه اش شدم که معلوم شد پول نقد است آن را ضبط و در حساب بانکی نگهداری و پس از مدتی طی مراحل تحویل مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی گردید.

این مرجع بزرگوار در ارتحال آن مرحوم شدیداً متأثر و ضمن ابراز محبت در تشییع جنازه شرکت و بر جنازه نماز اقامه فرمود و دستور دادند در قبرستان شیخان دفن شد. دو بار با فاصله چند سال، یکی در همان روزهای اولیه وفات و بار دوم پس از چند سال از آن بزرگوار شنیدم که فرمودند در شبی که ایشان وفات کردند در عالم خواب دیدم عصای دستم شکست.

این مرحوم اجازاتی از بزرگانی همچون آیه الله العظمی سید محمد تقی خوانساری در سال ۱۳۶۳ هـ ق و مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در سال ۱۳۷۵ هـ ق و آیه الله العظمی گلپایگانی یک اجازه در سال ۱۳۶۴ و یکی جامع تر در سال ۱۳۶۶ هـ ق و مرحوم آیه الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیه الله العظمی حکیم در سال ۱۳۸۱ هـ ق داشته است.

تألیفات: از آن مرحوم دست نوشته ها و دفاتر متعددی حاوی مطالب متنوع باقی مانده که تاکنون متأسفانه مهبای طبع نشده است همچنین دارای طبع شعر بوده و اشعار فراوان پر مغز و با لطافت دارد که عمدتاً در مدح و منقبت ائمه اطهار علیهم السلام می باشد ولی متأسفانه چون به صورت کامل در نیاورده بوده تاکنون چاپ نشده امید است مقدمات چاپ آن فراهم شود.

فرزند ارشد ذکور ایشان حقیر به نام محمد جعفر طلبه کوچک و آخرین فرزندش دومین پسر اوست به نام علی اکبر که در دستگاه قضایی در خدمت

نظام مقدس جمهوری اسلامی است. اللهم اغفر له ولنا ولجميع المؤمنين
والمؤمنات.

العبد الفاني

محمد جعفر بن محمد علي المنتظري

تهران ۱۲/۲/۸۰ برابر صفر المظفر ۱۴۲۲

محمد علي الكلبايكاني الاصفهاني النجفي

عالم فاضل أديب جليل شاعر، من أساتذة الفقه والاصول. تتلمذ على
السيد حسين الخونساري، في القرن الثاني عشر الهجري وسافر من النجف
الأشرف الى الهند، وقضى فيها مدة ثم عاد الى بلدة اصفهان، واشتغل
بالتدريس والبحث.

له: ديوان شعر.

ترجم في: رياض الشعراء، ص ۲۲۵. معجم رجال الفكر والأدب

۱۱۱۲/۳^(۱)

ملا محمد علي اشراقي

آخوند ملا محمد علي اشراقي گلپایگانی متولد ۱۳۲۴ ق ومتوفای

۱۳۱۸ در گلپایگان مدفون است (حجازی).

(۱) مع كبار علماء النجف الأشرف، ج ۱، ص ۴۲۶.

حجة الاسلام آية الله آقا سيد محمد علي گلپایگانی

از علمای بارع و رجال خیر و رؤسای دانشمندان گلپایگانی بوده و در سال ۱۳۱۰ وفات نموده است.^(۱)

كان من رجال الدين الاخيار، والعلماء العاملين البارعين، وكانت له رئاسة وجمالة في كلبايكان، وكان يقيم الجماعة ويؤدي سائر الوظائف الى أن توفي في حدود سنة ۱۳۱۰هـ قبل أخيه السيد محمد صادق وليس بين هذين السيدين والسيد جمال الدين الكلبايكاني المتوفى سنة ۱۳۷۷هـ صلة نسب أو نحوها فقد سألته عنهما فنفي أن يكون له بهما وبآلهما سابق معرفة.^(۲)

سيد محمد علي بن حسين موسوی گلپایگانی

در کتابخانه آية الله مرعشی کتاب اصول الفقه از او و به خط خودش موجود است.

حاج میرزا محمد علي

عمو زاده آية الله آقا جمال الدين گلپایگانی و برادر حاج سيد طاهر حجازی، از علمای سعید آباد گلپایگان بوده است.

(۱) گنجینه: ج ۶، ص ۴۲۶.

(۲) اعلام الشيعة: قرن ۱۴ ص ۱۳۱۲.

حاج شیخ محمد کاظم مشایخی

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد کاظم مشایخی
فرزند مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ عباسعلی مشایخی در سال ۱۲۷۸
هجری شمسی در روستای وانشان از توابع شهرستان گلپایگان در خانواده‌ای
روحانی چشم به جهان گشود. پس از دوران طفولیت دروس ابتدایی را در
روستای وانشان و سپس دروس مقدماتی خود را در شهرستان گلپایگان
و گوگرد در محضر اساتیدی همچون آية الله وحید گلپایگانی ادامه داده و پس
از آن عازم شهرستان اصفهان شدند و دروس حوزوی خود را در مدرسه
علمیه جده بزرگ طی ۵ سال زیر نظر اساتید بزرگ آن حوزه ادامه دادند و با
توجه به اینکه این دوران همزمان با حکومت استبدادی و ضد مذهبی رضا خان
بود و حوزه‌های علمیه و روحانیون تحت شدیدترین فشارها بودند و به هر
بهانه‌ای از جمله با امتحانات متعدد و پی در پی از طرف اداره فرهنگ آن زمان
نسبت به خلع لباس نمودن روحانیون اقدام، سعی در به حداقل رساندن
افراد ملبس به لباس مقدس روحانیت داشتند ایشان با سعی و تلاش در
فراگیری علوم اسلامی همه امتحانات را با موفقیت پشت سر گذاشتند.

در آن زمان فشار و خفقان رضاخانی به اوج خود رسیده و در نهایت
منجر به تعطیلی حوزه علمیه اصفهان و پراکنده نموده طلاب و جذب اکثر آنان
در ادارات و دوائر دولتی آن زمان گردید. لیکن ایشان علیرغم تمامی
مشکلات و محرومیت‌ها و اهانت‌ها و همچنین وجود تنگناهای شدید مادی
و اقتصادی، با توجه به علاقه خود و توصیه اساتید، همچنان در کسوت

مقدس روحانیت باقی ماند و جهت ادامه تحصیلات و گذراندن دروس خارج به شهر مقدس قم و حوزه علمیه مشرف شد و از محضر اساتید و مراجع آن زمان چون آیات عظام: آیه الله حائری حاج شیخ عبدالکریم یزدی، آیه الله سید صدرالدین صدر موسوی، آیه الله طباطبایی بروجردی، آیه الله سید محمد تقی خوانساری، آیه الله حاج شیخ محمد علی اراکی، آیه الله سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، آیه الله مرعشی نجفی و سایر علما و اساتید بزرگ (رضوان الله علیهم) کسب فیض نمودند.

ایشان در مدرسه فیضیه قم افتخار همسایگی با حجره امام خمینی (ره) را داشتند و در جلسات درس اخلاق امام راحل شرکت می کردند.

متعاقباً با اصرار و پافشاری پدر بزرگوار خود و توصیه برخی از مراجع آن زمان جهت ترویج احکام و هدایت مردم به زادگاه خود روستای وانشان مراجعت نموده و با اقامه نماز جماعت و بیان احکام و ترویج دین و حل مشکلات و رتق امور و مسائل اجتماعی مردم همت گماشت و در آن زمان که ظلم و جور رژیم ستم شاهی به اوج خود رسیده بود و با اجرای برنامه های استعماری (انقلاب سفید) مشغول دین زدایی از جامعه ایران بودند، ایشان در جلسات با علما و مردم به افشاگری و شناساندن خیانت رژیم طاغوت می پرداخت که به عنوان نمونه مخالفت با انتخابات فرمایشی حزب رستاخیز از آن جمله بود، که منجر به عکس العمل رژیم و محاصره و هجوم ساواک به منزل مسکونی ایشان شد.

در دوران اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در جلسات و مجامع از نهضت اسلامی حمایت و پشتیبانی معنوی و ارائه طریق می نمودند و در ۱۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به شوق دیدار و استقبال

از امام امت در فرودگاه مهرآباد حضور یافته و سپس در مدرسه علوی به ملاقات امام رفتند.

ایشان از سوی مراجع عظام تقلید نجف و قم آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، بروجری، صدرالدین صدر، حاج سید محمد تقی خوانساری، اراکی، کوه کمره ای، حاج سید احمد خوانساری، گلپایگانی، مرعشی نجفی، سیستانی، شیرازی و لطف الله صافی اجازه تصرف در امور حسیه را دارا بودند.

وی بیش از شصت سال از عمر با برکت خود را در روستای وانشان به ارشاد و هدایت مردم مشغول و همواره در جلسات موعظه خود تأکید فراوان در چهار موضوع مهم داشتند که عبارتند از:

- ۱- حب و ولایت حضرت علی بن ابی طالب و امامان معصوم علیهم السلام.
 - ۲- تأکید بر انجام فرایض دینی و آشنا ساختن مردم با مسائل دینی.
 - ۳- احترام به والدین و انجام صله ارحام.
 - ۴- اجتناب از غیبت و دروغ و آزار و اذیت مردم.
- سرانجام در ۱۱ مهر ماه سال ۱۳۷۹ (مطابق با پنجم ذی القعدة ۱۴۲۱ هجری قمری) در سن ۱۰۱ سالگی و پس از تحمل بیش از یک سال بیماری دارفانی را وداع نمود.

آقا میر محمد کاظم گلپایگانی^(۱)

مرحوم آیه الله آقا میر محمد کاظم گلپایگانی از اجله علمای گلپایگان در اواخر عهد قاجار و دوران مشروطیت است. معظم له برادر کوچک امام جمعه بزرگ گلپایگان مرحوم آیه الله میر محمد صادق و عمّ ارجمند مرحوم

(۱) به ص ۳۹۵ رجوع شود.

آیه الله سید محمد حسن امام جمعه گلپایگان معروف به «آقا امام» است که هر سه از اوتاد و اولیای بلند مرتبه حق بوده اند به مرحوم آیه الله آقا میر محمد کاظم گلپایگانی، بر طبق نامه های موجود، علما و مجتهدین هم عصر ایشان القاب و عناوینی را به شرح زیر داده اند.

- حضرت مستطاب شریعتمدار نتیجه العلماء الاعلام ونخبة الاعاظم والاجداد الکرام آقای امیر محمد کاظم.

- جناب مستطاب شریعتمدار قبله الانام قدوة المحققین وافضل المجتهدین آقای امیر محمد کاظم.

- حضرت مستطاب ملاذ الخاص والعام آقای امیر محمد کاظم.

- حضرت مستطاب ملاذ الانام فخر الفقهاء الکرام سید العلماء العظام آقای امیر محمد کاظم.

- حضرت مستطاب شریعتمدار سید العلماء العاملين ونخبة الفقهاء الراشدين آقای امیر محمد کاظم.

در کتاب شمس التواریخ که مشتمل بر شرح مختصر احوال فقها و حکما و عرفا و شعرا و ادبای مشهور است از «مرحوم امیر محمد کاظم» با تعبیر «سید المجتهدین و قدوة المدققین» یاد نموده است (ص ۱۱۷).

در کتاب گنجینه دانشمندان اثر ماندگار مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد شریف رازی جلد ۷، ص ۵۰۸ در ضمن استدراکات علمای گذشته و حال شهرستان گلپایگان از ایشان نیز به اختصار یاد شده است.

در کتاب «اسناد روحانیت و مجلس» تدوین آقای عبدالحسین حایری (تهران: کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴، جلد اول، ص ۱۳۱ - ۱۳۳) به تصویر یکی از اسناد آرشیوی مجلس برمی خوریم

که پیرامون موضوع انتخاب دو نفر از حوزه گلپایگان و محلات و کمره (خمین) و خوانسار برای نمایندگی دوره دوم مجلس شورای ملی است که طی نشستی به قید قرعه آقایان لواء الدوله و مرحوم حاج شیخ اسدالله محلاتی از این حوزه به عنوان نمایندگان مجلس دوم برگزیده و تعیین شده‌اند که در ذیل صورتجلسه آن تنی چند از مجتهدین سرشناس و برجسته گلپایگان آن را صحه گذارده‌اند که در میان آنان مهر تأیید «آمیر محمد کاظم مجتهد» در کنار آقایان حاج میرزا هدایت الله مجتهد و آیه الله آقا شیخ سعید و ... به چشم می‌خورد.

معاریف روحانیون و مجتهدین گلپایگان قدیم و جدیداً مرحوم آمیر محمد کاظم را از فحول علمای امامیه برخاسته از این خطه بر شمرده‌اند. آن بزرگوار بعد از عمری تلاش و مجاهدت و تدریس علوم دینی، به نوشته صاحب شمس التواریخ سرانجام در روز دوم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹ ق) دار فانی را بدرود گفته به جوار رحمت واسعه الهی شتافت. از آن بزرگوار دو فرزند ذکور بر جای ماند که یکی مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقا سید جمال الدین امام جمعه (متوفای سنه ۱۳۱۳ ش) بوده است که در حوزه علمیه اصفهان نزد حضرات آیات: فشارکی، خاتون آبادی مرحوم میرزا جهانگیر خان قشقایی تحصیل علوم دینی نموده است. و دیگری مرحوم آقا نورالدین امام جمعه (متوفای سنه ۱۳۲۶ ش) است که اهل فضل و دانش و در مسیر تقوای الهی صاحب توفیقات و کمالات بوده است.

از جمله یادگارهای آمیر محمد کاظم بنای مسجد «آمیر محمد کاظم» است (واقع در خیابان آیه الله طالقانی فعلی) که مدفن آن بزرگوار نیز در ضلع

شمالی آن قرار گرفته است و اخیراً آرامگاه آن فقید سعید به طرز زیبایی تجدید بنا شده است .

آقای محسن (عطا) احمدی می نویسد :

میر محمد کاظم چهارده سال در نجف از محضر اساتید آنجا بهره برده و در بین بزرگان گلپایگان مشهور بوده که ایشان در علم اصول سرآمد علمای گلپایگان و اطراف آن بوده است .

عمر وی شصت و یک سال و تاریخ تولد حدود ۱۲۶۷ و وفات ۱۳۲۹ بوده است .

یک نسخه از قسمتی از منهج السداد فی شرح الارشاد تألیف حاج ملا احمد بن علی مختار گلپایگانی به دستور ایشان استنساخ شده که در کتابخانه آیه الله مرعشی در قم موجود است .

محمد کاظم بن محمد حسن کاتب گلپایگانی

از اجله علما و اجله فقها است خطه مقدس مشهد بلکه مملکت خراسان راست که به وجود مبارك وی بیالد امروز رونق امارت و تدریس را در مشهد دارد (به نقل از مطلع الشمس . حجازی)

محمد کاظم بن محمد صادق گلپایگانی

منظومه ای در اصول فقه به نام «قلائد اللثالی» تحریر ۱۲۳۵ ق از وی در کتابخانه سید حسن امام جمعه گلپایگان موجود است .

ملا محمد کریم

دانشمند بزرگ و فقیه سترگ مرحوم مغفور خلد آشیان جنت مکان آخوند ملا محمد کریم بن العلام الفهام آخوند ملا محمد جد کریمی های ساکن رباط ابلولان گلپایگان عالمی بزرگوار بوده که در بعضی از نوشتجات موجوده تعبیر از او به مجتهد الزمان شده است قسمتی از تحصیلات ایشان در گلپایگان و بقیه تا رسیدن به مرتبه کمال و اجتهاد در بروجرود و اصفهان در نزد بزرگان علما و فقهای وقت و زمان انجام گرفته و تألیفاتی داشته که به چاپ نرسیده و از بین رفته است و فقط بعضی از اوراق علمی پراکنده از ایشان باقی است.^(۱)

وی دارای چهار فرزند روحانی بوده که اکبر ایشان مرحوم حجة الاسلام آقا میرزا محمد کریمی است که از شاگردان مرحوم آقا سید محمد مهدوی بوده است دوم علام فهام مرحوم آقا میرزا علی محمد که صهر و داماد آقا سید محمد مذکور بوده و این دو از ائمه جماعت و مروجین و موجهین بوده اند سوم عماد الاعلام مرحوم آقا میرزا محمد علی کریمی و چهارم مرحوم آخوند ملا علی کریمی.

وفات ایشان در شب عاشورای ۱۳۱۱ قمری اتفاق افتاده است.^(۲)

از نواده او حجة الاسلام حاج شیخ محمد جواد کریمی گلپایگانی نقل

شده:

(۱) وی داماد آقا میرزا مهدی بن ملا زین العابدین (آقا زاده) بوده و دو رباط ابلولان مدفون

است. (حجازی)

(۲) گنجینه: ۵۰۹/۷.

وی با ملا زین العابدین (حجة الاسلام) به طهران رفتند و در شهر ری با مرحوم حاج ملا علی کنی ملاقات داشتند.
او بسیار حاضر جواب بود و کتاب مدح نامه از آثار اوست. (حجازی)

محمد مؤمن جرفادقانی

در سال ۱۰۸۸ زنده بوده و در ۱۰۵۹ مصباح الشریعه و صحیفه الرضا، و در ۱۰۶۴ رساله النوریه، و بدون تاریخ آداب المتعلمین و نصیحتنامه و کلمات قصار پیامبر ﷺ و باب النوادر؟ و احادیث قدسیه و دعائم الاسلام و قطعه ای از بحار را نوشته که این مجموعه ده کتاب و رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است.

و نیز اساس الاقتباس خواجه را نوشته و در ۱۰۷۷ غیبت نعمانی را نوشته که در کتابخانه ملک است و در ۱۰۷۵ الآثار الباقیه ابو ریحان را نوشته که در کتابخانه شهید مطهری است و در ۱۰۵۹ کتاب سلیم بن قیس را نوشته که در کتابخانه شیخ علی حیدر (فهرست ۱/۲۶۲) است و در ۱۰۷۴ شرح بیست باب بیرجندی و دفاع از منجمین و الفباء المحاضرات را نوشته که هر سه در کتابخانه آیه الله گلپایگانی موجود است.

ملا محمد مهدی شاه حیدری

فرزند میرزا محمد باقر و متوفای ۱۳۴۶ ق در شید آباد گلپایگان مدفون است. (حجازی)

ملا محمد مهدی توسلی

برادر حاج ملا محمد و حاج ملا محمد باقر غروی گوگدی در کربلا
مدفون است. (حجازی)

المولی محمد مهدی (پدر آیه الله فرید)

المولی محمد مهدی بن المولی محمد هادی الگوگدی الگلپایگانی
المتوفی ۱۳۱۹ فی مسافرتہ الی حجّ البیت وقد وقع أجره علی الله کان من
العلماء الأبرار مرجع الأمور فی قریته کما ذکره ولده حسن فرید مترجم
مفتاح باب الأبواب.^(۱)

حاج میرزا محمد مهدی قاضی زاهدی^(۲)

حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمد مهدی بن آخوند ملا علی
عالمی جلیل و مرجع امورات شرعیہ بوده وبعد از مرحوم والدش در مسجد او
که مشهور است به مسجد قاضی زاهدی اقامه جماعت می نموده در هفتم
محرم ۱۳۳۴ ق بدرود حیات گفته در بقعه امامزاده هفده تن گلپایگان مدفون
گردیده و ایشان اکبر اولاد آخوند ملا علی بوده است.

(۱) اعلام الشیعة سده ۱۴ ج ۵ ص ۱۸۶.

(۲) به ج ۱ شماره ۳۴ رجوع شود.

مولانا محمد نصیر الکلبایکانی

عالم عامل وفاضل کامل ومتورع وصالح واز تلامذه ملا محمد باقر مجلسی بوده چنان که مولانا محمد باقر بن محمد هزارجریبی در اجازه ای که برای بحر العلوم در سال ۱۱۹۵ قلمی فرموده آورده: قال شیخنا الفقیه الجلیل الامیرزا ابراهیم القاضی: اقول واروي عن جماعة من مشیختي الذين صادفتهم أو قرأت علیهم مؤلفاتهم منهم الفاضل المرحوم الحاج محمد نصیر الکلبایکانی وهو الذي تعلمت منه في اول سنّی الی ان قرأت علیہ تفسیر البیضاوي وكتاب الاستبصار وشيئاً من المدارك وهو من تلامذة العلامة المجلسي والفاضل السعيد الحاج ابي تراب ...^(۱).

حضرت آقای حسینی می نویسد:

محمد نصیر الکلبایکانی فاضل مدرّس جلیل وکان یدرس فی الفقه والتفسیر والحديث .

یروي عن العلامة المجلسي والحاج ابي تراب الاصبهاني . ویروي عنه الميرزا ابراهیم القاضی .

واحتمل الشيخ آقا بزرگ أن يكون هو المولى محمد نصیر بن محمد سعيد الطالقاني .

(الفيض القدسي، ص ۹۴، الكواكب المنتشرة - مخطوط، زندگی نامه علامه مجلسی ۱۰۷/۲)^(۲).

علامه طهرانی می نویسد:

(۱) نجوم السماء في تراجم العلماء ص ۲۲۴ ..

(۲) تلامذة العلامة المجلسی ۱۳۱ .

محمد نصیر الکلبایکانی استاذ المیرزا ابراهیم الخوزانی القاضي (م ۱۱۶۰ ابن غیاث الدین - اصفهانی صرّح به المیرزا ابراهیم المذكور فی اجازته لاقا باقر الهزارجریبی (م ۱۲۰۵) شیخ بحر العلوم، علی ما آورده الهزارجریبی فی اجازته لبحر العلوم، فقد قال فی الاجازة عند عدّه مشایخه: ومنهم الفاضل المرحوم الحاج محمد نصیر الکلبایکانی وهو الذي تعلّمت منه فی اول سنّی الی أن قرأت علیه تفسیر البیضاوی وكتاب «الاستبصار» وشيئاً من «المدارك» وهو من تلامذة العلامة المجلسي (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰) والفاضل السعيد الحاج ابي تراب.

انتهی المنقول من اجازة الخوزانی فی اجازة الهزارجریبی لبحر العلوم، ولعله متحد مع محمد نصیر الطالقانی ابن محمد سعید المذكور قبلاً.^(۱)

در ترجمه کتاب فیض قدسی ص ۱۵۶ از «حاج محمد نصیر گلپایگانی» یاد می کند و می نویسد:

«آقا باقر مازندرانی در اجازة نامه اش به بحر العلوم - که خدای مقامش را والا گرداند - گوید:

شیخ فقیه و بزرگوار ما میرزا ابراهیم قاضی گفت: من از تعدادی از مشایخی که با آنان ملاقات داشته ام یا آنکه تألیفاتشان را بر آن اساتید بر خوانده ام روایت می کنم ... و از جمله مشایخم، دانشمند فقید، حاج محمد نصیر گلپایگانی است که از آغاز نزد وی درس آموختم تا آنکه تفسیر بیضاوی و مقداری از کتاب مدارک را نیز نزد ایشان خواندم. او از شاگردان علامه مجلسی و نیز از شاگردان دانشمند نیکبخت، حاج ابو تراب است». حاج ابو تراب خود نیز در زمره شاگردان علامه مجلسی آمده است.

میرزا محمد هادی

همیشه زاده آیه الله العظمی گلپایگانی . در مدرسه آقا میرزا هدایه الله در گوگرد تدریس داشته است حاج شیخ علی عنایتی و آقا جلال طاهر شمس وسید محمد رضا محمودی و دیگران نزد او درس خوانده اند .

محمد یونس الکلبایکانی

محمد یونس الکلبایکانی : کتب بخطه رساله الشيخ جعفر في الحكمة والكلام بالفارسية في قسمين : الطبيعي والالهي ، وعبر عن نفسه بقلمه الثلث الجيد في آخره بأقل الطلبة . والنسخة موجودة في مكتبة امير المؤمنين (عليه السلام) للأميني التبريزي في النجف .^(۱)

آقا شیخ محمود نخعی

اهل رباط ابلولان و قبرش در قبرستان میر حمزه رباط ابلولان است . وی مجتهدی صاحب نظر بوده است . آیه الله علوی خوانساری گفته است : ایشان در نجف هم مباحثه ما بوده و تحصیلات عالیّه داشت .^(۲)

(۱) اعلام الشيعة : قرن ۱۲ ، ص ۸۳۷ . گویا مقصود رساله عقائد فارسی شیخ جعفر کمره ای باشد که چاپ شده است .

(۲) به نقل از جناب آقای حاج آقا رضا حسینی مقیم گلپایگان .

عماد الدین محمود بن محمد گلپایگانی (متوفای)

کتاب مناظر الانشاء او در کتابخانه شیخ علی حیدر مؤید موجود است
به فهرست آن کتابخانه ۲۵۱/۳ رجوع شود.

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی محمودی

این جانب سید مرتضی محمودی در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی در
گوگد گلپایگان و در خانواده ای زحمتکش و متدین متولد شدم . پدر اینجانب
مرحوم سید محمد رضا محمودی به کشاورزی اشتغال داشت ، ابتدا در
مکتب خانه به تحصیل پرداختم که درسها از عمّ جزء شروع می شد ، سپس
سوره های قصار قرآن کریم و کتاب های فارسی تعلیم می شد و پس از آن
نصاب الصبیان جزو کتب درسی بود .

در حین تحصیل ، به پدرم در امور کشاورزی کمک می کردم . سپس در
مدرسه علمیه ای که توسط مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا
هدایة الله وحید در گوگد تأسیس گردیده بود وارد شده و جامع المقدمات
و مقداری از کتاب سیوطی و حاشیه را در آن مدرسه فرا گرفتم . حوادثی پیش
آمد که مرحوم آقای وحید به تهران رفتند و در نتیجه آن مدرسه تعطیل شد
و حقیر برای ادامه تحصیل به شهر اراک رفتم و در مدرسه مرحوم حاج ملا

محمد ابراهیم به ادامه تحصیل پرداختم و از مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم و مرحوم میرزا ابوالفضل آقای احمدی [گلپایگانی]، مغنی و معالم را استفاده کردم.

پس از حدود دو سال به شهر قم عزیمت نمودم، در قم شرح لمعه را از محضر مرحوم شیخ اسد الله اصفهانی، و مکاسب را از محضر مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی و حضرات آیات حاج آقا روح الله کمالوند و حاج شیخ مرتضی حائری و رسائل را از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و شهید محراب مرحوم صدوقی اعلی الله مقامهما و کفایه را از محضر مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیه الله مجاهدی استفاده نمودم. در تفسیر قرآن از محضر مرحوم علامه طباطبایی و در علم کلام از محضر مرحوم آیه الله العظمی حاج سید احمد خوانساری و در معانی بیان از مرحوم آیه الله حاج سید رضا صدر بهره بردم. و پس از پایان سطح در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیه الله العظمی بروجردی شرکت نموده و از محضر حضرات آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی و اراکی قدس سرهم استفاده ها نمودم که دروس فقه و اصول و تفسیر را به صورت خلاصه می نوشتم ولی برای تنظیم و تنقیح آنها توفیقی حاصل نشد.

در سال ۱۳۴۳ به امر مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی به مدت دو سال در قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال داشتم و سپس به امر ایشان حدود یازده سال در شهر محلات به انجام وظیفه تبلیغی مشغول بودم. پس از بروز مشکلاتی از سوی ساواک و شهربانی محلات و اراک و ممنوع المنبر شدن این جانب و درگیری با متصوفه که در صدد تأسیس خانقاهی در آن شهر بودند تصمیم به هجرت از محلات گرفتم. پس از آن با صلاحدید و امر مرحوم

آية الله العظمى گلپایگانی به شهرستان ورامین آمد و حدود ۲۵ سال است که مقیم این شهر هستم. از سال ۵۶ مدرسه علمیه ای تأسیس گردید که تاکنون بحمدالله منشأ خدمات علمی و تبلیغی خوبی بوده است. از سال ۵۸ پیرو درخواست اهالی محترم ورامین از محضر حضرت امام خمینی (ره) به امر ایشان به امامت جمعه این شهر منصوب شدم و تاکنون به انجام وظیفه اشتغال دارم. با لطف خداوند متعال و همکاری مردم این شهر در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و دینی اقدامات و خدمات خوبی انجام شده که تأسیس درمانگاه، دارالایتام، دارالقرآن و حوزه های علمیه برادران و خواهران و بنای مصلا از جمله آنها بوده است. والسلام.

سید مرتضی محمودی

پیام روحانی شهید سید مصطفی (محمد) محمودی فرزند
حجة الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی محمودی امام جمعه ورامین:

بسم الله الرحمن الرحيم

«چنان سیلی به صدام خواهیم زد که از جایش بلند نشود» (امام خمینی)
«الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع
المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكاً ويستخلف آخرين».

پس از درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب، بت شکن زمان خمینی بزرگ
و ملت رزمنده و قهرمان ایران نامه را شروع می کنم. پس از کوشش فراوانی
که برای رفتن به جبهه داشتم و به هر دری می زدم آن در بسته شده بود بالاخره
دری از درهای رحمت الهی باز و این بنده روسیاه و گناهکار به آن در روی
آورد و موفق شدم در کنار دگر برادران با ایمان و مؤمن به انقلاب و امام، جایی
برای خود باز کنم هر چند خودم را شایسته این راه نمی دیدم ولی به قول شاعر

که می گوید: در ناامیدی بسی امید است من هم امیدوار شدم که مثل اینکه سعادت به من روی آورده است تا اینکه به جبهه حق و باطل و جنگ میان کفر و ایمان روانه شوم تا اینکه بتوانم خونم را فدای دین اسلام کنم این اسلامی که امامی چون حسین عزیز دارد و جان بر کفانی چون عباس دلاور و علی اکبر دارد و دلسوختگانی و درد دارانی چون خمینی بزرگ دارد و من هم سهمی داشته باشم.

و بر شما است ای ملت رزمنده که پیام آور خون شهیدان باشید شهیدانی که از بهترین افراد و مؤمن ترین کسانی بودند که به این انقلاب عشق می ورزیدند و آنقدر عشق ورزیدند که پر و بالشان در کنار معشوق سوخت و چنین نقش بست بر زمین که ای دریای بیکران انسان ها به پا خیزید و با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح بگیرید و از حقوق و رسالت انسانی و شرف خود دفاع کنید و حق خود را از ابرقدرتها و زورگویان تاریخ بستانید.

اما پیام من به تو ای پدر عزیزم سید مرتضی با خونم به تو پیام می فرستم که باید چون امام زین العابدین که پیام انقلاب حسین و خون سرخ حسین را به گوش تمام مردم رسانید تو هم باید پیام مرا به تمام انسان ها برسانی.

و اما تو ای مادر عزیزم به تو می گویم: هان ای مادر اگر چه ممکن است برای تو مشکل باشد که فرزندی را از دست داده ای ولی مگر آنهایی که بهترین فرزندان خود را فدا کردند مادر نبودند که در شهادت فرزند دلبد خودشان مشتش ها را گره کردند و با صدای بلند فریاد زدند و گفتند ای مردم به من تسلیت نگویید بلکه تبریک بگویید و من هم انتظار دارم از تو ای مادر اگر می خواهی که دشمن به ما نخندد تو همچون دیگران مشتش را گره کن صدایت را ده برابر و تا می توانی فریاد بزنی که ای ابرقدرتها کور خوانده اید

تا ایران ما، مادرانی چون من دارد امکان ندارد کسی بتواند به ما تجاوز کند و این آرزو را به گور خواهید برد.

و اما تو ای برادر احمد بر تو است که پس از شهادت من راه مرا ادامه دهی و در مجلسی که به مناسبت من تشکیل می شود سخن بگویی و خدا را شکر کنی که این سعادت را نصیب من گرداند و خانواده من باید بر این شهادت افتخار کنند و با بیانت به آمریکا و دیگر ابرقدرتها هشدار دهی که تا ما جوان ها و کل افراد این ملت هستند امکان ندارد تو و عمال تو در داخل بتوانید غلطی بکنید.

و اما تو ای خواهر من تو باید قافله سالار شهیدان باشی و همچون زینب در مجلس تمام یزیدیان تاریخ حاضر شوی و پیام تمام شهدا را به آنها برسانی و بالاخره ای برادران کوچک من محسن و مهدی شما هم باید ادامه دهندگان راه من باشید.

و پیام من بر شما ای دگر افراد، شما هم باید از حق خود دفاع کنید و ادامه دهندگان راه شهدا باشید.

و اما شما ای مسؤولان مملکتی شمایی که این پست و مقام را شهدا به شما دادند و پشت میزی نشسته اید که با خون شهدا و از جان گذشتگی آنها به شما رسیده است بدانید و بدانید و آگاه باشید و از این خون خوب پاسداری کنید. والسلام

سید مصطفی محمودی، طلبه حوزه علمیه قم تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۴

روحش شاد و راهش جاوید باد

امید است که همه ما از خون های پاک بر زمین ریخته شهدا پاسداری کنیم و از ادامه دهندگان راه این فرزندان برومند اسلام و یاران با وفای امام امت

باشیم.

زندگینامه روحانی شهید مصطفی (محمد) محمودی :

شهید روحانی مبارز سید مصطفی (محمد) محمودی فرزند حجة الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی محمودی از سن ۷ سالگی جهت فرا گرفتن علوم به مدرسه وارد شد و تا اخذ دیپلم ریاضی اشتغال داشت سپس به سربازی اعزام شد و در لشکر ۲۸ سنندج ایفاء وظیفه می کرد تا زمانی که رهبر عالیقدر انقلاب مقدس اسلامی ایران امام خمینی فرمان صادر کردند که سربازها از پادگان ها فرار کنند سید مصطفی بر حسب امثال امر معظم له از اولین گروهی بود که از سربازخانه فرار کرد و به شهرستان ورامین که محل سکونت والدین خود بود وارد شد و فعالیت خود را در جهت انقلاب اسلامی و علیه حکومت طاغوتی شاهنشاهی شروع کرد و پس از پیروزی انقلاب و سقوط حکومت طاغوت و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و صدور فرمان امام مبنی بر بازگشت سربازان به پادگان های مربوطه، ایشان در اسرع وقت به پادگان سنندج خود را معرفی کرد و بقیه ایام خدمت خود را در آن پادگان به پایان رساند.

شهید سید مصطفی محمودی بر حسب ارادت و علاقه شدیدی که به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشت از ۱۲ سالگی در مجالس سوگواری ائمه هدی علیهم السلام و همچنین در مجالس جشنی که به مناسبت ولادت هر یک از موالیان و پیشوایان عظیم الشأن اسلام تشکیل می شد به مناسبت آن مجلس سرود و اشعاری می خواند و با توجه به ملاحظت و روشی که در خواندن مصائب و مدائح اهل بیت علیهم السلام داشت رونق خاصی به مجلس می بخشید و برخی از نوارهای آن موجود است آن شهید علاقه و عشق فراوانی به حفظ

کردن سوره‌های قرآن کریم و نهج البلاغه و احادیث در موضوعات مختلف اسلامی داشت.

شهید سید مصطفی محمودی در جهت انقلاب و مبارزه با حکومت طاغوت فعالیت چشمگیری داشت قبل از پیروزی انقلاب در پخش اعلامیه‌ها و نوارهای مراجع عظام مخصوصاً رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی در سطح شهر و شرکت در راهپیمایی‌ها و مقابله با مأمورین طاغوتی و دایر کردن نمایشگاه‌های کتاب و ساختن مواد منفجره دست ساز و از این قبیل کارها، فعالیت‌های گسترده‌ای داشت پس از پیروزی انقلاب در جهت حفظ امنیت و آرامش و مبارزه با گروه‌های منحرف و پخش کتاب‌های اسلامی و مفید در سطح منطقه فعال بود و متجاوز از یک سال به طور تمام وقت در ارگان‌های انقلابی و انتظامی و جمع‌آوری اسلحه و تحویل به مقامات مسئول به صورت رایگان و خالصانه برای خدا بدون انتظار کوچک‌ترین پاداشی از مقامات مسئول و فقط برای رضای خدا این خدمات را انجام می‌داد.

آن شهید از نظر صفات و اخلاق اسلامی دارای سجایای عالی‌ه انسانی بود در تقوی و راستی و وفاداری و کمک به مستمندان در بین آشنایان معروف بود و در فصل تابستان به اتفاق جوانان دیگر جهت کمک به کشاورزان در جمع‌آوری محصول به روستاهای ورامین می‌رفت و مانند یک کارگر برای آنها کار می‌کرد و مقداری از وقت خودش را در جهت آموزش اسلحه به دیگران صرف می‌کرد و در زلزله فائتات مشهد برای کمک به زلزله‌زدگان با گروهی از جوانان ورامین از ورامین به آن مکان عزیمت نمود.

و از حیث لباس و غذا بسیار ساده بود و نسبت به پدر و مادر و خواهر

وبرادران خود بسیار مهربان بود.

آن شهید دارای دیپلم ریاضی بود و با آنکه آمادگی داشت در کنکور شرکت کند و به دانشگاه برود اما چون علاقه شدیدی به فرا گرفتن علوم اسلامی و معارف عالیّه الهیه داشت لذا رفتن به حوزه علمیه را انتخاب کرد و در قم مشغول به تحصیل ادبیات عربی و علوم اسلامی شد تا اینکه جنگ تحمیلی آمریکا به وسیله حزب بعث عراق به سرکردگی صدام کافر بر ملت ایران تحمیل گردید با تلاش بسیاری موفق شد از بسیج قم به جبهه اعزام شود و پس از سه ماه نبرد در جنوب در تاریخ ۱۳۵۹ در جبهه مالکیه همراه با چند نفر دیگر از همزمانش به درجه رفیعہ شهادت نائل آمد و جنازه آن شهید به قم انتقال یافت و در شیخان قم به خاک سپرده شد. لازم به یادآوری است که ۲۰ روز قبل از شهادتش مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت ولی طوری نبود که مانع ادامه مبارزه او گردد و با چند روز استراحت و معالجه، مبارزه خود را با جدیت تا لحظه شهادت ادامه داد و چون علاقه خاصی نسبت به امام خمینی داشت عکسی را قبل از شهادتش روی تخته ای چسبانده بود و وصیت کرده بود که همان عکس را بر سر مزارش بگذارند و عکس خودش را هم پایین آن و با خط درشت بنویسند:

یگانه فلسفه نهضت حسین این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

روحش شاد و راهش جاوید باد.

دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی

فرزند میرزا محمد علی خان گلپایگانی.^(۱)

متولد ۱۲۸۲ ش و متوفای ۱۳۲۷ ش تألیفاتی دارد و شرح حال او در

کتاب مؤلفین کتب چاپی یاد شده است.

تألیفات: روان شناسی ۲ - جنین شناسی ۳ - جبر و مقابله ۴ - تشریح

مرضی ۵ - بافت شناسی ۶ - آسیب شناسی.

آقای احمدی می نویسد:

کتابی داریم تحت عنوان: «بیاد او» تألیف دکتر محمد حسین میمندی

نژاد که بمناسبت دهمین سالگرد درگذشت «پزشک اعجوبه ایرانی مرحوم

دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی» در عظمت علمی او نوشته شده و از ابداعات

واختراعات پزشکی شگفت آفرین او سخن به میان رفته است. این کتاب را

حقیر در دوران دانشجویی خود در دانشگاه اصفهان (کتابخانه مرکزی

دانشگاه) در خرداد ۱۳۵۹ شمسی دیده ام.

(۱) به توشه ای از تاریخ گلپایگان ص ۲۲۴ رجوع شود.

حاج آقا منیر الدین احمدی

فرزند سوم حاج میرزا محمد بن حاج ملا احمد گلپایگانی متوفای ۱۳۱۲ ش.

الحاج میرزا مهدی الخوانساری گلپایگانی

هو السید العالم المتبحر الجلیل الكامل کان من العلماء الرؤساء فی گلپایگان وكذا أخوه المیرزا محمد تقی وأختهما زوجة المیرزا محمد صادق امام الجمعة بگلپایگان.^(۱)

المولی مهدی گلپایگانی

ابن کریم . حکیم ریاضی معاصر لمیرزا ابراهیم الشیرازی (م ۱۰۷۰) ابن صدرا . رأیت له «مصور الهيئة» و«الحاشية على الشرح الجديد للتجريد ومتعلقاته» ذکر فی هامش الحاشية: [إن مرادي من بعض الفضلاء المعاصرين هو میرزا ابراهیم ابن المولی صدرا (۹۷۹-۱۰۵۰) ومن بعض المحققين المولی عبدالرزاق اللاهیجي (م ۱۰۷۲) ومن بعض الافاضل الشيخ حسين التنکابني (م ۱۱۰۵) ومن بعض الفضلاء سلطان العلماء ومن بعض الحواشي المولی محمد قاسم الاصفهاني ومن بعض المحشين المولی شمسا کیلانی] وله رسالة في الكلام.^(۲)

(۱) اعلام الشيعة سده ۱۴ ج ۵ ص ۱۹۰.

(۲) اعلام الشيعة قرن ۱۲، ص ۷۶۴؛ به ذریعه ۱۱۷/۶ و ۱۰۸/۱۸ و ۱۳۲/۲۱ و معجم

مؤلفی الشيعة ۳۶۴ رجوع شود. ونیز به ص ۱۲۹ رجوع شود.

حجة الاسلام والمسلمين حاج آقا مهدی گلپایگانی

فرزند آية الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی . شرح حال ایشان را در کتاب نوری از ملکوت از انتشارات کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان ببینید .

آقا میرزا مهدی معروف به آقا زاده

صاحب شمس التواریخ می نویسد: فرزند ارجمند حجة الاسلام آخوند ملا زین العابدین آقا میرزا مهدی مرد بزرگواری بوده کراراً ملاقاتش دست داده در منبر نطقی ملیح و فصیح داشت . کتاب اسرار الشهادة نوشته ، شعر هم می گفته ^(۱) در ماه صفر سنه ۱۳۳۰ به رحمت ایزدی رفته . ^(۲) قبر وی کنار قبر پدرش حجة الاسلام جنب مسجد حجة الاسلام در گلپایگان است . ^(۳)

کتاب های المسائل والمشاكل وکشکول ورسالة في علم الامام که هر سه از تألیفات پدر اوست را به خط خود نوشته ، و عکس این نسخه ها در کتابخانه شخصی آية الله حاج شیخ لطف الله صافی موجود است . علامه طهرانی می نویسد:

هو الشيخ العالم الفاضل الجلیل ابن العلامة الاجل الآخوند المولی زین العابدین الگلپایگانی من أجلاء العلماء المبرزین ذوالید الطولی فی

(۱) قصیده غدیریه او در کتابخانه آية الله حاج شیخ لطف الله صافی موجود است .

(۲) شمس التواریخ ، چاپ اول ص ۹۳ .

(۳) اعلام الشيعة سده ۱۳ ص ۵۸۷ وسده ۱۴ ج ۵ ص ۱۷۹ ؛ گنجینه ۵۰۲/۷ .

المنبر هناك مرجع الأمور الشرعية يقيم الجماعة في مسجد بناه والده من كرامة له مشهورة. وله أسرار الشهادة^(۱) توفي سنة ۱۳۳۰ ترجمه في شمس التواريخ وذكر ان ابنه ميرزا حسين فاضل في العلوم العربية...

یکی از دانشمندان در وفات علام فهام مرحوم آقا میرزا مهدی معروف به آقا زاده رحمة الله عليه این ابیات عربی را سروده است ولله درّه.

وَقَدْ الْمَهْدِي مَوْلَانَا عَلَى	خَيْرٍ مَنْ اعْطَى أَجُورَ وَافِدِهِ
فَارَقَ الدُّنْيَا بِقَلْبٍ عَامِرٍ	عَمَّرَ الرَّحْمَنُ قَلْبَ حَامِدِهِ
مَا أَقُولُ فِي صِفَاتِ قُدُوةٍ	لَيْسَ يُحْصَى مُنْتَهَى مُحَامِدِهِ
كَمْ حِجَابٌ فِي الْفُنُونِ قَدْ كَشَفَ	عَنْ صَحِيحِ مَطْلَبٍ وَفَاسِدِهِ
وَخِصَالٌ فِي الْمَعَالِي قَدْ جَمَعَ	لَا أَقْرَأُ اللَّهَ عَيْنَ جَاحِدِهِ
سَادَ أَقْوَاماً بِدَهْرٍ مَا ادْخَرَ	مِنْ طَرِيفِ الْمَالِ أَوْ مِنْ تَالِدِهِ
رُمْتُ تَارِيخاً فُجَاءَ وَاحِدٌ	وَإِنِّي رَغْمًا لَأَنْفِ حَاسِدِهِ
إِنَّ مَهْدِي ابْنَ زَيْنِ الْعَابِدِينَ	صَارَ فِي الْفِرْدَوْسِ عِنْدَ وَالِدِهِ

مهدی جرفادقانی^(۲)

کتاب بهجت افزای او در کتابخانه ملک و غیره موجود است به فهرست منزوی ۲۹۳/۱ رجوع شود.

(۱) کتاب دیگر او سواطع الانوار (ترجمه روح الایمان پدرش) است که نسخه اصل آن تحریر ۱۲۹۳ در کتابخانه شخصی حجة الاسلام قاضی زاهدی موجود است. و از روی همین نسخه توسط کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان چاپ شده است.

(۲) از سده ۱۱ و ۱۲.

میرزا مهدی شعله گلپایگانی

در سده دوازدهم می زیسته و حکیم و شاعر بوده از آثار او است :

۱ - چاه و صبال

۲ - دیوان

۳ - مثنوی رعنا وزبیا

۴ - منتخب آتشکده

۵ - یوسف وزلیخا

به تذکره شعرای گلپایگان رجوع شود.

مهر علي الجرفادقاني

علامه طهرانی می نویسد :

العالم الجليل المجاز من شيخه الملا ابي القاسم ابن الآقا محمد الجرفادقاني في حياة محمد تقي المجلسي م (١٠٧٠) وصورة الاجازة مسطورة في آخر مجلدات من البحار (ج ١٠٧ ص ٩٨ - ١٠٢) وفي الطبعة القديمة (ص ١٥٧) وشيخه ابوالقاسم كان من المستعدين في مدرسة لطف الله باصفهان كما في «الروضات ص ٢٨٨» وصف في الاجازة بـ [المولى الاجل الاعظم الفاضل العالم العاقل - الى قوله - بعد سطر من الاوصاف ، الذكى التقي الالمعي مولانا مهر علي الجرفادقاني].^(١)

(١) اعلام الشيعة: قرن ١١، ص ٦٠١. در تاريخ اصفهان تأليف آقاي مهدوي وذريعه

١٣٩/١ هم از ايشان ياد شده است.

ناصر بن ظفر گلپایگانی

در کتاب راهنمای دانشوران تألیف حاج سید علی اکبر برقعی مسطور است که جمعی از اعلام از گلپایگان برخاسته اند از جمله سعد الملک علی بن هبة الله عجل جرفادقانی معروف به ابن ماکولا و ابوالشرف ناصر بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی که در شمار کاتبان و مترسلان بوده و صاحب تاریخ یمینی است و این کتاب تاریخ یمینی ترجمه کتاب تاریخ معروف به سیره الیمینی است که ابونصر محمد بن عبدالجبار آن را پرداخته و ابوالشرف آن را ترجمه نموده است^(۱). و از جمله نجیب الدین جرفادقانی است که در سلک شعرای توانا و نیکوپرداز بوده و دیوان شعر وی در آغاز جوانی به بغداد رفت.

وی در فتنه مغول چندی در قلعه و شاق می زیست و امرای آن دیار را ستایش گفت و از آن پس که رکن الدوله برادر جلال الدوله خوارزمشاه عراق و کرمان را گرفت و عمادالملک ساوجی وزیر او شد نجیب الدین به وسیله آن وزیر به دربار وی راه یافت و پس از قتل او به دست مغول نجیب الدین به وطن بازگشت و در سال ۶۶۵ در گذشت و این ابیات از او است:

دماغ عقل به دیوانگی شود مایل اگر تو سلسله زلف را بجنبانی
تا آخر اشعارش^(۲).

در ذریعه ۲۱۲/۳ و ۲۵۷ و ۸۵/۴ و ۳۰۸/۲۴ آمده است.

(۱) از این ترجمه نسخه های فراوانی موجود است.

و حبیب الدین محمد بن علی اصغر گلپایگانی هم تاریخ یمینی را ترجمه کرده که نسخه آن هم در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است.

(۲) گنجینه: ۴۹۶/۷.

تاریخ آل عباس - ترجمه الی الفارسیة لأبی الشرف ناصح بن ظفر الجرفادقانی ينقل عنه في تاريخ «نگارستان» المؤلف سنة ۹۴۹ .

نجیب الدین گلپایگانی

نجیب الدین گلپایگانی از شعرای معروف بوده است .^(۱)
اسمه نجیب الدین الجرفادقانی مدح البيت العلوي بهمدان ... مات
۶۵۳ له مثنوي بشر و هند^(۲)

در مجمع الفصحاء گوید: وی از شعرا وبلغای زمان خود بوده
و مداحی سلاطین سلجوقیه را می نموده طبع خوبی داشته و لوای قصیده
سرایی می افراشته از اشعار او است:

مرا اگر چه چو دامن فکنده ای در پای
بهر رزه باز ندارم ترا ز دامن دست
جمال روی ترا هست زلف دامن گیر
و گرنه می بری از آفتاب تابان دست
در آرزوی کنار تو خفته ام شب ها
در آن خیال که یک شب دهی به پیمان دست
رسید روز جوانی به پیری و نردم
شبی بدامن وصل تو در شبستان دست

(۱) شمس التواریخ، ص ۹۳ .

(۲) الذریعه: ۱۱۷۸/۹ . نسخه های فراوانی از دیوان او موجود است .

به شرح حال ناصح بن ظریف جرفادقانی در صفحه قبل رجوع شود .

بلند قدر را دانی که هیچوقت نداد
 به نظم و نشر کسی را سخن بدینسان دست
 اگرچه طایفه ای کرده اند ز اهل هنر
 ردیف شعر ازین پیش در صفاهان دست
 بدین قصیده بیردم جهانیان دانند
 نه از سپاهان کز جمله خراسان دست
 منم که بلبل طبعم چو در نوا آید
 ز لحن خویش بشوید هزار دستان دست^(۱)

میرزا نعیم (نعیمی) شیرازی

مقیم گلپایگان بوده و کتاب تحفة الذهب تألیف ۱۲۹۷ از وی در
 کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

آقا نور الدین امام جمعه

فرزند آقا میر محمد کاظم گلپایگانی. اهل فضل و دانش و صاحب
 کمالات، و در سال ۱۳۲۶ ش از دنیا رفته است و در مسجد آقا میر محمد
 کاظم مدفون است.

حاج شیخ نور الله قاضی زاهدی

فرزند حاج میرزا محمد مهدی و متوفای ۱۳۴۶ در شید آباد گلپایگان
مدفون است. (حجازی)

المیرزا هدایة الله گلپایگانی

هو العالم الفاضل المتبحر الجلیل كان في سامراء سنين وله
اختصاص بشيخنا العلامة النوري ويحضر بحث العلامة السيد محمد
الاصفهانى ويستفيد من بحث آية الله [الشيرازي] إلى أن ابتلى ببعض
الامراض فحمل إلى ايران في خدم وتخت روان ومصارف كثيرة للوازم
السفر واشتد به المرض هناك فتوفي أيام حياة آية الله الشيرازي (ره).^(۱)

میرزا هدایة الله وحید گلپایگانی (مکرر شماره ۳۰)

مرحوم آية الله حاج میرزا هدایة الله وحید بن آخوند ملا محمد جواد
نخعی از علمای بزرگ و محترم گلپایگان بودند.
فرزند گرامی ایشان جناب آقای آقا محمد وحید دانشمندی حسیب
وادیبی اریب و شاعری فرزانه مقیم تهران می باشند.
داماد ارجمندشان جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ حسین روشنی

(۱) اعلام الشيعة سده ۱۴ ج ۵ ص ۲۱۲. والمجدد الشيرازي ص ۱۶۹.

نیز از علما و ائمه جماعت معاصر تهرانند.^(۱)

جناب حاج میرزا هدایه‌الله وحید گلپایگانی به گفته آقای آقا ریحان نخعی منسوب به مالک اشتر نخعی می باشد.

در ۱۳ رجب ۱۳۰۸ ق در قریه گوگرد از قراء گلپایگان متولد شده و مقدمات و سطوح اولیه را در محل خود خدمت والد خود خوانده و در سال ۱۳۳۶ ق هـ مهاجرت به اراک نموده و ابتداء از محضر و درس و بحث مرحوم آیه‌الله آقای آقا نورالدین عراقی و حاج میرزا محمد علی خان استفاده نموده و بعد ملازم مرحوم آیه‌الله حایری شده و در سال ۱۳۴۰ ق پس از انتقال و مهاجرت آنجناب به قم هجرت به آن دارالعلم و الایمان نموده و تا سال ۱۳۵۰ ق را از فقه و اصول آیه‌الله حایری استفاده کامل نموده و در موقع ورود مراجع نجف به قم چند ماهی از مباحثه و قاعده (علی الید) مرحوم آیه‌الله اصفهانی استفاده نموده و در سال مذکور به واسطه وفات والد خود مراجعت به محل خود نموده و در آنجا به امر و تشویق و موافقت آیه‌الله حایری تأسیس مدرسه علمیه نموده و حتی به اجازه آن جناب چند نفر از محصلین جدی گلپایگان را با خود به آنجا برده و با همت مردانه و بلند خود به تربیت عده‌ای از طلاب و داوطلبان علوم دینی آن سامان کوشیده به حدی که غالب طلاب گلپایگانی قم که عده آنها به چهل نفر می رسد از مستخرجین مدرسه ایشان است در سال ۱۳۶۴ ق به قم آمده و مدتی توقف کرده و از محضر آیه‌الله بروجردی بهره مند شد تا به فشار اهالی محل مراجعت به مسقط الرأس خود نمود و سپس تا سال ۱۳۹۴ ق در تهران اقامت و به وظائف دینی و تدریس در مدرسه عالی سپهسالار (جز یک دو سال اخیر که به واسطه کسالت از

(۱) گنجینه: ۴۳۸/۶ و به تاریخ بروجرد ۵۹۹/۲ نیز رجوع شود.

خدمات مزبور محروم بود) اشتغال داشتند تا در شب ۱۷ ماه صفرالمظفر سال مذکور در سن ۸۶ سالگی رحلت وبا تشییع مجللی حمل به قم و در مقبره شیخان در جنب قبر جناب زکریا بن آدم مدفون گردیده است.^(۱)

المیرزا هدایة الله بن السید العلامة

المیرزا عباس الموسوی گلپایگانی (مکرر شماره ۱۷ ج اول)

كان والده من تلاميذ الشيخ محسن خنفر ولما توفي ۱۳۰۳ (كما مرّ نقلاً عن السيّد أبي تراب الخوانساري) هاجر بعده صاحب الترجمة إلى العتبات مشغلاً على العلماء سيما الكاظمين الخراساني واليزدي وزاد اختصاصه بالثاني إلى أن رجع في نيف وعشر وصار قائماً مقام والده إلى أن توفي ۱۳۳۸ وولده اليوم من المشتغلين في النجف وضاع عني خبره.^(۲)

یحیی الجرفادقانی

کتابی در تاریخ از او در سال ۱۲۷۲ چاپ شده است.^(۳)

(۱) آثار الحجة: ۲/۲۷۵؛ گنجینه ۳/۵۹۲.

(۲) اعلام الشيعة سده ۱۴ ج ۵ ص ۲۱۴؛ گنجینه ۶/۴۲۳.

(۳) فهرست کتابخانه پاکستان.

ابن ماکولا^(١)

قال في سير اعلام النبلاء ٥٦٩/١٨:

المولى، الامير الكبير، الحافظ، الناقد، النسابة، الحجة، ابونصر، علي^(٢) بن هبة الله بن علي^(٣) بن جعفر بن علي بن محمد ابن الامير دلف ابن الامير الجواد قائد الجيوش ابي دلف القاسم بن عيسى العجلي الجرباذفاني، ثم البغدادي، صاحب كتاب «الإكمال في مشته النسبة»^(٤)،

(١) تاريخ ابن عساكر ١٢/٢٨٠-١/٢٨١، المتظم ٥/٩ و ٧٩، معجم الأدباء ١٥/١٠٢-١١١، الكامل ١٠/١٢٨، وفيات الأعيان ٣/٣٠٥-٣٠٦، المختصر في أخبار البشر ٢/١٩٤، دول الإسلام ١٧/٢، المستفاد من ذيل تاريخ بغداد: ٢٠١-٢٠٣، تنمة المختصر ١/٥٧٣، فوات الوفيات ٣/١١٠-١١٢، مرآة الجنان ٣/١٤٣-١٤٤، البداية والنهاية ١٢/١٢٣-١٢٤ و ١٤٥-١٤٦، طبقات ابن قاضي شهبة في وفيات ٤٧٥، النجوم الزاهرة ٥/١١٥-١١٦، طبقات الحفاظ: ٤٤٤، كشف الظنون: ١٦٣٧، ١٧٥٨، شذرات الذهب ٣/٣٨١-٣٨٢، هدية العارفين ١/٦٩٣، الرسالة المستطرفة ١١٦، مقدمة الإكمال ١/٧-٨ و ٦١، تاريخ بروكلمان ٦/١٧٦-١٧٨ من النسخة العربية.

(٢) سقط اسم «علي» هذا من نسبه عند ابن شاکر في «فوات الوفيات» ٣/١١١٠.

(٣) في «المتظم» و «معجم الأدباء» و «وفيات الأعيان»: ابن علكان، بدل علي.

(٤) واسمه الكامل: «الإكمال في رفع عارض الارتباب عن المؤلف والمؤلف من الاسماء والكنى والانساب» جمع فيه ما في «المؤلف والمؤلف» للدارقطني و «تكملة» للخطيب البغدادي و «المؤلف والمؤلف» و «مشته النسبة» لعبد الغني الأزدي، مع ما شذ عنها، وأسقط ما لا يقع الإشكال فيه مما ذكره، وذكر ما وهم فيه أحدهم على الصحة، وما اختلفوا فيه وكان لكل قول وجه ذكره. انظر مقدمته لهذا الكتاب. وقد طبع بتحقيق العلامة المرحوم عبدالرحمن بن يحيى المعلمي اليماني بدائرة المعارف العثمانية -

وغير ذلك، وهو مصنف كتاب «مستمر الأوهام»^(١)
وعجل: هم بطن من بكر بن وائل ثم من ربيعة أخى مضر أبني نزار بن
معد بن عدنان.

مولده في شعبان سنة اثنتين وعشرين وأربع مئة بقرية عكبرا. هكذا
قال^(٢).

سمع بشرى بن ميس الفاتني، وعبيد الله بن عمر بن شاهين،
ومحمد بن محمد بن غيلان، وأبا منصور محمد بن محمد السواق،
واحمد بن محمد العتيقي، وأبابكر بن بشران، والقاضي أبا الطيب الطبري،
وعبد الصمد بن محمد بن مكرم، وطبقته ببغداد، وأبا القاسم الحناني،
وطبقته بدمشق، وأحمد بن القاسم بن ميمون بن حمزة، وعدة بمصر،
وسمع بخراسان وما وراء النهر والجبال والجزيرة والسواحل، ولقي
الحفاظ والأئمة^(٣).

حدث عنه: أبوبكر الخطيب شيخه، والفقير نصر المقدسي،
والحسن بن أحمد السمرقندي الحفاظ، ومحمد بن عبد الواحد الدقاق،
وشجاع بن فارس الذهلي، وأبو عبد الله الحميدي، ومحمد بن طرخان

← بحيدرآباد الدكن في الهند. وقد عمل ابن نقطة البغدادي المتوفى سنة ٦٢٩ على هذا
الكتاب تكملة بعنوان «تكملة الإكمال» وعلى هذه التكملة «ذيل» لوجيه الدين منصور بن
سليم الهمداني محتسب الإسكندرية المتوفى سنة ٦٧٣ هـ منه نسخة مخطوطة في دار الكتب
المصرية برقم ٦٧٨ - تاريخ.

(١) في «كشف الظنون»: تهذيب مستمر الأوهام» وانظر «تاريخ بروكلمان» ١٧٧/٦ - ١٧٨
النسخة العربية، وفيه ذكر النسخ الخطبة لبعض مؤلفاته.

(٢) في تاريخ ولادة المترجم عدة أقوال ذكرها المعلمي اليماني في «مقدمة الإكمال»: ٢٠/١ -
٢٣، ثم رجع منها سنة ٤٢١.

(٣) انظر مقدمة اليماني للإكمال ٢٥/١ - ٢٧، فقد ذكر كثيراً من شيوخه.

التركي، وأبو علي محمد بن محمد بن المهدي، وأبو القاسم بن السمرقندي، وعلي بن أحمد بن بيان، وعلي بن عبد السلام الكاتب، وآخرون.

قال شيرويه الديلمي في كتاب «الطبقات» له: كان الأمير أبو نصر يُعرفُ بالوزير سعد الملك ابن ماکولا، قدم رسولاً مراراً، سمعتُ منه، وكان حافظاً متقناً، عني بهذا الشأن، ولم يكن في زمانه بعد الخطيب أحد أفضلَ منه. حضر مجلسه الكبار من شيوخنا، وسمعوا منه^(١).

وقال أبو القاسم بن عساكر: وزر أبوه هبة الله لأمير المؤمنين القائم، وولي عمه الحسين قضاء القضاة ببغداد... إلى أن قال: وولد في شعبان سنة إحدى وعشرين. كذا هنا سنة إحدى^(٢).

قال الحميدي: ما راجعتُ الخطيب في شيء إلا وأحالني على الكتاب، وقال: حتى أكتشفه. وما راجعتُ ابن ماکولا في شيء إلا وأجابني حفظاً كأنه يقرأ من كتاب^(٣).

قال أبو الحسن محمد بن مرزوق: لما بلغ الخطيب أن ابن ماکولا أخذ عليه في كتاب «المؤتلف»، وأنه صنف في ذلك تصنيفاً، وحضر ابن ماکولا عنده، وسأله الخطيب عن ذلك، فأنكر، ولم يُقرَّ به، وأصرَّ، وقال: هذا لم يخطر ببالي. وقيل: إن التصنيف كان في كفه، فلما مات الخطيبُ أظهره. وهو الكتاب الملقب بـ «مستمر الأوهام»^(٤).

(١) «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٣/٤.

(٢) «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٣/٤.

(٣) «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٤-١٢٠٤/٤، و«معجم الأدباء» ١٥/١٠، و«المستفاد من ذيل

تاريخ بغداد»: ٢٠٢.

(٤) «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٤/٤، و«معجم الأدباء» ١٥/١١٠-١١١.

قال محمد بن طاهر المقدسي: سمعتُ أبا إسحاق الحبالَ يمدحُ أبانصر بن ماکولا، ويثني عليه، ويقولُ: دخل مصرَ في زيِّ الكتّبة، فلم نرفع به رأساً، فلما عرفناه كان من العلماء بهذا الشأن^(١).

قال أبوسعده السمعاني: كان ابنُ ماکولا ليبيّاً، عالماً، عارفاً، حافظاً، يُرشحُ للحفظ حتى كان يقال له: الخطيبُ الثاني. وكان نحوياً مُجوداً، وشاعراً مبرزاً، جَزَلَ الشعر، فصيحَ العبارة، صحيحَ النقل، ما كان في البغداديين في زمانه مثله، طاف الدنيا، وأقام ببغداد^(٢).

وقال ابنُ النجار: أحبُّ العلمَ من الصِّبَا، وطلبَ الحديث، وكان يُحضر المشايخ الى منزلهم^(٣)، ويسمع، ورحل وبرع في الحديث، وأتقنَ الادب، وله النظمُ والنثرُ والمصنفات. نفّذه المقتدي بالله رسولاً الى سمرقند وبُخارى لأخذ البيعة له على ملكها طمغان الخان^(٤).

قال هبةُ الله بنُ المبارك بن الدواتي: اجتمعتُ بالامير ابن ماکولا، فقال لي: خذ جزئين من الحديث، فاجعل مُتَوْنَ هذا لاسانيد هذا، ومُتَوْنَ الثاني لاسانيد الاول، حتى أُرُدّها الى الحالة الاولى^(٥).

قال أبو طاهر السلفي: سألتُ أبا الغنائم النرسي عن الخطيب، فقال: جَبَلٌ لا يُسأل عن مثله، ما رأينا مثله، وما سألتُه عن شيء فأجاب في الحال، إلا يَرْجِعُ الى كتابه^(٦).

(١) «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٤/٤، و«معجم الأدباء» ١٥/١٠٣-١٠٤.

(٢) «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٤/٤.

(٣) أي: الى منزل أهله.

(٤) انظر «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٤/٤.

(٥) «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٤/٤-١٢٠٥.

(٦) «تذكرة الحفاظ» ١٢٠٥/٤.

قد مرَّ أن الأمير كان يُجيب في الحال، وهذا يدلُّ على قوة حفظه،
وأما الخطيب ففعله دالٌّ على ورعه وتثبُّته.

أخبرنا الحسن بن علي، أخبرنا جعفرُ الهَمْداني، أخبرنا أبو طاهر
السلفي: سألتُ شجاعاً الذهلي عن ابن ماکولا، فقال: كان حافظاً، فهماً،
ثقة، صنَّف كتباً في علم الحديث^(١).

قال المؤتمن الساجي الحافظ: لم يلزم ابنُ ماکولا طريقَ أهل العلم،
فلم ينتفع بنفسه^(٢).

قلت: يُشير الى أنه كان بهيئة الأمراء وبرفاهيتهم.
قال الحافظ ابنُ عساكر: سمعتُ أسماعيل بنَ السمرقندي يذكر أنَّ ابنَ
ماکولا كان له غلمانٌ تُركُّ أحداث، فقتلوه بجرُّجان في سنة نيفٍ وسبعين
وأربع مئة^(٣).

وقال الحافظ ابنُ ناصر: قُتلَ الحافظُ ابنُ ماکولا، وكان قد سافر نحو
كرمان ومعه مماليكهُ الأتراك، فقتلوه، وأخذوا ماله، في سنة خمسٍ
وسبعين وأربع مئة. هكذا نقل ابنُ النجار هذا^(٤).

وقال الحافظ أبو سعد السمعاني: سمعتُ ابنَ ناصر يقول: قُتلَ ابنُ
ماکولا بالاهواز إما في سنة ست أو سنة سبع وثمانين وأربع مئة^(٥).

وقال السمعاني: خرج من بغداد الى خوزستان، وقُتلَ هناك بعد
الثمانين^(٦).

وقال أبو الفرج الحافظ في «المنتظم»: قُتلَ سنة خمسٍ وسبعين،

(١) «تذكرة الحفاظ» ٤/١٢٠٥، و«المستفاد من ذيل تاريخ بغداد»: ٢٠٢.

(٢) «تذكرة الحفاظ» ٤/١٢٠٥، و«المستفاد»: ٢٠٢-٢٠٣.

(٣) «تذكرة الحفاظ» ٤/١٢٠٥.

(٤) «تذكرة الحفاظ» ٤/١٢٠٥، و«المستفاد من ذيل تاريخ بغداد»: ٢٠٣.

(٥) انظر «معجم الأدباء» ٥/١٠٤، و«تذكرة الحفاظ» ٤/١٢٠٥.

(٦) «تذكرة الحفاظ» ٤/١٢٠٥.

وقيل : سنة ست وثمانين^(١).

وقال غيره : قُتل في سنة تسع وسبعين ، وقيل : سنة سبع وثمانين بخوزستان . حكى هذين القولين القاضي شمس الدين بن خلكان . قال : قتله غلمانهُ ، وأخذوا ماله ، وهربوا^(٢) . رحمه الله .

ومن نظمه^(٣) :

قَوَّضَ خِيَامَكَ عَنْ دَارِ أَهْنَتْ بِهَا وَجَانِبَ الدُّلِّ إِنَّ الدُّلَّ مُجْتَنَّبٌ^(٤)
وَارْحَلُ إِذَا كَانَتْ الْاوطَانُ مَضِيعَةً^(٥) فَالْمَنْدَلُ^(٦) الرُّطْبُ فِي اوطَانِهِ حَطَبٌ^(٧)
وله^(٨) :

ولما تَوَاقَفْنَا^(٩) تَبَاكَتْ قُلُوبُنَا فَمُمَسِكُ دَمْعِ يَوْمٍ^(١٠) ذَاكَ كَسَاكِبُهُ
فِيَا كِبْدِي^(١١) الْحَرَّى الْبَسِي ثَوْبَ حَسْرَةٍ فِرَاقُ الَّذِي تَهْوِيَنَّهُ قَدْ كَسَاكَ بِهِ^(١٢)

(١) ولذا أورده في وفيات هاتين السنتين ، انظر «المنتظم» ٥/٩ و ٧٩ ، وتابعه علي ذلك ابن كثير في «البداية» ١٢/١٤٣ و ١٤٥ .

(٢) انظر «وفيات الأعيان» ٣/٣٠٦ .

(٣) البيتان في «معجم الأدباء» ١٥/١٠٦ ، و«وفيات الأعيان» ٣/٣٠٦ ، و«تذكرة الحفاظ» ٤/١٢٠٦ ، و«البداية والنهاية» ١٢/١٢٤ .

(٤) في «وفيات الأعيان» و«البداية» : يجتنب .

(٥) في «معجم الادباء» : منقصة : وفي «وفيات الاعيان» و«البداية» : وارحل إذا كان في الاوطان منقصة .

(٦) المندل ، كمقعد : العود الرطب يتبخَّر به أو أجوده .

(٧) في «معجم الأدباء» : الحطب .

(٨) البيتان في «معجم الأدباء» ١٥/١٠٤ ، و«تذكرة الحفاظ» ٤/١٢٠٦ ، و«وفيات الوفيات» ٣/١١١ ، و«النجوم الزاهرة» ٥/١١٦ .

(٩) في «معجم الأدباء» و«وفيات الوفيات» : تفرقنا ، وقد تحرفت في «تذكرة الحفاظ» الى : توافقنا ، وفي «النجوم الزاهرة» الى : توافينا .

(١٠) عند ياقوت : «عند» بدل «يوم» .

(١١) في «وفيات الوفيات» و«معجم الأدباء» : فيا نفسي .

(١٢) سير اعلام النبلاء ج ١٨ / ٥٦٩ .

ابن ماکولا

در دائرة المعارف تشیع آمده است :

«ابن ماکولا لقب خاندانی شیعه است که در ایام استیلای آل بویه بر بغداد در دولت آنان دارای مناصب سیاسی و دینی بودند . این خاندان اصلاً از مردم گلپایگان بودند و نسب آنان به ابودلف عجلی می رسد . بعضی از رجال این خاندان عبارتند از :

۱- ابو سعد (یاسعید) عبدالواحد . وی در ۳۹۴ در جنگ میان لشکرستان و ابوالعباس بن واصل همراه سردار دیلمی بود، اما در اُبُلّه از پیش ابوالعباس ناچار از هزیمت شد . در سالهای ۴۰۳ - ۴۱۰ وزیر جلال الدولة دیلمی بود . در ۴۱۲ جلال الدولة بار دیگر وی را به وزارت خویش برداشت . در ۴۱۶ که جلال الدولة امیر الامرای بغداد گردید وی را معزول و محبوس کرد . ابو سعد در ۴۱۷ در زندان امیر بویه در گذشت .

۲- ابو علی حسن بن علی بن جعفر بن ماکولا (م ۴۲۱) . در ۴۱۶ پس از برکناری پسر عمش ابو سعد به وزارت جلال الدولة رسید . در ۴۱۹ سپاهیان ترك بغداد سر به شورش برداشته خانه او را غارت کردند . در همین سال جلال الدولة وی را از وزارت برداشت ، اما در ۴۲۰ بار دیگر وی را به وزارت خود برگزید . در ۴۲۱ او را به تسخیر بطایح و بصره فرستاد . وزیر در جنگ با ابو منصور بختیار بن علی ، نایب ابو کالیجار دیلمی مغلوب و اسیر گردید . اما ابو کالیجار وی را آزاد کرد . ابن ماکولا در بازگشت از اسارت به دست یکی از غلامانش کشته شد . ابو علی وزیری ستمکار بود؛ در ایام

وزارت خویش رسوم ظالمانه بنیاد کرد، سستهای زشت گذاشت و مالیاتهای وضع کرد که مایه شورش مردم و سپاه گردید.

۳- ابوالقاسم هبة الله بن علی بن جعفر (۳۶۵ - ۴۴۳). در ۴۲۳ وزارت جلال الدوله یافت، اما اندکی بعد از مقام خویش برکنار گردید. در ۴۲۴ باری دیگر به وزارت جلال الدوله منصوب گشت. در رمضان همان سال لشکریان بغداد به گمان اینکه وزیر قصد دست اندازی به اموال ایشان را دارد سر به شورش برداشتند. جلال الدوله به محله شیعه نشین کرخ گریخت و وزیر گرفتار شد. لشکریان خانه او را غارت کرده خودش را در مسجدی محبوس کردند. در ۴۲۵ امیر بویه ابوالقاسم را از وزارت برداشت و او به عکبر رفت. اما دیری نگذشت که باز وزارت خویش به او داد. این بار وزارت ابوالقاسم چند روزی نباید و مجدداً از مقام خویش برکنار گشت. در ۴۲۶ جلال الدوله برای چهارمین بار ابوالقاسم را به وزارت برداشت. پس از چندی که لشکریان بغداد سر به شورش برداشتند، جلال الدوله زیر فشار سپاه وی را از وزارت برداشت. وزارت ابوالقاسم این بار دو ماه و هشت روز طول کشید. وی را پس از یک یا دو سال به قراوش بن مقلد عقیلی سپردند و قراوش او را در هیت زندانی کرد. وی پس از دو سال و پنج ماه توقف در زندان هیت سرانجام در همانجا درگذشت.

۴- ابو عبدالله حسین بن علی (۳۶۸ - ۴۴۷)، برادر ابوالقاسم هبة الله وزیر در ۴۲۰ قاضی القضاات بغداد گردید و تا پایان حیاتش در این سمت باقی بود.

۵- ابو علی سعد الملک پسر ابوالقاسم هبة الله. در ۴۲۱ در عکبرا به دنیا آمد. در ۴۴۷ پس از مرگ عمش ابو عبدالله الحسین قاضی القضاات

بغداد گردید. وی از فضلا ومحدثین معروف بود، سفرهای بسیار کرد و از مشایخ شام و عراق و خراسان و غیره استماع حدیث نمود. کتاب معروف او الاکمال فی المؤلف والمختلف است که در آن به تتبع در اسامی رجالی پرداخته که نامهای مشابه دارند. این کتاب در رفع التباس اسامی رجال اثر سودمندی بود. سعد الملک در شاعری نیز دست داشت. در باره سال ومحل درگذشت او اختلاف است. به گفته ابن اثیر وی را در ۴۷۵ غلامانش در کرمان کشتند و اموالش را غارت کردند. اما سال مرگ او را ۴۷۶، ۴۸۵، ۴۸۶ و ۴۸۷ در گرگان، اهواز و خراسان نیز ذکر کرده اند.

منابع: ریحانة الادب، ۸/ ۱۸۵؛ الکامل فی التاریخ، ۸/ ۹ - ۱۰؛ نسب نامه خلفا و شهریاران، ترجمه، ۲۲، ۳۰۱؛ وفيات الاعیان، ۴۶۷/۲

آل ماکولا

در دائرة المعارف بزرگ اسلامی آمده است:

«آل ماکولا از خاندانهای مشهور شافعی مذهب بغداد (سده ۵ ق / ۱۱ م) که وزیران وقاضیان و دانشمندانی از آن برخاسته اند. این خاندان اصلاً از اعراب بنی عجل بودند که به ایران آمدند. ادریس بن معقل و عیسی، نیای آل ماکولا، از کارگزاران بنی امیه در اطراف اصفهان بودند که به سبب خودداری از ارسال خراج به زندان افتادند، ولی از آنجا گریختند (ابن خلکان، ۱۴۶/۳) و عیسی به راهزنی در همان نواحی پرداخت. وی سپس دست از آن کار کشید و با همه افراد خانواده اش به محلی که بعداً کرج نامیده شد، کوچ کرد. پسر وی ابودلف، کرج را که پدرش بنیاد گذارده بود آباد ساخت و به حکومت نشست (سمعانی، ۶۶/۱۱). چون برخی از نیاکان این خاندان، احتمالاً ابودلف و فرزندانش، در جرفادقان (گلپایگان) متولد شده اند، بسیاری از مورخان آنان را جرفادقانی (ذهبی، تذکره، ۱۲۰۱/۴؛ یاقوت، ۱۰۲/۱۵؛ ابن خلکان، ۳۰۵/۳)، و بعضی به استناد همین نسبت، آنان را ایرانی دانسته اند (ایرانیکا، I/761). اینکه چرا این خاندان نام «ماکولا» گرفته است، معلوم نیست. مورخان در این باره سخنی به میان نیاورده اند و ابن خلکان آشکارا از این نسبت اظهار بی اطلاعی کرده است. اما این نکته بسی قابل توجه است که هم اکنون روستایی به نام ماکوله در گلپایگان هست که شاید خاندان مورد بحث به آنجا منسوب شده باشد، خاصه آنکه انتساب آنان به جرفادقان یا گلپایگان از سوی مورخان، می تواند مؤید این معنی باشد.

افراد مشهور آل ماکولا از این قرارند:

۱- ابو سعد (ابوسعید) عبدالواحد بن احمد بن جعفر بن ماکولا (د ۴۱۷ ق/۱۰۲۶ م). وی وزیر جلال الدولة دیلمی و نخستین کس بود که القاب بسیار چون شرف الملک، علم الدین، سعد الدولة و امین المله یافت (ابن جوزی، ۲۱/۸). نخستین بار در وقایع سال ۳۹۴ ق/۱۰۰۴ م از عبدالواحد بن ماکولا یاد شده است. وی در این سال لشکرستان را در ابله در پیکار با سپاه ابوالعباس بن واصل سردار شورشی مذهب الدولة همراهی کرد (ابن اثیر، ۹/۱۸۰)، ولی دانسته نیست وی در آن وقت چه مقامی داشته است، اما چون در ۴۰۱ ق/۱۰۱۰ م به عزل وی از وزارت به دستور جلال الدولة دیلمی اشاره شده (همو، ۳۱۲/۹) پیداست که وی در این سال وزیر امیر دیلمی بوده است. اما به نظر می رسد که چندی بعد بار دیگر وزارت یافته باشد، چه وقتی مشرف الدولة دیلمی درگذشت (۴۱۶ ق/۱۰۲۵ م)، جلال الدولة با وزیر خود ابوسعید بن ماکولا رو به بغداد نهاد (ابن خلدون، ۳/۴۴۵) و چون شکست خورد و به بصره بازگشت، ابن ماکولا را دربند کرد (۴۱۷ ق/۱۰۲۶ م) و پسر عموی وی ابوعلی حسن را وزارت داد (ابن اثیر، ۹/۳۴۹؛ قس: ابن تغری بردی، ۲۶۴/۴). ابوسعید در زندان درگذشت. از او اشعاری هم نقل شده است (ابن اثیر، ۳۱۲/۹).

۲- یمین الدولة ابوعلی حسن بن علی بن جعفر بن ماکولا مقد ۴۲۳ ق/۱۰۳۲ م؟). وی در ۴۱۷ ق/۱۰۲۶ م از سوی جلال الدولة دیلمی به جای پسر عمویش ابوسعید وزارت یافت، ولی ۲ سال بعد شاید به واسطه شورش ترکان بغداد بر جلال الدولة و مطالبه مواجب از ابن ماکولا (ابن خلدون، ۳/۴۴۶) و غارت خانه او، از آن مسند عزل شد (ابن اثیر،

۹/۳۷۰)، ولی خانه نشینی او چندان طول نکشید، زیرا در ۴۲۱ق/۱۰۳۰م از او به عنوان وزیر جلال الدوله یاد شده است. در این سال وی از سوی امیر دیلمی به بطایح رفت و پس از تصرف آن دیار با ناوگانی روانه تسخیر بصره شد، اما در اثر اشتباهی شکست خورد و به اسارت ابومنصور بختیار درآمد. بختیار پس از رعایت احترام بسیار، ابن ماکولا را به درخواست خووی به نزد ابو کالیجار امیر فارس و برادر زاده جلال الدوله فرستاد (ابن خلدون، ۳/۴۴۷) و او اندکی بعد آزاد شد، ولی پس از چندی غلام وی به نام عدنان از بیم کیفر گناهی که از او سرزده بود، مخدوم خویش را در اهواز کشت (ابن تغری بردی، ۴/۲۷۴). در تاریخ قتل وی اختلاف است. ابن اثیر (۹/۴۰۶، ۴۰۷) قتل او را در وقایع سال ۴۲۱ق/۱۰۳۰م یاد کرده و بر آن است که ابن ماکولا یک ماه پس از آزادی کشته شد، اما ابن تغری بردی (۴/۲۷۴) قتل او را در ۴۲۲ق/۱۰۳۱م و ابن جوزی (۸/۶۱) در ذیحجه ۴۲۳ق/ نوامبر ۱۰۳۲م دانسته است. ابن جوزی گفته است که ابوعلی ۵۶ سال عمر کرد، پس می بایست در ۳۶۷ق/۹۷۷م متولد شده باشد. ابن کثیر (۱۲/۶۷) او را با ابو عبد الله حسین قاضی القضاة بغداد اشتباه کرده است. نیز گفته اند که ابن ماکولا در روزگار وزارت خویش رسوم جابرانه و مالیاتهای بی سابقه وضع کرد (ابن اثیر، ۹/۴۰۷).

۳- ابوالقاسم هبة الله بن علی بن جعفر بن ماکولا (۳۶۵- ۴۰۳ق/۹۷۵-۱۰۳۸م) نخستین بار در وقایع ۴۲۳ق/۱۰۳۲م از او یاد شده است. در این سال جلال الدوله پس از آنکه در بغداد به حکومت نشست، ابوالقاسم بن ماکولا را به وزارت برگزید، ولی چندی بعد او را عزل کرد و عمیدالدوله ابوسعید بن عبد الرحیم را وزارت داد (ابن اثیر،

۴۲۳/۹). ابن ماکولا چند بار وزارت یافت و سپس عزل شد (ابن خلدون، ۴۴۸/۳؛ ابن اثیر، ۴۳۷/۹). در ۴۲۶ ق/۱۰۳۵ م پس از آنکه آخرین بار بر مسند وزارت نشست، نظامیان بغداد به مطالبه حقوق معوقه خود برخاستند و بر وی شوریدند. جلال الدوله به ناچار او را پس از ۲ ماه و ۸ روز از وزارت برکنار کرد. به گفته ابن اثیر (۴۶۶/۹) جلال الدوله چندی بعد، ظاهراً به سبب صلح با ابو کاليجار و اتحاد با امیران عقیلی و مزیدی (ابن کثیر، ۴۰/۱۲)، ابن ماکولا را به قرواش بن مقلدامیر عقیلی موصل تسلیم کرد. او ۲ سال و ۵ ماه پایان عمر را در زندان قرواش در هیت ماند و همان جا درگذشت و به قولی خفه اش کردند (ابن جوزی، ۱۰۳/۸). همچنین گفته اند که به مأموریتی نزد حاکم عقیلی روانه شد و او ابن ماکولا را به زندان افکند (ایرانیکا، همانجا). نیز گفته اند که ابوالقاسم بن ماکولا یک چند وزارت القائم بامر الله خلیفه عباسی را داشت (ابن خلکان، ۳۰۵/۳؛ ابن عماد، ۳۸۱/۳)، اما این معنی بعید می نماید، زیرا پس از چیرگی آل بویه بر بغداد، منصف وزارت خلیفه از بین رفت و امرای آل بویه خود وزیر می داشتند.

۴- ابو عبدالله حسین بن علی بن جعفر بن ماکولا (۳۶۸- ۴۴۷ ق/۹۷۸-۱۰۵۵ م). از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. قبل از ۴۱۷ ق/۱۰۲۶ م در ایام وزارت پسر عمو و برادرش، از سوی ابوالحسن بن ابی الشوارب قاضی القضاة بغداد، منصب قضای بصره یافت (ابن جوزی، ۱۶۷/۸) و تا ۳ سال پس از مرگ ابوالحسن بر آن مسند ماند. سپس از سوی خلیفه القادر بالله به قاضی القضاتی بغداد رسید (۳۲۰ ق/۹۳۲ م) و تا پایان عمر، در روزگار القائم بالله، همان مقام را بر عهده داشت (بغدادی، ۸۰/۸). تمام کسانی که گوشه ای از زندگی ابو عبدالله بن ماکولا

را نقل کرده اند، وی را قاضی پاکدامن و دیندار (ذهبی، العبر، ۲۹۰/؛ بغدادی، ۸۰/۸) و ادیب و شاعر (ابن جوزی، ۱۶۷/۸؛ ابن تغری بردی، ۵۸/۸) دانسته اند. ابن عماد (۲۷۵/۳) و به پیروی از او، کحاله (۲۸/۴) ابو عبدالله را با ابونصر علی برادر زاده وی اشتباه کرده و کتاب الاکمال را به ابو عبدالله نسبت داده اند.

۵- امیر سعد الملك ابونصر علی بن هبة الله بن علی بن جعفر بن ماکولا (۴۲۱- ۴۷۵/۴؟- ۱۰۳۰- ۱۰۸۲ م؟)، نَسَّابه، محدث، رجال شناس، ادیب و شاعر مشهور. وی پسر ابوالقاسم هبة الله وزیر جلال الدوله و برادر زاده ابو عبدالله حسین قاضی القضاة بغداد بود و در عکبرا زاده شد (ابن خلکان، ۳۰۶/۳) و از دانشمندانی چون ابن بشران و عبیدالله بن عمر بن شاهین و ابوطیب طبری و احمد بن محمد عقیقی و دیگران سماع حدیث کرد. سپس در طلب دانش به بغداد و دمشق و مصر و جزیره و خراسان و جبال سفر کرد و در همه این جایها از محضر حافظان و محدثان بهره برگرفت (ذهبی، تذکره، ۱۲۰۱/۴، ۱۲۰۲؛ ابن جوزی، ۵/۹) و از جمله حافظان حدیث و نسب شناسان نامور شد. مورخان از حافظه شگفت ابن ماکولا در حدیث و انساب یاد کرده و او را خطیب دوم (یا قوت، ۱۵/۱۰۲- ۱۰۳) و حتی برتر از خطیب (ابن تغری بردی، ۵/۱۱۵) شمرده اند. محدثانی چون ابوبکر خطیب و نصر مقدسی و ابو محمد حسن بن احمد سمرقندی و محمد بن عبدالواحد بن دقاق از او روایت حدیث کرده اند (ذهبی، تذکره، ۱۲۰۲/۴). وی پاره ای از روزگار خود را در مأموریت های اداری گذراند. چنانکه گفته اند از سوی خلیفه مقتدی به بخارا رفت تا از طمغان خان بیعت ستاند (همو، ۱۲۰۴/۴). نیز گفته اند از جمله کسانی بود که نسب نامه ای برای آل بویه

(ابن اثیر، ۸/۲۶۵) بر ساخت و نسب آنها را به بهرام گور رساند. با این همه به نظر می‌رسد که در واپسین روزگار آل بویه، وی به دربار خلیفه که در پی بیرون آمدن از زیر نفوذ آل بویه بود، گرایش یافت. او همچنین با ابراهیم بن اسحاق حبّال (ذهبی، تذکره، ۳/۳۸۲) که سراج قاری بیش تر داستانهای خود را از او الهام گرفته (GAL, S, 1/594)، دوستی داشت. ابونصر علی بن ماکولا سرانجام به دست غلامان ترك خویش کشته شد و اموالش به یغما رفت. در تاریخ و محل قتل او اختلاف بسیار است. برخی قتل وی را در ۴۷۵ ق/۱۰۸۲ م در کرمان (ابن جوزی، ۹/۵؛ ابن کثیر، ۱۲/۱۲۳) و پاره‌ای پس از ۴۷۰ ق/۱۰۷۷ م در گرگان (ذهبی، تذکره، ۴/۱۲۰۵؛ ابن خلکان، ۳/۳۰۶) دانسته‌اند و بعضی در خراسان (ابن عماد، ۳/۳۸۲) یا خوزستان (یاقوت، ۱۵/۱۰۴) در ۴۸۷ ق/۱۰۹۴ م (یافعی، ۳/۱۴۳؛ ذهبی العبر، ۳/۳۱۸) گفته‌اند. ابن اثیر تاریخ قتل ابونصر را در یک جا ۴۷۵ ق/۱۰۸۲ م (۱۰/۱۲۸) و در جای دیگر (۱۰/۲۲۷) ۴۸۶ ق/۱۰۹۳ م ذکر کرده است. . در باب اینکه وی چگونه لقب «امیر» سعد الملک یافته است، آگاهی در دست نیست و به قول ابن خلکان تردید است که آیا خود وی امارتی داشته، یا چون از فرزندان امیر ابودلف عجلی بوده به امیر نامبردار شده است (۳/۳۰۶). از ابونصر آثاری در رجال و تاریخ یاد کرده‌اند:

۱- الاکمال فی المختلف والمؤتلف من اسماء الرجال (پایان تألیف:

۴۶۷ ق/۱۰۲۶ م) که در حقیقت تکمیل شده کتاب المختلف والمؤتلف دارقطنی و مشتبه النسبة حافظ عبدالغنی از دی والمؤتلف تکملة المؤلف والمختلف خطیب بغدادی است (ابن جوزی، همانجا؛ ابن خلکان، ۳/۳۰۵). نسخه‌های خطی متعددی از این کتاب در مصر و برلین و بریتانیا

هست (GAL, S, 1/602)؛ زیدان، ۷۳/۳) این کتاب در ۱۳۸۱ ق ۱۹۶۱ م به تصحیح و مقدمه مُمَتَّع شیخ عبدالرحمن بن یحیی یمانی در دکن به چاپ رسیده است. این کتاب مورد استفاده نووی یکی از بزرگ ترین مراجع شافعی، در تألیف کتاب تذکره بوده است (GAL, S, 1/680). نام کامل این کتاب را الاکمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف والمختلف فی الاسماء والکنی والالقب گفته اند (زیدان، ۷۲/۳).

۲- تهذیب مستمر الاوهام علی ذوی التمنی والاحلام (تألیف شده در ۴۷۲ ق/۱۰۷۹ م) در باب اشتباهات و افتادگیهای کتاب المؤلف خطیب بغدادی که ابن ماکولا آن را پس از مرگ خطیب منتشر ساخت (ذهبی، تذکره، ۱۲۰۴/۴). شیخ عبدالرحمن یمانی، مصحح الاکمال، به نسخه ای ناقص از آن در مؤسسه نسخه های خطی دکن، به شماره ۱۹۰ برخورد کرده است (الاکمال، مقدمه، ۳۷)؛

۳- دو کتاب مفاخرة القلم والسیف والدینار (حاجی خلیفه، ۱۷۵۸/ ۲) والوزراء (کتبی، ۱۱۱/۳) که اکنون برجای نیست.

یاقوت از ابن ماکولا دو کتاب رجال به نامهای المختلف والمؤتلف (۱۰۳/۱۵) والاکمال فی المؤلف والمختلف (۱۱۱/۱۵) یاد کرده است. ولی به نظر می رسد که این هر دو یک کتاب باشد. نام این کتاب را تهذیب مستمر الاوهام علی ذوی المعرفة واولی الافهام هم گفته اند (فؤاد سید، ۱۰۱/۲). اشعاری نیز از ابن ماکولا نقل شده است (یاقوت، ۱۵/۱۰۴، ۱۰۵).

مآخذ: ابن اثیر، عزالدین، الکامل، بیروت، ۱۴۰۲ ق؛ ابن تغری بردی، یوسف، النجوم الزاهرة، مصر، وزارة الثقافة والارشاد القومي؛ ابن

جوزی، عبدالرحمن، المنتظم، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۷ق؛ ابن خلدون،
 العبر، بیروت، ۱۹۵۷م؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان، به کوشش احسان
 عباس، بیروت، دارصادر، ابن عماد، عبدالحی، شذرات الذهب، قاهره،
 ۱۳۵۰ق؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، مصر، ۱۹۳۲م؛
 حاجی خلیفه، کشف الظنون، استانبول، ۱۳۶۰ق؛ خطیب بغدادی، احمد
 بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربیة؛ ذهبی، شمس الدین
 محمد، تذکرة الحفاظ، مکه، ۱۳۷۴ق؛ همو، العبر، بیروت، ۱۴۰۵ق،
 ۳/۳۱۷، زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربیة، به کوشش شوقی
 ضیف، قاهره، ۱۹۵۷م؛ سمعان، عبدالکریم، الانساب، حیدرآباد دکن،
 ۱۳۸۳ق، ۹/۲۴۰؛ فؤاد سید، فهرس المخطوطات المصورة، قاهره،
 ۱۹۵۷م؛ کتبی، محمد بن شاکر، فوات الوفيات، به کوشش احسان عباس،
 بیروت، ۱۹۷۳م؛ کحالة، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، ۱۹۵۷م؛
 یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، بیروت، ۱۳۹۰ق؛ یاقوت، معجم
 الادباء، بیروت، ۱۴۰۰ق؛ یمان، شیخ عبدالرحمن، مقدمه بر الاکمال
 ابن ماکولا، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۱ق، ص ۳۸.

ابن ماکولا

در دانشنامه ایران و اسلام آمده :

« ابن ماکولا نام خاندانی از فقیهان و محدثان بغدادی قرن پنجم .

۱ - نخستین آنان حسن بن علی بن جعفر وزیر جلال الدوله دیلمی (۳۵ - ۴۱۶/۴۴ - ۱۰۳۵) است و القاب سعدالدوله و یمین الدوله داشت . ولی از این القاب برای تأمین قدرت او و خواجه اش کاری برنیامد . قدرت هر دو با تاخت و تازهای بدویان عرب و کرد که در بیرون دروازه های بغداد اردو زده بودند؛ و با شورش مستحفظان ترك خلیفه ، و با دسایس دایمی قادر خلیفه (۴۲۲ - ۱۰۳۱/۱۰۳۱ - ۹۹۱) که به سود اهل تسنن انجام می گرفت و گروهی از فقیهان و ادیبان متمایل به سنت (از آن جمله ماوردی معروف) آن را تقویت و تأیید می کردند ، از میان رفت . حسن قهرمان تیره بخت یک لشکرکشی به بصره بود که توانست آنرا از تصرف ابو کاليجار امیر فارس و برادرزاده جلال الدوله خارج کند و در همین حادثه کشته شد (۴۲۱/۱۰۳۰) . در این زمان آل بویه چندان مورد بی توجهی بودند که به گفته ابن جوزی ([منتظم] ، هشتم ، ۶۰) مردم نمی دانستند که جلال الدوله هنوز وزیری در خدمت خود دارد . ممکن است به همین جهت باشد که بعضی از مورخان [— مآخذ] حسن را با برادرش هبة الله که ظاهراً به جای او به وزارت رسید اشتباه کرده اند .

۲ - دوران خدمت ابوالقاسم هبة الله چندان بهتر از برادرش نبود . با آنکه تاریخ وزارت او ، به علت تناقضی که میان گفته های ابن اثیر و ابن

جوزی موجود است، قطعی نیست، حداقل حوادث اصلی آن معلوم است. در ۹۷۶/۳۶۵ متولد شد و در ۱۰۳۲/۴۲۳ به وزارت منصوب گشت، ولی سال بعد از کار افتاد و رقیب شیعی او، ابوسعید بن محمد حسین بن عبدالرحیم جای او را گرفت. اندکی بعد به منصب خود بازگشت و ظاهراً تا ۱۰۳۵/۴۲۶ متناوباً وزیر بود. ولی ابن اثیر وزارت ۴۲۴ را پنجمین نوبت وزارت او ذکر کرده و در ضمن بیان حادثه شورش سپاهیان ترك گفته است که در ۱۰۳۱/۴۲۳ وزارت با شخصی به نام ابواسحاق سهلی بوده است. کار هبة الله در ۱۰۳۸/۴۳۰ پس از دو سال اسارت در هیت به دست قرواش بن مقلد عقیلی، متحد وفادار جلال الدوله [عبر] ابن خلدون، سوم، ۴۵۰) که به فرمان او زندانبان هبة الله شده بود و خاندانش همیشه تمایلات شیعی داشت به پایان رسید (ابن خلدون، همان اثر، ۱۶۱).

سیاست خانوادگی بنوما کولا ظاهراً آن بوده است که نوبه به نوبه به هر دو فرقه مخالف شیعه و سنی ابراز وفاداری کنند، اگر چه تمایل ایشان نسبت به پیروان تسنن مرتباً بیشتر می شد. آغاز این سیاست با غفلت از «سنت» در باره مسائل اساسی حیات اقتصادی (وضع مالیاتهای غیر مشروع و اتخاذ تدابیر مخالف با حرمت قرآنی ربا) همراه بود و این کار به سود یهودیانی بود که در محله کرخ می زیستند و با پیشه وران شیعی روابط بسیار دوستانه داشتند ([کامل] ابن اثیر، نهم، ۲۸۵).

با وجود این، آخرین بار که هبة الله مغضوب شد نتیجه قدرت یافتن ناگهانی جلال الدوله بود که، پس از آن، به ملاحظه مصالح سلسله ای با ابو کاليجار صلح کرد و مصمم شد که با امیران بدوی عقیلی و مزیدی متحد شود و دیگر به گستاخی و پرازدایی گروه پیرو تسنن روی خوش نشان ندهد

([بدایه] ابن کثیر، حوادث سال ۴۲۸). این را نیز باید گفت که هبة الله پسر خود علی را با مراعات بهترین آداب اهل تسنن تربیت کرد و این علی بزودی در علم حدیث شهرت فراوان یافت ([کامل] ابن اثیر، نهم، ۲۸۱).

مراجع: در باره وزارت بنی ماکولا — [منتظم] ابن جوزی، هشتم، ۲۱، ۶۲ (حسن را ذکر می کند اما از هبة الله نام نمی برد) که کحاله در [معجم]، چهارم، ۲۸ تا حدی از او پیروی کرده است؛ ابن اثیر، نهم، ۲۸۷، ۴-۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۰۷؛ [عبر] ابن خلدون، سوم، ۴۴۶، ۴۴۷ اصولاً مبتنی بر این اثیر است؛ [بدایه] ابن کثیر، به کوشش سعاده، دوازهم، ۴۰، فقط تغییر سیاست جلال الدوله را در ۱۰۳۷/۴۲۸ ذکر می کند.

۳- علی پسر هبة الله یکی از مشهورترین علمای حدیث و علم الرجال بود. در ۱۰۳۲/۴۲۲ در عکبرا متولد شد و محدثان معروفی مانند ابن بشران (بروکلمان، ذیل یکم، ۲۸۱؛ [منتظم] ابن جوزی هشتم، ۱۸) و منبع خبر خرائط حنبلی (بروکلمان، ذیل، یکم، ۲۵۰) و ابوالطیب طبری ([شذرات] ابن عماد، دوم ۲۸۳) و نیز یکی از معلمان عارف شافعی معروف قشیری معلم او بودند. ابن ماکولا با ابراهیم بن اسحاق حبال ([تذکره] ذهبی، سوم، ۳۸۲) که سراج قاریء (بروکلمان، ذیل یکم، ۵۹۴) قسمت مهمی از مجموعه داستانهای عشقی صوفیانه و دنیایی خود را از او گرفته بود روابط بسیار دوستانه داشت. همچنین با استاد بزرگ حدیث حنبلی، محمد بن ناصر، و با عتیقی مرجع خبر خطیب بغدادی، و نیز با خود خطیب بغدادی که سهم بزرگی در علم حدیث قرن پنجم داشت مربوط بود. بسیار محتمل است که این ابن ماکولا با محافل نیمه حنبلی و نیمه شافعی که بسیار به حدیث

علاقه مند بودند و در اطراف ابن مُسَلَّمَه * وزیر وقائم * خلیفه اجتماع می کردند مربوط بوده باشد. همه اینها هواخواه آن بودند که خلیفه بار دیگر به اقتدار خود برسد. و در عین حال می کوشیدند تا دست آل بویه شیعی را که ثروت و اقبال خاندان ابن ماکولا از برکت ایشان بود، از کار کوتاه کنند. علی شهرت خود را از [کتاب اکمال المختلف والمؤتلف من اسماء الرجال] که در باره رجال حدیث تألیف کرده بود به دست آورد. در تألیف این اثر ابن ماکولا از دو کتاب عبدالغنی آزدی (بروکلمان، ذیل یکم، ۲۸۱) و دارقطنی (همان اثر، یکم، ۱۶۵) که در محافل حنبلی و صوفی بسیار مورد توجه بود، استفاده کرده است. این کتاب مورد استفاده نووی، یکی از بزرگترین مراجع مذهب شافعی در تألیف تذکره معروف وی قرار گرفته است (بروکلمان، ذیل یکم، ۶۸۰). زندگی ابن ماکولا ظاهراً نمونه ای است برای نشان دادن این مطلب که اخلاف مشهورترین خاندانها در دوره پر آشوب قرن پنجم بهترین پناهگاه را برای خود پرداختن به علوم حدیث اسلامی می دانسته اند. لا اقل در نظر متعصبانی که در پیرامون خلیفه بودند چنان می نمود که قدرت حقیقی از طریق پرداختن به این علوم به دست می آید.

مراجع: علاوه بر منابعی که ذکر شد بروکلمان، ذیل یکم، ۶۰۲؛ [دائرة المعارف] ف. بستانی، چهارم، ۱۵.

بخش دوم

اساتید و دانشمندان معاصر

حاج شیخ ابراهیم قاضی زاهدی

این جانب ابراهیم فرزند مرحوم آیة الله حاج آقا علی قاضی زاهدی متولد سال ۱۳۳۳ تحت تربیت والد معظم پرورش یافته، پس از خواندن دروس ابتدایی و اوکیه در گلپایگان در سال ۱۳۴۹ شمسی برای تحصیل علوم دینیّه به قم هجرت نموده و مقدمات و سطوح و سطی را در مدرسه مرحوم آیة الله العظمی گلپایگانی نزد اساتید آن مدرسه خوانده و بعد از چند سال به مدرسه خان (آیة الله العظمی مرحوم بروجردی قدس سره) منتقل شدم. سطوح نهایی فقه و اصول را نزد مرحوم آیة الله شیخ محمدتقی ستوده (ره) و آیة الله صلواتی و آیة الله فاضل لنکرانی و آیة الله آقا میرزا حسین نوری و آیة الله مکارم و آیة الله سبحانی ایده‌م الله تکمیل کردم و سپس در دروس مراجع عالیقدر مرحوم آیة الله العظمی گلپایگانی و مرحوم آیة الله العظمی نجفی مرعشی و آیة الله العظمی مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری رضوان الله تعالی علیهم شرکت کردم و تا پایان عمر شریفشان از ابحاث فقهی آنان مستفیض شدم و اکنون از محضر آیة الله العظمی وحید خراسانی استفاده می‌کنم.

تقریرات بعضی از آیات عظام را به رشته تحریر آورده و از غالب نامبردگان اجازه روایی و غیره دریافت نمودم. چند سالی در یکی از حجرات صحن مطهر تدریس لمعه و مکاسب و کفایه داشتم ولی به خاطر کثرت منبر در شهرستانها ادامه ندادم در شهرهای کاشان، کرمان، یزد، تهران، قم، مشهد و ... منبر می روم و مورد علاقه و تشویق فضلا و طلاب و مؤمنین هستم. کتابهایی هم نوشته ام که امید است بتوانم آنها را به چاپ برسانم.

- ۱- تقریرات فقه و اصول فارسی و عربی کتابهای صلات، صوم، حج، قضا، شهادات، حدود و دیات.
- ۲- رساله ای در حجاب.
- ۳- رساله ای در ازدواج.
- ۴- رساله ای در تربیت فرزند.
- ۵- بحثی در قیامت.
- ۶- ده منبر در توحید.
- ۷- ده منبر در تقوا و صیانت نفس.
- ۸- نمی از یم در فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- ۹- بحثی در ولایت و امامت.

حجة الاسلام سید احمد میر شریفی

بنا بر درخواست برخی از دست اندرکاران گنجره بزرگداشت علما و فضلالی گلپایگان مختصری از زندگی خود و خاطراتی از حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی رحمه الله علیه را می نویسم.

این جانب سید احمد میر شریفی متولد شهر گوگرد در ایام کودکی در کلاسهای قرآن مکتب خانه شرکت می کردم و کلاس اول ابتدائی را در همان گوگرد خواندم و از دوم ابتدایی به شهر مقدس قم آمدم و بعد از اخذ دیپلم از دبیرستان شهید رجائی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم و در مدرسه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی رحمة الله علیه مشغول به تحصیل شدم و در دروس سطح اساتید محترم استاد محقق داماد و استاد عراقچی و استاد محمدی خراسانی ... و دروس خارج حضرت آیه الله سبحانی و حضرت آیه الله میرزا جواد تبریزی و حضرت آیه الله بهجت و حضرت آیه الله فاضل لنکرانی و حضرت آیه الله وحید خراسانی و حضرت آیه الله مکارم (دامت برکاتهم) و ضمناً یک دوره تخصصی تفسیر قرآن کریم زیر نظر معظم له شرکت نمودم و در حال حاضر مشغول به ادامه تحصیل در حوزه می باشم.

بیان چند خاطره از حضرت آیه الله گلپایگانی (ره):

به بیت ایشان رفتم و از معظم له تقاضای نصیحت کردم، حضرت آیه الله صافی «دام توفیقه» که در آنجا حضور داشتند خواسته مرا به عرض ایشان رسانده حضرت آیه الله گلپایگانی (ره) پس از اینکه نام مرا پرسید، پرسید چه درسی می خوانید در جواب عرض کردم مکاسب و کفایه ... سپس معظم له جملاتی به این مضمون فرمودند: در این دوران خیلی می شود برای درس خواندن قصد قربت کرد ان شاء الله که با قصد قربت درس بخوانید و خدای تعالی توفیقتان بدهد و ثواب کثیر عطا کند و از علمای عاملین قرار بدهد ...

و حضرت ایشان بر اینکه انسان برای خدا کار کند تأکید داشتند و شبیه این جملات را هنگامی که در شب نیمه شعبان خدمت ایشان رفتم

جهت ملبس شدن به لباس روحانیت ... بیان نمودند و کلام ایشان چون از قلب بر می خاست بر دل هم می نشست .

و خاطره دیگر اینکه : در اوائل طلبگی که در مدرسه معظم له مشغول به تحصیل بودم ایشان گاهی به مدرسه تشریف می آوردند و از نزدیک با ایشان ملاقات می کردیم خاطرات شیرینی برایم بود نگاه به چهره نورانی معظم له انسان را به یاد خدای تعالی می انداخت و مصداق این فرمایش بود که : نشانه مردان الهی این است که تو را به یاد خدا می اندازند .

آیه الله صابری همدانی نقل کرده اند : وقتی از گرفتاری یکی از بزرگان با خبر شدم حضور آیه الله العظمی گلپایگانی رفتم و گفتم : آقا وضع زندگانی فلانی چنین و چنان است حتی نانوا دیگر به او نسیه نمی دهد و بسیار مقروض است ایشان خیلی ناراحت شدند و فرمودند : می روی نزد طلبکار تمام بدهی آن آقارا می پردازی و به او می گویی وی هر قدر از شما نسیه برد به حساب ماست و آخر هر ماه پرداخت می شود من نزد طلبکار رفته و تمام بدهیهای او را دادم و سفارش آقارا رساندم این عمل سالیانی ادامه داشت شاید از این عمل جز خدا و افراد خیلی کسی مطلع نشد .
و نیز نقل کردند :

وقتی که آیه الله العظمی آقای بروجردی رحمه الله علیه به قم تشریف آوردند و زعامت دینی را به دست گرفتند و رساله عملیه اش به فارسی چاپ شد پشت جلد نوشته شده بود «آیه الله بروجردی» در همان هنگام رساله آقای گلپایگانی برای اولین بار چاپ گردید و پشت جلد آن عبارت «آیه الله گلپایگانی» نوشته شده بود وقتی ایشان متوجه شدند دستور دادند پشت جلد رساله را عوض کردند و فرمودند به جای آیه الله حجة الاسلام والمسلمین

بنویسید ایشان فرمودند: امروز آیه‌الله و مرجع آقای بروجردی است و باید موقعیت و حریم مرجعیت ایشان محفوظ بماند.^(۱)
و نیز نقل کردند:

مرحوم آیه‌الله سید محسن حکیم در «راولپندی» پاکستان به مؤمنین وعده داده بود هتلی را به عنوان مدرسه خریداری کند ولی پس از معامله و پیش از پرداخت قیمت از دنیا رفت مؤمنین مدرسه را در بانک رهنی رهن گذاشتند پول را گرفتند و قیمت را پرداختند بهره بانکی زیادی باید بپردازند کسی پیدا نشد به مدرسه کمک کند تا اینکه در معرض فروش قرار می‌گیرد آیه‌الله گلپایگانی از این قضیه با خبر شدند این جانب مأمور رسیدگی به این موضوع و اصلاح کار شدم و پس از مذاکره با مسئولان و مراجعه به بانک رهنی اسلام آباد معلوم شد رقم و مبلغ بالایی بدهکارند که بیش از ارزش مدرسه است پس از مشورت با مؤمنین مبلغ بدهی را از یکی از تجار متدین کراچی به نام حاج نواز شریف قرض گرفتیم که حضرت آیه‌الله العظمی گلپایگانی به نمایندگی آن تاجر در تهران بپردازد، مدرسه افتتاح شد و پس از تعمیر و تنظیم برنامه تحویل طلاب علوم دینی داده شد. من به عرض آن بزرگوار رساندم که مرحوم آیه‌الله العظمی آقای حکیم (قدس سره) می‌خواست این مدرسه به نام او باشد فوری جواب دادند مانعی ندارد مدرسه به نام «مدرسه الحکیم» باشد و تمام مصارف فک رهن و تعمیر مدرسه و تنظیم برنامه را بپذیرید.^(۲)

استاد جعفر سبحانی نقل کردند که زمانی از یکی از ممالک عرب

(۱) کتاب مردان علم در میدان عمل، ج ۵ ص ۱۶۱.

(۲) کتاب مردان علم در میدان عمل، ج ۵ ص ۱۶۲ به نقل از روزنامه رسالت.

جوانی که قاری قرآن بود و حدود ۲۵ سال داشت به خدمت ایشان رسید «آیه الله العظمی گلپایگانی» به آن جوان فرمودند: گوش بدهید من حمد و سوره خودم را بخوانم اگر درجایی اشتباهی داشتم به من تذکر دهید تا اصلاحش کنم! آن وقت شروع کردند به خواندن حمد و سوره. آری این است معنی مخالف هوا بودن.^(۱)

حاج شیخ احمد قاضی زاهدی

این جانب احمد قاضی زاهدی گلپایگانی فرزند عالم بزرگوار و مفسر عالیقدر قرآن مرحوم آیه الله حاج شیخ علی قاضی زاهدی متولد سال ۱۳۲۸ شمسی هستم.

پس از گذراندن دوران کودکی ابتدا به تحصیلات جدید پرداخته و سپس به تحصیل علوم دینیّه وارد شدم.

قسمتی از مقدمات و مبادی را در گلپایگان در خدمت والد معظم خوانده و سپس به قم مهاجرت کردم و در مدرسه مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی وارد شدم و در همان سالهای اولیه به تعلیم و تعلم پرداختم.

سطوح عالیّه را نزد بزرگان حوزه چون آیه الله سلطانی طباطبائی و آیه الله سبحانی و آیه الله علوی گرگانی و دیگر اساتید به پایان رسانده و سپس به درس خارج آیات عظام مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله العظمی مرعشی

(۱) کتاب مردان علم در میدان عمل، ج ۵ ص ۱۶۲ به نقل از برنامه سیمای فرزندان تاریخ

نجفی وارد شده و بهره‌های علمی و عملی کسب نمودم و ایام تبلیغی را در شهرستانهای مختلف از تهران و گلپایگان و کازرون و قوچان و شیروان و ملایر و کاشان و یزد و دیگر جاها مسافرت نمودم و نیز در قم نیز منبر رفته ام مدت قریب به پانزده سال است که در مسجد نبی اکرم ﷺ واقع در خیابان آذر قم امام جماعت هستم و هر شب بعد از نماز برنامه تبلیغی دارم.

مدت دو سال است که شروع به تفسیر قرآن نموده و جمعی از عزیزان دانشمند روحانی و غیره شبهای سه شنبه به صورت جلسه سیار شرکت می نمایند.

تألیفاتی دارم که قسمتی از آنها چاپ شده و قسمتی به چاپ نرسیده است.

از جمله تألیفات چاپ شده سه جلد کتاب شیفتگان حضرت مهدی ﷺ است که در شرح حال ولی عصر امام زمان ﷺ و افرادی که در این زمان مشرف به محضر او شده اند نوشته شده و مکرر چاپ گردیده است.^(۱) و دو جلد کتاب کشکول است که به نام مجموعه ای از علوم مشتمل بر علوم مختلف به چاپ رسیده است.

دو جلد کتاب هم در زمینه قرآن کریم است یکی به نام شناختی از قرآن و دیگری آشنایی با سوره های قرآن است که شناسنامه هریک از سوره های قرآن در آن آمده است.

کتاب دیگری جهاد و شهادت در اسلام و کتاب دیگری به نام دستورات طب و بهداشت است.

دو جلد کتاب أسئلة الناس وأجوبة الصادق ﷺ است که به نام گنجینه

(۱) کتابی هم به نام یاد حضرت مهدی ﷺ تألیف قاضی زاهدی در ۱۳۶۲ چاپ شده است.

نور چاپ شده است .
 کتاب دیگری به نام أسئلة الناس وأجوبة الباقر علیه السلام است که بدون ترجمه فارسی چاپ شده است .
 قبلاً هم در مجله اندیشه و قلم که به امر مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی مطالب روزنامه ها در زمان طاغوت بررسی می شد و نقاط ضعف آنها از نظر دینی به آنها گوشزد می شد شرکت داشتم و مقالاتی هم آنجا چاپ شده است .
 کتاب دیگر به نام أسئلة الناس وأجوبة المعصومین علیهم السلام است که هنوز به چاپ نرسیده است .
 در مدارس علوم دینی مخصوصاً در مدرسه آية الله گلپایگانی تدریس داشته ام و الآن هم در مکتب الزینب برای خواهران طلبه درس تفسیر قرآن و نهج البلاغه دارم .

حجة الاسلام حاج شیخ احمد محمدی

فرزند حاج آقا محمد محمدی فرزند شیخ عبدالکریم اسفرنجانى .
 در این تاریخ (۱۳۸۰ ش) حدود هفتاد سال دارد و در قم تحصیل کرده و ساکن است .^(۱)

بانو احمدی^(۲)

کتابی به نام نمونه تعالیم جاودان اسلام در ۵۴۲ صفحه در حدود سال ۱۳۵۷ ش از ایشان چاپ شده است .

(۱) به صفحه ۳۹۸ رجوع شود .

(۲) به صفحه ۳۹۲ رجوع شود .

جواد غیاثی گلپایگانی

مؤلف کتاب فرهنگ عامه گلپایگان که چاپ شده است .

حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا جواد گلپایگانی

فرزند حضرت آية الله العظمی سید محمد رضا موسوی گلپایگانی ، در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در شهر مقدس قم متولد شدند . پس از فرا گرفتن تحصیلات جدید وارد حوزه علمیه قم شدند . و مقدمات علوم حوزوی را در قم فرا گرفتند . و مقداری از سطح عالی فقه و اصول را نزد آية الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی و آية الله سبحانی و آية الله حاج شیخ محسن قزوینی و آية الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی فرا گرفتند .

و در سال ۱۳۳۳ برای فراگیری علوم حوزوی به جوار باب مدینه علم امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) مهاجرت کردند و در شهر مقدس نجف اشرف به ادامه تحصیل مشغول شدند ، و مقداری از سطح عالی فقه و اصول را نزد آية الله حاج شیخ علی فلسفی و آية الله شهید سید اسد الله مدنی خواندند . و بعد از آن به دروس خارج مشغول شدند ، از عمده اساتید ایشان در درس خارج فقه و اصول می توان آية الله العظمی خوئی و آية الله مستنبط و آية الله میرزا باقر زنجانی و آية الله میرزا یحیی یزدی نام برد . و پس از حدود ۲۴ سال اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی به ایران مراجعت نمودند و در درس مرحوم والدشان شرکت کردند و مدیریت مراکز علمی و مذهبی تحت اشراف آية الله العظمی گلپایگانی را عهده دار شدند

واکنون هم در بیت پدر بزرگوارشان مشغول انجام خدمات دینی می باشند .
از آثار علمی ایشان تقریرات درس آیه الله العظمی خوئی و آیه الله
مستنبط است که چاپ نشده است ، و در جمع آوری «معجم رجال الحديث»
آیه الله العظمی خوئی نیز همکاری داشته اند .

حاج شیخ حسین قرنی

فرزند شیخ محمدابراهیم ، در سال ۱۳۳۵ قمری در گوگد گلپایگان
متولد شده است .

وی می گوید : درس های ابتدایی را در مکتب خانه خواندم و در مدرسه
مرحوم آقا میرزا هدایه الله وحید دروس مقدماتی را خواندم و جهت ادامه
تحصیل به قم مشرف شده (که حدود ۱۷ یا ۱۸ ساله بودم) و حدود ۱۵ سال
در قم بودم .

دروس سطح را مقداری نزد مرحوم آیه الله گلپایگانی خواندم - و اساتید
دیگری هم داشتم و در درس خارج مرحوم آیه الله بروجردی ، محقق داماد ،
امام خمینی و آیه الله گلپایگانی شرکت می کردم .

دوران تبلیغ ۲ سال در چهارمحال و ۲ سال در شهریار و حدود ۲ سال
در ورامین ، و بعد از مدتی یعنی حدود ۲ سال قبل از انقلاب حسب الامر
حضرت آیه الله گلپایگانی به این منطقه شهریار اعزام شدم و تا حال در اینجا
مشغول به خدمت و ارشاد و تبلیغ و امامت جماعت هستم .

تألیفات چاپ شده :

۱ - تمدن چیست ؟

- ۲- موازنه بین ادیان چهارگانه .
- ۳- مشعل هدایت در امامت .
- ۴- ازدواج و همسر گرفتن .
- تالیفات چاپ نشده :
- ۱- تمدن بشری .
- ۲- عدالت فردی و اجتماعی .
- ۳- جستجوی کمال حقیقی .
- ۴- جستجوی گم‌شده تاریخ .
- ۵- اخلاق حسینی .
- ۶- مصباح الهدی در وقایع کربلا .
- ۷- اصول الاسلام .
- ۸- تاریخ معاصر .
- ۹- موجبات ترس .
- ۱۰- اسلام برگزیده عقلای جهان .
- ۱۱- اعطاء الکوثر در احوال فاطمه زهرا سلام الله علیها .
- ۱۲- دیوان شعر .

حجة الاسلام سید حسین بطحایی

فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی بطحایی
 گلپایگانی در سال ۱۳۳۸ شمسی در شهر مقدس قم متولد و تا کلاس دوم
 دبستان را در این شهر خواند. در سال ۱۳۴۶ به تهران مراجعت و تا کلاس

دهم آن زمان از محصلین مدرسه علوی به سرپرستی حجة الاسلام حاج شیخ علی اصغر علامه بود. بعد از آن به خاطر علاقه به معارف دینی وارد حوزه علمیه حاج آقا مجتهدی (مسجد حاج ملا محمد جعفر تهران) شد و تا سال ۶۰ از محضر اساتید آن مدرسه استفاده نمود و پس از پایان شرح لمعه، [در قم] از اساتید مشهور آن زمان فقه و اصول و دروس متداول را استفاده نمود و از دروس آیات عظام گلپایگانی و فاضل لنکرانی حدود ده سال استفاده و با مشورت و پیشنهاد بعضی از بزرگان وارد دستگاه قضایی شد و اکنون به امر قضا مشغول است و از درس آية الله سید محمود شاهرودی و آية الله خامنه ای بهره مند می شود و گاهی در دانشگاه به تدریس در رشته قضا مشغول هستند.

حجة الاسلام حمید رضا بصیری

فرزند محمد علی بصیری گلپایگانی متولد در ۱۳۵۰
آغاز تحصیلات حوزوی بنده از سال ۱۳۶۳ و همزمان با تحصیلات
رسمی و دانشگاهی بود.
اساتید درس خارج فقه:
* آية الله حاج سید علی خامنه ای حفظه الله.

* آیه‌الله حاج سید مهدی خلخالی حفظه الله .

* آیه‌الله حاج سید محمد حسن مرعشی شوشتری حفظه الله .

اساتید درس خارج اصول :

* آیه‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی حفظه الله .

* آیه‌الله حاج شیخ غلامرضا رضوانی حفظه الله .

* آیه‌الله حاج شیخ ... جعفری اراکی حفظه الله .

سایر اساتید حوزوی، حضرات آیات :

* حاج شیخ محمد امامی کاشانی .

* حاج سید محمد موسوی بجنوردی .

* حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی .

* حاج سید ابوالفضل موسوی تبریزی .

* حاج سید مصطفی محقق داماد .

مشغولیت‌های فعلی : تدریس در حوزه و دانشگاه، انجام فعالیت‌های

علمی و تحقیقاتی، تبلیغ و منبر، اداره نشریات فرهنگی و مراکز

علمی و فرهنگی .

آثار منتشر شده :

۱ - تصحیح و تلخیص ترجمه (خلاصه التفسیر) مرحوم الهی قمشه ای

(۱۰ جزء) با همکاری دو نفر از دوستان . انتشار در سال ۱۳۷۶ - انتشارات

اسلامیه - تهران .

۲ - احکام فقهی و حقوقی مالکیت‌های مشاع (پایان نامه کارشناسی

ارشد، نشر محدود) .

۳ - برخی مقالات ادبی، علمی و سیاسی درج شده در روزنامه‌ها از

سال ۱۳۶۹ به بعد با عناوین ذیل :

- شب های رمضان (اجتماعی)
- قدر غدیر (در وصف امیرالمؤمنین علیه السلام)
- تو سراسر بابایی (در رثای حسین بن علی علیه السلام)
- تغییر آهنگ ناموزون (سیاسی)
- صبر صبوران (علمی واجتماعی)
- ترفندهای ناموفق (فرهنگی واجتماعی)
- ۴- تنظیم و تهیه جدول اختلاف مراجع در مسائل مورد ابتلاء حج (نشر محدود)
- ۵- روش تحقیق در علوم اسلامی (نشر محدود، جهت تدریس)
- ۶- مهارت های یادگیری (مجموعه ۶ قسمتی از روش های یادگیری نشر محدود)
- ۷- روش استفاده از معجم ها و آشنایی با معجم (نشر محدود).
- آثار چاپ نشده :
- (مقالات و تحقیقات)
- الف) معجم لفظی غررالحکم و دُرر الکلم (طرح و هدایت)
- ب) قاعده لطف
- ج) بزرگان اهل قلم
- د) شئون خلیفه الله
- هـ) آشنایی ساده با مسائل علم اصول
- و) آیه های اخلاقی قرآن
- ز) آیات السنن

- ح) عبرت های عاشورا
ط) ترجمه قاعده فقهیه «حجّیت بیّنه» و «نفی حرج» تألیف آیه الله
مکارم شیرازی
ی) اجاره مال مشاع
ك) مقدور بودن مورد تعهد
ل) حقّ جنس در حقوق ایران، مصر و کنوانسیون بیع بین الملل
م) اعیان الشیعة ومؤلفش
ن) احیاء قدر (شب های قدر)
س) درآمدی در زیّ طلبگی
ع) همان شد که می خواستیم (حجّ و برائت)
ف) فردای عاشورا در هاله ای از عبرتها
ص) تهاجم فرهنگی
ق) پرانتزی بزرگ در تهاجم فرهنگی (تهاجم اعتقادی)
ر) آورده های غیر نقدی شرکت (همراه با مطالعه تطبیقی)
ش) نقطه های آغاز در رفتار علوی

دکتر رضا صفوی

مؤلف کتاب روش تهیه مواد آلی که در ۴۷۱ صفحه در سال ۱۳۲۸
توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است.

حجة الاسلام آقای حاج آقا رضا حسینی

این جانب سید رضا حسینی فرزند سید حاجی آقا فرزند آقا سید محمد فرزند آقا سید عباس فرزند آقا سید حسن فرزند آقا سید علی، ساکن گلپایگان محل ولادتم پیرعلی گلپایگان، در سال ۱۳۰۴. پدرم روحانی بوده ولی من در اوان طفولیت پدر را از دست دادم. علت ملبس شدن من به لباس روحانیت و پیشرفت من در این زمینه در اثر توسلانی بوده که پیدا کرده‌ام نه تحصیلات. چون از نظر ظاهر تحصیلات چندانی ندارم، مقدمات را تا شرح لمعه در همین گلپایگان نزد یکی دوتا از اساتید که یکی از آنها آقا شیخ حسن (حسین) وحیدی بوده فرا گرفتم.

توسل من به حضرت سیدالشهدا بوده، مدت‌ها گریه می‌کردم یک شب خواب دیدم که از منزل که در محل پیرعلی بود بیرون آمدم در بین راه که جاده عمومی بود در عالم رؤیا دیدم جدّم رسول خدا ﷺ در وسط جاده نشسته یک عده هم آن اطراف نشسته بودند و کاری نداشتند و توجهی نمی‌کردند، در حالیکه به آنها اعتراض کردم که چرا به آن حضرت توجه نمی‌کنند آمدم و از پشت حضرت را در بغل گرفتم و آن حضرت به من تکیه دادند. من به آن حضرت متوسل شده و عرض کردم: یا رسول الله یا جدّاه یک نظر مرحمتی بفرما. حضرت برگشت و دستی بر صورت من از بالا به پایین کشید و این عنایتی بود از آن حضرت به من و آنچه به دست آوردم از این طریق بوده است.

یک شب هم حضرت بقیه الله را در خواب دیدم در یک وادی وسیعی بود و گفتم آن حضرت در اینجا هستند و پیوسته یا امام زمان می‌گفتم. تا اینکه دوتا روحانی یکی سید و دیگری غیر سید دیدم، آن سید به من اشاره کرد که

جلو بروم به کناری رفتیم به من فرمود: چه حاجتی داری؟ عرض کردم: من اهل منبر هستم یک عنایتی بکن. فرمود: همین بس است، باز التماس کردم و بار دوم تکرار کردم که عنایتی بفرما و آقا سکوت کردند. فهمیدم که رضایتی حاصل شده است.

سال هاست که در مسجد جامع گلپایگان اقامه جماعت می کنم و در مدتی که مرحوم آقای میرزا ابوالقاسم محمدی اقامه نماز جماعت در مسجد جامع می کردند هر وقت مسافرتی می رفتند یا مسأله ای پیش می آمد که مسجد نمی رفتند می فرستادند که من اقامه جماعت کنم.

حجة الاسلام والمسلمین سید رضا بطحائی

این جانب سید رضا بطحائی فرزند مرحوم سید حسن متولد ۱۳۱۳ در گوگد گلپایگان در سال ۱۳۳۴ شمسی جهت فرا گرفتن علوم دینی عازم شهرستان اراک و در مدرسه آقا ضیاء الدین از مقدمات شروع نمودم و در سال ۱۳۳۵ جهت ادامه تحصیل عازم قم و پس از سکونت در مدرسه فیضیه به ادامه تحصیل پرداختم و اساتید مشهوری که محضرشان تلمذ نمودم به این شرح است:

شرح لمعه را در درس مرحوم آیه الله ستوده. فرائد الاصول را در محضر آیه الله نوری همدانی. مکاسب را در محضر آیه الله فاضل لنکرانی. کفایة الاصول را در محضر مرحوم آیه الله سید محمد باقر سلطانی طباطبائی بروجردی فرا گرفتم و درس خارج فقه را در محضر مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی از اول مبحث طهارت تا پایان بحث نواقض شرکت نمودم در سال ۱۳۴۴ به علت مشکلات معیشتی و نابسامانی حوزه علمیه قم ناچار

عازم تهران شدم و چون در تهران امکان ادامه زندگی نبود در شهریور ۱۳۴۶ به دستور مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی عازم ایوانکی گردیدم و تا هم اکنون که سال ۱۳۸۰ شمسی می باشد در ایوانکی سکونت دارم. اقدامات و خدمات ناچیز اینجانب در بخش ایوانکی به شرح ذیل می باشد:

۱- اقامه جماعت و بیان احکام دینی و تبلیغ معارف اسلامی مخصوصاً در ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان و اعزام مبلغ به روستاها و همچنین دعوت از مبلغین برجسته توانا در لیالی و ایام و فیات و اعیاد و موقعیت های حساس تبلیغی و اجتماعات مذهبی.

۲- اقدام به کارهای عمرانی از قبیل تجدید بنای مسجد جامع ایوانکی با همکاری و همت اهالی و معتمدین و افراد خیر و همچنین شروع به ساختمان حسینیه علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) واقع در شهرک جدید ایوانکی که در آینده نزدیک به صورت مجتمع مذهبی و فرهنگی به طور آبرومند به اتمام خواهد رسید که در منطقه کم نظیر خواهد بود.

با توجه به اینکه از اوّل انقلاب پس از پانزده خرداد همیشه در صحنه های مختلف حضور داشتم پس از پیروزی انقلاب به مدت شش سال مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی را در محل به عهده داشتم و تا استقرار و حاکمیت دولت جمهوری اسلامی در همه ادارات و سازمانها نظارت داشته و از کمک و همکاری مسئولین حتی الامکان کوتاهی ننمودم، مخصوصاً در بحرانهای پس از انقلاب با آشنایی کاملی که از اوضاع محل و خصوصیات اهالی داشتم از هرگونه افراط و تفریط جلوگیری نموده که اثرات آن کاملاً در اذهان مردم و افکار عمومی محسوس است.

با توجه به اینکه در بسیاری از سازمانها نظارت کامل یا عضویت داشتم از قبیل کمیته امداد امام، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، نهضت سواد آموزی

وسازمان بهزیستی و جهاد سازندگی نتجتاً منشأ خدمات عمومی از قبیل تهیه زمین جهت مسکن محرومین و ساختن منزل و تعمیرات منازل و کمک های مستقیم و غیر مستقیم به طور وسیع شده ام .
از جمله اقدامات اینجانب ساختن یا تجدید بنای مساجد روستاهای ایوانکی می باشد که مورد بهره اھالی می باشد .
ضمناً دوران جنگ تحمیلی از تشویق و توجه دادن جوانان به جبهه های حق علیه باطل کوتاهی ننموده و شخصاً به جهت تبلیغ و تشویق رزمندگان در جبهه شرکت داشتم .

سید زین العابدین شجاعی گلپایگانی

از وی کتاب زندگانی امام رضا علیه السلام در سال ۱۳۷۳ ش در قم چاپ شده است .

شیخ زین العابدین وحیدی گلپایگانی

مقیم گلپایگان است و کتابهایی به نام فلک سعادت و تفسیر سوره یوسف و دیوان وحید الشعرا موسوم به گلزار عترت دارد . باید دید تألیف است یا گردآوری آثار دیگران ؟

حجة الاسلام والمسلمین^(۱) سجودی گلپایگانی

در سال ۱۳۲۵ ش برای تحصیل به حوزه اراک رفته و یک سال واندی آنجا مانده و سپس به قم آمد و نزد این آیات و حجج درس خوانده است :

آية الله شيخ جواد تبریزی شرح لمعه .

حجة الاسلام والمسلمین بدلا شرح لمعه .

آية الله حاج میرزا حسین نوری شرح لمعه .

آية الله مرعشی نجفی مکاسب وکفایه .

آية الله مجاهدی مکاسب .

آية الله سلطانی کفایه .

آية الله بروجردی درس خارج قنوت صلات تا آخر صلات و خمس وقضاء .

آية الله گلپایگانی درس خارج مکاسب ، طهارت و غیره .

امام خمینی (ره) اصول فقه ، و مکاسب .

آية الله منتظری منظومه سبزواری .

شیخ جعفر بن شیخ علی اصغر که اهل سلوک بوده عموی پدر ایشان است .

(۱) حاج شیخ ابوالفضل .

حجة الاسلام سید سعید یاسینی

مرحوم سید سعید یاسینی در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در روستای ویست از توابع گلپایگان و خوانسار به دنیا آمد و در سن ۱۰-۱۲ سالگی وارد مدرسه علمیه خوانسار شد و دروس مقدماتی را در مدرسه علمیه خوانسار زیر نظر مرحوم آقای حجة الاسلام والمسلمین آية الله علوی سپری نمود و سپس وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی (ره) مشغول به تحصیل شد و پس از چند سال در سهای سطح را به اتمام رسانید و از سال ۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱ هجری شمسی الی ۱۳۷۱ هجری شمسی در درس خارج حضرت آية الله العظمی مکارم شیرازی شرکت نمودند و سرانجام در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۱ هجری شمسی در حالی که از سفر تبلیغی برمی گشتند در تصادف جان به جان آفرین تسلیم نمود و در قبرستان بقیع قم به خاک سپرده شد. روحش شاد یادش گرامی باد.

فرزند بزرگ آن مرحوم سید حمید یاسینی در مدرسه رضویه مشغول به تحصیل می باشد.

حجة الاسلام آقا شیخ سعید نخعی

اینجانب سعید نخعی فرزند مرحوم حاج هبة الله نخعی از نوادگان مرحوم حاج آخوند (آخوند ملا محمد تقی نخعی گلپایگانی) در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در خانواده ای مذهبی و روحانی در گوگد گلپایگان متولد شدم، دوران تحصیلات نظام جدید را در گوگد و گلپایگان سپری نمودم، در

سال ۱۳۵۸ پس از اخذ دیپلم به خاطر علاقه فراوانی که به تحصیل علوم دینی داشتم به قم آمدم و در مدرسه علمیّه مرحوم آیةالله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل علوم دینی شدم مقدمات را در آنجا خواندم، شرح لمعه و اصول فقه را نزد حجج اسلام آقایان: سید علی مدنی، حسین کریمی، حاجی آقا علی نکونام و عالمی فرا گرفتم و بعد از آن مکاسب مرحوم شیخ انصاری (ره) را از محضر حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین کریمی و رسائل مرحوم شیخ اعظم (ره) و کفایة الاصول مرحوم آخوند خراسانی (ره) را از محضر آیةالله ستوده و آیةالله اعتمادی استفاده نمودم. ضمن اتمام سطح به فعالیت های تحقیقی و تبلیغی پرداختم و در سال ۱۳۶۳ با تأکید و تشویق مرحوم آیةالله العظمی گلپایگانی سفر تبلیغی را شروع نمودم، و در سال ۱۳۶۸ پس از اتمام سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم.

یک دوره اصول را نزد حضرات آیات مکارم شیرازی و شیخ جعفر سبحانی و خارج فقه را نزد حضرات آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی، سید عباس خاتم و سید محسن خراسانی فرا گرفته و هم اکنون ضمن شرکت در دروس خارج فقه و همکاری با یکی از مراکز تحقیقی و اشتغال به امر پژوهش در زمینه های علوم اسلامی و تهیه مقالاتی در این زمینه که یکی از آنها در مجله آینه پژوهش چاپ شده و بقیه آماده چاپ می باشد، به امر تبلیغ که وظیفه اصلی هر روحانی می باشد اهتمام ورزیده و از خداوند متعال آرزوی توفیق در این امر مهم را دارم.

حجة الاسلام والمسلمين آقا شيخ عباسعلی صبائی

ایشان در هشتم مرداد ماه سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در شهر گوگرد از توابع شهرستان گلپایگان پا به عرصه وجود نهادند. در سن ۸ سالگی مادر گرامیشان را از دست دادند و تا سن ۱۴ سالگی در مکتب خانه های عمومی مشغول تحصیل بودند و در ضمن آن همراه و کمک کار پدر در امر کشاورزی و نجاری بودند.

در سال ۱۳۳۵ به پیشنهاد پدرشان به همراه رفیق گرامی و عزیزشان مرحوم حاج شیخ حسین شایسته^(۱) راهی حوزه اراک گردیدند. ادبیات و معالِم و قسمتی از مطول را در مدرسه مرحوم حاج محمد ابراهیم خدمت اساتید گذراندند.

در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمی قم شده و در مدرسه مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی واقع در چهارمردان ساکن شدند.

در سال ۱۳۴۲ همراه با مرحوم حاج شیخ حسین شایسته حجره ای در دارالشفای گرفته و به ادامه تحصیل مشغول شدند.

در سال ۱۳۴۴ به شهر مقدس مشهد رفته و در حدود ۱۶ ماه در مدرسه مرحوم آیه الله العظمی آقای میلانی ساکن و از محضر اساتید آنجا بهره مند گردیدند.

در سال ۱۳۴۶ به قصد نجف اشرف به آبادان رفتند، اما بعد از مدتها

(۱) حاج آقای صبائی با ایشان به مدت ۱۰ سال هم حجره و دوست بودند. لکن ایشان در جوانی در سال ۱۳۵۰ مرحوم و در امامزاده جعفر قم دفن گردیدند.

سرگردانی، بواسطه موانع موجود موفق نشده وبه قم مراجعت وبه همراه آقا شیخ حسین شایسته در محضر درس مرحوم آیه الله حائری حاضر واستفاده کردند وتحصیل وتبلیغ ایشان تا پیروزی انقلاب ادامه داشت.

در سال ۱۳۴۷ ازدواج کردند که ثمره اش ۲ پسر و ۴ دختر است.

معالم را در خدمت مرحوم حاج شیخ فضل الله نصیر الاسلامی، قسمتی از مطول را خدمت دایی گرامیشان آقای حاج شیخ حسین احمدی گلپایگانی، شرح لمعه را در خدمت آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، رسائل را در محضر حضرات آیات نوری و سبحانی «دام ظلهم» و کفایه را نیز در محضر مرحوم آیه الله سلطانی استفاده نمودند وهمچنین از محضر حضرت آیه الله ستوده نیز بهره مند شدند.

ودر درس خارج حضرات آیات عظام: گلپایگانی، محقق داماد، حائری یزدی در قم ومیلانی در مشهد حاضر وسال های متمادی از محضر آنان استفاده نمودند.

عمده فعالیت تبلیغی ایشان از سال ۴۸ به بعد در شهرستان ساوجبلاغ ودر روستای خور متمرکز بوده است. که پس از مدتی از تبلیغ ایشان، طاغوتیان وکدخدایان که متوجه شدند با رفت وآمد ایشان نام ورساله امام خمینی در محل مطرح شده بنای مخالفت را گذاشته وبا سنگ پرانی به منزل وحمله به مسجد وقطع بلندگو وبالاخره برهم زدن اجتماع وشکایت به پاسگاه، بازداشت ومدتی ممنوع المنبر شدند. لذا مدتی به صورت نشسته سخنرانی می کردند که پس از آن ممنوع الورد به آن محل شدند، لذا جهت ادامه فعالیت ها برای مسجد خانه ای به نام خود خریداری کردند (که الآن مربوط به مسجد می باشد) تا به عنوان ساکن تردد داشته باشند ولیکن باز هم

توسط پاسگاه تهدید می شدند .

در سال ۱۳۶۰ در محضر حضرت آیه الله گیلانی در اوین به قضاوت اشتغال داشتند ولی با اصرار و پیشنهاد شهید حاج شیخ غلامرضا سلطانی (نماینده مردم کرج و حومه آن) در تاریخ ۶۱/۲/۱۹ به امامت جمعه شهرستان هشتگرد (ساوجبلاغ) منصوب شدند و تا سال ۱۳۷۳ در این منصب بودند و موجب آثار و ثمرات مفید و ارزنده ای بخصوص برای شهرستان ساوجبلاغ گردیدند . که مهمترین آنها تأسیس حوزه علمیه در آن شهرستان می باشد .

در سال ۱۳۶۲ حوزه علمیه تأسیس گردید و تاکنون دهها تن از دانش آموختگان این حوزه در مراکز تبلیغی ، سیاسی ، قضایی در اقصا نقاط کشور و بعضاً در خارج از کشور مشغول به خدمت می باشند .

تا سال ۱۳۷۳ که به سمت امام جمعه مشغول بودند ، برای استقلال حوزه مستغلاتی را نیز در این راستا (که یکی از مهمترین عوامل استقلال حوزه و حوزویان است) فراهم کردند .

حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا علی نکونام

این جانب در روستای سعید آباد گلپایگان در خانواده مذهبی و متدین در سال ۱۳۲۳ شمسی متولد شدم پدرم کشاورز هستند . ووالده ام منتسب به بیت علم و روحانیت و سیادت یعنی صبیبه مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید محمد باقر حجازی و خواهر مرحوم حجة الاسلام سید محمد علی حجازی می باشند و مرحوم آیه الله العظمی آقا جمال گلپایگانی

چهره بسیار معروف این خاندان است.

در دوران طفولیت در مجالس قرآنی شرکت می کردم و قرآن را نزد پدر و مادر فرا گرفتم و دروس ابتدایی کلاسیک را تا ششم در همان سعید آباد خواندم و در اوایل سن تکلیف به همراه پدرم به شهرستان اراک رفتم و در مدرسه مرحوم آقا ضیاء به تحصیل علوم دینی پرداختم. قسمتی از مقدمات و سیوطی و مغنی را در آنجا نزد اساتید خواندم.

و بعد از حدود دو سال و نیم تا سه سال در سال ۱۳۴۰ جهت ادامه تحصیل به قم مشرف شدم و در مدرسه علوی در خیابان امام که زیر نظر حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی بود ساکن شدم. ادبیات را نزد مرحوم آقا شیخ محمد رضا نحوی دوره نمودم. منطق را نزد حاج آقای گرامی و مختصر را در درس حاج آقا محسن دوزدوزانی و قوانین را در درس حاج آقای اعتمادی شرکت کردم.

شرح لمعه را در درس حاج آقای صلواتی و حاج آقا علم الهدای خراسانی شرکت کردم.

مقداری از مکاسب را در تهران در درس حاج آقای امامی کاشانی شرکت کردم. رسائل را در درس حاج آقای اعتمادی و برائت و اشتغال را در درس حاج آقای خزعلی همزمان شرکت کردم و بحث استصحاب را در همدان نزد مرحوم شهید آیه الله مدنی فرا گرفتم و رفتن همدان هم به این جهت بود که شنیده بودیم که آقای مدنی در تابستان به همدان می آیند من با عده ای از دوستان رفتیم و از محضر ایشان درخواست نمودیم که برای ما درس بگویند. ایشان قبول فرمودند. و در درس بسیار مسلط بودند. و ما مبحث استصحاب رسائل را در تابستان نزد ایشان خواندیم و از نظر اخلاقی

بسیار تحت تأثیر ایشان قرار گرفتیم.

جلد اول کفایه را نزد آیة الله فاضل و جلد دوم را نزد آیة الله نوری همدانی فرا گرفتم و منظومه را قسمتی را نزد مرحوم شهید مفتاح و قسمت بیشتر را نزد حاج آقای انصاری شیرازی خواندم^(۱).

دوره درس خارج را عمده در فقه نزد حضرت آیة الله العظمی گلپایگانی و در اصول درس حضرت آیة الله وحید خراسانی شرکت می کردم.

از سال ۱۳۴۹ در مدرسه مرحوم آیة الله گلپایگانی شروع به تدریس نموده، که با درس عقاید شروع شد. و بعد با تدریس ادبیات، مقدمات، سیوطی و مغنی ادامه پیدا کرد. بعد هم تدریس شرح لمعه و مکاسب را داشتم. الآن هم تدریس مکاسب و کفایه ادامه دارد.

حدود ده سال است که در دانشگاه قم، دانشگاه عالی قضایی و دانشگاه کرمان (در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد) اشتغال به تدریس دارم در دوران تحصیل در ایام تبلیغی حوزه جهت تبلیغ و ارشاد به شهرهای مختلف مسافرت کرده ام.

ایشان بسیار خلیق و متواضع و داماد آیة الله حاج آقا علی افتخاری گلپایگانی می باشند.

حاج شیخ علی قاضی زاهدی (مکرر شماره ۴۰ در جلد اول)

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی قاضی زاهدی فرزند عالم جلیل مرحوم آقای آقا رضا قاضی زاهدی در سال ۱۳۰۶ شمسی در شهرستان

(۱) نزد حاج آقای حرم پناهی و حاج آقای جوادی آملی هم درس خوانده اند.

گلپایگان متولد شده و پس از گذراندن دوران صباوت به تحصیل علوم جدید پرداخته و پس از آن مشغول به علوم دینی گردیده و مقدمات و مبادی و قسمتی از سطوح را در خدمت والد مرحومش و بعضی دیگر از علمای بزرگ گلپایگان خوانده و بعد از آن به قم مهاجرت کرده و سطوح عالی را از مدرسین حوزه چون آیة الله العظمی گلپایگانی و آیة الله العظمی مرعشی نجفی و اساتید دیگر استفاده نموده و بعد به درس خارج آیات ثلاثه مرحوم آقای حجت و مرحوم آقای خونساری و مرحوم آقای صدر و اصول مرحوم آیة الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی حاضر و بهره مند شده و بعد از ورود مرحوم آیة الله العظمی بروجرودی مرتباً به درس فقه و اصول ایشان شرکت و تقریرات درس آن مرحوم را به فارسی و عربی نوشته است و در سال ۱۳۷۸ قمری بنابر اصرار و استدعاء اهالی گلپایگان اقامت در وطن نموده و به اقامه جماعت و گفتن تفسیر و ترویج دین و رتق و فتق امور مسلمین اشتغال داشته و عده ای از طلاب و محصلین را که امروز از ائمه جماعت و مروجین هستند تربیت نموده اند.

از آثار وجودی ایشان تجدید بنای چند مسجد در گلپایگان و حومه آن است خصوصاً تجدید بنای مسجدی که در آن امامت داشتند و تأسیس کتابخانه عمومی در جنب آن. ایشان دارای اجازات متعدد از مراجع گذشته و فعلی نجف و قم هستند.

دارای فرزندان برومندی هستند بنام های زیر که اکنون از فضیلهای حوزه هستند:

۱ - جناب آقای آقا شیخ احمد قاضی زاهدی.

- ۲- آقا شیخ ابراهیم قاضی زاهدی .
- ۳- آقا شیخ مرتضی قاضی زاهدی .
- آثار علمی و تألیفات معظم له نیز از این قرار است :
- ۱- تقریرات مرحوم آیة الله بروجردی در فقه .
- ۲- تقریرات ایشان در اصول .
- ۳- قصص یا داستانهای شگفت انگیز قرآن مجید .
- ۴- زندگانی چهارده معصوم یا تنمة القصص (۶ جلد) .
- ۵- بدر و هلال در سه جلد که اولی مطبوع و ۲ و ۳ مخطوط مانده است .
- ۶- شرح لغات بدیعی .
- ۷- ریاض یا مجموعه دلفریب .
- ۸- تلخیص الکلام فی تفسیر سوره الانعام .
- ۹- زبدة التفاسیر دو جلد .
- ۱۰- راهنمای متوسلین .
- ۱۱- رساله در علوم غریبه .
- ۱۲- جنگ یا ارجوزه زاهد .
- ۱۳- اربعین .
- ۱۴- الهدایة الی تواریخ الهداة السادة که منظومه ای است به عربی .
- ۱۵- اشعار فارسی .
- ۱۶- تفسیر سوره اعراف .
- ۱۷- هزار مسأله ریاضی .
- ۱۸- صیغ عقود .
- ۱۹- تفسیر سوره لقمان و سجده .

واز اشعار فارسی ایشان تضمین غزل و اشعار شیخ محمد حسین ...
است که ذیلاً یادآور می شویم.

ای صاحب کمال مسیحایی چون منطقت کجاست به شیوایی
عالم به انتظار که باز آیی ای بهتر از فرشته به زیبایی
تا چند خو گرفته به تنهایی

خورشید چرا به حجاب اندر رخ را نموده ای به نقاب اندر
وصفت بود عیان به کتاب اندر خود رفته ای نهان به حجاب اندر
جمعی نموده واله و شیدایی

بر ما نمای قامت رعنا را ظاهر نمای حقیقت و معنا را
روشن نمای عرصه دنیا را پرده بهل جمال دل آرا را
کز دست شد توان و شکیبایی

بنما به ما تو گونه رنگین را ظاهر نمای ساغر سیمین را
برهان ز غصه چون من غمگین را بنمای آن دو سنبل مشکین را
بشکن بهای سنبل صحرایی

نزد تو پست دست زبرستان مست از شراب عشق تو این مستان
چهره نمای وجان همه بستان مانند سرو قد تو در بستان
سروی نرسته است بر عنایی

باز آی باز تو ای مـولی رحمی نما ز لطف بر این شیدا
باشد مرا به شخص تو این سودا زاول نموده عشق توام رسوا
شادم از این فضیلت و رسوایی

بهرم بخواه نیروی فهمیدن عقل و تمیز از پی سنجیدن
بلکه توان صدای تو بشنیدن یوسف کجا و کی بتوان دیدن
آن را که نیست دید زلیخایی

زاهد کنون که آمده ای گویا برگو به آن خدیو جهان آرا
 ای نور چشم فاطمه زهرا خوبان روزگار دل مارا
 بردند و می برند به یغمایی

این عالم ربّانی روز پنج شنبه ۱۵ رجب ۱۴۱۷ بدرود حیات گفت وبا
 تجلیل واحترام شایسته در قم در جوار حضرت معصومه (شیرخان) مدفون
 گردید. ^(۱)

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی عنایتی

فرزند ملا محمد وحدود سال ۱۳۰۰ در گوگد گلپایگان متولد شده
 است.

درس های ابتدایی را در مکتب خانه وبعد از آن در مدرسه مرحوم آیه الله
 میراز هدایة الله وحید در نزد ایشان و آقا میرزا محمد هادی خوانده است.
 وبعد از آن به قم عزیمت نموده واساتید ایشان در قم در سطح،
 آیات الله: نجفی مرعشی و آقا شیخ حسن فرید گلپایگانی، فاضل قفقازی،
 آقا شیخ محمد علی کرمانی، حاج شیخ مرتضی حائری، فقیهی رشتی.
 و در درس خارج آیه الله سید محمد تقی خوانساری، آیه الله
 بروجردی، آیه الله آقا سید احمد خوانساری، آیه الله گلپایگانی بوده اند.

و در سال ۱۳۴۰ بنا به درخواست اهالی حصارک کرج وحسب الامر
 حضرت آیه الله گلپایگانی به حصارک رفته وحدود چهل سال است که در آنجا
 در مسجد جامع حصارک به امامت جماعت وتبلیغ وارشاد و خدمت به مردم
 مشغول هستند.

(۱) شرح حال ایشان در مجله آینه پژوهش نیز آمده است.

ایشان دارای تألیفات و آثاری هستند که برخی به چاپ رسیده و بعضی چاپ نشده است:

- ۱- انقلابات جهان و انقلاب اسلامی ۲ جلد.
- ۲- دیوان اشعار (در مدایح و مصائب چهارده معصوم) چاپ ۱۳۵۲.
- ۳- جزوه جیبی جهاد و جبهه.
- ۴- جزوه کوچک (خصوصیات شعر و شاعر و غزل) چاپ نشده است.
- ۵- کتاب اشعار که بالغ بر پنج هزار شعر است در موضوعات مختلف، که به چاپ نرسیده.
- ۶- کلمه باقیه.
- ۷- پنج خطبه از آل پیامبر علیهم السلام.
- ۸- دفتر اشعار (جداگانه غیر از موارد بالا - در رابطه با مسائل اجتماعی، سیاسی، فکاهی).

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی ربانی گلپایگانی

وی در سال ۱۳۳۴ ش در گلپایگان روستای دستجرده متولد، و از فضلا و محققان و اساتید حوزه علمیه قم می باشد.

اساتید: حاج شیخ جواد تبریزی در خارج فقه.

حاج شیخ جعفر سببانی در خارج اصول فقه.

حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی اصول فقه.

حاج شیخ محمد علی گرامی.

حاج شیخ محمد تقی ستوده .
 آقا میرزا محسن دوزدوزانی .
 حاج سید علی محقق داماد .
 و دیگران .

تألیفات چاپ شده :

- ۱ - حسن و قبح عقلی .
 - ۲ - جبر و اختیار .
 - ۳ - ایضاح الحکمه در شرح و ترجمه بدایة الحکمه .
 - ۴ - ما هو علم الکلام .
 - ۵ - القواعد الکلامية .
 - ۶ - مناهج الاستدلال در منطق .
 - ۷ - دین و دولت .
 - ۸ - شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام .
 - ۹ - تعلیقه بر قواعد العقائد خواجه طوسی .
 - ۱۰ - فرق و مذاهب اسلامی .
 - ۱۱ - تعلیقه بر گوهر مراد .
 - ۱۲ - ملازمه حکم عقل و شرع از دیدگاه ...
 - ۱۳ - مدخل و درآمد علم کلام .
 - ۱۴ - المحاضرات في الالهيات .
- و نیز تألیفات چاپ نشده و مقالات فراوانی دارند .
 و حدود ده سال است که از مدرّسان کلام و عقائد و فلسفه در حوزه
 و دانشگاه می باشد و از اساتید مشهور حوزه هستند .
 شعر هم می سراید و تخلّص او ... است .

حاج شیخ علی شجاعی

این جانب وظیفه خود دیدم که شرح حالی از روحانی پرکار و پرتلاش در راه ترویج احکام دین مرحوم شیخ علی شجاعی گلپایگانی به طور مختصر بنویسم.

مرحوم شیخ علی شجاعی فرزند مرحوم حاج محمد جواد شجاعی در روز پنجم اردیبهشت سال ۱۳۳۰ در خانواده ای متدین، و به پادارنده مجالس تبلیغ احکام و عزای اهل بیت (علیهم السلام) در روستای نیوان سوق (نیوان کوچک) شهر گلپایگان دیده به جهان گشود.

پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی به دبستان رفته، و پس از گذراندن دوران دبستان سرانجام در مهرماه سال ۱۳۴۳ شمسی وارد حوزه مقدّس قم شده، و در مدرسه مرحوم حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی قدّس سرّه مشغول تحصیل علوم دینی شد، و از محضر استادان بزرگوار همچون مرحوم شیخ حسین شایسته که به حقّ استادی از هر جهت شایسته بود و جناب حاج سید جواد طالقانی، و آقای [حاج شیخ حسن] تهرانی و دیگران کسب فیض نمود.

نامبرده در ایام تعطیلی به روستاها مسافرت می نمود، و با تشکیل کلاسهای تعلیم قرآن و احکام و اعتقادات جوانان و نوجوانان را با فرهنگ غنی و انسان ساز قرآن و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت آشنا می ساخت، و پس از ازدواج نیز با خانواده در ایام تعطیلی حوزه به روستاها می رفت، و تعلیم قرآن و احکام زنان و دختران را به عهده همسرش می گذاشت و خود اقامه نماز جماعت و تعلیم قرآن و احکام مردان را به عهده می گرفت.

مرحوم شیخ علی شجاعی به قدری اجتماعی بود و اخلاق خوب داشت، و خوش رفتار بود که با اندک مدتی اکثریت قریب به اتفاق اهل روستا را شیفته خود می ساخت که در نتیجه هنگام نماز، منبر و دعا مسجد پر از جمعیت می شد.

نامبرده در بسیاری از تعطیلات مقطعی حوزه مانند جمعه ها به روستاها می رفت و برای آنان کتاب تهیه می نمود، و به جوانان آنان اهداء می کرد، و عده ای از مردم روستاها را به منزل خود دعوت می نمود و به قم می آورد، و آنان را با منزل مراجع بزرگوار به ویژه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی، و مسجد مقدس جمکران آشنا می ساخت.

از اخلاق پسندیده او مهمان نوازی بود غالباً منزلش از مهمان خالی نبود، و با قوم و خویشان مهربان بود، و دلجویی می کرد، در ایام مناسب به منزل آنان جهت احوالپرسی می رفت، و به وظیفه صله ارحام عمل می کرد، نامبرده در راه تبلیغ احکام دین سرانجام در ۷ خرداد ۱۳۵۸ در اثر تصادف دار فانی را وداع گفت. رحمه الله علیه.

ابراهیم زارعی

آقای حاج شیخ علی ترابی

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی آقا ترابی، فرزند حاج محمد تقی در سال ۱۳۰۶ در گوگد گلپایگان متولد شده.

تحصیلات ابتدایی را مقداری در مدرسه مرحوم آیه الله وحید در گوگد و ادامه مقدمات را در قم خوانده است. در سال ۱۳۲۴ وارد حوزه علمیه قم شده و مقدمات و سطح را نزد حاج آقا رضا صدر، حاج شیخ محمد رضا غفور (گیلانی دماوندی) و سطح عالی را نزد آقایان منتظری و مشکینی و درس

خارج فقه بحث صلاة را نزد مرحوم آية الله بروجردی خوانده .
 و تا سال ۱۳۵۲ در قم به تحصیل علوم دینی اشتغال داشته و در ایام
 و مناسبت‌های تبلیغی هم به جهت تبلیغ و ارشاد به مسافرت می رفته .
 از آن سال به بعد به گوگرد گلپایگان و وطن خود مراجعت نموده
 و علاوه بر امامت جماعت در مسجد امام حسین علیه السلام به حل و فصل کارها
 و امور فرهنگی و اجتماعی مردم پرداخته و در این منطقه منشأ خیر و برکتی
 برای مردم محل می باشند . از جمله کارها و خدمات ایشان عضویت در هیئت
 مؤسس قرض الحسنه امام صادق علیه السلام گوگرد و مسئولیت هیئت مدیره
 دارالایتام گلپایگان می باشد .^(۱)

آية الله حاج سید علی گلپایگانی

آية الله حاج سید علی گلپایگانی فرزند آية الله العظمی حاج سید جمال
 گلپایگانی از علمای طهران و در مسجد سادات یوسف آباد اقامه جماعت
 می کند و مدرّس سطوح عالیّه می باشد . وی داماد حجة الاسلام والمسلمین
 حاج میرزا علی آقا فرزند آية الله حاج میرزا حسین نائینی (ره) است .

سید علی محمودی

فرزند سید محمد رضا موسوی محمودی^(۲) . از وی منظومه قصه شعیب
 در سال ۱۳۵۵ ش چاپ شده است . وی از جوانی نویسندگی را آغاز کرده است .

(۱) به نقل از خود ایشان .

(۲) به صفحه ۱۹۵ رجوع شود .

سید علی اکبر مدنی

به ج ۱ شماره ۱۹ رجوع شود.

حجة الاسلام والمسلمین شیخ علی رضا متانت

در فروردین ماه ۱۳۸۰ هجری شمسی یکی از آقایان همشهری که گویا در کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان مسؤولیتی هم دارند گفتند خلاصه ای از شرح حال خود را شامل تحصیلات، اساتید، تألیفات و آثار... را به دفتر کنگره بفرستید عرض کردم این خدمت خدا پسندانه است ولی خالی از اشکال هم نیست و آن اشکال اینکه ممکن ان یکتب کل: انا اعلم. گویند شخصی وارد خرابات شد و از اعلم و بهتر سگان جویا شد هریک غیر خود را معرفی کرد سپس وارد مدرسه شد و از بهتر پرسید هریک می گفت انا... گفت^(۱):

نازم به خرابات که اهلش اهل است

این جانب رضا متانت، مشهور به علی رضا متولد ۱۳۱۰ هجری شمسی اهل کنجد جان گلپایگان در مهر ماه ۱۳۲۵ با تشویق و معیت حجة الاسلام حاج شیخ عبدالله فیاض کنجد جانی وارد حوزه علمیه کرمانشاه

(۱) البته خلاف واقع گفته است. استادی.

شدم از اول جامع المقدمات تا هدایه را آنجا خواندم در اسفند ماه همان سال آقای فیاض از کرمانشاه مهاجرت به قم نمودند همراه ایشان به قم آمدم زمانی که شرط حجره و شهریه دادن این بود که شرح لمعه و قوانین امتحان داده شود که این شرط در من موجود نبود با زحمت تا شرح لمعه و قوانین را در حوزه علمیه قم خواندم از اساتید معروف بنده در آن دوران حضرت آیه الله جعفر سبحانی «مدظله» که مغنی باب اول را تا حرف اللام و باب رابع را نزد ایشان خواندم نیمی از مطول را پیش مرحوم شیخ قاسم نحوی خواندم و معالم را نزد شیخ صادق تیکن که می گفتند از شاگردهای خوب آیه الله بروجرودی است خواندم تا اینکه ماه رمضان پیش آمد آقای حاج شیخ مهدی صالحی نجف آبادی که از ائمه جماعت شهرستان سنقر و کلیائی بود برای منبر دعوتم کردند.

یک ماه رمضان در شهرستان سنقر در مسجدی به نام مسجد سرچقاهم امام جماعت بودم و هم منبر می رفتم حاج شیخ محمد غروی اهل مزرعه گلپایگان عالم آنجا بود که معروف بود از طرف آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری به سنقر اعزام شده است مردی ملا و درس خوانده بود چند جلد کتاب به فارسی در تفسیر قرآن نوشته اند کاملاً مورد توجه مردم بود هم از نظر علمی و هم از نظر اجتماعی ولی در منبر به اصطلاح، کُروفری نداشت بعد از ماه مبارک رمضان مؤمنین آن مسجد خواستند عزم رحیل را به اقامت مبدل کنم قبول نکردم در حدود سه ماه یعنی از شوال تا محرم آن سال نامه برای علمای کرمانشاه و حضرت آیه الله العظمی بروجرودی نوشتند که ایشان را برای ما بفرستید روزی خدمت آیه الله حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی که در واقع یکی از اوتاد و علمای کم نظیر بود رسیدم (از زهد

و تقوای ایشان اینکه از طرف حضرت آیه الله العظمی بروجردی برای سرپرستی حوزه علمیه کرمانشاه اعزام شده بودند ماهی چهارصد تومان شهریه حضرت آیه الله بروجردی مرحمت می فرمود سه ماه تابستان که به اصفهان می رفت از قبول شهریه امتناع می کردند «اما حریدع هذه اللماظة لأهلها».

نظر آنان که نکردند بر این میشتی خاک

الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند

فرمودند: فلانی چند نامه در رابطه با شما به محضر آقای بروجردی فرستاده اند باهم برویم محضر آقا سپس خدمت حضرت آیه الله العظمی بروجردی مشرف شدیم این جانب را (که با قدی کوتاه و ته ریشی مختصر که ناخودآگاه قیافه جاحظ را تداعی می کرد) آقای حاج شیخ معرفی فرمودند آقا هم با همان لحن مخصوص خودشان فرمودند: متانت ایشان هستند حاج شیخ فرمودند آری آقا فرمود حال که مردم شمارا می خواهند بروید. عرض کردم شما امر می کنید اطاعت می کنم آمدم سنقر هم امام جماعت بودم و هم منبر می رفتم به لحاظ سابقه ای که در کرمانشاه داشتیم در فرصتها به کرمانشاه می آمدم و در حوزه ای که آیه الله العظمی بروجردی تأسیس کرده بودند با طلاب بحث می کردیم نه به عنوان تدریس بلکه همان بحث طلبگی و حوزوی بعضی از طلاب به حضرت آیه الله امام سدهی که آقای بروجردی ایشان را با حضرت آیه الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و شهید محراب آیه الله حاج آقا عطاء الله اشرفی برای سرپرستی و تدریس حوزه فرستاده بودند عرض کردند مناسب است متانت برای تدریس ادبیات در حوزه بماند آقای امام فرمودند شما برای تدریس ادبیات اینجا بمان عرض کردم من به امر آیه الله بروجردی به سنقر اعزام شده ام اگر فرمایش شمارا

قبول کنم ممکن است آقا ناراحت شوند. فرمود آقای بروجردی این حوزه را تازه تأسیس کرده‌اند و علاقه دارند از هر جهت خوب اداره شود من به آقا می‌نویسم و موافقتشان را جلب می‌کنم طولی نکشید نامه‌ای از قم آمد که اگر آقای امام صلاح می‌دانند شما بروید کرمانشاه، از نظر آقا بلا مانع است.

این جانب از خدا خواسته محل اقامت شهرستان را تبدیل به اقامت مرکز استان آن هم به عنوان مدرس آن هم مدرس آن دوره کردم و رفتم کرمانشاه، در حوزه علمیه کرمانشاه جلدین شرح لمعه را نزد مرحوم آیه‌الله حاج آقا محمد میبدی و رسائل و مکاسب و جلدین کفایه و شرح منظومه سبزواری را نزد مرحوم آیه‌الله حاج شیخ حسن علامی خواندم. ایشان از شاگردان ممتاز مرحوم آقا ضیاء عراقی بود از دولب مبارك آیه‌الله العظمی حاج شیخ هاشم آملی شنیدم فرمود حاج شیخ حسن علامی رسید کاظم عصار از شاگردان ممتاز مرحوم آقا ضیاء و هم‌دوره ما بودند. چون کرمانشاه در مسیر نجف و قم قرار گرفته است علمایی که از نجف به ایران یا از ایران به نجف می‌خواستند مشرف شوند و در کرمانشاه به حضور ایشان می‌رسیدند و افق بالای علمی ایشان را می‌دیدند تعجب می‌کردند که چگونه ایشان راضی شدند در کرمانشاه بمانند.

در آن زمان سرپرستی حوزه علمیه کرمانشاه به عهده آقای امام سدهی و حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی و شهید محراب حاج آقا عطاء الله اشرفی بود، آقایان چون اهل کرمانشاه نبودند و از طرفی خیلی محتاط بودند که اگر می‌خواستند یک جارو برای مدرسه بخرند نامه به قم می‌نوشتند و از دفتر آقا اجازه می‌گرفتند و خیلی هم مایل به ماندن در کرمانشاه نبودند آیه‌الله العظمی بروجردی نامه نوشتند در نجف اشرف به آقای جلیلی

فرزند آیه الله حاج شیخ محمد هادی جلیلی که از خاندانی است که ابا عن جد روحانی بودند و منطقه کاملاً در تحت نفوذ آنها بود که سرپرستی حوزه را قبول کنند، ایشان پذیرفتند و از نجف به کرمانشاه آمدند از زمان تصدی ایشان سرپرستی حوزه و شهریه طلاب به عهده آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی بود ولی پرداخت شهریه و بخشی از دروس حوزه و تنظیم کلیه امور به عهده این جانب بود تا اواخر سال ۱۳۵۹ یعنی در حدود دو سال و نیم بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی به جهاتی که «لیس کلما یعلم یکتب» (ترسم آزرده شوی ورنه سخن بسیار است) به قم مراجعت کردم و در درس خارج فقه آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله منتظری و درس خارج اصول آیتین مکارم شیرازی و وحید خراسانی شرکت می کردم بار دیگر شرح منظومه سبزواری با جلد اول اسفار (اسفار نه جلدی) را از محضر آیه الله محمد علی گرامی و جلد ششم را از محضر آیه الله جوادی آملی استفاده کردم.

زهر باغ یک میوه آورده ام گدایی زهر مخزنی کرده ام

یک سال تحصیلی پرداخت شهریه و حضور و غیاب طلاب و یک درس مدرسه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی به عهده بنده بود در زمان مسئولیت این جانب اساتید معروف مدرسه آیات: طاهر شمس، استادی خرازی و جنّاتی بودند در اثر کثرت کار و خستگی زیاد سکت قلبی عارض شد اطبا از فعالیت منع کردند پس از مدتی از دفتر حضرت آیه الله گلپایگانی تلفن شد که آقا شما را می خواهد محضرشان مشرف شدم فرمودند از کرج نامه ای از آیه الله مدرس سرپرست حوزه علمیه شهرستان کرج آمده است کسی را می خواهد که هم امام جماعت باشد و هم در حوزه تدریس کند، مناسب است شما بروید اطاعت کردم در حدود ده سال است که در کرج با حکم

تدریس رسائل و مکاسب از قم به تدریس رسائل و مکاسب و جلدین کفایه اشتغال دارم. در کرمانشاه در دو مسجدی که امام جماعت بودم مسجد صباغ و مسجد رشیدی کتابخانه دائر کردم در کرج هم در مسجد صاحب الزمان که اکنون امام جماعت هستم مسجد را «با کمک هیئت امانا و کمک مالی خیرین» توسعه داده که فضای شبستان مسجد آن تقریباً دو برابر فضای شبستان قبلی می باشد، کتابخانه ای هم در جنب مسجد برای مطالعه اهل محل به خصوص جوانان و نوجوانان دائر نموده ام. وما توفیقی إلا باللّه.

عن علی بن محمد الهادی علیه السلام: المقادیر تریک مالا یخطر ببالک.

گویند حاج ملاهادی سبزواری اعلی الله مقامه الشریف در ابتدای تدریس می خواند:

آری از تقدیر نمی شاید گریخت عین الطافست ساقی هرچه ریخت
در ضمن نوشته هایی هم - اگر به درد بخورد - در ده دفتر چهارصد
برگی (تقریرات درسی، کلامی، تفسیری و اخلاقی منبری) دارم که تا به حال
فرصت بازنگری پیدا نکرده ام.

الداعی: علی رضا متانت

حاج شیخ غضنفر اسعدی

فرزند محمد، در شهر گوگرد در سال ۱۳۱۳ ولادت یافتم و درس
مکتب را در گوگرد نزد استاد مکتبی فرا گرفتم و برای ادامه تحصیل به قم
مشرّف شدم و مقدمات را خدمت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ
رحمت الله فشارکی و لمعه را نزد مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای

ستوده و قوانین را نزد حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی و مکاسب را نزد آية الله مشکینی و کفایه را نزد مرحوم آية الله سلطانی و یک سال هم درس مرحوم آية الله العظمی بروجردی رفتم و بعد از فوت ایشان به درس مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی رفتم و در سال ۱۳۵۸ از طرف حضرت آية الله العظمی گلپایگانی به تهران اعزام شدم و در مسجد فاطمی مشغول به انجام وظیفه هستم و در مدتی که در قم بودم از طرف دفتر حضرت آية الله العظمی گلپایگانی برای تبلیغ به اطراف اعزام می شدم.

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامحسین محمدی

این جانب غلامحسین محمدی فرزند مرحوم آية الله حاج میرزا ابوالقاسم محمدی در مهرماه ۱۳۲۲ در گلپایگان در خانواده علم و تقوا چشم به جهان گشودم. دوران تحصیلات تا سیکل را در گلپایگان و علوم حوزوی را تا مغنی نزد مرحوم پدرم خواندم و سپس در سال ۱۳۴۰ به قم اعزام شدم و در مدرسه ای که مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی به نام مدرسه علوی تأسیس کردند وزیر نظر مرحوم آية الله شهید بهشتی با برنامه ای کلاسیک و منظم اداره می شد مشغول به تحصیل شدم و بعد از پایان دوران ادبیات سطوح عالیّه را نزد مرحوم آية الله ستوده و آية الله فاضل لنکرانی و آية الله اعتمادی و آية الله سبحانی گذراندم.

خارج فقه و اصول را قسمتی نزد حضرت امام و بعد مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی و اصول را نزد آية الله وحید ادامه دادم. البتّه توقّف من در

مدرسه علوی یک سال واندی بیشتر نبود، سپس به مدرسه مرحوم آیه الله بروجردی (مدرسه خان) منتقل شدم که بیشتر طلاب مبارز و مجاهد در این مدرسه سکونت داشتند و خاطرات زیادی از آن مدرسه دارم.

بخشی از تقریرات درس مرحوم آیه الله گلپایگانی و آیه الله وحید خراسانی را نوشته ام که به صورت مخطوط موجود است.

در مبارزات علیه رژیم ستم شاهی در مقاطع مختلف شرکت داشتم، چه در نشر و پخش اعلامیه ها و چه در شرکت در تحصن ها و در سفرهایی که به عتبات عالیات داشتم. در مراجعت در بسیاری از مواقع مرحوم امام رضوان الله علیه نامه های خصوصی را توسط این جانب برای مرحوم آیه الله سید محمد صادق لواسانی ارسال می کرد که هر یک از آن نامه ها که محتوایش را نمی دانستم اگر به دست مأمورین رژیم می افتاد کافی بود که حداقل سالها در گوشه زندان باشم لیکن با لطف خدا و تدابیر خاصی که در حمل آنها به کار می رفت در همه مراحل سفر به سلامت نامه ها را می رساندم.

در سال ۱۳۴۸ ازدواج نمودم با خانواده ای روحانی از سادات محترم که محصول آن پنج فرزند: چهار پسر و یک دختر است.

عمده اشتغالات من در طول تحصیل و در ایام اقامت در قم تبلیغات بود که همانند دیگر طلاب ایام تبلیغ را در مناطق مختلف به تبلیغ می پرداختم.

در یکی از سفرهای تبلیغی در اوج مبارزات در سال ۱۳۵۷ در آباده شیراز بودم. در شبهای ماه رمضان به جوانان هم فکر خودم گفتم در شبهای قدر موقع خواندن دعای جوشن کبیر همگی بگوئید الغوث الغوث خلصنا من الشاه یارب، در آن شبها که مبارزات در اوج بود و مسجد جامع هم مرکز

مبارزات بود چندین هزار جمعیت این ذکر را تکرار می کردند. مأمورین رژیم متحیر مانده بودند با این سیل جمعیت چه کنند.

در همان اوقات با سازماندهی از پیش تعیین شده نماز عید فطر را در محیطی باز نزدیک محلّ ساواک برقرار کردیم و با نقشه قبلی بعد از پایان نماز جمعیت نمازگزار به ساواک هجوم بردند و آن محل را به آتش کشیدند و بعد از آن به دادگستری هجوم بردند و بعد درگیری وسیعی در شهر ایجاد شد.

بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی اولین مأموریت من از طرف حضرت امام به اتفاق آیه الله محسنی گرگانی طی حکمی که صادر نمودند برای رفع اختلافات شهرستان درود بود. مرحله نزاعها در آن شهرستان به حدّ زیاد بالا گرفته و طرفین مسلّح بودند هر لحظه احتمال خونریزی و کشتار می رفت که به لطف خداوند موفق شدیم با توقف ده روز در آن شهرستان منازعات را حل کنیم. بعد از مراجعت به قم به فاصله کوتاهی به عنوان نماینده امام در پایگاه هشتم شکاری اصفهان (پایگاه شهید بابایی) مشغول خدمت شدم، درست در زمانی که منافقین کوردل با نفوذ عوامل خود در مراکز نظامی و طرح توطئه خطرناک انحلال ارتش و شعار فریبنده ارتش بی طبقه توحیدی تصمیم داشتند بازوان نیرومند نیروهای مسلّح را از نظام اسلامی بگیرند غالب روزها در پایگاه از ناحیه همین عوامل بلوایی برپا بود و با توجه به اینکه مدرنترین هواپیماهای جنگنده (اف ۱۴) در این پایگاه مستقر بودند خطر بسیار جدی می نمود. آن روزها از طرف دیگر سرکرده فعلی نهضت آزادی (دکتر یزدی) پیشنهاد فروش و به عبارتی پس دادن این هواپیماها را به آمریکا مطرح می کرد آن هم با قیمتی بسیار نازل که اگر نبود هوشمندی فوق العاده حضرت امام و یاران صدیق و وفادار او شاید این پایگاه مهم

وحسّاس که نقش ارزنده‌ای در دوران دفاع مقدّس از خود نشان داد به سمت سقوط می‌رفت، یک سال در آن پایگاه ماندم سپس به تهران آمدم و مسؤولیت عقیدتی سیاسی نیروی هوایی را به عهده گرفتم. بعد از دوران چندساله در این مسؤولیت دفتر مشاورت امام در نیروی هوایی را تأسیس کردم. نقش من در دوران مسؤولیت در پایگاه و در عقیدتی سیاسی و دفتر مشاورت امام شناسایی و به کارگیری جوانهای با اخلاص در مسؤولیتهای مختلف در نیروی هوایی بود، از همان ابتدا با افرادی همچون شهید بابایی، شهید اردستانی و از این قبیل ارتباط نزدیک داشتم. خاطرات زیادی با شهید بابایی دارم که در هیچ جا نوشته نشده، از دوران ستوانی او تا پایان عمرش که در درجه سرتیپی بود، ارتباط ما با او و هم‌رزمش مرحوم شهید صیّاد شیرازی چه در جبهه جنگ و چه در پشت جبهه برقرار بود.

مدتی را که در دفتر مشاورت امام خدمت می‌کردم تحت اشراف و مسؤولیت مقام معظم رهبری بود و ارتباط من با معظم له از همان آغاز خدمت در ارتش برقرار شد و این ارتباط روز به روز بیشتر و قوی‌تر شد به گونه‌ای که در بیشتر سفرهای داخلی و بعضاً خارجی در زمان ریاست جمهوری ایشان در خدمت ایشان بودم تا اینکه بعد از رحلت امام (رض) ایشان عهده دار مقام منیع رهبری نظام شدند از آن زمان تا کنون ۱۲ سال می‌گذرد که هر سال نه هر ماهش خاطرات فراوانی دارم که در این مختصر نمی‌گنجد. در طول این مدت مسؤولیت دفتر معظم له را عهده دارم تا خدا چه مقدر فرموده باشد.

فرج الله شریفی گلپایگانی

کتاب آزاد اندیشی خیام و حافظ از او در سال ۱۳۷۸ چاپ شده است .

حجة الاسلام والمسلمین سید فضل الله تهامی

این جانب سید فضل الله تهامی فرزند مرحوم سید عطاء موسوی تهامی رحمه الله علیه فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید محمد تهامی فرزند مرحوم حجة الاسلام سید محیی الدین در قریه رباط ملک علی از توابع گلپایگان در سال ۱۳۲۴ شمسی در خانواده مذهبی متولد شدم و تحصیلات ابتدایی خود را در خدمت مرحوم حجة الاسلام آقای حاج شیخ علی اعجازی (ره) و مرحوم حجة الاسلام آقای آقا جواد نخعی (ره) در گوگرد گلپایگان گذراندم و سپس از گلپایگان عازم شهرستان اراک و در مدرسه آقاضیاء الدین ساکن شدم و از محضر مرحوم استاد حجة الاسلام آقای شیخ قنبر رفیعی (ره) و مرحوم آیه الله آقای محمد انجدانی استفاده کردم و بعد از دو سال ونیم که در اراک تحصیل نمودم عازم شهرستان مذهبی قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی رحمه الله علیه به تحصیلات خود ادامه داده و از محضر آیه الله شهید دکتر بهشتی استفاده نموده و لمعتین را از محضر اساتید معظم آیه الله صلواتی و آیه الله فاضل هرنندی و رسائل را از محضر آیه الله اعتمادی و مکاسب و کفایه را در درس آیه الله العظمی فاضل لنکرانی مدظله شرکت و دروس خارج فقه را از محضر آیه الله

العظمی گلپایگانی رحمه الله علیه وآیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی
رحمة الله علیه وحضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی
گلپایگانی وآیه الله العظمی مکارم شیرازی استفاده کردم.

ضمناً دارای تألیفاتی هستم به نام:

۱- سیری در فلسفه احکام.

۲- قرآن معجزه جاوید.

۳- اسرار پیشرفت مسلمین، که چاپ شده است و کتابهای دیگری
به نام دلائل خداشناسی و حکومت امام زمان (عج) و داستانهای اسلامی تألیف
نموده ام که چاپ نشده است و در تهران و شیراز و کاشان و گلپایگان و چندین
روستای کشور، تبلیغات دینی نموده ام. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ
العالمین.

دانشمند گرامی قاسم صافی گلپایگانی

مؤلف کتابهای:

- ۱- مؤلف سفرنامه پاکستان که در سال ۱۳۶۶ چاپ شده.
- ۲- و عکس های قدیمی ایران که در سال ۱۳۷۴ چاپ شده.
- ۳- و نامه ها و نوشته های طباطبائی چاپ تهران.

قاضی زاهدی (مکرر شماره ۳۲ در جلد اول)

سر سلسله قاضی زاهدی ها مردی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار و از
نامداران روزگار بوده از طرف سلاطین صفویه برای قضاوت شرعی بین

مردم گلپایگان ونواحی آن منصوب گردیده و شیخ الاسلام عهد وزمان خود بوده و چون در زهد و علم و ورع و تقوا به پایه اعلی رسیده مشهور به قاضی زاهد گردیده .

بیت چند صد ساله او بیت علم و تقوا و فضیلت است و از باقیات الصالحات اوست مقبره و پل قاضی زاهد .

حجة الاسلام حاج آقا محمد اقدسی (گلپایگانی)

حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا محمد اقدسی معروف به «مقدس گلپایگانی» از جمله وعّاظ و خطبای گلپایگان و تهران بودند .
آن خطیب و ارسته فرزند مرحوم رضوان جایگاه آقا سید حسین بن سید محمد مقدس بودند که در سال ۱۲۷۲ شمسی (۱۳۱۲ هجری قمری) در قریه «گوگد» گلپایگان متولد شد . تحصیلات مقدماتی و ادبیات را نزد والد خود و سطوح را از سیوطی و حاشیه و برخی کتب دیگر را نزد استاد بزرگوارش مرحوم آخوند ملا محمد تقی رضوان الله علیه فرا گرفت . سپس برای تکمیل تحصیلات عازم سلطان آباد (اراک فعلی) گردید . اما پس از چند سال اقامت در اراک ناچار به گلپایگان بازگشت و از ادامه تحصیل بازماند و به تبلیغ دین پرداخت .

ایشان در باره علت بازماندن خود از ادامه تحصیل می گفت :
«ازمان تحصیل و تلمذ در مدرسه علمیه سپهدار اراک (فعلاً به نام حوزه علمیه حضرت امام خمینی است) که با طلبه دیگری هم حجره بودیم ، دچار

بیماری و تب شدید شدم که چند ماه طول کشید. در آن مدّت از شدت بیماری و تب غالباً از هوش می رفتم و طلبه هم حجره ایم پس از درس و بحث خود، زحمت مداوا و پرستاری مرا به عهده داشت.

یک روز بین الطلوعین در عالم رؤیا دیدم در یک اتاق بزرگ، رسول خدا ﷺ جلوس فرموده و سمت راست آن حضرت، امیرالمؤمنین علی ﷺ و حضرت زهرا ﷺ و سمت چپ حسنین ﷺ نشسته اند.

من هم به احترام آنها در کناری بیرون اتاق هستم، مثل اینکه وظیفهٔ درباری و نوکری پنج تن بزرگواران آل عبا ﷺ را دارم. چیزی نگذشت که رسول خدا ﷺ و همراهان از جا برخاستند و در حالی که حضرت زهرا ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ در طرفین و حسنین ﷺ به دنبال آنان بودند، از اتاق بیرون آمدند. هنگام عبور آن بزرگواران، حضرت زهرا ﷺ دست مبارك خود را بر سرم گذاشتند و مهربانانه فرمودند:

برخیز فرزندان!

از شوق این تفقّد و مرحمت گریه ام گرفت. بلند شدم و سر از پا شناخته با اشتیاق دنبالشان دویدم تا وظیفهٔ نوکری خود را انجام بدهم یک وقت به هوش آمدم که مقابل پستوی حجره ایستاده بودم و دست هارا به تمنا سوی قبله دراز کرده بودم و اشک می ریختم.

از آن روز حالم بهبود یافت. به «گوگرد» برگشتم تا دوران نقاهت را بگذرانم. اما وقایع متوالی از جمله درگذشت مرحوم پدرم پیش آمد که دیگر توفیق ادامهٔ تحصیل مستمر نیافتم و تصمیم به منبر و نوکری خاندان پیغمبر ﷺ گرفتم.

در عین حال به مطالعات خود ادامه داده و در اغلب جلسات مباحثه

علما و فقها و محققین و مجتهدین که از اول هر هفته تا چهارشنبه به طرز دوره ای در منزل یکی از «اهل جلسه» تشکیل می شد به تناوب شرکت نموده و تلمذ می کردم.

پس از آنکه از گلپایگان به قم و از آنجا به تهران انتقال یافتیم، خانه ما هم یکی از محل های تشکیل این جلسات مباحثه بود. یک بار در حدود سال های ۲۷- ۲۸ یا ۲۹ آیه الله العظمی گلپایگانی اعلی الله مقامه الشریف که به تهران تشریف فرما شده بودند نیز جلسه متشکله در منزل ما را به قدوم شریف مزین و همه حاضرین جلسه را سرافراز فرمودند.

مرحوم حاج آقا محمد اقدسی (مقدس گلپایگانی) که یکی از وعاظ نامدار گوگرد و گلپایگان و سپس غرب تهران بودند، بیانی جامع و رسا توأم با اخلاص و ارادت قلبی به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام داشتند.

سال ها اهالی گوگرد و گلپایگان و مردم اکثر دهات منطقه، و پس از انتقال به تهران، ساکنین غرب این شهر بزرگ را مستفیض می کردند.

آن سخنران فاضل و وثیق از آیات عظام و مراجع عالی مقام معاصر خود کثر الله امثالهم: آیه الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آیه الله العظمی بروجرودی، آیه الله العظمی گلپایگانی، آیه الله العظمی حکیم، آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری و آیه الله العظمی امام خمینی نورالله مضاجعهم دارای اجازات کتبی بود.

مرحوم حاج آقا محمد اقدسی (مقدس گلپایگانی) قلمی شیوا و خطی زیبا داشت.

کَلکِ بدایعِ نگارِ آن سید بزرگوار که یک دلباخته سر از پا نشناخته نسبت

به ترویج احکام و تبلیغ دین مبین اسلام و ذکر احادیث و مناقب و مصائب ائمه اطهار (علیهم السلام) بود، یک کتاب بیش از ۴۵۰ صفحه ای به قطع خشتی در زمینه سخنرانی هایش که مشتمل بر حقایق قرآنی و مباحث تاریخی انبیا و تاریخی اسلامی است تألیف و با قلم ریز به خط زیبای شکسته خود نوشته است.

و نیز یک سفرنامه تقریباً یکصد صفحه ای به قطع جیبی از نخستین سفر حج خود نوشته که بسیار جالب و آموزنده و خواندنی است.

در مبحث «ارث» نیز یک جدول نسبتاً بزرگ به خط خود تنظیم نموده. و آثار دیگر و دست نویس های ارزنده ای هم از ایشان به جای مانده که با توفیق الهی به چاپ خواهد رسید.

آن خطیب ادیب پس از ۷۹ سال زندگی در تیر ماه ۱۳۵۱ هجری شمسی دعوت حق را لبیک گفت. فعجزاه الله عن الاسلام خیر الجزاء از آن فقید سعید یک فرزند پسر و چهار دختر باقی مانده بود که دختر بزرگش (متعلقه آیه الله فرید گلپایگانی) درگذشت.

دختر دیگرش متعلقه حجة الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی حائری گلپایگانی است. فرزند پسرش نویسندگی پیشه کرده و در مطبوعات قلم می زند. دو دختر دیگرش نیز در تهران زندگی می کنند.

مرحوم حاج مقدس گلپایگانی در سالن بزرگ معصومیه قم که محل برگزاری مجالس ختم و سوگواری در کنار قبرستان مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی می باشد، مدفون است. والسلام

سید محمد علی گلپایگانی مقدس زاده

حجة الاسلام والمسلمین سید محمد محمودی موسوی گلپایگانی

این جانب در تابستان سال ۱۳۲۱ شمسی در گوگد گلپایگان در یک خانه کشاورزی متعلق به جدّم (مرحوم سید علی محمودی) دیده به جهان گشوده ام پدرم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد رضا محمودی از فضیله حوزة علمیه قم می باشد که در محضر مرحوم آية الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه وسایر مراجع وجلسات درس ایشان بهره های علمی برده اند ونیز از شاگران حوزة های درس آیات عظام گلپایگانی وخمینی رضوان الله علیهما بوده اند .

این جانب تحصیلات خود را عموماً در حوزة علمیه قم گذراندم وپس از پایان دوره ابتدایی از سال ۱۳۳۵ به آموزش مقدمات و صرف نحو عربی پرداختم دوره مقدمات و سطح را در زمان زعامت ومرجعیت مرحوم آية الله بروجردی رحمه الله امتحان دادم وبعد از رحلت ایشان با به پایان رساندن مکاسب وكفایه وامتحان دوره سطح وارد درس خارج فقه اصول شدم ودر سال ۱۳۴۱ در درس خارج فقه مرحوم آية الله گلپایگانی ودرس خارج اصول آية الله امام خمینی رحمه الله شرکت نمودم .

در کنار تحصیلات حوزوی به موجب احساس وظیفه شخصی به سفرهای تبلیغی وارشادی اشتغال یافتم واز ابتدا در قراء وقصبات وسپس در شهرهای مختلف به منبر وتبلیغ پرداختم ونظر به استعداد خاصی که در فن منبر وخطابه داشتم وپیشرفت هایی که به لطف الهی وعنايات اولیای دین

وائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعین نصیب گردید مورد تشویق مردم مسلمان و علمای اعلام و آیات عظام قرار گرفتیم مرحوم آية الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره الشریف منبر را صریحاً برای اینجانب وظیفه شرعی دانستند.

در ادامه کار منبر و سخنرانی با مشکلات مختلف و کارشکنی های مکرر عمال رژیم شاه مواجه می شدم و با لطف الهی و حمایت مردم مسائل و مشکلات رفع می گردید و گاهی از اوقات هم منجر به منع از منبر و تعطیل مجالس می شد.

در هنگام نهضت ۱۵ خرداد در گلپایگان به تبلیغ اشتغال داشتم و پس از آن ماجرا در محدودیت و فشار بی سابقه ساواک و پلیس قرار گرفتم و این وضع تا آزاد شدن امام خمینی از بازداشت اول ادامه یافت و پس از بازگشت امام تا دستگیری بعدی و تبعید به ترکیه گشایش نسبی حاکم بود سرانجام در حادثه مدرسه فیضیه (روز ۲ فروردین سال ۱۳۴۲) که مصادف با شهادت حضرت صادق (علیه السلام) بود شرکت داشتم و در آن روز مجلس روضه از طرف مرحوم آية الله گلپایگانی اعلی الله مقامه تشکیل گردیده بود ولی قبل از آغاز مجلس از ساعت ۲ بعد ظهر آن روز جمعیتی در حدود ۷۰۰ نفر از مأمورین ارتش و ساواک فضای اصلی جلسه را اشغال کردند و پس از شروع مجلس اقدام به صلوات های بی مورد و ایجاد به نظمی در مجلس نمودند. آنان که در پوشش دهقان برای سرکوب طلاب و حمایت از خلاف کاری های رژیم شاه طبق دستور رژیم به مجلس آمده بودند پس از شروع سخنرانی مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج انصاری قمی واعظ در جلو منبر ایشان اقدام به دعوای ساختگی کردند و بنده با دو نفر دیگر که مراقب اطراف منبر بودیم

آن را ساکت نمودیم و سخنرانی ادامه یافت ولی پس از پایان یافتن مجلس این گروه به طور منظم وبا دستور فرمانده ایشان که در وسط آنها دیده می شد به طرف طلاب حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند بسیاری از جمعیت از مدرسه خارج شدند ولی عده ای هم باقی ماندند سرانجام با استمداد آنان از پلیس شهربانی طبقه دوم و پشت بام مدرسه را اشغال نمودند و تا مدتی به سنگ پرانی در مدرسه پرداختند در این ماجرا یک نفر کشته و عده ای مجروح شدند و در طول این مدت مرحوم آیه الله گلپایگانی قدس سره و داماد ایشان آیه الله سید مرتضی علوی و والد معظم و آقای انصاری واعظ و بعضی از فضلا در حجره جنب مدرسه فیضیه محبوس بودند، در فاصله ای کمتر از دو ساعت مدرسه به ویرانه تبدیل شد در برخی موارد لباس ها و کتاب های طلاب را از حجره ها بیرون ریختند و آتش زدند و با شعار جاوید شاه به برنامه دیکته شده خاتمه دادند تا سرانجام در حدود ۲ ساعت از شب گذشته مدرسه را تخلیه کردند ولی بعضی از فرماندهان آنان هنوز در صحنه بودند در این هنگام مرحوم آیه الله گلپایگانی و بعضی از علما از راه مدرسه دارالشفای خارج شدند و ما طلاب نیز از مدرسه بیرون رفتیم. انعکاس این جریان به طور کلی به ضرر رژیم شاه تمام شد و حرکت نهضت را تسریع کرد تا پس از گذشت ۱۵ سال به انقلاب و پیروزی انجامید.

در طول سال های تبلیغ و منبر در شهرهای مختلف ایران توفیق ترویج و انجام وظیفه دینی داشتم و در بسیاری از موارد با تهدید و ارباب و جلب به مراکز شهربانی و ساواک مواجه بودم و در برخی موارد کار به تعطیل جلسه و منع از منبر کشیده می شد ولی در همه این مراحل عنايات الهی و توجه ائمه معصومین علیهم السلام حقیر را کارساز بود و به فضل خداوند در انجام وظیفه کوتاهی

حاصل نگردید.

برنامه های تبلیغی بنده در شهرهای گلپایگان، اصفهان، سمنان، دامغان، قم، رفسنجان، کرمان، تهران، یزد، شهرهای مختلف مازندران و خراسان تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت و پس از آن نیز در سال های سکونت در قم تا سال ۱۳۷۰ شمسی بدون وقفه ادامه یافت.

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل نهادهای مختلف بنا به دعوت مسئولین محترم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در جلسه گروه مشورتی تبلیغی حوزه علمیه به عنوان عضو وارد شدم و پس از مدتی به عنوان یکی از مسئولین آن گروه به کارشناسی مبلغان برجسته حوزه و توجیه آنان جهت اعزام به شهرها در مواقع تبلیغ ادامه دادم جلسات این گروه هر هفته شب های پنجشنبه تشکیل می شود و با سرپرستی مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای فلسفی قدس سره سخنرانی های مبلغان حوزه مورد نقد و ارزیابی قرار می گرفت و از راهنماییهای ایشان همه بهرمند می شدند. این جلسات در رشد و اعتلای مبلغان و سخنوران حوزه نقش سازنده و خوبی داشت در ادامه کار گروه مشورتی دفتر تبلیغات جهت تربیت مبلغ و آموزش منبر کلاس های منظمی را تحت عنوان (آموزش فن خطابه) تشکیل داده و از اعضای گروه برای تدریس این فن استفاده گردید.

برخی از کلاس های فن خطابه نیز به عهده اینجانب واگذار شد که در هر سال دو دوره تدریس انجام می گردید بیش از ۵ سال تدریس فن خطابه را در کلاس های یاد شده به عهده داشتم.

با شروع کار دانشگاه ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی از طرف بخش دانشگاهی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای تدریس در دانشگاه تهران

دعوت شدم و به تدریس دروس معارف اسلامی (عقائد - اخلاق اسلامی - تاریخ اسلام) پرداخته و درس تخصصی (مبانی فقهی اقتصاد اسلامی) نیز از سوی مسئولان به عهده اینجانب گذاشته شد و شروع به تدریس بنده در دانشگاه از سال ۱۳۶۲ بوده است.

و در سال ۱۳۷۲ به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران در آمدم و کار تدریس را همچنان تاکنون ادامه داده ام.

پس از عضویت در هیئت علمی دانشگاه بنا به درخواست مردم یکی از مساجد تهران (مسجد الزهراء علیها السلام) از مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس الله نفسه الزکیه به امر ایشان جهت اقامه جماعت و اداره امور مردم به تهران انتقال یافتم و تاکنون به ادامه این وظیفه نیز اشتغال دارم.

و در سال ۱۳۷۴ با نگارش رساله علمی فقه استدلالی از طرف شورای مدیریت حوزه علمیه قم گواهینامه (مدارج علمی رتبه ۴) دکترای حوزوی را نیز دریافت نمودم.

مهم ترین اساتید حقیر در طول زمان تحصیل در حوزه علمیه قم به شرح زیر است.

الف) دوره مقدمات : ۱ - حاج شیخ رحمت الله فشارکی ۲ - مرحوم حاج اصغر آقا کنی ۳ - حاج شیخ قاسم نحوی ۴ - آقای جلالی خمینی ۵ - آقای کاظمی اصفهانی

ب) دوره سطح ۱ : ۱ - آقای بنی فضل ۲ - آقای ستوده اراکی ۳ - آقای سید ابوالحسن حسینی بابلی ۴ - حاج شیخ مصطفی اعتمادی ۵ - حاج آقا شهاب الدین اشراقی

ج) دوره سطح ۲ : ۱ - آقای حاج میرزا علی مشکینی ۲ - آقای حاج

شیخ جعفر سبحانی ۳- آقای ستوده ۴- آیه‌الله حاج شیخ لطف الله صافی
گلپایگانی ۵- آیه‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی

(د) دوره خارج فقه و اصول: ۱- آیه‌الله امام خمینی ۲- آیه‌الله
العظمی گلپایگانی ۳- آیه‌الله حاج میرزا هاشم آملی ۴- آیه‌الله وحید
خراسانی

هـ) فلسفه و منطق و کلام: ۱- شهید دکتر مفتح ۲- آیه‌الله سید مرتضی
علوی ۳- آیه‌الله جوادی آملی

تألیفات:

الف- آثار چاپ شده:

۱- سیری در اقتصاد اسلام و مارکسیسم- قم انتشارات آزادی سال
۱۳۶۰

۲- در قلمرو شناخت (معرفت شناسی) تهران انتشارات سروش
۱۳۶۱

۳- خداشناسی به روش استدلالی- قم انتشارات آزادی سال ۱۳۶۳

۴- فقه اقتصاد اسلامی- تهران نشر گلستان کوثر ۱۳۷۹

ب- آثار خطی:

۱- اخلاق و تربیت در اسلام (مباحث اخلاق نظری و علمی) متن درس
در دانشگاه تهران

۲- نبوت و امامت (امام شناسی و پیامبر شناسی استدلالی) متن درس
در دانشگاه تهران

۳- الحیة الطیبة (مجموعه قرآنی و حدیثی فصل بندی شده در
موضوعات مختلف اعتقادی و اخلاقی).

۴- منهاج الفقاهة (تقریرات درس فقه مرحوم آية الله العظمی آقای گلپایگانی رحمه الله)

۵- ربا وبانكداری از دیدگاه اسلام (مباحث فقهی واقتصادی در باره ربا وبهره وسود)

۶- رساله الاحتكار فی الفقه الاسلامی (فقه استدلالی در احكام احتكار)

۷- دیوان اشعار (مجموعه سروده های اینجانب در طول سال های تحصیل تاکنون)

این جانب از سن ۱۴ سالگی به شعر علاقه فراوان داشتم واشعار شعرارا مورد مطالعه وبررسی قرار می دادم واز همان زمان شروع به سرودن اشعار در مدح ومنقبت پیغمبر اکرم وائمه معصومین علیهم السلام نمودم ودر مناسبت های مختلف اشعارم به طور مستقل ویا در روزنامه به چاپ می رسید ومورد تشویق آقایان علما واساتید قرار می گرفتم سروده های بنده در قالب های مختلف شعری از قبیل غزل، مخمسات، رباعیات مثنوی می باشد.

برای نمونه چند قطعه از سروده های خود را به محضر خوانندگان ارجمند تقدیم می نمایم واز همه خواستار دعا هستم.

بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين

ای گل نشانه تو به زیبایی	وای سرو، آیت تو ز رعنائی
ای غنچه از لبان تو تصویری	نرگس چو چشم تو است به شهلایی
خورشید از جمال تو نور افشان	ماه از حلاوت تو تماشایی
ریزد ستاره از کف پر مهتر	بر طاق ژرف گنبد مینایی

شمعون کجاست تا که ترا ببند	بخشی ز لطف نقش مسیحایی
موسی کجاست تا که برد حیرت	از آن عصا وزان ید بیضایی
ای زاده رسول خدا احمد	ای نو نهال گلبن زهرایی
ای نور چشم نرگس و ذی العسکر	ای خاتم وصایت و مولایی
دنیای ما ز ظلم و سیه روزی	درهم نگر چو زلف چلیپایی
عالم ز ظلم نوع بشر گردید	پر از فساد خشکی و دریایی
هر جا که بنگری همه خونریزی	از هر چه بشنوی همه رسوایی
در انتظار باد صبا مرغان	مردند در شکنجه شیدایی
ای وارث علوم رسول الله	بگشای راز دفتر دانایی
کوره چاره؟ آنچه تواندیشی	چون است حکم؟ آنچه تو فرمایی
بر خیز و مسلمین فلسطین را	آزاد کن ز ظلم یهودایی
ای حجت خدا به خدا رحمی	مردیم آخر از غم تنهایی
ای نور حق بیا که جهان اکنون	افسرده شد ز ظلمت یلدایی
جان های دوستان تو بر لب شد	از دست شد توان شکیبایی
ای باغبان بیا که حرامی سوخت	نخل حیا و گلشن تقوایی
تا کی بناله (موسوی) از هجرت	چشم انتظار توست که باز آیی

دیماه ۱۳۷۳

ذره در میقات

من کیستم من چیستم یک ذره فانیستم

لیک از فروغ عشق حق چون کوکب دریستم

بیرون شدم از آب و گل گشتم خدیو ملک دل

در عشق او شد مضمحل یکباره هست و نیستم

من قطره ای بی قیمتم کز بحر این شد قسمتم
 گشتم به دریا متصل وز این سبب باقیستم
 دنیا و مافیها مرا هز گز نمی سازد رضا
 من مرغ شاخ سدره ام من زاغ دنیا نیستم
 گر جلوه ای از نور او تایید مرا از طور او
 چون موسی عمران بود خود دست بیضایستم
 در شوق آن بیت عتیق دل داده از فجی عمیق
 تاراه ابراهیم را چون حاجیان راهیستم
 چون پا نهادم در حرم شد جلوه گر حسن اتم
 فارغ شدم از بیش و کم زان نور ربانیستم
 میقات را دیدم چویم مواج تا ملک قدم
 من ذره کز کتم عدم بر ساحلش جاریستم
 لبیک گفتم بر زبان کز ذکر آن لرزد روان
 تا آید از سویش امان در ناله وزاریستم
 بهر طواف کعبه چون خود پا نهادم در حرم
 دریافتم جمعم که راهی سوی یکتائیستم
 کردم به نیت چون قیام بهر نماز اندر مقام
 آنکه شدم در بحر رحمت غرقه چون ماهیستم
 رفتم به مروه از صفا تا عهد بنمایم وفا
 در ملتزم در ندبه ها چون مجرمی عاصیستم
 کردم حجر را استلام بهر عبودیت قیام
 با عذر تقصیر آمدم نی بنده ای یا غیستم

این خانه کز عزّ و جلال بستوده آن را ذوالجلال
هرگز نمی یابد زوال گر هستم و گر نیستم
ساقی بیاور در برم زان می که چو نش بنگرم
بینم که هم جام و می و هم طلعت ساقیستم
زان می که هشیارم کند از خواب بیدارم کند
فارغ زاغیارم کند آگه کند از چیستم
زان می که عقل آرد به سر و ز جهل بزدايد اثر
گوید که رمز انفسی یار از آفایستم
زان می که پاک است و ظهور جان را نماید غرق نور
وز سر برد کبر و غرور از جام عرفانیستم
جامی ده از خمّ غدیر از ساغر حبّ امیر
در دام مهرش چون اسیر در عشق او فانیستم
سلطان ملک معدلت ماه سلونی منزلت
هرکس به او آرد پناه گوید تورا منجیستم
کی منع از آبم کند البتّه سیرابم کند
خود گفت روز حشر بر کوثر چو من ساقیستم
کن «موسوی» کوه سخن را راه تقوی گام زن
خود شافعت از امر حق در عالم باقیستم
مکه معظمه ۱۸ ذی حجه ۱۴۲۰
بمناسبت رحلت جانگداز رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام
خمینی (ره):

آن پیشوای عارف و آن رهبر فقیه روح خدا و ملجأ مستضعفان برفت

او بود روح جاری حق در تنِ زمان افسوس و آه کز تن دوران روان برفت
 روح خدا خمینی آن قائد بزرگ چشم از جهان بیست وز تن ها توان برفت
 آن اسوه مقاومت و مظهر شرف کاز انقلاب داد به اسلام جان، برفت
 شیر دلیر پیشه حق کز صلابتش در لرزه بود پیکر اهریمنان برفت
 فقدان اوست ثلمه اسلام و انقلاب ...

حاج شیخ محمد قرنی

فرزند حسن در سال ۱۳۳۴ قمری در گوگرد گلپایگان متولد شده،
 تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطح را در مدرسه مرحوم آیه الله وحید در
 گوگرد گذرانیده و بعداً به قم عزیمت نموده است.

اساتید ایشان در قم: آیه الله گلپایگانی، و آیه الله خوانساری و علمای
 بزرگ دیگر در آن زمان. و ادبیات را نزد آیه الله حاج آقا علی افتخاری خوانده
 است.

ایشان حسب الامر حضرت آیه الله گلپایگانی به شهر ورامین اعزام شد
 و چند سالی در آن خطه به امامت جماعت و تبلیغ احکام و معارف دینی
 پرداخته و تا پایان عمر در ورامین بود.

در آخرین سفر حج خود در سانحه تصادف از دنیا می رود و در همانجا
 دفن می شود. ^(۱)

(۱) به گنجینه ۶۸۲/۴ نگاه کنید.

حجة الاسلام والمسلمین محمد اکرمی

وی در آبان ماه سال ۱۳۳۸ هـ در گوگرد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید واحکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن واحکام اسلامی را فرا گرفت، سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدایی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.

سال آخر دوره ابتدایی یعنی پنجم دبستان^(۱) را طی می کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا صادق^(۲) به آن مدرسه رفت و شب را در آن جا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر مذهبی عزیمت کند و با اصرار او و موافقت والدین در سال ۱۳۵۰ هـ. ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دروره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.

(۱) از آن سال دوره ابتدایی از شش سال به پنج سال کاهش یافت.

(۲) این مدرسه در خیابان چهارمردان واقع شده و از جمله مدارس بود که تحت پوشش حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی قرار داشت.

پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگوارى چون حضرات آیات: محسن دوزدوزانى، محمدتقى ستوده (ره)، محى الدین فاضل هرندى، و... تلمذ نموده و در نهايت در سال ۱۳۶۳ هـ. ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که ۱۶ سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام: محمدفاضل لنکرانی، حسین علی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمدعلی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می رسد که به صورت دست نویس نزد ایشان موجود است.

همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می کرد. در سال ۱۳۵۴ هـ. ش همراه طلاب و فضلا در جلسه ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ هـ. ش برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می آمد. در سال ۱۳۵۶ هـ. ش به اتفاق جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمدعلی نکونام^(۱) سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانی های افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام: امام خمینی و گلپایگانی (ره) و... دستگیر و بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه های نظامی و فرمایشی شاهنشاهی

(۱) نامبرده هم اکنون امام جمعه محترم شهرستان گلپایگان است.

محاکمه و به دو سال حبس محکوم گردید.

دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال ۱۳۵۷ هـ. ش پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت. پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.

و چون یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلاء حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی، اولین سفر تبلیغی خود را در سال ۱۳۵۴ هـ. ش به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

او در کنار تحصیل و تبلیغ و فراگیری علوم اسلامی، از سال ۱۳۶۷ هـ. ش در مرکز تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم پژوهش کرده تاریخ و سیره به تحقیق و پژوهش در مسائل تاریخی و سیره معصومان پرداخت، و در تهیه و تولید نرم افزار اهل بیت فعالیت شایسته داشت^(۱)، افزون بر همکاری در تهیه این برنامه، طی فعالیت های

(۱) این نرم افزار که اولین و گسترده ترین برنامه موضوعی در زمینه علوم اسلامی و سیره معصومان است که از قابلیت های بسیار بالایی برخوردار بوده که طی مصاحبه های متعدد از رسانه های عمومی کشور منتشر شده و هم اکنون که مراحل پایانی را طی می کند در بردارنده حدود ۱۰۰۰ جلد کتاب و قریب به ۲۰۰۰ موضوع پیرامون زندگی معصومان (علیهم السلام)

عرضه شده و مورد استفاده محققان و فرهنگ دوستان قرار گرفته است.

علمی و تحقیقاتی جزوات و تألیفاتی نیز از نامبرده منتشر شده و برخی نیز در دست انتشار است. از جمله آن‌ها:

۱- حجّیت، سنّت و عترت علیه السلام، مقاله، منتشره در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی.

۲- راویان مشترك از امام علی علیه السلام، مقاله، منتشره در کنفرانس وحدت بین‌المللی وحدت اسلامی.

۳- علی علیه السلام و حکومت، مقاله، منتشره در کنگره امام علی علیه السلام.

۴- علی علیه السلام و بیست و پنج سال سکوت، مقاله، منتشره در کنگره امام علی علیه السلام.

۵- امر به معروف و نهی از منکر، مقاله، منتشره در ره‌توشه دفتر تبلیغات اسلامی.

۶- کتاب زمان و مکان و سیره اهل بیت علیهم السلام، منتشره در کنگره زمان و مکان.

۷- کتاب پژوهشی در شیوه‌های تبلیغی ائمه علیهم السلام، در دست تدوین.

۸- نماز در نگاه قرآن، مقاله.

۹- اهل بیت در قرآن و سنّت، مقاله.

۱۰- امام علی علیه السلام و وحدت امت اسلامی، مقاله، منتشره در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی.

نامبرده علاوه بر تحصیل و تألیف از سال ۱۳۷۴ هـ. ش تا کنون در دانشگاه‌های مختلف تهران به تدریس دروس تاریخ اسلام و معارف اسلامی و ... اشتغال داشته و دانشجویان زیادی از دروس وی بهره برده‌اند.

حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد منتظری

این جانب محمد منتظری فرزند عباس متولد ۱۳۱۲ در گوگد گلپایگان در خانواده ای مؤمن و محبّ اهل البيت علیهم السلام و روحانیت و کشاورز، در دوران کودکی و نوجوانی پس از فراگیری قرآن و کتب فارسی و قسمتی صرف ونحو، در سال ۱۳۲۸ به قم المقدّسه آمد و سطوح را نزد اساتید عالی قدر: آیات الله سبحانه، نوری همدانی، صافی و خارج را نزد مرحوم آیه الله بروجرودی، آیه الله گلپایگانی و امام خمینی رحمه الله علیهم اجمعین سپری نمود و از سالهای ۴۰ تا آغاز پیروزی انقلاب از طرف مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی در ملایر و شهریار به انجام وظیفه مقدس تبلیغ مشغول بود و پس از پیروزی انقلاب از طرف حضرت امام قدس الله نفسه الزکیه مأمور به اقامه نماز سیاسی عبادی جمعه در یکی از شهرهای خوزستان شدم که در حال حاضر در این سنگر مقدس اشتغال دارم و فقنی الله وایاکم و جمیع اخوانی المسلمین، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۲ ذوالحجّة ۱۴۲۱ - محمد منتظری گلپایگانی

حاج سید محمد تهامی

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد تهامی فرزند میرزا سید محمود متولد در قریه رباط ملک علی از توابع گلپایگان در خانواده مذهبی متولد شده، تحصیلات ابتدایی و مقدمات را در گلپایگان و بعد در شهر مقدس قم از محضر اساتید و علما استفاده و در درس خارج مرحوم آیه الله

العظمی گلپایگانی شرکت می نموده است و بعد حسب الامر ایشان به کمال آباد کرج جهت تبلیغ احکام و معارف دینی و ارشاد اعزام شدند و حدود ده سال در آنجا بودند و سال وفات ایشان حدود سال ۱۳۶۷ هجری شمسی می باشد.

ایشان عموزاده حجة الاسلام والمسلمین حاج سید فضل الله تهامی است. ^(۱)

محمد افتخاری گلپایگانی

مؤلف گزیده ای از مسائل و فرهنگ نامه حج که در سال ۱۳۷۵ چاپ شده است.

سید محسن محمودی گلپایگانی

فرزند حجة الاسلام والمسلمین سید مرتضی محمودی. ایشان مؤلف کتاب مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید و فرازهایی از زندگانی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و مدیر هفته نامه فرهنگ اسلام است.

حاج شیخ محمد ابراهیم زارعی

این حقیر محمد ابراهیم زارعی گلپایگانی فرزند مرحوم مشهدی حسین، دوم فروردین ۱۳۲۴ شمسی در محل معروف به چال سفلی در شهر

(۱) نقل از حاج سید فضل الله تهامی.

گلپایگان در خانواده ای کشاورز و کارگر با زندگی بسیار ساده در عین حال مذهبی به جهان دیده گشودم، از آنجا که مادرم قبل از به دنیا آمدنم از پدرم جدا گشته بود، سرپرستی و حفاظت این حقیر را مادر بزرگم - مادر پدرم - و مرحوم پدرم به عهده گرفته بودند.

در سنّ شش سالگی با رحلت مادر بزرگم از محبّت های فراموش نشدنی او محروم گشتم، و از مهربانی های به یاد ماندنیش بی بهره شدم، و تمام زحماتم به دوش مرحوم پدرم افتاد، و در سنّ هفت سالگی وارد دبستان امین شدم، و دوره شش ساله ابتدایی آن زمان را در همان مدرسه با موفقیت به پایان رساندم، و از آنجا که مرحوم پدرم بضاعت مالی نداشت - و شاید هم به علل دیگر - از فرستادن من به دبیرستان صرف نظر کرد، در حالی که افراد زیادی به مرحوم پدرم می گفتند که درست نیست که فرزند خود را با این استعداد بالا و خوب از پیشرفت محروم نمایی و پدرم در جواب می فرمود توان مالی ندارم می گفتند ما تمام مخارج دوران تحصیلی دبیرستان را با تمام هزینه ای که در برداشته باشد تحمل می کنیم فقط تابستانها را دو ماه برای ما کار کند لیکن مرحوم پدرم با پیشنهاد آنان موافقت نکرد.

سرانجام از آنجا که مرحوم پدرم با این که سواد خواندن و نوشتن را هم نداشت شیفته علوم حوزوی بود، و منتهای آرزوی او تحصیل این جانب در حوزه علمیه بود، در مهرماه ۱۳۴۴ شمسی ابتدا در مدرسه مرحوم آقا ضیاء در شهر اراك مشغول تعلّم علوم حوزوی گشتم، و پس از سه ماه به اتفاق دو نفر که با آنان هم حجره بودم وارد حوزه مقدّس قم شدیم، و در مدرسه علوی مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی به تحصیل خود ادامه دادم، از سال ۱۳۴۵

علاوه بر تعلّم در مدرسه مرحوم آیة الله العظمی گلپایگانی به تدریس صرف و نحو اشتغال یافتم.

برنامه تدریس از ادبیات تا رسائل و مکاسب تا زمان همکاریم با دفتر انتشارات اسلامی ادامه داشت در دروس مقدّماتی از اساتیدی که برخی از آنان عبارت بودند از آقای واعظی، مرحوم شیخ حسین شایسته گلپایگانی که به حقّ، استادی شایسته بود، مرحوم فلاّح زاده که رحمت خداوند بر آنان باد، آقای امینی، آقای مقتدایی، آقای حاج شیخ حسن تهرانی، بهره مند گشتم.

در دوره سطح از آقای صلواتی، فاضل اصفهانی، آقای اشتیاردی، مرحوم آقای ستوده رحمه الله، آیة الله فاضل لنکرانی استفاده نموده ام، و جلد دوم شرح لمعه را در یک تابستان در شهرضا به پایان رساندم.

در دوره خارج فقه و اصول از آیات عظام: مرحوم حاج سید محمد رضا گلپایگانی، مرحوم میرزا هاشم آملی، مرحوم شیخ مرتضی حائری یزدی، حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، وحید خراسانی، ناصر مکارم مستفیض گشتم، و بهره گرفتم. در سال ۱۳۶۱ شمسی از طرف مرحوم آیة الله العظمی گلپایگانی به شهر گلپایگان رفتم، در آنجا به تأسیس حوزه علمیّه گلپایگان پرداختم، و عهده دار تدریس دروس حوزوی از ابتدا تا انتها که رسائل و مکاسب بود شدم، علاوه بر مسئولیت حوزه، وبنای ساختمان مدرسه، ستاد تبلیغات اسلامی حوزه و اعزام مبلغین در رمضان و محرم و صفر تشکیل دادم.

در سال ۱۳۷۱ شمسی به قم مراجعه کردم.

در سال ۱۳۷۲ شمسی از طرف مرکز مدیریت حوزه مقدّس قم جهت

تدریس رسائل، مکاسب و لمعه به شهر ورامین اعزام گشتم و در آنجا به مدت دو سال به تدریس اشتغال داشتم، و به قم باز گشتم و به مدت دو سال یکی از ممتحنین مرکز مدیریت حوزه بودم، و بعد به دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین رفتم و به تحقیق نهایی کتب از آن جمله ریاض المسائل از جلد نهم تا جلد ۱۴ که پایان آن است مشغول گشتم و تا هم اکنون به آن ادامه داده‌ام.

این حقیر دو تألیف دارم:

۱ - تحقیقی پیرامون ارث از دیدگاه امامیه که توسط دفتر انتشارات اسلامی در شرف چاپ است.

۲ - جامع النحو که مکفی از سیوطی و مغنی و کتب دیگر ادبیات است، لیکن تا کنون نسبت به چاپ آن به دلیل نداشتن بضاعت مالی اقدام جدی صورت نگرفته است که امیدوارم به فضل پروردگار وسیله چاپ آن نیز فراهم گردد.

محمد ابراهیم زارعی گلپایگانی

۱۳۸۰/۲/۱۲

حجة الاسلام والمسلمین محمد باقر قائدی

این جانب محمد باقر قایدی در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده مذهبی در گلپایگان متولد شده و پدرم از کسبه بنام شهر و مادرم صبیبه مرحوم حاجی علی رهبر از زهاد معروف گلپایگان بود.

تحصیلات ابتدائی تا سیکل را در زادگاهم گذرانده و در سال ۱۳۴۷ راهی حوزه مقدسه قم گردیدم. دروس مقدماتی حوزه، سطح تا رسائل را

در مدرسه مرحوم آیه‌الله العظمی آقای گلپایگانی (قدس سره الشریف) خواننده و از محضر اساتیدی وارسته چون طالقانی (جامع المقدمات) عالمی (سیوطی) قاضی زاهدی (احکام) باکوئی (حاشیه و نصاب الصبیان) فلاح زاده (مغنی) شوشتری (عقائد) صلواتی (تاریخ اسلام) مقتدائی (لمعتین) امینیان (قوانین) بنی فضل و ستوده (رسائل و مکاسب) طاهری خرم آبادی (کفایتین) و درسهای اخلاقی، تفسیری و کلامی را در محضر اساتیدی چون حاج شیخ محمد یزدی، شب زنده دار، جوادی آملی و مرحوم آقای حقی تلمذ نمودم. پنج سال در درس خارج فقه حضرت آیه‌الله آقای حاج شیخ حسین نوری همدانی و چند سال در درس خارج اصول حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی و آیه‌الله سبحانی و آیامی نیز در درس خارج فقه حضرت آیه‌الله صافی گلپایگانی حضور یافته و از فضائل علمی عملی و اخلاقی نامبردگان حظ وافر و بهره کافی را بردم.

در ماههای محرم و صفر و رمضان المبارک با تعطیلی رسمی درسهای حوزه راهی مناطق دور دست تبلیغی گردیده و انجام وظیفه می نمودم، ضمن حضور تبلیغی در شهر و روستا نسبت به ساخت مسجد، غسالخانه، تأسیس کتابخانه، ساختن راه، برق رسانی و حل و فصل امور مردم و عمران توجه داشته و اقدام می نمودم که تکمیل و ساخت مسجد کاویان از توابع گلپایگان و آب رسانی تا امامزاده همان روستا و اعزام طلبه از آن جمله است.

حدود ده تا پانزده نفر از داوطلبان و علاقمندان به تحصیلات دینی و طلبگی را به حوزه علمیه قم راهنمایی و معرفی نموده و مدیریت و امر تحصیل آنان را به عهده داشتم که اکنون بحمد الله از اساتید و خدمتگزاران به اسلام و مسلمین می باشند در زمان تبلیغ یک نفر سنی مذهب را شیعه و چند نفر مسیحی را به اسلام دعوت نموده و مسلمان شدند.

قبل از پیروزی انقلاب در تمامی تظاهرات ضد رژیم شرکت جسته و با سخنرانیهای پرشور و انقلابی چه به صورت عمومی در مناظر ویا در مجالس خصوصی در بسیج و تهییج توده های مردم و جوانان نقش ایفا می نمودم.

در ادامه تحصیلات جوزوی به دانشگاه راه یافته و حدود دو سال تا پیروزی انقلاب در دانشگاه اصفهان مشغول تحصیل بودم در آن مرکز امامت جماعت مسجد دانشگاه را به عهده داشتم و به تأسیس صندوق قرض الحسنه اسلامی اقدام نموده در تظاهرات و تحصنات دانشجویی شرکت جسته و چندین بار مورد سؤال و بازجویی گارد دانشگاه و ساواک شاه قرار گرفتم.

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت دینی و اسلامی به دست پر توان حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) و برآورده شدن آرزوهای دیرینه، در امور مختلف اجتماعی، سیاسی و انقلابی به فعالیت پرداختم و در تأسیس کمیته های انقلاب، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و چند دوره در امور انتخابات به عنوان معتمد شهر مسؤول امور اجرایی انتخابات سهمی داشتم و به عنوان رئیس نظارت شورای محترم نگهبان انتخابات گلپایگان انتخاب گردیدم.

با ائمه جماعات و امامان محترم جمعه گلپایگان از نزدیک همکاری و معاشرت داشته و در حوزه علمیه گلپایگان به عنوان استاد و مدیر داخلی فعالیت می نمودم. خرید چندین باب واحد مسکونی جهت توسعه حوزه گلپایگان از جمله اقداماتی بود که در زمان تصدی اینجانب و با ارشادات و راهنماییهای آیه الله زاده معظم آقای حاج سید جواد گلپایگانی انجام گرفت.

ده سال به تدریس معارف اسلامی دانشگاهی در سطح دانشگاههای پیام نور گلپایگان شهید بهشتی - علم و صنعت - و پرستاری تهران پرداختم

و ارتباط خود را از نزدیک با قشر دانشجو و تحصیل کرده حفظ نمود .
در جنگ تحمیلی چندین دوره به عنوان رزمی تبلیغی به مناطق جنگی اعزام شده و در پشت جبهه ها نیز با ارسال کمکهای مردمی ، جوانان رابه شرکت و اعزام در جبهه تشویق و ترغیب می نمودم . در چندین مانور عملیاتی شرکت جسته و با رزمندگان سرفراز همراهی داشتم .
اکنون در سن ۵۰ سالگی با داشتن دو فرزند پسر به نامهای عبدالقائم و عبدالحامد ، زندگی ساده و بی آلایشی را در تهران سپری می نمایم و ضمن شرکت در کلاسهای درس حوزه علمیه شرق تهران امامت جماعت مسجد ولی عصر (عج) را به عهده داشته و با شغل سر دفتری ازدواج امرار معاش می نمایم .

سلامتی رهبر عظیم الشان انقلاب و طول عمر مراجع معظم تقلید و عزت و سربلندی اسلام و مسلمین را از درگاه احدیت مسئلت دارم .
جمادی الاولی ۱۴۲۲ هجری قمری .

حجة الاسلام والمسلمین

حاج آقا محمد باقر موسوی گلپایگانی

فرزند حضرت آية الله العظمی سید محمد رضا موسوی گلپایگانی (قدس سره) در سیزدهم شعبان ۱۳۷۴ هجری قمری (۱۳۳۴ هجری شمسی) در شهر مقدس قم دیده به جهان گشودند ، و پس از گذراندن دوران ابتدائی و متوسطه از علوم جدید در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدند و مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه آية الله العظمی گلپایگانی گذراندند ، و سطوح فقه و اصول را نزد این اساتید : آية الله صلواتی ، آية الله

استادی، آیه الله شیخ مصطفی اعتمادی، آیه الله ستوده، آیه الله شیخ احمد پایانی فرا گرفتند، پس از گذراندن سطح به درس خارج فقه و اصول مشغول شدند، و حدود هشت سال در درس فقه پدر بزرگوارشان و ۷ سال در درس خارج اصول آیه الله سبحانی شرکت کردند و حدود ۱۰ سال است که در درس فقه و اصول آیه الله العظمی حاج شیخ حسین وحید خراسانی خوشه چینی می کنند.

و هم اکنون در بیت آیه الله العظمی گلپایگانی مشغول پاسخگوئی به مراجعین محترم می باشند.

حاج شیخ محمد تقی وحیدی

نام این جانب محمد تقی وحید و نام پدرم محمد حسین، در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در گلپایگان به دنیا آمدم.

مقدمات علوم دینیّه را تا لمعتین در گلپایگان نزد جدّم آقای شیخ محمد حسن خواندم و سطوح و سطوح عالیّه را در حوزه علمیّه قم و دروس خارج، فقه، اصول فقه و فلسفه را نیز در قم خواندم.

اساتیدم در قم: آیات الله: فاضل لنکرانی، ستوده، سلطانی، جلال طاهر شمس گلپایگانی و مشکینی (سطح و سطوح عالیّه) آیه الله العظمی بروجردی، آیه الله العظمی گلپایگانی، آیه الله العظمی امام خمینی و آیه الله سیّد مصطفی خمینی (دروس خارج).

حدود ۱۸ سالم بود که به اتفاق پدرم آمدم به قم و در مدرسه رضویه و حاج ملا صادق و بعد مدرسه دارالشفاء و مدرسه فیضیه، سطوح عالیّه را

خواندم.

حدود ۱۵ سال در قم بودم.

در سال ۴۶ حسب الأمر آية الله گلپایگانی به تهران، خیابان خاوران، مسجد انصار الحجة آمدم.

زمان شروع انقلاب در تمام صحنه ها شرکت می کردم و دوبار دستگیر شدم.

تألیفات:

۱- قرآن و ولایت چاپ سال ۱۳۵۶. در رد افکار سید ابوالفضل برقی که عقائد وهابی ها را ترویج می کرد.

۲- معارفی از قرآن (جلد اول) چاپ ۱۳۷۹.

۳- معارفی از قرآن (جلد دوم) در حال انتشار.

۴- مقالات متعدّد در خصوص مسائل اجتماعی، اخلاق و معارف دینی.

تدریس:

کتاب مکاسب و اصول عقائد و معارف قرآنی.

امور اجرایی:

امام جماعت مسجد انصار الحجة از سال ۱۳۴۶.

مسئول کمیته های انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵.

رئیس هیئت نظارت بر انتخابات استان تهران دو دوره.

مسئول امور مساجد ناحیه جنوب تهران.

امور خدماتی:

تأسیس ساختمان کمیته های انقلاب اسلامی ناحیه جنوب تهران.

تأسیس و راه اندازی درمانگاه خیریه شهدای گمنام.

گسترش و تأسیس بیمارستان (در حال اجرا).
 تأسیس و توسعه مسجد و کتابخانه عمومی.
 تأسیس صندوق قرض الحسنه.
 توسعه مسجد فعلی انصار الحجّه که به شکل فعلی در آمده.
 کتابخانه بزرگ و عظیم که در زیر زمین همین مسجد است و در این منطقه جنوب شهر بی نظیر است.

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد جعفر (ابراهیم) ثمری

فرزند حاج اکبر ثمری گلپایگانی در سال ۱۳۱۴^(۱) هجری شمسی در گوگد گلپایگان متولد شده. مقدمات و ادبیات را در گلپایگان در حوزه مرحوم حاج میرزا هدایت وحید خوانده، و در سال ۱۳۶۵ هجری قمری برای ادامه تحصیل به قم آمده است.

درس های سطح را نزد این اساتید خوانده:
 آیه الله شهید صدوقی یزدی (ره).
 آیه الله حاج میرزا جواد تبریزی.
 آیه الله سبحانی.
 آیه الله اعتمادی.
 آیه الله حاج سید محمد باقر سلطانی بروجردی (ره).
 آیه الله حاج شیخ اسدالله نوراللهی نجف آبادی.

(۱) در گنجینه ۱۳۱۱ آمده است.

آیه‌الله حاج سید رضا صدر (ره).

و تفسیر را نزد علامه طباطبائی.

و از درس خارج این بزرگواران بهره برده است:

آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی.

آیه‌الله العظمی امام خمینی.

آیه‌الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی.

در سال ۱۳۸۸ به امر آیه‌الله العظمی گلپایگانی به علیشاه عوض شهریار عزیمت نموده و در مسجد جامع آنجا به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی و تشکیل جلسات تبلیغی برای جوانان پرداخت و از آثار اوست تعمیر اساسی مسجد جامع و تأسیس کتابخانه آنجا.^(۱)

و علاوه بر امامت جمعه طی دوران انقلاب اسلامی مسئولیتهای دیگری هم بر عهده داشتند. که از جمله آنها مسئولیت نمایندگی ولی فقیه در جهاد سازندگی بوده.

یکی از آثار پر خیر و برکتی که ایشان در آن منطقه دارند و خود مسئولیت آن را به عهده دارند حوزه علمیه امام جعفر صادق علیه السلام می باشد که دارای امکانات رفاهی مناسب می باشد. که از جمله مهمترین قسمت آن کتابخانه و سالن مطالعه جهت محصلین و محققین می باشد. این کتابخانه از جهت تنوع کتب و کتب مرجع بسیار قابل توجه است.

ایشان اهتمام بسیار جدی و زیادی نسبت به کتابخانه و حوزه علمیه دارند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند. و خدمات بسیار دیگری هم در آن منطقه دارند.

(۱) گنجینه دانشمندان ۳/ ۶۷۷.

حجة الاسلام حاج شیخ محمد جعفر منتظری

محمد جعفر بن محمد علی بن محمد حسن منتظری گلپایگانی در قم در تاریخ ۱۳۲۷/۱۰/۲۶ هـ. ش برابر با ۱۷ ربیع الأول ۱۳۶۸ هـ. ق مصادف با سالروز ولادت با سعادت حضرت خاتم الانبیا محمد بن عبدالله ﷺ و حضرت جعفر بن محمد الصادق امام ششم علیه السلام متولد شد و به همین جهت نام محمد جعفر گزیده شده است.

پس از اعزام پدرم در سال ۱۳۳۴ به شهرستان آشتیان از طرف مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی دوره ابتدایی دبستان را از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۳۹ در دبستان خاقانی آن شهرستان گذراندم.

در بهمن سال ۱۳۳۹ بود که پدرم از آشتیان به قم مراجعت و مدتی را در قم سکونت کرده و پس از وفات مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در تاریخ خرداد ماه سال ۱۳۴۰ دوم محرم ۱۳۸۱ به شهرستان سنقر کلیایی اعزام شد و با تأسیس حوزه علمیّه در آن شهرستان، دروس طلبگی را در آن حوزه شروع و دوره مقدماتی را تا ابتدای کتاب شریف شرح لمعه در محضر والد و مرحوم حجة الاسلام آقای سید ابوالفضل کاظمی اصفهانی و آقای حاج شیخ حسین قرنی گلپایگانی (که به عنوان اساتید اعزامی از قم تدریس می فرمودند) طی نمودم.

در فروردین ۱۳۴۶ در خدمت پدرم به قم عزیمت کردم و تحصیل را در حوزه علمیّه قم ادامه دادم. دوره سطح را بدین شرح طی کردم: شرح لمعه در محضر آیات بزرگوار آقای صلواتی اراکی و آقای سید ابوالفضل موسوی

تبریزی، قوانین الاصول در محضر آیات وحجج اسلام آقای اعتمادی و آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی و قسمتی را نیز نزد آقای بنی فضل گذراندم. تفسیر را در محضر آیة الله خزعلی و معانی بیان را نزد حجة الاسلام والمسلمین آقای باکوئی و منظومه را در محضر آیة الله محمدی گیلانی و قسمتی را نزد آیة الله انصاری شیرازی و رسائل (فرائد الاصول) را نزد آیة الله جعفر سبحانی، مکاسب را در محضر آیة الله مشکینی، کفایة الاصول را در محضر آیة الله فاضل لنکرانی تلمذ کردم.

درس خارج فقه را از سال ۱۳۵۴ در محضر آیة الله العظمی گلپایگانی (از کتاب الحج) شروع و پس از انقلاب اسلامی نیز که معظم له کتاب القضاء را شروع فرمودند تا سال ۱۳۶۰ در محضرشان استفاده کردم مدت دو سال نیز در درس خارج اصول حضرت آیة الله العظمی وحید خراسانی تلمذ کردم هم اکنون نیز به خاطر علاقه به تحصیل در درس خارج فقه (کتاب القصاص) حضرت آیة الله خامنه ای (مقام معظم رهبری) و خارج اصول حضرت آیة الله هاشمی شاهرودی (ریاست قوه قضائیه) شرکت نموده و بهره می جویم.

در کنار تحصیل از سال ۱۳۴۵ با اعزام به روستاها و شهرستانهای گوناگون به امر تبلیغ و ارشاد پرداخته و از تضيیقات و مشکل آفرینیهای رژیم پهلوی بی بهره نبودم در گلپایگان یکبار به علت سخنرانی علیه اسرائیل تحت تعقیب قرار گرفتم و یکبار در ملایر دستگیر و به همدان اعزام که با اقداماتی از بیت مرحوم آیة الله العظمی گلپایگانی آزاد شدم.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در خدمت انقلاب بوده و به انجام وظیفه می پرداختم، در سال ۱۳۵۹ ضمن تحصیل بنا بر توصیه و دستور

آیه‌الله گیلانی (ریاست عالیّه وقت دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران) و مرحوم آیه‌الله آذری قمی (دادستان کلّ وقت انقلاب اسلامی) به دادگاه انقلاب اسلامی تهران عزیمت و ابتداءً به صورت مقطعی و موقت همکاری داشتیم و از سال ۱۳۶۰ که اوج جنایت و خیانت منافقین کوردل و عوامل امریکایی بود رسماً به خدمت دادگاه انقلاب اسلامی درآمد و با ابلاغ شورای عالی قضائی در دادگاه انقلاب اسلامی سپاه پاسداران مشغول گردیدیم از آن سال تا کنون که بیست سال می‌باشد در سمتهای ذیل انجام وظیفه کرده‌ام:

- ۱- قاضی و حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی سپاه پاسداران مرکز.
- ۲- رئیس دادگاه کیفری یک تهران مستقر در دادستانی پاسداران مرکز.
- ۳- معاون سازمان قضائی نیروهای مسلح (یکی از مؤسّسین و تشکیل دهندگان اولیه سازمان مذکور در معیت حجج اسلام آقایان علی رازینی و علی یونسی).
- ۴- عضو هیئت حلّ اختلاف بین سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی در سالهای ۵۶ تا ۶۷.
- ۵- نماینده شورای عالی قضائی در ستاد مرکزی هیأت‌های هفت نفره واگذاری زمین.
- ۶- نماینده مقام معظم رهبری در هیئت بازرسی مقطعی از قوه قضائیه در سال ۱۳۶۹.
- ۷- عضو کمیسیون کارشناسی محکمه عالی انتظامی قضات. (ادامه دارد)
- ۸- قاضی مؤید مقام معظم رهبری برای هیأت اول و سرپرست هیأت‌های

سه نفره رسیدگی مجدد به آراء دیوان عدالت اداری در خصوص اراضی کشت موقت (موضوع مصوبه مورخ ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام). (ادامه دارد)

۹- معاون حقوقی و امور مجلس دادگستری از سال ۱۳۶۸ تا کنون (در دوره های ریاست جمهوری حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی (۸ سال) و یکدوره ریاست جمهوری حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمد خاتمی).

۱۰- امام جماعت مسجد آشتیانیها واقع در تهران از سال ۱۳۶۷ (به مدت ۱۰ سال) تا سال ۱۳۷۷.

در آخر اسفند ماه سال ۱۳۴۶ با دختر عموی خود ازدواج و ثمره آن ۳ پسر و ۲ دختر می باشد. یک سال پس از ازدواج در تاریخ ۱۳۴۷ مرحوم والد طی حادثه سقوط بهمن در جاده هراز دعوت حق را لبیک گفته و حقیر که فرزند ارشد ذکور بودم متکفل کلیه امور بازماندگان که عائله سنگینی بود شدم و خداوند توفیق خدمت به آنان را به این جانب عنایت فرمود.

حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسن فاضل گلپایگانی

در سال ۱۳۲۷ ش متولد و از سال ۱۳۴۳ در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شده اند و در مدرسه علمیه آیه الله العظمی گلپایگانی و سپس در مدرسه حقانی و سپس به طور آزاد به تحصیل خود تا سال ۱۳۷۲ ادامه داده اند.

اساتید مقدمات و سطح فقه و اصول و غیره ایشان آیات و حجج:

توفیقی کاشانی، حاج شیخ حسن تهرانی، شیخ حسین شایسته، شیخ محمد رضا نحوی، آقای سید جواد طالقانی، امینیان گیلانی، ستوده، مصباح یزدی، مشکینی، محمدی گیلانی، احمدی میانجی، شهید قدوسی، اعتمادی، علوی گرگانی، حرم پناهی، ابطحی کاشانی، دوزدوزانی، سلطانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی، فاضل لنکرانی، مفتّح.

اساتید فلسفه و عرفان آیات و حجج: انصاری شیرازی، جوادی آملی، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی.

اساتید درس خارج: آیات عظام: سید محمد رضا گلپایگانی، حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، وحید خراسانی، صدیقین اصفهانی.

از سال ۱۳۵۳ تاکنون (۱۳۸۰) در حوزه به تدریس اشتغال داشته و از جامع المقدمات تا کفایه را تدریس کرده است و چند سال است که درس خارج فقه و اصول می گوید و نیز سالها است که کتاب های فلسفه از قبیل نهایة الحکمة و شرح منظومه سبزواری و شرح اشارات و اسفار و غیره را تدریس می کند.

و علاوه بر تحصیل و تدریس در حوزه علمیّه قم، در برخی دانشگاه های کشور نیز به تدریس و پاسخگویی اشتغال داشته و دارد، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها از همان اوائل ایشان از جمله اساتیدی بود که در دانشگاه های: ۱- تهران ۲- علوم پزشکی تهران ۳- تربیت مدرس تهران ۴- تربیت مدرس قم ۵- دانشگاه قم ۶- دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، دعوت به تدریس شدند.

دروس تدریس ایشان عبارت بودند از: ۱- تفسیر ۲- کلام ۳- فلسفه
۴- نهج البلاغه ۵- معارف عمومی ۶- اخلاق اسلامی ۷- تاریخ اسلام
۸- ریشه های انقلاب اسلامی.

در کنار تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم و دانشگاه های کشور، از
خود آثار علمی و پژوهشی نیز به جای گذاشته که قسمتی از آنها به زیور چاپ
آراسته شده است مانند ولایت فقیه از دیدگاه شیخ اعظم انصاری رضوان الله
تعالی علیه (توسط کنگره شیخ اعظم) و مقاله در مجله بررسی مطبوعات،
و قسمتی از آنها یا به چاپ نرسیده یا در حد استفاده طلاب محترم
و دانشجویان عزیز توسط انتشارات همان مراکز تکثیر شده است از جمله
آنها: مباحثی در: ۱- فقه استدلالی ۲- اصول استدلالی ۳- تفسیر ۴- کلام
۵- فلسفه ۶- عرفان ۷- نهج البلاغه.

حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسین عالمی

این جانب محمد حسین عالمی فرزند حاج مرتضی عالمی در سال
۱۳۳۸ در روستای شیداآباد گلپایگان در خانواده ای روحانی و مذهبی متولد
شدم پدر بزرگم به عنوان معلم قرآن و ذاکر اهل بیت چهره ای شناخته شده بود
جدّاعلای من مرحوم آخوند ملا ابوالقاسم تا پایان عمر خویش به انجام
وظیفه به عنوان روحانی مشغول بود.

عشق و علاقه شخصی به روحانیت و مذهب که ریشه در خانواده داشت
والگو قرار دادن عموی بزرگوارم حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج
شیخ محمد علی عالمی که قبلاً این راه را انتخاب کرده بود مرا به حوزه

کشانید. تحصیلات ابتدایی را تا ششم قدیم در همان روستا به پایان بردم و در همان ایام در تابستان نزد پدر بزرگم قرآن را فرا گرفتم و تا قبل از اتمام دوره ابتدایی تمامی قرآن را آموخته بودم.

در پاییز سال ۱۳۵۰ هجری شمسی با ارشاد و تحت هدایت و نظارت عمویم وارد حوزه علمیه قم شدم، دوره مقدمات و سطح را تا رسائل و مکاسب در مدرسه آیه الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) به پایان بردم.

اساتید اینجانب در طول این سالها بزرگوارانی بودند که برخی از آنها را به یاد ندارم اما نام عزیزانی را که به یاد دارم از این قرار است در مقدمات و صرف و نحو و بلاغت: حجة الاسلام معراجی و عقاید حضرت آیه الله استادی. شهید حجة الاسلام سلیمی و جواهری و مرحوم استاد بزرگوار طاهری و حجة الاسلام والمسلمین طالقانی و حجة الاسلام والمسلمین حاج حسن آقا طهرانی و بیگدلی و سایر عزیزان ...

لمعه و اصول را نزد حجة الاسلام والمسلمین صلواتی و تقوی خواندم و رسائل و مکاسب را نزد استاد تقوی و مقتدائی و امینیان استفاده کردم.

کفایه را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیه الله پایانی و حضرت آیه الله العظمی فاضل لنکرانی مد ظله العالی که آخرین دوره ای بود که کفایه را تدریس می فرمودند تلمذ کردم.

سپس ابتدا به درس فقه آیه الله العظمی گلپایگانی رفتم اما چون ابتدای درس خارج این جانب بود به دنبال درسی بودم که برای من بهتر قابل استفاده باشد. بدین جهت با پیشنهاد و مشورت برادر بزرگوار حضرت حجة الاسلام والمسلمین ربانی که باهم مباحثه می کردیم به درس اصول آیه الله سبحانی و فقه آیه الله تبریزی رفتم و سالهای متمادی از این دو بزرگوار بهره بردم و یک

سال ونیم از درس خارج آیة الله فاضل استفاده کردم .
در فلسفه از استاد گرامی ، دکتر احمد بهشتی و آیة الله جوادی آملی
استفاده کردم .

از سال ۵۶ پس از اتمام لمعتین به تشویق عمویم در مدرسه آیة الله
گلپایگانی شروع به تدریس کردم و تا به امروز کلیه دروس مقدمات ، ادبیات ،
منطق ، بلاغت ، لمعه و اصول را بارها تدریس کردم .

از سال ۶۷ با تشویق برخی از دوستان تدریس در دانشگاه را آغاز کردم
ابتدا در دانشگاه تهران و پس از آن در دانشگاه الزهرا به تدریس دروس معارف
اسلامی اشتغال داشتم ، تا سال ۱۳۷۳ در قم ساکن بودم اما عواملی موجب
شد که از آن سال به تهران منتقل شوم ، در تهران ضمن امامت جماعت در یک
مسجد ، تدریس در دانشگاه را ادامه دادم و اکنون نیز به عنوان عضو هیئت
علمی گروه معارف دانشگاه الزهرا در این دانشگاه تدریس می کنم و در
کنار این تدریس در حوزه علمیه امام حسین علیه السلام نیز تدریس دارم .

در کنار تحصیل و تدریس به تبلیغ نیز می رفتم و در مناطق مختلفی
از ایران تبلیغ در ماه رمضان و ماههای محرم و صفر را به عهده داشتم .

همکاری با دائرة المعارف^(۱) اسلامی و تهیه مقاله برای بخش کلام آن
که به عهده آیة الله سبحانی در مؤسسه امام صادق علیه السلام گذاشته شده بود
به همراه تعدادی از دوستان دیگر یکی دیگر از کارهای من بود هر چند
به دلائلی چندان طولانی نشد . پس از انتقال به تهران با دفتر تنظیم و نشر
آثار امام خمینی (ره) همکاری کردم و در بازبینی برخی از آثار همکاری
داشتم ، و بیشترین نقش را در تنظیم کتابی تحت عنوان امر به معروف و نهی از
منکر در کلام امام (ره) داشتم که در مقدمه کتاب نیز به آن اشاره شده است .

(۱) مقصود ، دائرة المعارفی است که اکنون آقای دکتر حداد عادل اداره آن را به عهده دارند .

حجة الاسلام والمسلمین محمد حسین عبدالحمیدی گوگدی

این جانب محمد حسین عبدالحمیدی در سال ۱۳۳۵ در گوگد متولد شدم تحصیلات ابتدایی را در زادگاه گذراندم، در حدود سال ۱۳۵۰ بنا به ترغیب و تشویق مرحوح والد وارد حوزه علمیه قم شدم چند سالی در مدارس تحت امر حضرت آیه الله گلپایگانی تحصیل نمودم و پس از آن از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات وحجج اسلام آقایان: ستوده، صلواتی، فاضل لنکرانی، دوزدوزانی، انصاری شیرازی، صالحی مازندرانی، محقق داماد کسب فیض نمودم - تقریباً اتمام دوره سطح همزمان بود با اولین دستگیری اینجانب توسط مأمورین ساواک در سال ۱۳۵۴ در ماجرای گرامی داشت ۱۵ خرداد در مدرسه فیضیه. این دستگیری منجر به محکومیت به خدمت سربازی (اجباری) شد در سال ۵۶ پس از طی دوره سربازی مجدداً به قم آمدم ولی طولی نکشید که دومین دستگیری در ماجرای گرامی داشت شهدای قم در گوگد اتفاق افتاد. این بار به اتفاق والد مرحوم حاج غلامرضا عبدالحمیدی بازداشت شدم (ایشان به عنوان بانی مجلس گرامی داشت و اینجانب به عنوان سخنران مجلس) مرحوم والد پس از چند روز آزاد شدند و اینجانب به زندان شهربانی اصفهان منتقل شدم و آنجا خدمت بعضی از دوستان گلپایگانی از جمله حضرات حجج اسلام نکونام (امام جمعه محترم گلپایگان) واکرمی که تقریباً همزمان بازداشت شده بودیم رسیدم. این بازداشت در دادگاه بدوی به یک سال و در دادگاه تجدید نظر

به شش ماه محکومیت منتهی گردید. خلاصی از زندان همزمان با
 نضج گیری انقلاب و برپایی حکومت نظامی در شهرهای مختلف کشور بود.
 بعد از پیروزی انقلاب و همزمان با شروع جنگ تحمیلی و با فراخوان
 منقضی خدمت های سال ۵۶ به خدمت دوره احتیاط اعزام شدم و شش سال
 در ارتش جمهوری اسلامی خدمت کردم. در سال ۶۱ بنا به درخواست
 دوستانی که در قوه قضائیه مشغول خدمت شده بودند به قصد همکاری
 در ایام تعطیلات تابستانی به جمع آنها پیوستم. این مأموریت علی رغم
 تصمیم اولیه یک سال و نیم به طول انجامید پایان این مدت که با استعفا از
 مسئولیت قضایی در دادستانی سپاه در منطقه ۵ کشوری تحقق یافت و آماده
 می شدم جهت عزیمت به قم و ادامه تحصیل. حادثه مولمه در گذشت مرحوم
 حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد رضا عبد الحمیدی در مراجعت از
 سفر بیت الله الحرام اتفاق افتاد در گذشت ایشان که علاوه بر ارتباط نسبی
 أب الزوجة اینجانب نیز بودند به صورتی قهری و ناخواسته و البته بنا به مشیت
 الهی مرا به تهران منتقل و به عنوان بئس البدل مسئولیت های ایشان
 به خصوص در امر امامت مسجد لیلۃ القدر به اینجانب منتقل گردید. از آن
 زمان تاکنون در این پایگاه مشغول خدمت بودم و همزمان به صورت متناوب
 در مراکزی همچون وزارت ارشاد اسلامی، حوزه علمیه شرق تهران،
 دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده امام باقر (ع) و مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی
 به مناسبت های فرهنگی تحقیقی اشتغال داشته و انجام وظیفه می نمایم.
 خداوند توفیق و حسن عاقبت عنایت فرماید.

حاج شیخ محمد رضا اعجازی

این حقیر حاج محمد رضا اعجازی در سال ۱۳۲۱ در گلپایگان متولد شدم و دوران تحصیل ابتدایی خود را در محضر پدرم مرحوم حاج میرزا محمد باقر اعجازی گذراندم. پس از پایان مقدمات در سال ۱۳۲۷ به شهرستان قم مشرف شدم و سطوح مختلف را تا قبل از رسیدن به خارج فقه در محضر اساتید بزرگوارى مانند: حضرت آية الله العظمی فاضل لنکرانی و حضرت آية الله العظمی مکارم شیرازی و حضرت آية الله العظمی میرزا حسین نوری و مدتی هم در محضر آية الله حاج شیخ جعفر سبحانی استفاده نموده و به مدت چهار سال الی پنج سال خارج فقه را در محضر مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی رحمه الله علیه و آية الله العظمی نجفی مرعشی تلمذ نمودم و پس از این دوره به امر حضرت آية الله العظمی گلپایگانی در گلپایگان مشغول به تبلیغ و اقامه نماز جماعت شدم که تا این تاریخ ادامه دارد و با عنایت و لطف حضرت بقیة الله امام زمان علیه السلام توانستم دو کتاب به نام گنجینه هدایت در دو جلد و راه رستگاری در یک جلد تألیف نمایم لکن متأسفانه به خاطر مضیقه مالی هنوز به چاپ نرسیده، امیدوارم خداوند توفیق چاپ شدن را عنایت فرماید.

و ضمناً اجداد و پدران این حقیر هم همگی روحانی و خدمتگزار بودند پدر بزرگ این جانب مرحوم ملا عبدالکریم بودند که مدت ۸۰ سال خدمت به اسلام و دستگاه ابا عبدالله الحسین علیه السلام را داشته و پس از ایشان مرحوم ابوی حجة الاسلام حاج میرزا محمد باقر اعجازی بودند که مدت عمر خود را

در راه تبلیغ و اقامه نماز جماعت سپری نمودند لکن متأسفانه از آثار قلمی او به جز نوشته ای به نام جنگ که منبری های سابق برای خود می نوشتند چیزی باقی نمانده است .

ولازم به تذکر است که خود این جانب با همان نیت و عقیده ای که به اسلام و دستگاه ابا عبدالله الحسین دارم با قناعت در روستایی به نام نیوان نار گلپایگان چندین سال است که مشغول خدمت و انجام وظیفه هستم خداوند توفیق عطا فرماید ان شاء الله .

الأحقر حاج شیخ محمد رضا اعجازی ابن مرحوم حاج شیخ محمد باقر اعجازی ابن مرحوم ملا عبدالکریم ابن شیخ محمد باقر رحمة الله علیهم .

سید محمد رضا بطحایی

حقیر محتاج الی الله و محب رسول و ائمه اطهار علیهم السلام سید محمد رضا بطحایی فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی بطحایی در تاریخ ۱۳۳۵ در شهر مذهبی قم پا به عرصه وجود گذاشتم و تحصیلات ابتدایی را تا کلاس چهارم دبستان در قم و سپس همراه پدرم به تهران مهاجرت ، و پس از اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه به خاطر علاقه وافر به علوم حوزوی وارد حوزه علمیه حاج ملا جعفر معروف به حوزه حاج آقا مجتهدی دامت برکاته شدم و از محضر آن بزرگوار و اساتید آن زمان از جمله مرحوم میرزا ابوالقاسم تنکابی (برادر خطیب شهیر مرحوم آقای فلسفی) و حاج آقا رثوفی و مرحوم حجة الاسلام معصومی مؤلف کتاب مهذب مغنی و ... بهره مند شدم و در همان مدرسه به دست مبارک آیه الله حاج سید احمد خوانساری معتم و اوائل سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم و باقی مانده جلد دوم لمعه و رسائل را از محضر آقای اعتمادی حفظه الله و مکاسب و کفایه را از

محضر آقایان مرحومین پایانی و ستوده خواندم و از درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی اصول و آیه الله مکارم فقه حدود هشت سال استفاده نمودم و اکنون مدت‌ها است که از محضر آیات عظام وحید خراسانی و آقا شیخ جواد تبریزی فیض می‌برم. از همان جوانی با اقتدا به سیره سلف و پدر بزرگوارم با مظاهر گناه و فساد مبارزه کردم و مدت کوتاهی در زندان قصر و پس از انقلاب مدتی در جبهه‌های حق علیه باطل بودم و در مراکز آموزشی آموزش و پرورش، مراکز سپاه و حوزه علمیه مشغول تدریس بودم و اکنون مدت سه سال است که در مدرسه امام محمد باقر (علیه السلام) به عنوان مشاور طلاب مدرسه مشغول انجام وظیفه هستم و احیاناً در کارهای تحقیقاتی رجال و علم حدیث اشتغال دارم.

حاج شیخ محمد رضا نکونام

فرزند محمد باقر متولد ۱۳۲۷ در سعیدآباد گلپایگان.

ایشان می‌نویسد: پدر بزرگ و فامیل پدری ام اهل گوگرد بوده‌اند که در زمان‌های سابق به سعیدآباد آمده و فامیل مادری ام اهل سعیدآباد بوده‌اند، فامیل مادری پدرم اهل علم بوده که در مشهد مقدس سکونت داشته‌اند، بستگان فامیلی ما نکونامی‌ها حجازی‌ها و سروی‌ها می‌باشند.

پدرم از ابتدای جوانی به تهران آمده و بنده در سعیدآباد به دنیا آمده‌ام، اما ده روزه بوده‌ام که به تهران آورده شدم ابتدا در منطقه بازار، سرچشمه و سپس در حضرت عبدالعظیم بودیم و دوران تحصیل را در شهرهای تهران، مشهد و قم سپری کرده‌ام.

اساتید بسیاری در رشته‌های گوناگون داشته‌ام و نوشته مفصلی در این زمینه دارم، اساتیدم در تهران مرحوم حاج شیخ محمد تقی بروجردی

و مرحوم حاج سید احمد خوانساری و مرحوم آقای الهی قمشه ای و مرحوم آقای شعرانی و در فقه و اصول در قم آیات الله: حاج شیخ مرتضی حائری، حاج سید محمد رضا گلپایگانی، و حاج میرزا هاشم آملی و در ادبیات در مشهد مرحوم ادیب نیشابوری بوده اند و در فنون و علوم متفاوت دیگری زحمت های طاقت فرسا کشیده شده که بیانش ضرورت ندارد.

ویکی از علاقه مندان ایشان در جزوه ای می نویسد: سال ها است که در حوزه علمیه قم مشغول تدریس است و آثار فراوانی به شرح زیر به عربی و فارسی، به نظم و نثر دارد که چاپ نشده است؛

- ۱- سیر اندیشه (ده کتاب در ۲ جلد) ۲- شناخت انسان . ۳- انسان های متفاوت ۴- جامعه باز و بسته ۵- شناخت تاریخ ۶- تاریخ و شناخت آن ۷- دوران تکامل بشر ۸- ذهنیت ها و سنت ها ۹- امراض کلی اجتماع ۱۰- شناخت روحانیت ۱۱- روحانیت و رهبری ۱۲- چه شد که نشد و چه شود که بشود؟ ۱۳- بشر در پیچ و خم راه ۱۴- ساحل نجات ۱۵- ولایت فقیه ۱۶- دولت و حکومت ۱۷- قانون و اجرا ۱۸- حکومت و قضا ۱۹- بیع و احتکار ۲۰- سه زاویه هستی ۲۱- جبر و اختیار ۲۲- خیرات و شرور ۲۳- فقیه و حکیم ۲۴- ثبوتات ازلی ۲۵- سیر نزول و صعود ۲۶- معاد جسمانی- روحانی (۲ جلد) ۲۷- خلود ۲۸- دفاع از مباحث الحادی و نقد آن ۲۹- آشنایی با عرفان ۳۰- عرفان موجود ۳۱- ستایش حق ۳۲- نغمه دل ۳۳- حکمت عملی ۳۴- مکارم الاخلاق ۳۵- ولایت چیست؟ ولی کیست؟ ۳۶- اهل ولایت ۳۷- عصمت، موهبت الهی ۳۸- اصول کلی اعجاز و کرامت ۳۹- قرآن چیست؟ ۴۰- عدم تحریف قرآن ۴۱- محضر قرآن ۴۲- تفسیر و علم قرآن ۴۳- فقه قرآن ۴۴- اکثریت در قرآن ۴۵- خمر و قرآن ۴۶- روش

معصومین در زمان حیات ۴۷ - مراحل تکاملی شیعه ۴۸ - شیعه و خلفا ۴۹ -
واژه‌های اسلامی ۵۰ - معیار شناخت ۵۱ - انقلاب فرهنگی ۵۲ - دو طرح
متفاوت ۵۳ - مکتب‌ها ۵۴ - واقعیت‌ها و موهومات ۵۵ - معتقدات من ۵۶ -
زن (مجلدات فراوان) ۵۷ - روانکاوی کلی ۵۸ - اصول کلی تعبیر (۵ جلد)
۵۹ - موسیقی ۶۰ - و چند نوشته دیگر.

دیوان شعر؛ شامل غزل، مثنوی، رباعی و نقد و استقبال شاعران
بزرگ همچون حافظ و خیام و ... دارد و تخلص او «نکو» است
نمونه‌ای از سروده‌های ایشان:

روی تو

روی تو زد آتش به دل، دلبر تماشا کن مرا
هستم من از رویت خجل خواهی تو رسوا کن مرا
دل در پی دیدار تو افتان و خیزان می دود
گم کرده دلبر، دل تو را جانا تو پیدا کن مرا
من از فراق گشته‌ام دیوانه‌ای بی سلسله
از حرف کارم شد برون یک سر تو سودا کن مرا
دارم دلی درد آشنا در راه هجرت مبتلا
دل غرق طوفان و بلا جانا تو شیدا کن مرا
از هر چه جز تو رسته‌ام از کفر و ایمان خسته‌ام
تنها به تو دل بسته‌ام خواهی تو اغوا کن مرا
آزادم بی هر مرام، فارغ دلم از هر مقام
از دست من افتاده جام، پایین و بالا کن مرا

دل فارغ از کون و مکان بیگانه از هر دو جهان
 سودا تو گردیدی به جان اینجا و آنجا کن مرا
 ای ماه یکسر آسمان ای دلبر بی هر نشان
 دل در پی تویی امان، بر خود تو بینا کن مرا
 عاشق تر از اینم نما، بی دین و آیینم نما
 از خود تو شیرینم نما، جانا توانا کن مرا
 باشد نکو دل داده ای در کوی تو افتاده ای
 در ذات خود راهم ده و تنهای تنها کن مرا

فتنه های دلبری

آن مه مرا با غمزه اش این سو و آن سو می کشد
 از فتنه های دلبری با مو و بی مو می کشد
 هر دم زسوی چهره ای دل می برد آسان زمن
 آن چهره بی سمت و سوزین روبه آن رو می کشد
 دل شد که بگریزد زخود در سایه های چهره اش
 دیدم که هریک سایه ای این کو به آن کو می کشد
 دل مبتلای روی او نی چاره ای از سوی او
 آن چهره دل را بی امان یکسر به گیسو می کشد
 بی خود نشستم در عدم تا آن که بگریزم از او
 ناگه بدیدم نازنین ما را به ابرو می کشد
 افتادم از چنگ خودی تا گردم از او من رها
 دیدم که آن مه پاره تن با دست و بازو می کشد

من خود شدم با آن و آن هر لحظه از سودای خویش
 دل تا شد اندر این گمان دیدم مرا او می کشد
 آه از دلم شد بر فلک هنگام دیدارش به دل
 چون دل بریدم از همه دیدم دلم هو می کشد
 دلبر مرا بیگانه کن از وصف و اسم و هر نشان
 از بهر ذات تو نکو هجرت چه نیکو می کشد

بیدار شو بیدار شو
 ای بی خبر از این جهان بیدار شو بیدار شو
 ناگه نباشی در میان بیدار شو بیدار شو
 بگذر زخاک و خاکیان ای فاتح هر دو جهان
 تو برتری از حوریان بیدار شو بیدار شو
 بگذر ز ظلم و خودسری تا ره به آن حضرت بری
 دوری نما از کجروان بیدار شو بیدار شو
 تو برتری از ما و من در تو کند یزدان وطن
 در خود شکن اهریمنان بیدار شو بیدار شو
 از تو همه دنیا رود، تنهایی و تنهارود
 روحی تو در هستی روان بیدار شو بیدار شو
 بشکن تو این تنهاییت دردانه خالق تویی
 ای چهره یکسر نشان بیدار شو بیدار شو
 دنیا تو را سازد غمین حق کن طلب حق را بین
 دوری کن از آن بی امان بیدار شو بیدار شو

برگیر و بر سنگین بزن این نقش بی پروای من
 در تو نهان شد آسمان بیدار شو بیدار شو
 زیبایی حق دل ربودای من فدای این شهود
 زیباتر از تونی به جان بیدار شو بیدار شو
 کویکه تازان جهان کو آن همه داد و فغان؟
 ای ماه فردوس و جنان بیدار شو بیدار شو
 شداد و نمروود تو کو؟ فرعون و قارونت بجو
 برکش دل از سود و زیان بیدار شو بیدار شو
 رستم چه شد آن پهلوان کو پیل و چون شد پیلبان؟
 بر خاك، خفته خسروان بیدار شو بیدار شو
 شاهان ایرانی کجا؟ ترکان عثمانی کجا؟
 بی رونق انداین ناکسان بیدار شو بیدار شو
 دل در غم حق کن اسیرای سر به سر خوبی پذیر
 جان نکو این نغمه خوان بیدار شو بیدار شو

ظاهر و پنهان

مرا باطن همه شور است و دل آکنده از ایمان
 مرام من بود قرآن و عترت یکدل و یک جان
 ز قبر و دوزخ و جنت، صراط و پیچ و خمهایش
 تمامی باورم باشد به دل جانا از این قرآن
 بود دین علی دینم همه او گشته آئینم
 نه نقدی شد نه حرفی هست نه در ظاهر نه در پنهان

شد اقرارم ز اقرارش همه کارم شده کارش
 به دور از هرچه عیب است او به دور از هرچه شد نقصان
 بمیرم خوش به قربانش که حشرم گشته عنوانش
 بهشتم روی تابانش علی عشق و علی عرفان
 علی دین و علی قرآن علی عهد و علی پیمان
 علی مشکل علی آسان علی اول علی پایان
 سؤال و پاسخ من او حسابم را تو از او جو
 به هر موقف به هر میدان بود با او همه آسان
 علی عمر و حیات من علی راه نجات من
 علی غوغای ذات من علی باشد مرا جانان
 دلم دارد هوای تو دو چشمم جای پای تو
 تو را دل می کند مهمان اگرچه از تو باشد خوان
 علی سوز و علی آهم علی هنگامه و گاهم
 علی رونق به خرگاهم علی! مُردم من از هجران
 علی نطق خدا باشد همه درسش وفا باشد
 علی درد آشنا باشد علی ما را بود برهان
 علی از حق رضا باشد رضای مرتضی باشد
 از او عالم به پا باشد به ذاتش گشته ام حیران
 کجا شد جان پاک او کجا آن ذات یکسر هو
 کجا شد ظاهر و پنهان نکو از هجر تو گریان

سینه سينا

سینه سينا دلم صاحب بیضا کجاست؟
 مرده زآب و گلم دلبر زیبا کجاست؟
 از سر عشق رخس کار به صحرا کشید
 چون من مست و خراب بی سر و سودا کجاست؟
 ای شرر بی امان ای مه بی آسمان
 ای همه از تو نشان صافی صهبا کجاست؟
 سرزده ام بر سری بوده مرا دلبری
 حور نبود و پری سرّ سویدا کجاست؟
 مستم و مستانه ام عاشق و دیوانه ام
 شکسته پیمانه ام بی همه پروا کجاست؟
 دل تو بیردی زمن با همه نفس و بدن
 فتنه غوغای من این همه یغما کجاست؟
 هجر و غمم بوده خود صبغه روز آلت
 کشته وصل توام بی همه پیدا کجاست؟
 با تو دلم بوده بس نیست به غیر از تو کس
 رفته دل از هر هوس کشته شیدا کجاست؟
 کنج لب تو زمن دین و دلم را بزن
 دلبر سیمین بدن دیده بینا کجاست؟
 ای مه دیر آشنا دل بشکستی زما
 کشته نکو را بلا غرق تماشا کجاست؟

اشک چشم

اشک چشم ورشک دل از حق به تو لطفی تمام
این دو صافی سازدَت تا دل شود سویش مدام
سر بگیر از خویش و غیر واز تبار واز دیار
نزد آن مه کن جلوس وکوی حق را کن مقام
چون به رقص آید حضورش را به رقص آلوده کن
چون نشستی از سر هستی به جانش کن قیام
لب فرو بندای نکو آمد به دل آن حورِ عور
کن وقوف اندر حضورش دل تو برگیر از کلام

ملا محمد زمان گوگدی^(۱)

حجة الاسلام والمسلمین

آقا شیخ محمد صادق وحیدی

این جانب محمد صادق وحیدی فرزند مرحوم حجة الاسلام
والمسلمین آقای شیخ محمد حسین وحیدی فرزند مرحوم آية الله شیخ
محمد حسن وحیدی هستم که از علمای بارز و مورد علاقه و توجه مردم
گلپایگان بوده واز نظر زهد و تقوای الهی کم نظیر بودند وتمام دوران عمر پر
برکت خود را پس از دوره تحصیلات در ترویج دین خدا وارشاد وهدایت

(۱) به ج ۱ شماره ۲۳ رجوع شود.

مردم مخصوصاً از نظر علمی (عملی) گذراندند و سرانجام با سر بلندی و بی اعتنائی به دنیا بدون اینکه چیزی از مال دنیا اندوخته باشند دعوت پروردگار خویش، لبیک گفته و به لقاء الله شتافتند یادشان گرامی و روحشان شاد باد.

در تاریخ تیر ماه ۱۳۱۹ در گلپایگان محله حسن حافظ متولد شدم پس از شروع به تحصیل همزمان با خواندن کتاب جامع المقدمات دوران دبستان تا دریافت گواهینامه ششم ابتدایی را در همان محل تولد گذراندم و سپس در حدود سن ۱۵ سالگی رهسپار قم و وارد حوزه مقدسه علمیه شدم و به تحصیل ادامه دادم در حوزه ابتدا پس از دوره کردن جامع المقدمات ادبیات را از محضر شریف اساتید بزرگواری چون حضرت استاد شیخ رحمت الله فشارکی و آیه الله دوزدوزانی بزرگ و سپس شرح لمعه را از محضر مرحوم آیه الله ستوده و آیه الله صلواتی و معالم و قوانین را از آیه الله شیخ مصطفی اعتمادی و منظومه سبزواری را از محضر استاد بزرگوار محمدی گیلانی و رسائل را از آیه الله نوری همدانی و مکاسب را از آیه الله آقای فاضل لنکرانی و کفایه را از محضر استاد ارجمند حضرت آیه الله سلطانی استفاده کردم و پس از گذراندن دوره کامل سطوح عالیه به درس خارج راه یافتم خارج فقه را به مدت بیش از شش سال از درس استاد عالی مقام مرحوم حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی و خارج اصول را از درس اساتید عالیقدری چون مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ هاشم آملی و مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری و حضرت آیه الله وحید خراسانی به مدت بیش از ۶ سال استفاده کردم. و ضمناً بخشی از فلسفه را نیز مجدداً از حضرت آیه الله محمدی گیلانی بهره گرفتم و همزمان در ماه مبارک رمضان و محرم برای تبلیغ به بعضی شهرها و قصبات هم مسافرت می کردم.

خلاصه اینکه جمعاً مدت ۱۹ سال در حوزه علمیه قم بحمد الله والمنه با تلاش و کوشش در حدّ توان به درس و بحث و تدریس اشتغال داشتم و از هم مباحثه های خوبی هم بهره داشتم. پس از گذراندن دوره ۱۹ ساله برای مدّت یک سال به امر مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی به تهران آمده و در مسجد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع در هزار دستگاه نازی آباد به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال یافتم که باید بگویم با کمال تأسف این مدت تا این تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۲ به طول انجامید و این حقیر از برکات حوزه و محضر بزرگان و علما و جوار حضرت معصومه علیها السلام محروم گردیدم مع الوصف خداوند را شاکرم که در اینجا در مسجد تا حدودی موفق بودم. با تأسیس کتابخانه ای جوانان منطقه نازی آباد جذب شدند و این قبیل فعالیت ها منشأ برکات بسیار زیاد گردید تا جایی که در جنگ تحمیلی ۷۲ شهید و چند مفقود الاثر و چند معلول این مسجد در راه خداوند داد. با پیروزی انقلاب در جاهای مختلفی غیر از مسجد نیز انجام وظیفه کردم مدّت سه سال در کمیته انقلاب اسلامی به امور شرعی رسیدگی می نمودم و همزمان مسؤولیت اداره موقوفات بسیار وسیع و پیچیده بیمارستان مفرح واقع در یاغچی آباد تهران به این جانب واگذار گردید که در رأس هیئت امناء به مدت ۹/۵ سال به وجه احسن آن را حفظ و حراست و آباد نموده و همزمان با توجه به فرسودگی اصل بیمارستان در زمین همان بیمارستان اقدام به ساختن بیمارستان جدید در شش هزار متر مربع و در دو طبقه نمودیم بحمد الله آن را ساختیم و الآن در خدمت مردم منطقه بسیار گره گشاست همزمان چون مسجد و منزل مربوط به مسجد نیز به شدّت نیاز به بازسازی داشت بازسازی آن را نیز با دست خالی شروع کردیم که آن هم عمدتاً بازسازی شد که الحمد لله بسیار آبرو مند گردید هنگام تجدید بنای منزل مسجد مزبور ناچار

ساکن منطقه خیابان ایران واقع در پشت مجلس شورا و بهارستان شدم با اصرار زیاد بعضی از مؤمنین محل ظهرها در مسجد سادات اخوی واقع در خیابان ایران اقامه جماعت می کردم مسجد سادات اخوی بسیار قدیمی و تقریباً غریب و در حال خرابی بود لذا اقدام جدی برای تجدید بنای آن نمودم و بحمد الله تقریباً در حدود ۳/۵ سال در سه طبقه خوب آن را ساختیم و در نتیجه اقبال و شور و شوق مردم و جوانان به این مسجد زیاد شد که بحمد الله در حال حاضر بسیاری از شبها با اینکه مسجد بزرگ شده جای نمازگزاران کم است و الحمد لله منشأ برکات زیاد و استفاده مردم است.

مسئولیت حوزه علمیه محمودیه واقع در چهارراه سرچشمه از سوی آیه الله مهدوی کنی به این جانب واگذار شد و تقریباً حدود ۸ سال است که در این مدرسه به تربیت و تعلیم طلاب محترم مشغول هستم و طلاب در دو دسته به تحصیل اشتغال دارند: گروهی در حال خواندن شرح لمعه و اصول مظفر و گروهی مشغول خواندن رسائل و مکاسب هستند که مکاسب را خودم تدریس می کنم و الحمد لله در طول این مدت افراد خوبی در این حوزه تربیت شده که بعضی از آنها با نمرات خوب به حوزه علمیه قم راه یافته و اکنون در آنجا مشغولند.

در این مدت اقامت در تهران توفیق یافته جزوه ای تحت عنوان «سارق و منافق» و کتابی تحت عنوان «نشانه های مؤمن» تألیف و چاپ کنم که دومی اخیراً با تغییرات و اضافات و تغییر نام تحت عنوان «سیمای مؤمنان» تنظیم و توسط انتشارات گلستان کوثر به چاپ رسید و اخیراً نیز کتاب چهل حدیثی از گفتار حضرت امیرالمؤمنین با ترجمه و شرحی کوتاه تحت عنوان «نور هدایت» تألیف کرده ام که در دست چاپ است.

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد علی بصیری گلپایگانی

در سال ۱۳۰۷ در گلپایگان متولد شد.

پدر ایشان ملا محمود بصیری و نیز جدّ مادری وی (مرحوم ملا حبیب افتخاری) و دایی ایشان (مرحوم ملا حیدر افتخاری) روحانی بوده اند. تحصیلات مقدماتی را در گلپایگان به انجام رسانده و در سال ۱۳۳۰ شمسی جهت ادامه تحصیلات حوزوی وارد حوزه مقدسه قم شدند. در این دوران از محضر درس مراجع بزرگ و اساتید نامدار حوزه علمیه استفاده برده اند؛ از جمله اساتیدی که در دروس آنها شرکت داشته و موفق به نوشتن تقریرات بحث آنها شده از قرار زیر است:

۱- حضرت آیه الله العظمی حاج سید حسین بروجردی اعلی الله مقامه.

۲- حضرت آیه الله العظمی حاج سید روح الله خمینی اعلی مقامه الشریف.

۳- حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی اعلی الله مقامه.

۴- حضرت آیه الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی اعلی الله مقامه.

۵- حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ عباسعلی شاهرودی اعلی الله مقامه.

پس از ۱۲ سال ادامه تحصیل در قم، به دستور حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) جهت اقامه جماعت و انجام تبلیغات دینی در سال ۱۳۴۲ همزمان با آغاز نهضت امام خمینی (ره) به شهر تهران اعزام شده و در مسجد جامع محمدی و مسجد حجت (عج) واقع در مجیدیه به انجام وظیفه مشغول گردید.

واز آن تاریخ تا سال ۱۳۶۵ که دعوت حق را لبیک گفتند، در مسجد جامع محمدی به طور مستمر به اقامه جماعت و انجام فعالیت های دینی و فرهنگی پرداختند. به نحوی که مسجد جامع محمدی را به یکی از بزرگترین و پر تلاش ترین مراکز در امر تبلیغ و ارشاد دینی مبدل ساختند و همواره از فاضل ترین و بلیغ ترین خطبای تهران، نظیر مرحوم حجة الاسلام والمسلمین فلسفی و مرحوم حجة الاسلام والمسلمین کافی و ... در این امر بهره می گرفتند. و با آنکه این مسجد در مرکز زندگی یکی از اقلیت های دینی است، اما آنجا را به طور جدی از موفق ترین کانون های فرهنگی در قبل و پس از انقلاب قرار دادند.

وی خود نیز از وعاظ خوش نام بوده و پس از آنکه در مدت تحصیلات حوزوی خود از طرف بیت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) به شهر های قصر شیرین و نهاوند عزیمت می کردند، بلافاصله مورد توجه مردم قم قرار گرفته و کلیه فعالیت های ایشان در ایام تبلیغات دینی در شهر مقدس قم انجام می گرفت و در مراکزی از جمله مسجد بازار مسکرها ی قم و مسجد حرم نما به ایراد سخن می پرداخت. همچنین در این مدت و نیز در سال هایی که به تهران آمده بودند همواره در شهرستان گلپایگان و خوانسار نیز به نشر شریعت نبوی و تبلیغ دین می پرداختند.

از جمله فعالیت های علمی و تبلیغی دیگر ایشان، حضور در جمع عاشقان وزائران بیت الله الحرام به عنوان روحانی کاروان از سال ۱۳۴۸ به بعد بوده است. این مسؤولیت آن چنان با جدیت پیگیری می شد که هنوز نیز تلاش مستمر و عاشقانه ایشان زبانزد و مورد تحسین مسؤولان سازمان حج و زیارت، دوستان و همراهان ایشان وزائران بیت الله الحرام بوده و هست.

ایشان در مرداد ماه سال ۱۳۶۵ در سن ۵۹ سالگی و در حالی که در آستانه سفر به حرمین شریفین و خدمتگزاری به زائران بیت الله الحرام بودند بر اثر عارضه قلبی دعوت حق را لبیک گفتند.

قابل ذکر است سه فرزند ذکور ایشان (علیرضا - حمید رضا - محمد رضا) و نیز دو صبیّه وی در حال تحصیلات حوزوی در مقاطع مختلف حوزوی می باشند. همچنین دو فرزند ذکور ایشان (علیرضا و حمید رضا) در سلک روحانیت نیز در آمده و پسر ارشد ایشان حجة الاسلام حاج شیخ علیرضا بصیری در کانون فرهنگی وی، مسجد جامع محمدی از زمان رحلت پدر مشغول به فعالیت های تبلیغی و دینی هستند.

آثار علمی و دست نوشته ها:

۱ - چهل حدیث (سخنانی بزرگ از شخصیت های بزرگتر):

این جزوه بارها به چاپ رسیده است. و این کتاب مجموعه احادیثی است که ایشان در حدود سال ۱۳۴۰ به مدت چهل شب در مسجد بازار مسکرها قم ایراد کرده اند. در حال حاضر در حال تکمیل و بازنگری از طرف فرزندان ایشان است.

۲ - تقریرات درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام:

بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی، مرعشی نجفی و شاهرودی رحمة الله علیهم.

۳- دست نوشته های مختلف در زمینه های گوناگون دینی که عمده آنها را تفسیر و حدیث تشکیل می دهد .
حمید رضا نصیری

حجة الاسلام والمسلمین محمد علی نکونام

محمد علی نکونام فرزند علی متولد ۱۳۳۵ در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمی قم و در مدرسه مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی ادبیات عرب و قسمتی از دروس سطح را خواند و در ادامه از محضر اساتید حوزه چون مرحوم آیه الله ستوده و مرحوم آیه الله وجدانی ، آیه الله بنی فضل ، آیه الله ممدوحی ، آیه الله جوادی آملی و دروس خارج فقه و اصول را نیز از محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی بهره گرفت . همزمان با تحصیل به تبلیغ در مناطق مختلف اشتغال داشته و از جمله در بخشهای گلباف و شهداد کرمان و روستاهای آن نواحی خدمات فرهنگی قابل توجهی انجام داده که هم اکنون نیز زیانزد مردم آن مناطق است . تشکیل کلاس های قرآنی و درخواست مبلغ از قم و اعزام به شهرها و روستاهای این دو بخش که همراه با مبارزات سیاسی و روشنگری های ویژه بود از جمله برنامه های ایشان بوده است . در کنار تحصیل و تبلیغ ، مبارزه با رژیم ستم شاهی و همراهی با نهضت امام خمینی را یکی از وظائف خود می دانست و در همین راستا دو بار بازداشت و به زندان افتاد . بار اول در جریان هفدهم خرداد ۱۳۵۴ مدرسه فیضیه که بیاد شهدای پانزده خرداد ، تجمعی از طلاب همراه با شعارهای ضد رژیم طاغوت شکل گرفت و مورد هجوم کماندوهای شاه قرار گرفتند و تعدادی کشته و مجروح و بازداشت شدند ایشان نیز از بازداشت شدگان بود

و پس از حدود چهل و هشت ساعت بازداشت در قم، به زندان اوین شکنجه گاه رژیم طاغوت منتقل و پس از حدود بیست روز و تحمل شکنجه های بدنی و روحی، در حالی که بستگانش هیچگونه خبری از او نداشتند در یکی از خیابان های تهران رها شد که خود داستانی دارد و بار دوم نیز در سال ۱۳۵۶ پس از پخش اعلامیه های امام و مراجع معظم تقلید در برخی شهرها و از جمله در گلپایگان، مورد شناسایی عوامل رژیم قرار گرفت و دستگیر شد و پس از تحمل هشت ماه زندان، آزاد شد. پس از پیروزی انقلاب هم در سنگرهای مختلف و هر جا که احساس وظیفه می کرد مشغول خدمت همراه با ادامه تحصیل بوده است از جمله در اوائل پیروزی انقلاب در همان نواحی اطراف کرمان با تشکیل کمیته های انقلاب در تثبیت موقعیت انقلاب سهیم بود و پس از مدتی مجدداً برای ادامه تحصیل به قم مراجعت نمود و سپس در درود لرستان بیش از سه سال خدمات فرهنگی و عمرانی قابل توجهی انجام داد و از فرصت مناسب و موقعیت ویژه ای که با مسئولیت در طرح اشتغال بنیاد مهاجرین ایجاد شده بود استفاده کرده و در عمران شهر و روستا به ویژه در عمران مساجد زیادی از آن نواحی سهم بسزایی ایفا نمود و به جهت موقعیت محلی که برایش ایجاد شده بود زمینه کاندیداتوری ایشان برای مجلس فراهم شد و این در حالی بود که ایشان بومی آن منطقه هم نبود البته رأی لازم را هم نیاورد. یکی دیگر از سنگرهای فعالیت ایشان دانشگاه بوده که از سال ۱۳۶۹ با حضور در دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه های دولتی و آزاد شهر کرد و گلپایگان به تدریس معارف اسلامی، اخلاق و تاریخ اشتغال داشته و دارد. از جمله مراکز تبلیغی ایشان سنگر امامت جمعه است که تا قبل از سال ۱۳۷۰ در شهرستان درود و شهر گلباف به عنوان امام جمعه موقت

انجام وظیفه کرده و از سال ۱۳۷۰ به مدت شش سال امامت جمعه شهر سامان را عهده دار بوده و پس از آن به گلپایگان منتقل و امامت جمعه آنجا را عهده دار شده و هم اکنون نیز در همان سنگر در گلپایگان مشغول انجام وظیفه است. از آثاری که توسط ایشان چاپ شده سه جلد کتاب به نام تقویت مبانی اعتقادی است که مجموعه مباحث اساتید بزرگ حوزه علمی قم در برنامه های طرح تقویت مبانی اعتقادی و شبهه زدائی دینی است که همه ساله در سامان و گلپایگان به اجرا در می آمده و هم اکنون نیز در گلپایگان سالی یک ماه اجرا می شود و این کتابها مورد استقبال علاقه مندان قرار گرفته است.

برنامه های فرهنگی و فعالیت های تبلیغی ایشان در سنگر امامت جمعه به ویژه در شهر سامان مورد توجه مقام معظم رهبری دام ظلّه بوده و بارها با تعابیر مختلف ایشان را مورد تشویق و عنایت قرار داده اند و حتی در یکی از اجلاسهای سراسری ائمه جمعه از سامان و کارهای فرهنگی امام جمعه آنجا یاد کردند تا الگویی برای دیگر ائمه محترم جمعه باشد.

حجة الاسلام والمسلمین محمد علی عالمی

محمد علی عالمی فرزند محمد در سال ۱۳۲۹ در روستای شیدآباد از توابع گلپایگان در خانواده ای روحانی متولد شد بعد از تحصیلات ابتدائی وارد حوزه علمیّه اراک و پس از یک سال تحصیل به قم هجرت کرد و در مدرسه آیة الله گلپایگانی تحصیل را ادامه داد، در تحصیل بسیار کوشا بود و پس از طی مراحل مقدماتی، تدریس را شروع کرد و در این زمینه توفیق خوبی به دست آورد، ابتدا در مدرسه آیة الله گلپایگانی و پس از آن در سطح

حوزه تدریس را شروع کرد، شاگردان فراوانی در درس او حاضر می شدند، و پس از انقلاب و بازگشائی دانشگاهها تدریس در دانشگاه الزهرا را شروع کرد و پس از مدتی به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده الهیات همان دانشگاه پذیرفته شد و چندین سال در این عرصه خدمت کرد.

از سال های ۶۳ و ۶۴ به بعد به عنوان تبلیغ در ماه محرم و صفر از طرف آیه الله گلپایگانی به کشور انگلستان سفر کرد و در مجمع جهانی اسلامی که توسط آن مرجع بزرگوار پایه گذاری گردیده است به خدمت مشغول شد و موفقیت ایشان در این زمینه و داشتن شرائط لازم برای جذب افراد مقیم خارج، باعث شد بیت معظم له با اصرار ایشان را به ماندن در آن کشور و ادار کند و از سال ۶۷ به بعد تاکنون در آن کشور مشغول تبلیغ و ارشاد و انجام وظیفه به عنوان امام جمعه لندن می باشد.

حجة الاسلام شیخ مرتضی قاضی زاهدی

فرزند آیه الله حاج شیخ علی قاضی زاهدی.

حاج آقا مرتضی حائری فرزند سید محمد حائری

بنده در بیت علم متولد شده ام و اجداد بنده همه از اهل علم بودند. در روستای ملک علی از توابع گلپایگان در سنه ۱۳۱۰ متولد شدم مرحوم والد سید محمد حائری که مردی بسیار فاضل و موجه بودند در گلپایگان در مسجد مرحوم حجة الاسلام اقامه جماعت می فرمودند. چون آن مسجد حجراتی

داشت ایشان آنها را احیاء کرد و در آنجا طلابی را پذیرفت و مدرّسانی را تعیین کرد و من هم که ۱۹ ساله بودم با اخوی سید جمال الدین حائری در آن مسجد حجره ای داشتیم، و مقدمات را در آنجا خواندم و دو سه سال در آنجا بودم و اساتید ما در آنجا یکی خود مرحوم والد سید محمد و دیگری حاج آقا ریحان الله نخعی و سوّمی آقای آقا نور قوچانی بودند.

بعداً به قم آمدم که زمان مراجع ثلاث بود. و شرح لمعه را نزد مرحوم آیة الله مرعشی نجفی خواندم و بعد هم از محضر مرحوم آیة الله صدوقی استفاده کردم که بیان بهتری داشتند.

و از اساتید دیگر بنده حاج آقا فاضل قفقازی است که مکاسب را پیش ایشان خواندم و حاج فقیهی رشتی که جلدین کفایه را نزد ایشان خواندم و مرحوم آقای شیخ راضی که رسائل را نزد ایشان خواندم در درس خارج مقداری از محضر آیة الله بروجردی و مرحوم آیة الله گلپایگانی استفاده کردم که البته مقدار کمی بود.

سپس به عللی به تهران آمدم و در مسجدی که فعلاً هم در آنجا هستم اقامه جماعت می کنم و این حسب الامر حضرت آیة الله گلپایگانی بود بعد از فوت مرحوم اخوی، که ده سال در همین مسجد اقامه جماعت می کردند.

در دوران نهضت اسلامی و انقلاب در تمامی صحنه ها و راهپیمایی ها حضور داشته و به طور فعال با جامعه روحانیت تهران همکاری داشتم.

و مدتی هم قبل از انقلاب در جریانات حوادث و مسائل سیاسی به زندان رفتم. و بعد از انقلاب در کمیته انقلاب به عنوان سرپرست ستاد منطقه ۸ تهران بودم و مدتی هم در کمیته زنجان در قسمت آموزش بودم.

حجة الاسلام والمسلمین سید مهدی محمودی

این جانب سید مهدی محمودی متولد ۱۳۱۸ شمسی فرزند حاج میرزا سید محمد محمودی و امام جماعت مسجد امام حسن طرشت . در سن ده سالگی به مکتب رفتم و نزد چند استاد درس خواندم که بهترین آنها آقای حاج شیخ محمد تقی هدایتی بود . این استاد ضمن تدریس منبر هم می رفت با توجه به اینکه صوت خوبی داشتم علاقه مند شدم به اشعار مذهبی و استاد برایم می نوشت و حفظ می کردم و در کنار منبر می ایستادم و می خواندم ، حاضرین و مستمعین تشویق می کردند و این تشویقها باعث شد در این زمینه مطرح گردیده به طوری که در مجالس شخصاً دعوت می شدم . پس از آنکه قرآن و کتبی که در آن زمان وجود داشت کاملاً یاد گرفتم به فکر رسیدن به ادامه تحصیل دهم ، لکن در آن زمان معلمی که بتواند کتب عربی را تدریس کند در محل نبود لذا به والدینم پیشنهاد کردم اجازه دهند به حوزه علمیه اراک بروم ، زیرا چند نفر از هم دوره هایم به اراک رفته بودند ، مادرم قبول کرد و اظهار داشت چون پدر بزرگت روحانی بود خوب است جای خالی او را پر کنی تعبیر محلی بود که معمولاً به کار گرفته می شد . پدر بزرگم مرحوم آقا میر محمد علی ، فردی زاهد و باتقوی و مورد احترام اهالی محل بود به طوری که پس از وفات او مردم بالای قبر او شمع روشن می کردند که متأسفانه پس از تجدید بنای امام زاده قبر او تخریب شد .

اما پدرم موافق نبود ، زیرا انتظار داشت در امر کشاورزی به او کمک کنم اما خودم علاقه مند بودم ادامه تحصیل دهم و بالاخره بدون اطلاع پدر

به اراك رفتم حدود دو سال در اراك بودم جامع المقدمات را خواندم که مواجه شدم با جریان سقوط مصدق و وضع شهر اراك از نظر سیاسی تغییر پیدا کرد. اتفاقاً پدرم به دیدنم آمده بود به اتفاق ایشان به قم آمدم جهت زیارت و در مدت اقامت در قم از نزدیک جلسات درس و بحث طلاب را دیدم خیلی لذت بردم، به پدرم اظهار داشتم جای درس خواندن قم است باید به قم بیایم به محضر مرحوم آیه الله گلپایگانی شرفیاب شدیم برای اولین بار ایشان را زیارت کردم و از زیارت ایشان خیلی لذت بردم.

مرحوم پدرم خود را معرفی کرد، آقا ایشان را شناخت و از پدر بزرگ پدرم مرحوم حاج سید مهدی تعریف کرد و مرا تشویق کرد که این رشته را انتخاب کردم، برخورد ایشان بیشتر مرا ترغیب کرد به آمدن قم و بالاخره سریعاً برگشتم اراك و اثاث مختصری که داشتم جمع آوری کردم و به قم آمدم با توجه به اینکه در آن زمان مدارس پر بود نتوانستم حجره تهیه کنم بناچار به اتفاق یکی از همشهریان اطاقی در محله شادقلی خان اجاره کردیم و تحصیل شروع شد با علاقه ای که داشتم بالاخره موفق شدم رتبه اول را امتحان بدهم و به مدرسه فیضیه در حجره ای که معروف بود به حجره گلپایگانیها منتقل شدم و همچنان با علاقه به درس ادامه داده تا موفق شدم رتبه دوم را امتحان بدهم. در این مقطع زمانی بود که ازدواج کردم و همچنان به تحصیل ادامه دادم تا موفق شدم به درس خارج مرحوم آیه الله گلپایگانی حاضر شوم در ضمن تحصیل در ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان به نقاط مختلف جهت تبلیغ از دفتر مرحوم آیه الله گلپایگانی اعزام می شدم تا اینکه در سال ۱۳۵۰ شمسی از طرف معظم له به تهران در این محل (طرشت) به امامت مسجد منصوب گردیدم و تا این زمان در این محل مشغول

انجام وظیفه هستم.

اللّٰهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا نَحِبُّ وَتَرْضَىٰ وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِنَا خَيْرًا.

اساتیدم:

آیات وحجج: فشارکی، مسعودی خمینی، جلالی خمینی، ستوده،
نوری همدانی، فاضل لنکرانی، مشکینی، سلطانی و آیه الله
العظمی گلپایگانی.

خدمات:

ساختن مسجد.

تأسیس درمانگاه.

تأسیس دبیرستان دخترانه.

چند نفر از اجداد ایشان روحانی بوده اند:

۱- آقا سید مهدی.

۲- آقا میر محمد علی فرزند سید مهدی.

۳- حاج سید رضا فرزند آقا سید محمد.^(۱)

که هر سه به خاطر زهد و تقوی مورد توجه مردم بوده اند.^(۲)

(۱) شاید آقا سید محمد علی صحیح باشد.

(۲) کتابی به نام رموز خوشنویسی از سید مهدی محمودی متولد ۱۳۴۴ و فرزند حجة الاسلام
والمسلمین حاج سید مرتضی محمودی در سال ۱۳۷۶ چاپ شده است.

سید مهدی حسینی گلپایگانی

از وی کتاب بوستان ادب در سال ۱۳۷۷ در قم چاپ شده است.

حجة الاسلام والمسلمین نصرت الله جمالی

نصرت الله جمالی فرزند محمد جعفر در خانواده ای مذهبی در سال ۱۳۳۶ در روستای ورزنه گلپایگان به دنیا آمد. خانواده ایشان نسل اندر نسل میزبان علمای مبلّغ در منطقه بوده است.

قرآن را با آهنگ دلنواز پس از نماز صبح از پدر فرا گرفت و تحصیلات دوره ابتدایی را در محل، و دوره دبیرستان را در شهرستان گلپایگان گذراند و در سال ۱۳۵۱ عازم حوزه علمیه قم گردید. دوره سطح مقدماتی را در مدرسه علمیه حضرت آیه الله گلپایگانی و سطح عالی را با شرکت در دروس عمومی حوزه با تلمذ از اساتیدی چون آقایان آیات و حجج دوزدو زانی، محقق داماد، مرحوم ستوده، اعتمادی، موسوی تهرانی، مشکینی به پایان رساند.

در مبارزات روحانیت به رهبری حضرت امام و مراجع عظام و برقراری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حدود هشت سال به خدمت در ارتش جهت تدریس و حضور در جبهه ها مشغول بود و سپس برای ادامه تحصیل به حوزه مراجعت نمود.

در کنار دروس حوزوی موفق به اخذ لیسانس (کارشناسی) در زبان

وادبیات عرب از دانشگاه تهران گردید و سپس در رشته علوم قرآنی و حدیث دوره کارشناسی ارشد را از دانشکده اصول الدین علامه عسکری گذراند و نتیجه آن ارائه پایان نامه ای به نام «عوامل انقراض امتها در قرآن و نهج البلاغه» یا «عوامل سقوط حکومت ها در قرآن و نهج البلاغه» بود که با کسب نمره عالی، فارغ التحصیل گردید و از محضر اساتیدی چون علامه عسکری و استاد معرفت کسب فیض کرد.

نامبرده به دروس خارج فقه و اصول در محضر اساتیدی همچون آیه الله العظمی صافی گلپایگانی، آیه الله جعفر سبحانی و ... اشتغال دارند. در ضمن تاکنون موفق به نوشتن چند اثر گردیده است:

۱- سرزمین های اسلامی (کتاب درسی ارتش) که در سال ۱۳۶۸ توسط عقیدتی سیاسی به چاپ رسید.

۲- اعتکاف توسط سازمان تبلیغات در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسید.

۳- عوامل سقوط حکومت ها در قرآن و نهج البلاغه چاپ ۱۳۷۸.

۴- اخلاق تبلیغی چاپ ۱۳۷۹.

مکتوبات به چاپ نرسیده:

۱- فرازی از سیره تبلیغی امام علی (ع) تألیف سال ۱۳۷۹.

۲- جدل و استدلال در قرآن - درسی دانشگاه تألیف در سال ۱۳۷۹.

۳- سرزمین های اسلامی بخش اول از جلد دوم بحث عربستان تألیف

۱۳۶۹.

۴- شیطان در نهج البلاغه تألیف ۱۳۶۵.

۵- جنگ احد تألیف ۱۳۶۷.

۶- اذان تألیف ۱۳۶۰.

۷- مجموعه ای از اشعار که در ظرف چند سال سروده شده.

حجة الاسلام والمسلمين شيخ نصرت الله موحدی

حقیر شیخ نصرت الله موحدی فرزند ابوالفضل در سال ۱۳۲۱ در قریه شادگان گلپایگان متولد شدم و دوره ابتدایی را در مدرسه و مکتب خانه طی نمودم و کتاب جامع المقدمات را در گلپایگان خواندم برای ادامه تحصیل و اتمام ادبیات و منطق به شهر اراک رفتم و از محضر اساتید آنجا بهره مند شدم حدود سال ۱۳۴۰ برای کسب علم و دانش به قم و حوزه علمیه مشرف شدم و از محضر درس اصول و فقه اساتید بزرگ حوزه آقایان: علوی گرگانی، صلواتی، اراکی، نوری همدانی، فاضل لنکرانی و دیگر بزرگان استفاده نمودم.

سپس برای اتمام سطح عالی همزمان با تبعید امام امت به نجف اشرف به عتبات عالیات تشرّف پیدا کردم و از محضر درس آیات الله: شیخ جواد تبریزی، شیخ مسلم سرابی، شیخ صدرای بادکوبه ای و راستی کاشانی بهره مند شدم (و همیشه در درس اخلاق شهید آیه الله مدنی شرکت می نمودم) بعد به ایران مراجعت نموده ازدواج کردم و در حوزه علمیه قم به درس خارج فقه مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) و درس خارج اصول آیه الله وحید خراسانی حفظه الله شرکت نمودم و از درس حکمت و منظومه استاد شهید مفتاح و انصاری شیرازی و دیگر معارف حوزه پر برکت قم استضائه نمودم در کنار دروس علمی حوزه از دروس معارف آیه الله مکارم شیرازی، آیه الله محمدی گیلانی و آیه الله مشکینی و دیگران ارشاد می شدم و از درس تفسیر آیه الله خزعلی نهایت فیض عاید می شد.

در دوران انقلاب اسلامی همگام با طلاب جوان حوزه علمیه قم وارد مبارزه شدم در شهرهای کردستان و سنندج و کنگاور کرمانشاه و آباده شیراز و فارسان شهر کرد با توفیق الهی و نفس مسیحایی امام امت پیشتاز مبارزه با طاغوت بودم.

سرانجام دستگیر و زندانی شدم با روی کار آمدن دولت نظام آشتی شریف امامی از زندان آزاد شدم و با توان و آمادگی بیشتر در مسیر انقلاب و امام بودم تا خداوند پیروزی را کرامت نمود و آرزوی دیرینه همه امت اسلامی برآورده شد و امید و نشاط و عشق به اسلام و حکومت اسلامی حیات طیبه و تولد دیگری به ما بخشید و بار سنگین نگهداری انقلاب به دوشمان آمد.

در نخستین سال های انقلاب به دعوت مسئولین نظام وارد ارتش شدم و تاکنون در نیروی زمینی و ستاد مشترک ارتش در سنگر پربرکت عقیدتی سیاسی و این نهاد مقدس انجام وظیفه نمودم و افتخار دارم در دوران دفاع مقدس در سراسر کشورر دعاگو و ثنا خوان مجاهدان، آزادگان، جانبازان، شهیدان و خانواده آنان بودم و با شهادت فرزند بزرگم، بسیجی عاشق جواد موحدی به خیل با کرامت دودمان شهیدان پیوستم و هم اکنون به آرزوی پیمودن راه آنان و تأسی به جهاد و اخلاص آنان صرف عمر می کنم امید دارم خداوند شهادت در راهش با علم و عشق و اخلاص روزیم فرماید ان شاء الله.

در خاتمه باید یادآور شوم که بنده همیشه با کتاب و قلم و کلاس و منبر و وعظ و ارشاد مأنوس بودم و حیات روحانی و معنوی خودم را مرهون این کارها می دانستم و بحمد الله با عنایت خَلَفَ صَالِح رسول الله ﷺ حضرت مهدی ﷺ و توجه ائمه اطهار ﷺ دست نوشته های فراوانی گرد آورده ام ولی

آماده چاپ نمی باشد امید است در ایام بازنشستگی از خدمت ارتش به این مهم توفیق یابم ان شاء الله و حاصل یک عمر تلاش و فکر و ذکر مکتبی و مطالعات خود را به عنوان یک صدقه جاریه باقی بگذارم ان شاء الله والسلام.

حجة الاسلام والمسلمین سید هاشم بطحایی

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله .

این جانب در گوگرد گلپایگان در سال ۱۳۲۰ در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم . از اوان طفولیت خیلی مشتاق به تحصیل و کسب دانش بودم تا جایی که گریه می کردم که پدرم مرا به مکتب ببرد تا موفق شدم . تا ۱۵ سالگی در گوگرد تحصیلات ابتدایی را گذراندم مقداری مقدمات نزد مرحوم حاج آقا جواد نخعی (رحمة الله علیه) تلمذ کردم .

آن روز حوزه اراك نسبتاً خوب بود و به گلپایگان هم نزدیک بود، طلاب گلپایگان به آنجا می رفتند، من هم سال ۳۵ رفتم اراك در مدرسه آقا ضیاء مشغول به تحصیل شدم . یک سال در اراك بودم و نزد آقای رفیعی (رحمة الله علیه) که از اساتید خوب آن حوزه بود و در ادبیات شهرتی داشت تلمذ کردم . سپس به فکر افتادم که به قم بیایم البته وضع مالی و اقتصادی آن روز ما هم مثل بقیه مردم مناسب نبود اما در عین حال عشق به ادامه تحصیل باعث شد که سال ۳۶ از اراك به قم آمدم و منزل اجاره کردم . البته اجاره های آن وقت ناچیز بود ولی امکانات اقتصادی هم خوب نبود .

نزد آقا شیخ رحمة الله فشارکی مغنی و مطول تلمذ کردم قسمتی از مغنی را پیش آقا شیخ قاسم نحوی خواندم که از ادبای مشهور آن زمان بود

و استاد منتخب مرحوم آقای بروجردی برای آقازاده خود مرحوم آقای حاج آقا احمد بود. در همان اوان به این فکر افتادم که خوب است تحصیلات کلاسیک را هم در کنار تحصیلات حوزوی داشته باشم و انگیزه این کار هم دو چیز بود.

یکی در واقع استقلال معیشتی و اقتصادی بود.

انگیزه دوم: این بود که فکر کردم که اسلام فقط منحصر به مساجد نیست ما باید اسلام را ببریم در مراکز عالی علمی، در دانشگاه ها در بین جوانان، در فرهنگ، در آموزش عالی و این تنها از طریق تحصیلات کلاسیکی ممکن است لذا تحصیلات کلاسیک را از سال ۳۶ شروع کردم.

وقوانین را در محضر آیه الله شیخ مصطفی اعتمادی و رسائل را خدمت آیه الله میرزا حسین نوری و مکاسب را محضر آیه الله آقای منتظری و شرح لمعه را در محضر آیه الله ستوده رحمة الله علیه و کفایه را هم در محضر آیه الله سلطانی رحمة الله علیه استفاده کردم.

امتحان نهایی درس جدید را در دارالفنون تهران سال ۳۹ یا همین اوان بود دادم و بعد هم کنکور شرکت کردم و وارد دانشگاه شدم تا اینکه سال ۴۱ - ۴۲ بود که برای درس خارج به درس مرحوم حضرت آیه الله گلپایگانی که بحث طهارت شروع کرده بودند حاضر شدم.

اسفار را از محضر آیه الله علامه طباطبایی رحمة الله علیه در مدرسه حجیته استفاده می کردم ولی عمدتاً درس فقه را مرهون مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی بودم. به موازی اینکه از محضر حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی استفاده می کردیم به درس فقه آیه الله شریعتمداری هم حاضر می شدم ۱۳ سال درس ایشان رفتم.

و اما درس خارج اصول از ابتدا تا ۱۳ سال در محضر آیه الله آقا

میرزاهاشم آملی تلمذ کردم و یک دوره درس اصول خدمت ایشان بودم .
 از محضر آیه الله العظمی گلپایگانی حدود ۲۶ سال استفاده کردم .
 و سال ۶۵ از آموزش و پرورش منتقل به آموزش عالی شدم و محل
 خدمت دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) که الآن هم هستم . ۱۵
 سال در آموزش و پرورش بودم سال ۵۸ رئیس دبیرستان دین و دانش بودم .
 حدود پنج شش ماه هم اوائل انقلاب استاندار شهر کرد بودم .
 تألیفات : ندای فطرت به صورت یک مکالمه است سال ۵۵ چاپ
 شده . حقوق بشر . اخلاق تحلیلی اسلامی . فاطمه کوثر رسالت .
 و الآن هم تألیفاتی در دست دارم . و رساله دکترای من هم حقوق زن
 و مرد از دیدگاه مذاهب خمسسه است و مقالاتی هم در مجله مکتب اسلام
 داشتم .
 سال ۷۳ هم امام جمعه گلپایگان شدم که مدت ۳/۵ سال ادامه داشت .

این سه شرح حال پس از تنظیم کتاب به دست ما رسید:

بانو احمدی

بانو سکینه سلطان احمدی گلپایگانی، صبیۀ مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ ضیاءالدین احمدی و از نوادگان مرحوم آية الله العظمی حاج ملا احمد گلپایگانی است.

وی در سال ۱۲۹۴ ش در گلپایگان متولد شد و از همان ابتدا، اشتیاقی وافر به نشر معارف دینی و فرهنگ غنی اسلامی در میان بانوان داشت. به دنبال استخدام در اداره آموزش و پرورش، به مدیریت مدرسه دولتی دخترانه در خمین منصوب گردید و با افتتاح نخستین مدرسه دولتی دخترانه در شهر گلپایگان، مدیریت آن مدرسه به عهده ایشان گذارده شد. در طول دوران مدیریت، با سعی بلیغ و همراه با صلابت خاص خود، به ترویج فرهنگ اسلامی در میان نونهالان اناث پرداخت و حتی در مواردی، با بازرسان وزارت فرهنگ آن زمان که از مرکز برای بازدید از مدارس شهر، به گلپایگان می آمدند و تأکید بر تسامح نسبت به حجاب بانوان و دوشیزگان می ورزیدند، با شجاعت تمام درگیر می شد که خاطرات آن، سال ها ورد زبان ها بود. با تأسیس «جامعه تعلیمات اسلامی» که به برکت آن، ده ها مدرسه اسلامی پسرانه و دخترانه، به همت والای خطیب پرتلاش و غیرتمند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباسعلی اسلامی، در سراسر کشور دایر گردید، در گلپایگان نیز برای دوشیزگان، مدرسه ای به نام «دبستان ملی فاطمیّه» دایر شد.^(۱) با توجه به سوابق درخشان بانو احمدی،

(۱) این مدارس تحت نظارت اداره آموزش و پرورش شهرستان ها اداره می گردید.

بنابه درخواست و تأکید نماینده «جامعه تعلیمات اسلامی» ایشان از مدیریت مدرسه دولتی دخترانه «دبستان بانوان» انصراف داده و مدیریت مدرسه اسلامی دخترانه گلپایگان را عهده دار شدند. افتتاح نخستین مدرسه دولتی دخترانه در خوانسار نیز توسط ایشان صورت گرفت.

بانو احمدی ضمن اشتغال در مدرسه اسلامی فاطمیه، از سال ۱۳۴۱ ش جلسات قرائت قرآن و بیان احکام و معارف دینی و نیز اقامه جماعت برای بانوان، در منزل شخصی خود برپا نمود و در ایام فراغت نیز ضمن مطالعه، به گردآوری روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام (از منابع مختلف)، همت گماشت که حاصل آن در کتابی تحت عنوان «نمونه تعالیم جاودان اسلام» در ۵۴۳ صفحه، در سال ۱۳۵۷ ش چاپ و منتشر گردید.

آیه‌الله آقا میر محمد کاظم گلپایگانی

مرحوم آیه‌الله آقا میر محمد کاظم بن سید حسن گلپایگانی از اجله علمای گلپایگان در اواخر عهد قاجار و دوران مشروطیت است. معظم له برادر کوچک مرحوم آیه‌الله آقا میر محمد صادق امام جمعه بزرگ گلپایگان و عمّ ارجمند مرحوم آیه‌الله آقا میرزا محمد حسن امام جمعه گلپایگان معروف به «آقای امام» است که هر سه از اوتاد و اولیای بلند مرتبه حق بوده‌اند.

وی در گلپایگان تولد یافت و پس از طی دوران صباوت و تحصیل مقدمات و سطوح در گلپایگان، به نجف اشرف مهاجرت نمود و به درس خارج فقه و اصول آیات عظام مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و دیگران راه یافت و سال‌ها از محضر پرفیض آنان استفاده نمود تا به مقام رفیع اجتهاد نایل گشت و به اخذ اجازه اجتهاد مطلق از آیات عظام یزدی و رشتی مفتخر گردید. آنگاه به وطن مألوف مراجعت نمود و در زادگاه خود، گلپایگان که «مقبولیت عامه» داشته است^(۱)، به تدریس علوم دینی و ترویج احکام الهی پرداخت تا اینکه پس از عمری تلاش و مجاهدت، بنا به گفته صاحب «شمس التواریخ»^(۲) سرانجام در روز دوم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹ ق به جوار رحمت و اسعه الهی شتافت.

آیه‌الله العظمی علامه آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در صورت

(۱) ر. ک شمس التواریخ: شیخ اسد الله ایزد گشسب. ص ۷ (چاپ دوم).

(۲) همان، ص ۱۱۷.

اجازه ای که به ایشان مرحمت فرموده اند^(۱) از وی تعبیر به «عمدة العلماء العاملين»، «نخبة الأکماء»، و «قرّة عیون الأعظم» نموده اند. در صورت اجازه مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی نیز تعبیری چون «عمدة العلماء العاملين»، «قدوة الأتقیاء الکاملین»، و «نور عیون اساطین العلماء» و نیز تعبیر «قرّة عینی» به چشم می خورد که حاکی از مقام بلند علمی و عملی آن بزرگوار می باشد.

معاریف روحانیون و مجتهدین گلپایگان نیز قدیمآ و جدیدآ وی را از فحول علمای امامیه بر شمرده اند و در علم اصول او را سرآمد علمای گلپایگان در عصر خود، دانسته اند.

مرحوم آقا میر محمد کاظم دارای آثار قلمی نیز بوده است که از جمله آنها کتاب «کاشف الاسرار» در شرح زیارت جامعه کبیره بوده است. این کتاب هم اکنون در دسترس نمی باشد ولی وی در یکی از رساله های مخطوط خود که نزد این جانب موجود است بدان اشاره می کند. محتویات رساله موجود که به فارسی نگاشته شده است به وضوح، کاشف از کرامات ایشان و عنایات معصومین علیهم السلام به آن بزرگوار است.

از آن فقیه عارف دو فرزند ذکور بر جای ماند: یکی مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقا سید جمال الدین امام جمعه (متوفای ۱۳۱۳ ش) که در حوزه علمیه اصفهان نزد حضرات آیات: فشارکی، خاتون آبادی و مرحوم میرزا جهانگیر خان قشقایی تحصیل علوم دینی نموده است و دیگری مرحوم آقا نورالدین امام جمعه (متوفای ۱۳۲۶ ش) که اهل فضل و دانش و در مسیر تقوای الهی صاحب توفیقات و کمالات بوده است. از یادگارهای

(۱) اصل صورت اجازات آن مرحوم نزد این جانب موجود است (منوچهر احمدی).

صاحب ترجمه، بنای مسجد «آمیر محمد کاظم» (واقع در خیابان آیه‌الله طالقانی فعلی) است که مدفن ایشان نیز در ضلع شمالی آن واقع شده است و اخیراً آرامگاه آن فقید سعید به طرز زیبایی تجدید بنا گردید.
تدوین کننده: منوچهر احمدی

آیه الله العظمی

آقای حاج میرزا عبدالکریم محمدی گلپایگانی (ره)

مرحوم حاج میرزا عبدالکریم محمدی فرزند مرحوم حاج رضا در روستای اسفرنجان از توابع گلپایگان در یک خانواده کشاورز به دنیا آمد، در سنین کودکی مقداری از تحصیلات و خواندن کتاب های مقدمات را در مدرسه و حوزه علمیه آن زمان گلپایگان گذراند سپس به شهر اصفهان عزیمت نمود و مدت ۴ الی ۵ سال نزد علمای اصفهان به فراگیری علوم دینی و تحصیلات حوزوی پرداخت و پس از تمام کردن دروس رسائل و مکاسب و کفایه به نجف اشرف مسافرت نمود و در زمانی که حوزه علمیه نجف تحت نظر و ریاست مرحوم آیه الله سید محمد کاظم یزدی (ره) اداره می شد از محضر ایشان و علمای دیگر آن زمان نجف کسب فیض نمود و بعد از مدتی با اخذ اجازه اجتهاد از مرحوم آیه الله سید محمد کاظم یزدی و علمای دیگر بهایران و منطقه گلپایگان مراجعت نمود و با صبیبه مرحوم آمیرزا هدایت الله گلپایگانی (از علماء بزرگ شهر گلپایگان در آن زمان) ازدواج کرده و در همان روستای اسفرنجان که زادگاهش بود مشغول ترویج احکام شرع مقدس و نشر و تبلیغ مسائل و علوم اسلامی برای مردم گردید و از این رو پایگاه و مقام والایی در منطقه کسب نمود به حدی که مردم برای طرح شکایات و رفع و رجوع اختلافات روزمره خود به ایشان به عنوان حاکم شرع مراجعه می کردند و ایشان به خیر و خوبی امور محوله را اصلاح می کردند.

معظم له پس از یک عمر خدمت، در سن حدود ۹۰ سالگی به رحمت ایزدی می پیوندد و در محل امامزاده روستای اسفرنجان به خاک سپرده می شود.

اعاشه و گذران زندگی مشار الیه از راه کشاورزی و محصولات زراعی که خود ایشان روی قسمتی از زمین های قریه اسفرنجان انجام می داده اند اداره می شده و احتیاجی به کمک مردم نداشته حتی خود کمک کار فقرا و مستمندان زیادی بوده اند. عاش سعیداً و مات سعیداً.

از فرزندان ایشان پنج دختر و یک پسر به نام مرحوم آیه الله حاج آقا محمد محمدی (متوفی ۱۳۴۴ هـ.ش) می توان نام برد که مرحوم آیه الله حاج آقا محمد محمدی پس از مدتی تحصیل در شهر گلپایگان به اصفهان مسافرت می نماید و در مدت چهار سال اقامت در اصفهان از محضر علمای حوزه علمیه اصفهان کسب فیض نموده و پس از نائل آمدن به مدارج علمی به گلپایگان مراجعت می نمایند و با دختر عموی خود ازدواج کرده سپس به قصد زیارت بیت الله الحرام با زحمات ورنج فراوان و سختی های مسافرت در آن زمان به حج مشرف می شوند و پس از انجام فریضه حج در مراجعت مدت ۷ سال در حوزه علمیه نجف اقامت می نماید و از حوزه درسی مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی (ره) و مرحوم آیه الله آقا میرزا حسین نائینی کسب فیض نموده و بهره مند می شوند، و پس از اخذ اجازه اجتهاد از محضر آن دو بزرگوار به زادگاه خود گلپایگان برمی گردد و در همان روستای اسفرنجان مانند پدر خود به ترویج احکام شرع مقدس پرداخته و مانند والد گرامیش مرحوم آیه الله حاج میرزا عبدالکریم به رتق و فتق حوائج ارباب

رجوع اهتمام داشته است. همچنین سال های متمادی در قریه اسفرنجان اقامه نماز جمعه داشته که مورد استفاده تعداد زیادی از اهالی روستاهای تابعه گلپایگان بوده است درود رحمت بی پایان الهی نثار ارواح آن بزرگواران باد.

از فرزندان ذکور مرحوم آیه الله حاج آقا محمد محمدی گلپایگانی می توان از حجة الاسلام والمسلمین احمد محمدی گلپایگانی نام برد که در قید حیات می باشند. مشار الیه متولد ۱۳۰۶ هـ ش در قریه اسفرنجان گلپایگان بوده پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی در گلپایگان در سن ۲۰ سالگی جهت ادامه تحصیلات حوزوی و فراگیری علوم دینی به شهر قم عزیمت می کند. دروس سطح و مکاسب و رسایل را نزد مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد تقی ستوده و بعضی دیگر از مدرسین حوزه علمیه قم تلمذ کرده و درس خارج را در محضر مرحوم حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی (ره) کسب فیض نموده است. در طول سال های اقامت در حوزه علمیه قم نزدیک به چهل سال در ماه های محرم و صفر و ماه مبارک رمضان بنا به دعوت اهالی گلپایگان و حسب الامر مرحوم حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) جهت امر تبلیغ احکام شرعی و بیان مسایل اسلامی در قریه اسفرنجان حضور پیدا می کرد. نامبرده در سال های اولیه اقامت در قم با صبیبه مرحوم آیه الله حاج شیخ علی محمد موحدی ازدواج می نماید که نتیجه این پیوند سه فرزند پسر و دو فرزند دختر می باشد.

از فعالیت های اجتماعی حجة الاسلام احمد محمدی تولیت املاک زراعی موقوفات تعدادی از روستاهای تابعه گلپایگان می باشد که ابتدا از حدود یکصد سال قبل نزد مرحوم حاج میرزا عبدالکریم به صورت وقف در

آمده و بنا بر وصیت شرعی در مرحله دوم تولیت آن به مرحوم آیه الله آقا محمد
محمدی رسیده و در حال حاضر مسئولیت این مهم بر عهده حجة الاسلام
احمد محمدی می باشد که عواید حاصله از این موقوفات خرج روضه خوانی
و برگزاری مراسم عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)
می گردد.

فهرست مطالب

- ۴۱- الميرزا آقا گلپایگانی الحائري ۱۱
- ۴۲- شهيد ملا حسينعلی مشهور به آقا بابای واعظ ۱۱
- ۴۳- آقا سيد آقا ۱۲
- ۴۴- الشيخ إبراهيم گلپایگانی الجدّي ۱۲
- ۴۵- حاج شيخ ابراهيم قاضی زاهدی ۲۷۱
- ۴۶- الحاج ملا أبوطالب العراقي الكزازي ۱۳
- ۴۷- حاج سيد ابوطالب محمودی گلپایگانی ۱۳
- ۴۸- حاج شيخ ابوالفضل اسعدی ۱۷
- ۴۹- حاج ميرزا ابوالفضل فروتن ۱۷
- حاج شيخ ابوالفضل سجودی ۲۹۰
- ۵۰- ملا ابوالقاسم گلپایگانی بروجردی ۱۷
- ۵۱- ملا ابوالقاسم قطب ۱۹
- ۵۲- المولى ابوالقاسم الجرفادقانى ۱۹
- ۵۳- ابوالقاسم بن آقا محمد جرفادقانى ۲۰
- ۵۴- ابوالقاسم بن محمد تقی ۲۰
- ۵۵- ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی ۲۱

۴۰۲ دانشمندان گلپایگانی

- ۵۶- سید ابوالقاسم بن علی اصغر گلپایگانی (سده ۱۴) ۲۱
- ۵۷- ملا ابوالقاسم بن عباس صافی گلپایگانی ۲۲
- ۵۸- ابوالقاسم موسوی گلپایگانی ۲۲
- ۵۹- ابوالقاسم جرفادقانی ۲۳
- میرزا ابوالقاسم قاضی زاهدی ۲۳
- ۶۰- حجة الاسلام سید احمد میر شریفی ۲۷۲
- ۶۱- حاج شیخ احمد قاضی زاهدی ۲۷۶
- ۶۲- المولی أحمد الگلپایگانی ۲۳
- ۶۳- شیخ احمد عباسی ۲۳
- ۶۴- حاج سید احمد گلپایگانی ۲۴
- ۶۵- حجة الاسلام حاج شیخ احمد محمدی ۲۷۸
- ۶۶- میرزا احمد خالصی ۲۵
- ۶۷- حاج شیخ احمد کریمی ۲۵
- ۶۸- اسد الله بن محمود گلپایگانی ۲۵
- ۶۹- حاج سید اسد الله ساجدی ۳۵
- ۷۰- اسد الله بن علی محمد گلپایگانی ۳۵
- ۷۱- حاج شیخ اسد الله ۳۵
- ۷۲- اسد الله بن ابوطالب اسفرنجانى ۳۵
- ۷۳- آخوند ملا اسد الله مردانشاهی ۳۶
- ۷۴- حاج سید اسماعیل گلپایگانی ۳۷
- ۷۵- آقا شیخ اسماعیل نخعی ۴۲
- ۷۶- میرزا باقر بن ملا زین العابدین گلپایگانی ۴۲

فهرست مطالب ۲۰۳

۷۷- بانو احمدی ۲۷۸ و ۳۹۲

۷۸- حجة الاسلام آقا شيخ جعفر گلپایگانی ۴۲

۷۹- السيد جعفر الجرفادقاني ۴۳

۸۰- آية الله حاج شيخ جلال طاهر شمس گلپایگانی ۴۴

۸۱- آقا جمال الدين بن آخوند ملا اسدالله مردانشاهی ۵۰

۸۲- آقا سيد جمال الدين حائري فرزند آقا سيد محمد ۵۰

۸۳- سيد جمال الدين امام جمعه ۵۱

۸۴- جواد غيائي گلپایگانی ۲۷۹

۸۵- حجة الاسلام والمسلمين حاج آقا جواد گلپایگانی ۲۷۹

۸۶- جهانبخش گلپایگانی ۵۱

۸۷- حاج شيخ حبيب الله گلپایگانی ۵۱

۸۸- حبيب الله بن محمد حسن گلپایگانی ۵۵

۸۹- سيد حسن بن محمد صادق جرفادقاني ۵۶

۹۰- حسن بن ابو المعصوم گلپایگانی گوگدی ۵۶

۹۱- حاج شيخ حسنعلی مظفری ۵۷

۹۲- حاج شيخ حسين قرنی ۲۸۰

۹۳- آية الله حاج سيد حسين ابطحي گلپایگانی ۵۷

۹۴- حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ حسين روشنی ۶۶

۹۵- حجة الاسلام سيد حسين بطحايی ۲۸۱

۹۶- حاج شيخ حسين توسلی ۶۷

۹۷- حاج سيد حسين زهرانی ۶۸

۹۸- سيد حسين گلپایگانی ۶۸

۴۰۴ دانشمندان گلپایگان

۹۹ - حسین شریف گلپایگانی ۶۸

۱۰۰ - حاج آقا حسین ۶۸

۱۰۱ - حاج شیخ حسین احمدی ۶۸

۱۰۲ - حاج شیخ حسینعلی مشایخی ۷۰

ملا حسینعلی ۷۰

۱۰۳ - حمزة بن عبدالله ۷۰

۱۰۴ - حجة الاسلام حمید رضا بصیری ۲۸۲

۱۰۵ - الأمير ذوالفقار الجرفادقانی ۷۱

۱۰۶ - رستم علی الجرفادقانی ۷۲

۱۰۷ - آخوند ملا رضا اشراقی ۷۳

۱۰۸ - دکتر رضا صفوی ۲۸۵

۱۰۹ - ملا رضا قطب ۷۳

۱۱۰ - حجة الاسلام آقای حاج آقا رضا حسینی ۲۸۶

۱۱۱ - المولی الحاج رضا الگلپایگانی الاسفرنجانی ۷۳

آقا رضا قاضی زاهدی (مکرر شماره ۳۹) ۷۳

۱۱۲ - فقیه بزرگوار آقا میرزا رضا ۷۵

۱۱۳ - حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا رضا شهیدی (ره) ۷۷

۱۱۴ - حجة الاسلام والمسلمین سید رضا بطحائی ۲۸۷

۱۱۵ - زین الدین علی ابن عین علی شریف گلپایگانی ۸۴

۱۱۶ - سید زین العابدین شعاعی گلپایگانی ۲۸۹

۱۱۷ - شیخ زین العابدین وحیدی گلپایگانی ۲۸۹

۱۱۸ - ملا زین العابدین عراقی دستجوده ای ۸۵

فهرست مطالب ۴۰۵

۱۱۹ - حجة الاسلام والمسلمين سجودی گلپایگانی ۲۹۰

۱۲۰ - حجة الاسلام سيد سعيد ياسینی ۲۹۱

۱۲۱ - حجة الاسلام سعيد نخعی ۲۹۱

۱۲۲ - المولى شرفعلي بن المولى أحمد الجرفادقاني ۸۵

۱۲۳ - شفيع گلپایگانی ۸۵

۱۲۴ - آقا صدرالدين حجّتی ۸۵

۱۲۵ - آقا شيخ صدرالدين احمدی ۸۶

۱۲۶ - آقا شيخ ضياء الدين احمدی ۸۶

۱۲۷ - آقا شيخ ضياء الدين گلپایگانی ۸۶

۱۲۸ - حاج سيد طاهر حجازی ۸۷

۱۲۹ - السيد الميرزا عباس الكلبيكاني ۸۸

۱۳۰ - المولى عبّاس ۸۸

۱۳۱ - ملا عباس ۸۸

۱۳۲ - حاج شيخ عباس تراپی گلپایگانی ۸۹

۱۳۳ - حاج شيخ عباس سعيد آبادی ۹۲

۱۳۴ - حاج شيخ عباسعلی مشايخی ۹۲

۱۳۵ - حجة الاسلام والمسلمين آقا شيخ عباسعلی صبائی ۲۹۳

آية الله آقا ميرزا عباسعلی قاضی زاهدی (مکرّر شماره ۳۵) ۹۲

۱۳۶ - عبد الجواد بن حاج ملا باقر سعيد آبادی ۹۸

۱۳۷ - ميرزا عبد الغفار ۹۸

۱۳۸ - المولى عبد الغفور بن المولى شرفعلي بن المولى أحمد الجرفادقاني ۹۹

۱۳۹ - آية الله آقا شيخ عبد الكريم اسفرنجانی ۳۹۷ و ۹۹

- ۱۴۰ - ملا عبدالکریم ۱۰۰
- ۱۴۱ - آخوند ملا عبد الهادی ۱۰۰
- ۱۴۲ - حجة الاسلام والمسلمین شیخ عبدالله فیاضی ۱۰۱
- ۱۴۳ - عبد المحمّد صدر العلماء بن فتحعلی شمس العلماء گلپایگانی ۱۰۲
- ۱۴۴ - ابو احمد عبید الله ۱۰۳
- ۱۴۵ - حاج شیخ علم الهدی ۱۰۳
- ۱۴۶ - حاج شیخ علی اعجازی ۱۰۳
- ۱۴۷ - حجة الاسلام والمسلمین سید علی بطحایی ۱۰۴
- ۱۴۸ - آقای حاج شیخ علی قرنی ۱۰۸
- ۱۴۹ - آقا سید علی گلپایگانی ۱۱۰
- ۱۵۰ - آية الله حاج شیخ علی افتخاری ۱۱۱
- آخوند ملا علی قاضی زاهدی (مکرّر شماره ۳۳) ۱۱۸
- ۱۵۱ - آخوند ملا علی عالمی ۱۱۸
- ۱۵۲ - ملا علی سرآوری ۱۱۸
- ۱۵۵۳ - حاج ملا علی عمیدی ۱۱۹
- ۱۵۴ - آقا شیخ علی گلپایگانی ۱۱۹
- ۱۵۵ - حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا علی نکونام ۲۹۵
- حاج شیخ علی قاضی زاهدی (مکرّر شماره ۴۰) ۲۹۷
- ۱۵۶ - حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی عنایتی ۳۰۱
- ۱۵۷ - حجة الاسلام والمسلمین حاج ملا علی بن حاج غفار (عمیدی) ۱۲۰
- ۱۵۸ - حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی ربانی گلپایگانی ۳۰۲
- ۱۵۹ - حاج شیخ علی شجاعی ۳۰۴

فهرست مطالب ۴۰۷

۱۶۰ - شیخ علی صفائی گلپایگانی ۱۲۰

۱۶۱ - حاج ملا علی ۱۲۰

۱۶۲ - حجة الاسلام حاج شیخ علی مولایی گلپایگانی ۱۲۱

۱۶۳ - آقای حاج شیخ علی آقا ترابی ۳۰۵

۱۶۴ - سید علی گلپایگانی جد سید اسماعیل گلپایگانی ۱۲۱

۱۶۵ - آخوند ملا علی قالفانی ۱۲۱

۱۶۶ - آخوند ملا علی ۱۲۲

۱۶۷ - آية الله حاج سید علی گلپایگانی ۳۰۶

۱۶۸ - سید علی محمودی ۳۰۶

۱۶۹ - آقا شیخ علی گلپایگانی ۱۲۲

۱۷۰ - ملا علی کریمی ۱۲۲

۱۷۱ - ملا علی اکبر گلپایگانی ۱۲۳

۱۷۲ - سید علی اکبر مدنی ۳۰۷

۱۷۳ - میرزا علیخان گلپایگانی ۱۲۳

۱۷۴ - حجة الاسلام والمسلمین شیخ علی رضا متانت ۳۰۷

۱۷۵ - شیخ علی نقی کمره ای گلپایگانی ۱۲۶

۱۷۶ - حاج شیخ غضنفر اسعدی ۳۱۲

۱۷۷ - حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامحسین محمدی ۳۱۳

۱۷۸ - ملا غلامرضا مجتهد گلپایگانی ۱۲۷

۱۷۹ - فخر الدین بن ابی القاسم گلپایگانی ۱۲۷

۱۸۰ - فرج الله شریفی گلپایگانی ۳۱۷

۱۸۱ - حجة الاسلام والمسلمین سید فضل الله تهامی ۳۱۷

- ۱۸۲ - قاسم صافی گلپایگانی ۳۱۸
- قاضی زاهدی (مکرر شماره ۳۲) ۳۱۸
- ۱۸۳ - آیه الله آقا کاظم موسوی گلپایگانی ۱۲۸
- ۱۸۴ - السید کاظم ۱۲۹
- ۱۸۵ - کرد حسین گلپایگانی (سده ۱۳) ۱۲۹
- ۱۸۶ - المولی کریم الگلپایگانی ۱۲۹
- ۱۸۷ - حاج شیخ کلبعلی ۱۳۰
- ۱۸۸ - آقا کمال الدین بن آخوند ملا اسدالله مردانشاهی ۱۳۰
- ۱۸۹ - حجة الاسلام حاج آقا محمد اقدسی (گلپایگانی) ۳۱۹
- ۱۹۰ - حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا محمد وحید گلپایگانی ۱۳۰
- ۱۹۱ - محمد العتایی الکلبایگانی النجفی ۱۳۵
- ۱۹۲ - الشیخ محمد الکلبایگانی ۱۳۶
- ۱۹۳ - حجة الاسلام والمسلمین سید محمد محمودی موسوی گلپایگانی ۳۲۳
- ۱۹۴ - آقا سید محمد طائر گلپایگانی ۱۳۶
- ۱۹۵ - میرزا محمد گلشن گلپایگانی ۱۳۷
- (حاج آقا محمد محمدی اسفرنجان) ۳۹۸
- ۱۹۶ - حاج شیخ محمد غروی ۱۳۸
- ۱۹۷ - حاج شیخ محمد قرنی ۳۳۳
- ۱۹۸ - حجة الاسلام والمسلمین محمد اکرمی ۳۳۴
- ۱۹۹ - محمد بن علی اصغر جردقانی ۱۴۱
- ۲۰۰ - حاج میرزا محمد شیر محمدی ۱۴۲
- ۲۰۱ - حاج سید محمد حائری ۱۴۲
- ۲۰۲ - السید محمد الاصفهانی نزیل گلپایگان ۱۴۴

فهرست مطالب	۴۰۹
۲۰۳ - الحاج میرزا محمد	۱۴۵
۲۰۴ - شیخ محمد منتظری فرزند عباس	۳۳۸
۲۰۵ - الآخوند المولی محمد گلپایگانی	۱۴۵
۲۰۶ - سید محمد مهدوی مجتهد	۱۴۵
۲۰۷ - حجة الاسلام آقا شیخ محمد فیض	۱۴۶
۲۰۸ - آقا میرزا محمد بن آخوند ملا اسدالله مردانشاهی	۱۴۶
۲۰۹ - المولی محمد گلپایگانی	۱۴۶
۲۱۰ - میرزا محمد الکلبایگانی (ق ۱۳ - ق ۱۴)	۱۴۷
۲۱۱ - حاج سید محمد تهامی	۳۳۸
۲۱۲ - حاج شیخ محمد محمدی اسفرنجان	۱۴۷
۲۱۳ - حاج محمد نخعی	۱۴۸
آقا شیخ محمد نخعی	۱۶۴
۲۱۴ - حاج سید محمد هاشمی	۱۴۸
۲۱۵ - محمد افتخاری گلپایگانی	۳۳۹
۲۱۶ - سید محسن محمودی گلپایگانی	۳۳۹
۲۱۷ - سید محمد بن سعید موسوی گلپایگانی	۱۴۹
۲۱۸ - محمد بن حسن گلپایگانی	۱۴۹
۲۱۹ - محمد بن ابراهیم بن داود جرفادقانی	۱۴۹
۲۲۰ - محمد بن علی گلپایگانی	۱۴۹
۲۲۱ - محمد بن ابراهیم بن حسین ... گلپایگانی	۱۵۰
۲۲۲ - آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی	۱۵۰
۲۲۳ - حاج شیخ محمد ابراهیم زارعی	۳۳۹

۴۱۰ دانشمندان گلپایگان

۲۲۴ - حاج شیخ محمد ابراهیم فیاضی ۱۵۰

۲۲۵ - محمد ابراهیم بن محسن گلپایگانی ۱۵۲

۲۲۶ - سید محمد باقر میر محمد ۱۵۳

۲۲۷ - شیخ محمد باقر شریف زاده ۱۵۳

۲۲۸ - محمد باقر بن محمد علی بن سعید ۱۵۷

۲۲۹ - میرزا محمد باقر واعظی ۱۵۸

۲۳۰ - المولی محمد باقر الجرفادقانی ۱۵۹

۲۳۱ - السید محمد باقر الگلپایگانی ۱۵۹

۲۳۲ - محمد باقر بن حبیب الله الموسوی ۱۵۹

۲۳۳ - الشیخ محمد باقر الگلپایگانی الگوگدی ۱۶۰

۲۳۴ - الشیخ محمد باقر الجرفادقانی ۱۶۱

۲۳۵ - السید محمد باقر الگلپایگانی ۱۶۱

۲۳۶ - میرزا محمد باقر ۱۶۱

۲۳۷ - محمد باقر بن زین العابدین ۱۶۲

۲۳۸ - شیخ محمد باقر اعجازی ۱۶۲

۲۳۹ - حاج میرزا محمد باقر اعجازی ۱۶۲

۲۴۰ - ملا محمد باقر گلپایگانی ۱۶۲

۲۴۱ - محمد باقر بن محمد هادی گلپایگانی (سده ۱۳) ۱۶۳

۲۴۲ - سید محمد باقر موسوی ۱۶۴

۲۴۳ - ملا محمد باقر دستجرده ای ۱۶۴

۲۴۴ - حجة الاسلام والمسلمین ملا محمد باقر کلبعلی ۱۶۴

۲۴۵ - حجة الاسلام والمسلمین محمد باقر قائدی ۳۴۲

فهرست مطالب ۴۱۱

- ۲۴۶ - حجة الاسلام والمسلمين حاج آقا محمد باقر موسوی گلپایگانی ۳۴۵
- ۲۴۷ - حجة الاسلام والمسلمين شيخ محمد نخعی ۱۶۴
- ۲۴۸ - حاج شيخ محمد تقی وحیدی ۳۴۶
- ۲۴۹ - الميرزا محمد تقی الخوانساری الگلپایگانی ۱۶۹
- ۲۵۰ - حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ محمد جعفر (ابراهيم) ثمری ۳۴۸
- ۲۵۱ - حجة الاسلام حاج شيخ محمد جعفر منتظری ۳۵۰
- ۲۵۲ - سيد محمد جمال هاشمی گلپایگانی ۱۶۹
- ۲۵۳ - ملا محمد جواد گلپایگانی ۱۷۵
- ۲۵۴ - حجة الاسلام والمسلمين شيخ محمد حسن فاضل گلپایگانی ۳۵۳
- ۲۵۵ - آقا شيخ محمد حسن گلپایگانی ۱۷۶
- ۲۵۶ - محمد حسن بن محمد اسماعیل گوگدی ۱۷۷
- ۲۵۷ - ملا محمد حسن ۱۷۷
- ۲۵۸ - حجة الاسلام والمسلمين شيخ محمد حسين عالمی ۳۵۵
- ۲۵۹ و ۲۶۰ - حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ محمد حسين عنایتی ۱۷۸
- ۲۶۱ - ملا محمد حسين دستجردیان ۱۸۸
- ۲۶۲ - آقا شيخ محمد حسين وحیدی گلپایگانی ۱۸۸
- ۲۶۳ - الشيخ الميرزا محمد حسين الكلپایگانی ۱۹۰
- ۲۶۴ - حجة الاسلام والمسلمين محمد حسين عبدالحمیدی گوگدی ۳۵۸
- ۲۶۵ - الميرزا محمد حسين بن المولى محمد المقدس الگلپایگانی ۱۹۱
- ۲۶۶ - الميرزا محمد حسين بن الميرزا مهدی (آقازاده) گلپایگانی (حجتی) ۱۹۱
- ۲۶۷ - محمد حسين گلپایگانی ۱۹۲
- ۲۶۸ - حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ محمد رضا عبدالحمیدی (ره) ۱۹۲

- ۲۶۹- سید محمد رضا موسوی (محمودی) گلپایگانی ۱۹۵
- ۲۷۰- ملا محمد رضا بن محمد حسین جابری ۱۹۷
- ۲۷۱- ملا محمد رضا گلپایگانی ۱۹۷
- ۲۷۲- میر محمد رضا گلپایگانی ۱۹۸
- ۲۷۳- حاج شیخ محمد رضا اعجازی ۳۶۰
- ۲۷۴- المیرزا محمد رضا ۱۹۹
- ۲۷۵- سید محمد رضا بطحایی ۳۶۱
- ۲۷۶- آقا شیخ محمد رضا گلپایگانی ۱۹۹
- ۲۷۷- محمد رضا گلپایگانی ۱۹۹
- ۲۷۸- محمد رضا بن محمد علی ۱۹۹
- ۲۷۹- محمد رضا بن زین العابدین ۲۰۰
- ۲۸۰- میرزا محمد رضا اسفرنجان گلپایگانی ۲۰۰
- ۲۸۱- محمد رضا بن علی شریف گوگدی گلپایگانی ۲۰۰
- ۲۸۲- حاج شیخ محمد رضا نکونام ۳۶۲
- ملا محمد زمان گوگدی ۳۷۰
- ۲۸۳- حجة الاسلام والمسلمین آقا شیخ محمد صادق وحیدی ۳۷۰
- ۲۸۴- آقا سید محمد صادق گلپایگانی ۲۰۱
- ۲۸۵- ملا محمد صادق مد هوش گلپایگانی ۲۰۳
- ۲۸۶- آية الله شیخ محمد صادق علامه گلپایگانی ۲۰۴
- ۲۸۷- محمد صالح الجرفادقانی بن حاج سلمان ۲۰۸
- ۲۸۸- محمد صالح جرفادقانی ۲۰۹
- ۲۸۹- ملا محمد علی ۲۰۹

فهرست مطالب ۴۱۳

۲۹۰ - ملا محمد علی بن ملا محمد صادق ۲۰۹

۲۹۱ - محمد علی طائف گلپایگانی ۲۱۰

۲۹۲ - ملا محمد علی امامی ۲۱۱

۲۹۳ - محمد علی بن محمد صادق بن الحسن الموسوی ۲۱۱

۲۹۴ - حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد علی منتظری گلپایگانی (ره) ۲۱۲

۲۹۵ - محمد علی الکلبایگانی الاصفهانی النجفی ۲۱۷

۲۹۶ - حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد علی بصیری گلپایگانی ۳۷۴

۲۹۷ - ملا محمد علی اشراقی ۲۱۷

۲۹۸ - حجة الاسلام آية الله آقا سید محمد علی گلپایگانی ۲۱۸

۲۹۹ - سید محمد علی بن حسین موسوی گلپایگانی ۲۱۸

۳۰۰ - حجة الاسلام والمسلمین محمد علی نکونام ۳۷۷

۳۰۱ - حجة الاسلام والمسلمین محمد عالمی ۳۷۹

۳۰۲ - حاج میرزا محمد علی ۲۱۸

۳۰۳ - حاج شیخ محمد کاظم مشایخی ۲۱۹

۳۰۴ - آقا میر محمد کاظم گلپایگانی ۲۲۱ و ۳۹۴

۳۰۵ - محمد کاظم بن محمد حسن کاتب گلپایگانی ۲۲۴

۳۰۶ - محمد کاظم بن محمد صادق گلپایگانی ۲۲۴

۳۰۷ - ملا محمد کریم ۲۲۵

۳۰۸ - محمد مؤمن جرفادقانی ۲۲۶

۳۰۹ - ملا محمد مهدی شاه حیدری ۲۲۶

۳۱۰ - ملا محمد مهدی توسلی ۲۲۷

۳۱۱ - المولی محمد مهدی (پدر آية الله فرید) ۲۲۷

۴۱۴ دانشمندان گلپایگان

- ۲۲۷ حاج میرزا محمد مهدی قاضی زاهدی
- ۲۲۸ ۳۱۲- مولانا محمد نصیر الکلبایگانی
- ۲۳۰ ۳۱۳- میرزا محمد هادی
- ۲۳۰ ۳۱۴- محمد یونس الکلبایگانی
- ۲۳۰ ۳۱۵- آقا شیخ محمود نخعی
- ۲۳۱ ۳۱۶- عماد الدین محمود بن محمد گلپایگانی
- ۲۳۱ ۳۱۷- حجة الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی محمودی
- ۳۸۰ ۳۱۸- حجة الاسلام شیخ مرتضی قاضی زاهدی
- ۳۸۰ ۳۱۹- حاج آقا مرتضی حائری فرزند سید محمد حائری
- ۲۳۹ ۳۲۰- دکتر مصطفی حبیبی گلپایگانی
- ۲۴۰ ۳۲۱- حاج آقا منیر الدین احمدی
- ۲۴۰ ۳۲۲- الحاج میرزا مهدی الخوانساری گلپایگانی
- ۲۴۰ ۳۲۳- المولی مهدی گلپایگانی
- ۳۸۲ ۳۲۴- حجة الاسلام والمسلمین سید مهدی محمودی
- ۲۴۱ ۳۲۵- حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی گلپایگانی
- ۲۴۱ ۳۲۶- آقا میرزا مهدی معروف به آقا زاده
- ۳۸۵ ۳۲۷- سید مهدی حسینی گلپایگانی
- ۲۴۲ ۳۲۸- مهدی جرفادقانی (سده ۱۱ و ۱۲)
- ۲۴۳ ۳۲۹- میرزا مهدی شعله گلپایگانی
- ۲۴۳ ۳۳۰- مهر علی الجرفادقانی
- ۲۴۴ ۳۳۱- ناصح بن ظفر گلپایگانی
- ۲۴۵ ۳۳۲- نجیب الدین گلپایگانی

فهرست مطالب ۴۱۵

۳۳۳ - حجة الاسلام والمسلمين نصرت الله جمالي ۳۸۵

۳۳۴ - حجة الاسلام والمسلمين شيخ نصرت الله موحدی ۳۸۷

۳۳۵ - ميرزا نعيما (نعيما) شیرازی ۲۴۶

۳۳۶ - آقا نور الدين امام جمعه ۲۴۶

۳۳۷ - حاج شيخ نور الله قاضي زاهدي ۲۴۷

۳۳۸ - حجة الاسلام والمسلمين سيد هاشم بطحايی ۳۸۹

الميرزا هداية الله بن السيد العلامة الميرزا عباس الموسوي (مكرر شماره ۱۷) ۲۴۹

۳۳۹ - الميرزا هداية الله گلپایگانی ۲۴۷

ميرزا هداية الله وحيد گلپایگانی (مكرر شماره ۳۰) ۲۴۷

۳۴۰ - يحيى الجرفادقاني ۲۴۹

۳۴۰-۳۴۵ - ابن مأكولا ۲۵۰

ابن ماکولا ۲۵۶

آل ماکولا ۲۵۹

ابن ماکولا ۲۶۷

برخی از آثار آقای استادی

تالیفات:

- ۱- ده رساله چاپ انتشارات جامعه مدرسین
- ۲- بیست مقاله چاپ انتشارات جامعه مدرسین
- ۳- سی مقاله چاپ انتشارات جامعه مدرسین
- ۴- چهل مقاله چاپ انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی
- ۵- آشنایی با تفاسیر و مفسران چاپ انتشارات مؤسسه در راه حق
- ۶- مقدمه ای بر ملل و نحل چاپ انتشارات جامعه مدرسین
- ۷- شرح حال آیه الله العظمی اراکی چاپ اداره ارشاد اراک
- ۸- اصول دین برای همه چاپ انتشارات دار الفکر
- ۹- امامت چاپ انتشارات مؤسسه در راه حق
- ۱۰- بررسی لغت نامه دهخدا چاپ قم

تحقیق و تصحیح:

- ۱- چهارده رساله عربی چاپ انتشارات جامعه مدرسین
- ۲- شانزده رساله فارسی چاپ بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد
- ۳- نه رساله محقق حلی چاپ انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی
- ۴- چهارده رساله فارسی از آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی چاپ قم
- ۵- چند رساله از شیخ طوسی چاپ انتشارات جامعه مدرسین
- ۶- کافی ابوالصلاح حلبی چاپ قم
- ۷- تقریب المعارف ابوالصلاح حلبی چاپ انتشارات جامعه مدرسین
- ۸- المسلك محقق حلی (علم کلام) چاپ بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد
- ۹- نفس المهموم محدث قمی چاپ انتشارات بصیرتی
- ۱۰- منهج الرشاد ملا نعیمای طالقانی (معاد) چاپ بنیاد پژوهشهای اسلامی مشهد